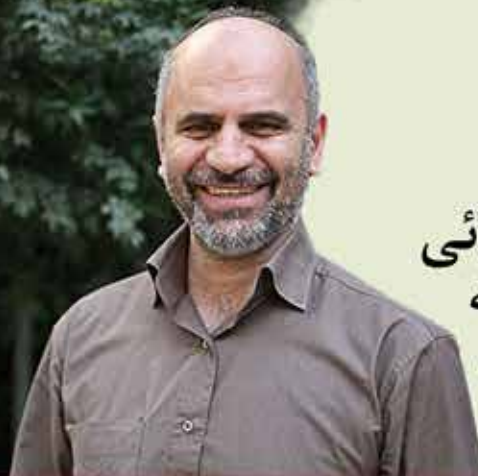


ماهنامه اقتصادی شمال غرب

کارایی

سال هفتم . دوره جدید
شماره ۱۲ . تیر ۱۳۹۴
۶۸ صفحه . قیمت ۵۰۰۰ تومان



نهادگرایی و توسعه

در گفتگوی اختصاصی
ماهنامه کارایی با
دکتر فرشاد مومنی

سلام بر تو که سین سلام بر تو رسید

سلام دولت به برترین های منطقه شمال غرب



دبیرستان و هنرستان غیر دولتی نور

بورسیه تحصیل رایگان
دانش آموزان ممتاز

دوم: ریاضی و فیزیک | علوم تجربی | کامپیوتر

هفتم، هشتم، نهم

دانش آموزان امروز
مدیران فردا

Nour Highschool

نور

با حمایت:

ولیعصر، خیابان پروین اعتصامی ۲۰ متری
صفا، جنب سازمان مدیریت صنعتی
دبیرستان و هنرستان غیر دولتی نور
برای اطلاع از شرایط اعطای بورسیه تحصیلی به دانش آموزان ممتاز پسر
با شماره های ۰۵۵۵۰۳۳۳ - ۰۹۱۴۳۱۸۷۱۵۰ تماس حاصل فرمایید.

سازمان مدیریت صنعتی
نماینده گمی آذربایجان شرقی

MBA
یکساله

سریعترین راه برای آشنایی
با اصول و قواعد مدیریت
در دنیای در حال تغییر



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده گمی آذربایجان شرقی

۰۰۶۳۳۳۳۳۳۳

www.imiazar.ir

برای عموم



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده‌گی آذربایجان شرقی

سمینار:

مشتری مداری و چگونگی برخورد با مشتری (همراه با فیلم و پرسشنامه)

سخنران: دکتر فرشید موقر مقدم



- مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه، دکترای بازرگانی گرایش بازاریابی
- رئیس اداره کارآفرینی و فرصت های شغلی معاونت دانشجویی دانشگاه آزاد
- مدیر بازرگانی در شرکت TSD (وابسته به دانشگاه تهران)
- عضو هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ژیک طب ایرانیان
- سردبیر و صاحب امتیاز مجله INTERNATIONAL JOURNAL OF BUSINESS AND MARKETING

محتوای سمینار:

- اصول بازاریابی مربوط به مشتری مداری
- شناخت اولین قدم در مشتری مداری
- اهمیت مشتریان و مشتری مداری
- شناخت انواع مشتریان
- چگونگی برخورد با انواع مشتریان از قبیل خشمگین و غیره
- نمایش فیلم های مربوطه
- عوامل موفقیت در سازمان های مشتری مدار و مقایسه شرکتهای مشتری مدار و معمولی
- مشخصات کارمندان مشتری مدار
- تست بررسی میزان مشتری مداری سازمان و کارکنان
- راه های تقویت مشتری مداری
- بررسی خواسته های مشتریان
- ویژگی های مدیران و کارکنان مشتری مدار
- اصول طلایی مشتری مداری همراه با فیلم و پرسشنامه
- اصول نقره ای مشتری مداری

مخاطبان کارگاه:

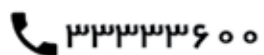
- با توجه به اینکه تمامی پرسنل شرکت در ایجاد رضایت مشتریان نقش دارند این دوره برای کلیه افراد شرکت و مخصوصا کسانی که با مشتریان در ارتباط هستند از قبیل مدیرعامل، مدیر فروش، مدیر بازرگانی، کارمندان واحد فروش و خدمات پس از فروش، کارکنان انبار و مدیر انبار، واحد تحویل کالا و حتی نگهبان شرکت لازم است.

هزینه ثبت نام:

- ۱,۳۰۰,۰۰۰ ریال (شامل گواهینامه دو زبانه، جزوات آموزشی، پذیرایی میان وعده و...)

تاریخ برگزاری:

- روز چهارشنبه، ۷ مرداد ماه ۱۳۹۴



۰۰۶۳۳۳۳۳۳۳

www.imiazar.ir

نحوه ثبت نام:



پس از واریز شهریه به حساب جاری ۹۷۱۷/۱۴ نزد بانک سپه شعبه ۲۹ بهمن تبریز بنام سازمان مدیریت صنعتی تام آذربایجان، فیش واریزی را با درج مشخصات شرکت کننده به شماره فاکس ۰۴۱-۳۳۳۳۴۶۶۵۰ ارسال نمایید و یا به صورت حضوری به مسئول سمینار سرکار خانم خالقی ارائه نمایید. جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانید با شماره تلفن های ۰۴۱-۳۳۳۳۷۹۹۵۴-۹ تماس حاصل فرمایید.



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده‌گی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

دوره مدیریت فنی دفاعات خدمات سیاحتی و جهانگردی (بند ب)

با گواهینامه معتبر از اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

محتوای دوره ها:

شناخت صنعت جهانگردی

بازاریابی جهانگردی

عملیات تور

زبان انگلیسی تخصصی

آشنایی با قوانین صدور بلیط

آشنایی با میراث فرهنگی

اصول آداب معاشرت و الگوهای رفتاری

تسهیلات سفر

کارآموزی در دفاتر خدمات سیاحتی و جهانگردی

- برخورداری از اساتید مجرب در صنعت گردشگری
- محیط آموزشی مناسب و مجهز به لابراتور
- کادر آموزشی مجرب

آدرس: آبرسان- جنب هتل تبریز - کوی پناهی - دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

تلفن: ۰۴۱-۳۳۳۳۷۹۹۵۴-۵۹

فکس: ۰۴۱-۳۳۳۳۴۶۶۵۰

www.imiazar.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۶	رویدادهای مهم اقتصادی آذربایجان
۱۱	گزارش همایش سومین دوره طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه آذربایجان (ایران تک)
۱۲	سخنرانی دکتر اسماعیل جبارزاده
۱۳	سخنرانی دکتر رجب‌بیگی
۱۵	سخنرانی دکتر علی‌رضامنادی
۱۷	مصاحبه با سرکنسول ترکیه و جمهوری آذربایجان
۱۸	گزارش پینل همایش ایران تک
۱۹	توسعه
۲۴	گفتگوی اختصاصی با دکتر سلماسی زاده
۲۵	دولت توسعه گرا شرط لازم توسعه
۳۰	سخنرانی منتشر نشده دکتر محسن زنائی
۳۲	گفتگوی اختصاصی با دکتر فرشاد مومنی
۳۷	راه رسیدن به توسعه
۳۹	میرگرد
۴۰	الحاق ارمنستان به اتحادیه گمرکی اوراسیا
۴۴	تهدیدیدیا فرصت؟
۴۵	گفت و گوی اختصاصی با ولی کوزه گر کالجی
۴۶	گفت و گوی اختصاصی با هامایاک آوادیس یانس
۴۸	گزارش سفر هیات اقتصادی ارمنی به منطقه آزاد ارس
۵۰	بیمه‌رازی
۵۲	شرکت تولید در معتقد
۵۴	شرکت عمران و توسعه آذربایجان
۵۶	صنایع چینی بهداشتی ارس
۵۸	

گزیده بیانات مقام معظم رهبری



وقتی یک مسئولیتی به ما می‌دهند، عرصه‌ی آن مسئولیت، عرصه‌ی وظیفه‌ی اساسی ما است و باید برویم دنبال کنیم لکن قبل از آن و همراه با آن و در نهایت آن، آنچه برای ما باید مهم باشد و در مدنظر ما قرار بگیرد، این است که ما چه کار کنیم که به وظیفه‌ی الهی خودمان عمل کرده باشیم؛ تعبد ما، اخلاص ما، عمل ما، عمل صالح ما تأمین شده باشد. این، آن وظیفه‌ای است که مسئولین، خیلی باید به آن توجه کنند.



توسعه

۲۴



الحاق ارمنستان به اتحادیه گمرکی اوراسیا

۴۴

سرمقاله

کدام عامل و ماده ای است که می تواند نیروی کار را بر صفر ضرب کند و کاملاً فلج سازد؟ شاید قبل از هر چیزی در پاسخ این سوال ، مواد مخدر به ذهن بیاید . درست است که مواد مخدر همیشه ذهن و جسم را به افول برده و از کار انداخته است و در سده های اخیر نیز در سطح وسیعی در جهت اهداف استعماری به کار گرفته شده است ، اما گاهی ، باور ها و طرز تفکر ها ، تخریبی تر از هر مخدری عمل می کنند . مجموعه ی باور های هر جامعه که از آن به عنوان فرهنگ نام می بریم ، در عین حال که می تواند قدرت محرک و نیروی شتاب دهنده ی عوامل اقتصادی باشد، این خاصیت را نیز دارد که، نه تنها نیروی کار را دچار رخوت کرده و توان هرگونه تلاش را از فرد فرد جامعه بگیرد ، بلکه کار و را حتی به عنوان ضد ارزش و ایراد شخصیتی تثبیت می کند و چون این باور ها در طول سال ها و بلکه قرن ها در اذهان و افکار رسوب می کنند و ماندگار می شوند، چندین نسل را عملاً از رده ی فعالیت های مولد خارج کند . خوشبختانه فرهنگ اسلامی ما دارای عناصر بسیار قوی در ایجاد جنبش و تحرک و سازندگی است ولی در عین حال مواردی در افکار و اندیشه ها وجود دارد که یقیناً عناصر وارداتی و تزریقی و بیگانه برای از بین بردن نیروی بالنده و قدرت کار و تلاش در جامعه است .

اعتقاد به جبر و بخت و دولت و اقبال و شانس و اختر و طالع و شبیه سازی همه ی این مفاهیم خرافی به قضا و قدر که گاه به شکل افکار عامیانه و گاه حتی به شکل اندیشه های علمی و دانشگاهی و روشنفکری جلوه داده می شود، از جمله مواردی هستند که منجر به تنبلی اجتماعی و رکود و کسلی اقتصادی می شوند. کسانی که به مطالعه در مفاهیم علمی و فلسفی بخت و اقبال و شانس علاقه مند باشند، می توانند به آثار علامه ی شهید مرتضی مطهری و علامه محمد حسین طباطبایی و آیت الله جوادی آملی مراجعه کنند که به صورت مستدل و قاطع، این موضوعات را خرافی و بی مبنا و غیر علمی می دانند. اما در اینجا، منظور ما بیشتر ، اشاره به تاثیر فرهنگ و باور ها در کار و اقتصاد است. بدون تردید اگر کودک و جوان ما با آموزه ی «برو کار می کن مگو چیست کار، که سرمایه ی جاودانی است کار» بزرگ شده باشد، کار و تولید، تحرک خواهد گرفت و این همه تعطیلی و خانه نشینی عمومی نخواهیم داشت.

در فرهنگ و فولکلور ما مردم آذربایجان ، بین کودکی که با دعای به ظاهر دلسوزانه

ی مادر، سنی گوروم ایشلمیسن بیه سن با کودک یا جوانی که دعای مادرش را به این صورت می شنود که : سنی گوروم ایش یورقونی اولاسان تفاوت اساسی از حیث انگیزه ی کار و تلاش وجود خواهد داشت. جمله ی نخست ، کار نکردن را در روح فرزند حک می کند و جمله ی دوم، کار کردن را . با یا نان داد ، در ظاهر فقط یک جمله است ، اما مفهوم ضمنی آن برای کودک ، انتظار نان آوری از پدر است. همین یک جمله ها، به مرور و تکرار ، و شاکله ی فرد و جامعه را می سازند . و این شاکله، که اینجانب معادل « فرهنگ» را برای آن مناسب می دانم، به تدریج، تبدیل به شخصیت ویژه و مذهب عملی مردم می شود ، و مردم ، همانگونه رفتار و عمل می کنند ، که در باور هایشان رسوخ و رسوب کرده است .

گاهی نیز ، از یک عبارت و باور درست ، تفسیر نادرستی می شود و آن تفسیر و تعبیر نادرست در اذهان می نشیند . اینکه « دنیا دو روز است » ، و عمر انسان هر قدر هم که طولانی باشد، محدود و موقت است، حقیقت است . اما از این حقیقت ، دو گونه برداشت و دو نحوه تفسیر شده است . برداشت سازنده اینکه ، حال که عمر کوتاه و فرصت کم است، فرد باید بیشترین تلاش را انجام دهد تا بهترین منافع را از این فرصت کوتاه به نفع دنیا و آخرت خود برداشت کند. اما تفسیر مخرب و منفی بدینگونه که : حال که فرصت کم است و عمر کوتاه، چرا وقت را به زحمت و کار و تلاش بگذرانیم .

این باور ها هر قدر از سنین کودکی در فکر و حافظه ی ناخود آگاه انسان ها نفوذ کنند و ریشه بوندان ، تاثیر مثبت و یا تخریبی بیشتری دارند همچنین منابع اصیل اسلامی و پیشتاز همه قرآن کریم ، همه را به سعی و تلاش و گریز از تنبلی و راحت طلبی دعوت کرده و رمز توسعه ی تمدن مسلمانان در دوره های مختلف نیز همین اندیشه بوده است. کسی که سرمشق زندگی اش آیه ی « لیس للانسان الاماسعی » باشد ، و آنگاه ، جامعه ای مولد خواهیم داشت.

غلامعلی حیدر نیافتخ آباد

محمد سهرابی، ندا فرشایف، وحیدعبدی، سمیرا ابراهیمی، رقیه علیپور، ندا سلیمانی
 با سپاس از همکاری: علی اکبر افتخار، علی نیک رزم، سونیا خامنه
 دفتر مرکزی: تبریز، خیابان سعدی، کدپستی ۵۳۸۳۹-۰۱۷۳۹۹
 دفتر نشریه: تبریز، ولیعصر، خیابان نظامی، خیابان قطران، کوچه شبنم، روبروی درب مجتمع ورزشی برق، پلاک ۵
 تلفن: ۰۴۱-۳۳۲۹۷۳۷۷-۰۴۱
 پست الکترونیک: karaeemag.az@gmail.com

۱- کارایی آمادگی دارد تا پذیرای نقطه نظرات همه صاحب نظران باشد.
 ۲- مطالب منتشر شده لزوماً بیانگر دیدگاه های این نشریه نمی باشد.
 ۳- کارایی در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی با نظر صاحبان اثر آزاد است.

ماننامه کارایی. سال هفتم. دوره جدید. شماره ۱۲. تیر ۱۳۹۴

 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: توفیق رسولی مجارشین
 سر دبیر: محمد حسن خیرآور
 دبیر تحریریه: الناز علیزاده اشرفی
 دبیر اجرایی: آراز ادوای
 شورای سیاستگذاری: دکتر محمدباقر بهشتی، غلامعلی حیدر نیافتخ آبادی، حمیده علیزاده اشرفی، احد عابدینی بیرنگ
 تحریریه: دکتر مجید یاقرزاده خواجه، دکتر علیرضا بافنده زنده، دکتر صمد عالی، دکتر فرزاد ستاری اردبیلی، دکتر اسماعیل مردانی گیوی، محسن افسر قره باغ، حسام الدین قندهاری، جواد جهانگیر، امیرکریم زاد شریفی، یوسف حاجوی همکاران این شماره: شهروز تهامی نسب، صادق پورصادق، مختارخوش پیمان،

راه اندازی خط تولید سمند در آذربایجان شرقی

رئیس کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی از راه اندازی خط تولید خودرو سمند در آذربایجان شرقی خبر داد.

رضا رحمانی در جلسه شورای اداری شهرستان اسکو اظهار داشت: با انجام اقدامات لازم زمینه‌های راه اندازی خط تولید خودرو سمند در شرکت ایران خودرو در آینده‌ای نزدیک فراهم شده است.

نماینده‌ی مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: با راه اندازی خط تولید این خودرو علاوه بر اشتغال‌زایی برای کارجویان منطقه، شهرک قطعه‌سازی نیز در این شهرستان فعال و از رهگذر آن رونق اقتصادی و توسعه‌ی منطقه محقق خواهد شد.

حیدر صادقی فرماندار شهرستان اسکو نیز در این جلسه نبود تجهیزات دریافت شبکه‌های دیجیتالی صدا و سیما و مراکز فناوری محصولات تولیدی و بسته بندی مواد غذایی، ناتمام ماندن شبکه فاضلاب در اسکو، سه‌پند و ایلخچی، عدم پوشش تلفن همراه در اکثر راه‌های روستاهای بخش مرکزی و روستاهای گردشگری و نیاز به ترمیم و چهار بانده شدن جاده‌ی کندوان را از مهمترین موضوعات و مشکلات این شهرستان برشمرد.



تشکیل میزهای صادراتی در اتاق بازرگانی تبریز

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی آذربایجان شرقی از تشکیل میزهای تخصصی صادراتی کشورهای عراق، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان و روسیه با همکاری استانداری آذربایجان شرقی و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز خبر داد.

داود بهبودی، با اشاره به اهمیت تشکیل میزهای صادراتی و نقش آنها در توسعه‌ی تجارت خارجی، اظهار داشت: با استقرار کامل این میزها در اتاق بازرگانی و ایجاد تعامل بین آنها و بخش خصوصی و دولت، شاهد رونق تجارت خارجی در استان خواهیم بود.

وی افزود: دبیران میزهای صادراتی با ایجاد پایگاه اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی، و با مشارکت همه گروه‌های دخیل در تجارت خارجی، در ارابه تسهیلات مناسب به بخش خصوصی، به دولت کمک کنند.

بهبودی با تأکید بر این که دولت بسترساز فعالیت بخش خصوصی است، گفت: بخش خصوصی باید در حوزه‌ی صادرات، نقش محوری ایفا کند و دولت نیز به عنوان بسترساز و تسهیل‌گر عمل خواهد کرد.

وی افزود: مهم‌ترین ویژگی میزهای تخصصی تجاری اثربخش بودن آنها در حوزه‌ی تجارت خارجی است و در واقع این میزها حلقه‌ی ارتباطی دولت و بخش خصوصی خواهند بود.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی بر افزایش تعامل بین دولت و بخش خصوصی در این حوزه تأکید کرد و گفت: تجارت خارجی نباید تنها محدود به بخش‌های خاصی شود و باید از ظرفیت همه بخش‌ها استفاده کنیم.



رئیس مجلس شورای اسلامی در تبریز تأکید کرد:

لزوم واگذاری پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی به بخش خصوصی

رئیس مجلس شورای اسلامی بر لزوم مردمی شدن اقتصاد در کشور تأکید کرد و گفت: اقتصاد مقاومتی تنها کلید توسعه کشور است. علی لاریجانی در سفر به تبریز در جلسه‌ی مشترک با امام جمعه، استاندار و نمایندگان استان آذربایجان شرقی با اشاره به اهمیت مقوله‌ی اقتصاد مقاومتی در کشور، اظهار داشت: در شرایط کنونی مردمی شدن اقتصاد، کلید توسعه‌ی کشور است که این موضوع بارها مورد تأکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.

وی ادامه داد: در شرایط کنونی که حجم بسیاری از پروژه‌های نیمه‌تمام در کشور وجود دارد، باید برنامه‌ریزی مناسبی برای واگذاری این پروژه‌ها به بخش خصوصی صورت بگیرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: از طرفی دیگر در بودجه سال ۹۴ اعتباراتی با اذن رهبر معظم انقلاب از صندوق توسعه ملی برای اجرای پروژه‌های آبرسانی روستایی در نظر گرفته شده که این موضوع باید در استان‌ها هر چه سریع‌تر اجرایی شود.



فرماندار تبریز:

دچار بحران کمبود منابع مالی هستیم

رحیم شهرتی فر گفت: ما دچار بحران کمبود منابع مالی هستیم و هزینه‌های جاری آنقدر زیاد شده است که چیزی برای هزینه کردن در بخش عمرانی باقی نمی‌ماند.

«رحیم شهرتی فر» در جلسه‌ی برنامه‌ریزی شهرستان تبریز با اعلام اینکه کل بودجه‌ی عمرانی شهرستان تبریز ۴۱ میلیارد تومان است، گفت: ما دچار بحران کمبود منابع مالی هستیم و هزینه‌های جاری آنقدر زیاد شده است که چیزی برای هزینه کردن در بخش عمرانی باقی نمی‌ماند.

فرماندار تبریز با اشاره به کاهش شدید قیمت نفت، گفت: کاهش قیمت نفت موجب کاهش درآمد دولت و ایجاد مشکلات برای منابع بودجه شده است. من تعجب می‌کنم زمانی که سیل دلارهای نفتی به کشور سرازیر می‌شود، چرا باز هم مشکلات عدیده‌ی زیر ساختی و صدها طرح ناتمام از گذشته باقی مانده است.

شهرتی فر به ضرورت اولویت بندی در تخصیص منابع مالی برای طرح‌های ناتمام تأکید کرد و گفت: بدون توجه به اولویت بندی‌ها نخواهیم توانست مدیریت خوبی برای تخصیص بودجه و حل مشکلات مردم داشته باشیم.

فرماندار تبریز با ذکر اینکه دولت ضعیف، نظام را هم ضعیف می‌کند، گفت: مشکلات در سطح کشور زیاد است و دولت با قدرت عزم خود را برای پیش بردن کارهای اولویت دار جزم کرده است؛ ما با نظم و مدیریت بهینه‌ی منابع هر چند کم، مشکلات را کاهش خواهیم داد.



اختصاص اعتبار ۴۰ میلیارد تومانی به متروی تبریز از سوی دولت

شهردار تبریز از اختصاص ۵۱۷ میلیون دلاری فاینانس برای قطار شهری تبریز خبر داد و گفت: هیئت دولت با اختصاص ۴۰ میلیارد تومان برای خرید دوام سهم دولت برای قطار شهری تبریز موافقت کرده است.

صادق نجفی با بیان اینکه توجه ویژهی رئیس‌جمهور و هیئت‌دولت به زیرساخت‌های توسعه شهری تبریز در جریان سفر استانی دولت به این شهر کم‌نظیر بود، اظهار داشت: بر این اساس، مصوباتی که در جریان این سفر، به تصویب رسید و ابلاغ شد، به طور حتم در رفع نیازها و تقویت زیرساخت‌های کلان شهر تبریز، تاثیرگذار خواهد بود.

وی با اشاره به مصوبات و موارد مطرح‌شده در جریان هفدهمین سفر استانی رئیس‌جمهور گفت: با تصمیم هیئت‌دولت، ۵۱۷ میلیون دلار فاینانس برای تزریق به خط دوم قطار شهری تبریز تصویب و ابلاغ شده است که این امر به طور حتم در تجهیز و تامین بخشی از خط دوم کارساز خواهد بود و به این ترتیب عملیات اجرایی خط دوم شتاب گرفته و حتی سریع‌تر از خط یک پیگیری خواهد شد.

نجفی با اشاره به اینکه ابلاغ ۵۰۰ میلیارد تومان اوراق مشارکت از دیگر دستاوردهای سفر هیئت دولت به استان آذربایجان شرقی است، افزود: علاوه بر این، طبق توافق صورت‌گرفته با تخصیص ۱۳۰ میلیارد تومان در سال جاری و ۱۲۰ میلیارد تومان در سال آینده، و به طور جمع ۲۵۰ میلیارد تومان به پروژه‌ی قطار شهری تبریز موافقت شد.

شهردار تبریز ادامه داد: با توجه به اینکه در گذشته، آورده شهرداری از آورده دولت کمتر بود، با تزریق ۱٫۵ برابر این مبلغ از سوی شهرداری، تا پایان سال ۹۵ می‌توانیم شاهد پایان خط اول قطار شهری باشیم.

وی خاطرنشان کرد: مقرر شده است که ۴۰ میلیارد تومان اعتبار برای خرید دوام



سهم دولت، عملی شود.

نجفی با تاکید بر اینکه موارد تصویب شده به امضای شهرداری، استانداری و معاونان اجرایی و برنامه‌ریزی رئیس‌جمهور رسیده، اظهار داشت: گروهی از سوی شهرداری و استانداری برای پیگیری این مصوبات تعیین شده است.

افزایش ظرفیت تولید فولاد در آذربایجان شرقی به ۲۱ میلیون تن

حسین نجاتی در گفت و گویا جمعی از صنعتگران ظرفیت فعلی تولید فولاد در استان را سالانه شش میلیون تن عنوان کرد و افزود: طبق برنامه‌ی توسعه به این مقدار ظرفیت پانزده میلیون تن افزوده می‌شود.

وی ادامه داد: در حال حاضر ۲۰ واحد فعال فولادی با ظرفیت ۶ میلیون تن در سال، در حال تولید انواع محصولات فولادی اعم از میلگرد، نبشی، بیلت فولادی و غیره در استان هستند.

وی میزان اشتغال و سرمایه‌گذاری این تعداد واحد فولادی در استان را به ترتیب ۶ هزار نفر و هزار میلیارد تومان عنوان کرد.

نجاتی در ادامه اظهار داشت: در راستای تکمیل زنجیره‌ی تولید فولاد در استان، تعداد ۷۰ فقره جواز تاسیس و طرح توسعه‌ای صادر شده و پیش‌بینی‌ها نشان از افزایش ۱۵ میلیون تنی فولاد استان در ۵ سال آینده دارد.

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان شرقی گفت: این تعداد جواز با سرمایه‌گذاری ۲۰ هزار میلیارد ریال و پیش‌بینی اشتغالزایی ۸۰۰۰ هزار نفر صادر شده است.



رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان شرقی گفت: با عنایت به اهداف سند تدبیر و توسعه، و برنامه افزایش تولید تعیین شده، ظرفیت تولید فولاد در استان به ۲۱ میلیون تن در سال افزایش خواهد یافت.

سرکنسول ترکیه در تبریز:

ترکیه سرمایه‌گذاری‌های خود در آذربایجان شرقی را افزایش می‌دهد

سرکنسول جمهوری ترکیه در تبریز گفت: ترکیه می‌خواهد میزان سرمایه‌گذاری خود در ایران و بخصوص آذربایجان شرقی را افزایش دهد.

«گوون بگچ» در حاشیه‌ی سومین همایش معرفی شرکت‌های برتر منطقه‌ی آذربایجان گفت: بخش خصوصی ترکیه حضور فعالی در ایران دارد و تا کنون بیش از ۲ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کرده است.

وی با ذکر اینکه ۴۰۰ میلیون دلار از این سرمایه‌گذاری‌ها مربوط به آذربایجان شرقی است، گفت: ترکیه می‌خواهد میزان سرمایه‌گذاری خود در ایران و بخصوص در آذربایجان شرقی را افزایش دهد.

سرکنسول ترکیه در تبریز با اشاره به اشتراکات فرهنگی نزدیک ترکیه و آذربایجان شرقی، گفت: شرایط برای افزایش سرمایه‌گذاری دو طرفه فراهم‌تر شده است و به نظر من بخش خصوصی دو کشور باید در این زمینه فعال‌تر شوند.

او به موقعیت بی نظیر آذربایجان شرقی اشاره کرد و گفت: سهم آذربایجان شرقی از تجارت بین دو کشور باید بیشترین سهم باشد، چرا که آذربایجان شرقی استعدادهای کم‌نظیر و موقعیت جغرافیایی بی‌نظیری دارد.

سرکنسول ترکیه در تبریز نیز گفت: آذربایجان شرقی دنیای فرصت است و ترکیه قصد دارد میزان سرمایه‌گذاری‌های خود در این استان را افزایش دهد.

وی در پایان، طرح رتبه بندی شرکت‌های برتر را گامی مثبت برای ایجاد رونق اقتصادی دانست و گفت: چنین طرح‌هایی در ترکیه نیز به اجرا گذاشته می‌شود که در ایجاد فضای رقابت و آنالیز فضای کسب و کار بسیار مفید است.



بیکاری مهمترین معضل آذربایجان غربی

استاندار آذربایجان غربی از بیکاری به عنوان مهمترین معضل جوانان و به خصوص قشر تحصیل‌کرده یاد کرد.

قربانعلی سعادت با بیان اینکه هم‌اکنون بیش از ۱۱۸ هزار جوان تحصیلکرده و بیکار در سطح استان شناسایی شده‌اند اظهار داشت: در حال حاضر رفع مشکل بیکاری جوانان تحصیلکرده در اولویت برنامه‌های کاری قرار گرفته است. وی با تاکید بر حمایت استانداری آذربایجان غربی از توسعه‌ی زیرساخت‌های اشتغال عنوان کرد: در این راستا از دانشگاه فنی و حرفه‌ای که با ارائه‌ی آموزش‌های علمی و مهارتی زمینه‌ساز حضور جوانان در بازار کار شود حمایت جدی می‌شود.

سعادت توسعه‌ی مهارت و رشته‌های فنی و حرفه‌ای با هدف جذب جوانان به بازار کار را ضروری دانست و اظهار داشت: لازم است توسعه‌ی فعالیت‌ها و رشته‌های فنی و حرفه‌ای در استان متناسب با نیاز و ضرورت‌های بازار کار در آن باشد تا بتواند بخشی از مشکل بیکاری را برطرف کند.

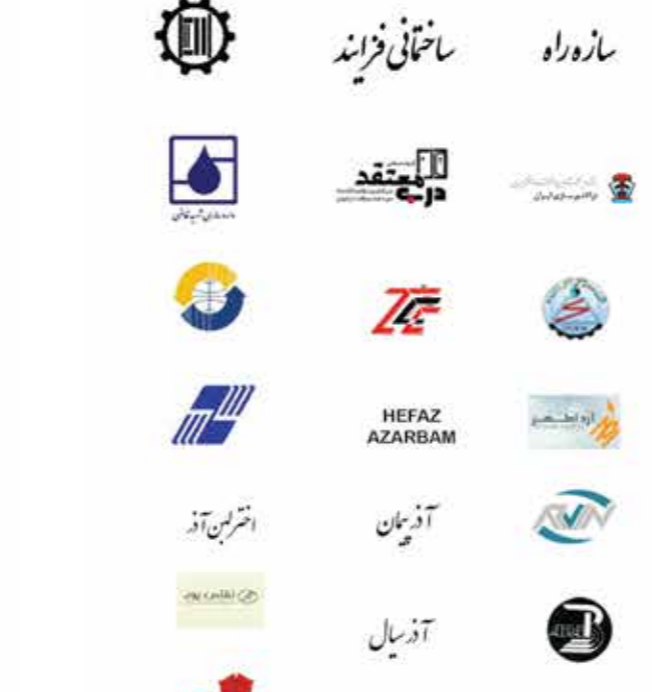
استاندار آذربایجان غربی در ادامه‌ی این دیدار با اشاره به مرزی مشترک استان آذربایجان غربی با سه کشور خارجی و استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه برای رفع مشکل اشتغال گفت: توسعه‌ی همکاری‌های مشترک در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای میان آذربایجان غربی و کشورهای همجوار می‌تواند مسئولان را در حل مشکل بیکاری یاری دهد.

سعادت ادامه داد: در این خصوص می‌توانیم زمینه‌ی جذب دانشجویان کشورهای همجوار که متقاضی تحصیل در این استان هستند را فراهم کنیم و جوانان استان خودمان را برای فعالیت و کار در بازار کار کشورهای همسایه، تربیت کنیم.



برترین شرکت های منطقه آذربایجان
Top Azerbaijan Companies
www.irantac.ir

برترین شرکت های منطقه آذربایجان
Top Azerbaijan Companies
www.irantac.ir





سخنرانی دکتر اسماعیل جبارزاده استاندار محترم آذربایجان شرقی
در سومین همایش معرفی برترین شرکت‌های منطقه آذربایجان (ایران تک)

رویگرد آینده پردازانه، ضرورت رسیدن به توسعه پایدار



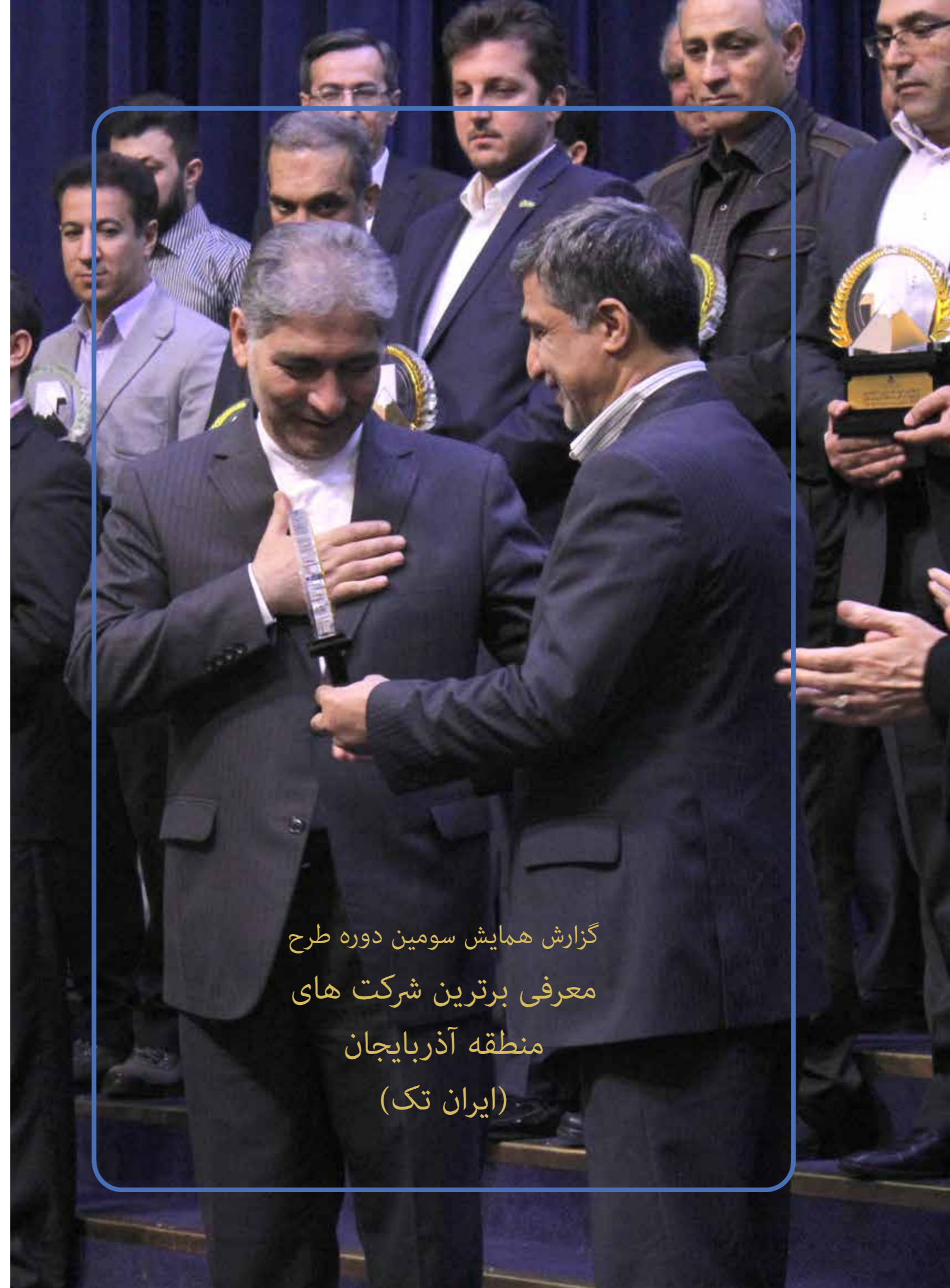
توسعه‌ی استان نیست بلکه در این سند؛ بیشتر آینده پژوهی و آینده‌سازی مورد نظر بوده است که لازمی تحقق چنین سندی داشتن سازمان‌های آینده‌پرداز، مدیریت‌های آینده‌پرداز، و حرکت به سمت نوآوری‌های آینده‌پرداز است. آنچه که امروز صنایع و بخش تولیدی ما در استان با آن مواجه است، به روز شدن صنایع و واحدهای تولیدی با تکنولوژی روز است. بخش عمده‌ای از صنایع ما در حال حاضر، با تکنولوژی‌های متعلق به دهه‌های چهل و پنجاه مشغول فعالیت هستند. طبیعی است نمی‌توان انتظار داشت که با چنین تکنولوژی قدیمی‌ای صنعت ما بتواند با رقبای داخلی و خارجی در سال ۲۰۱۵ به رقابت بپردازد. به همین جهت آنچه که امروز در این سند توسعه به دنبال آن هستیم، نگاه به آینده‌ی سازمان‌های مدیریتی و اجرایی کشور است. البته در این امر که گذشته قابل احترام است، تردیدی نیست اما ماندن در گذشته و ماندن در وضع موجود قطعاً نمی‌تواند باعث توسعه‌ی پایدار استان شود. برای تحقق این امر مدیریت‌ها را آموزش می‌دهیم و آنها را به آینده‌نگری تجهیز می‌کنیم و به دنبال ایده‌های آینده‌نگرانه هستیم. قطعاً در این نگاه، مدیریت کلان استان می‌تواند به عنوان موتور محرک عمل کند و در کنار آن مدیریت واحدهای تولیدی و اقتصادی باید این نگاه و این نگرش را در خود ایجاد و تقویت کنند. آنچه که امروز، به عنوان آنچه که یک اضطرار، چه در سازمان‌های دولتی و چه در واحدهای اقتصادی و تولیدی خصوصی مطرح است، رویکرد آینده‌پردازانه‌ای است که بتوان با استفاده از آن، وضعیت موجود را حفظ، مدیریت، و در جهت ارتقای آن حرکت کنیم و به سمت توسعه‌ی پایدار قدم برداریم. بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی، بایستی در موقعیتی که دولت مصمم به نتیجه‌گیری از مذاکرات هسته‌ای است، نسبت به دریافتن فرصت‌ها و تهدیدهای رفع تحریم‌ها هشیاری و آمادگی لازم را داشته باشند. یعنی با تقویت خود بتوانند توان رقابت خود با تولیدات خارجی را افزایش دهند و همینطور از فرصت به‌وجود آمده در افزایش تعاملات اقتصادی با جهان نیز بهره ببرند. با توجه به این موارد است که نوین‌سازی فناوری واحدهای تولیدی از ضروری‌ترین اقدامات محسوب می‌شود. برای حفظ وضعیت آینده‌ی تولید و اقتصاد استان، اجرای ایده‌ها و فن‌آوری‌های دانش بنیان نیز از جمله‌ی ضرورت‌هاست. در آذربایجان، سه هزار و هفتصد هیات علمی دانشگاهی، دویست و چهل هزار دانشجو که بیست هزار نفر از اینها دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دوره‌های PHD هستند حضور دارند و حضور این متخصصان پست‌دانشگاهی بسیار خوبی برای بحث ایده‌پردازی و ارائه‌ی

به نوبه‌ی خود مقدم تمامی میهمانان گرامی، اساتید بزرگوار، صاحبان صنایع، و تمام عزیزانی که امروز میهمان تبریز و آذربایجان شرقی هستند را گرامی می‌دارم و آرزوی توفیق برای یکایک میهمانان و حضار محترم دارم. وظیفه‌ی خودم می‌دانم که از برگزارکنندگان این مراسم در سازمان مدیریت صنعتی استان آذربایجان شرقی نیز تقدیر و تشکر کنم.

در طول یک سال گذشته در استانداری آذربایجان شرقی با همکاری اساتید اقتصاد دانشگاه تبریز و با حضور نمایندگان بخش خصوصی و مدیران اجرایی، در قالب یازده کارگروه، برنامه‌ی توسعه‌ای برای استان آذربایجان شرقی تدوین کردیم و بنای ما همکاری با همه‌ی دست‌اندرکاران استان، در بخش دولتی یا بخش خصوصی، صاحبان صنایع و هر آن کسی که دل در گرو توسعه‌ی آذربایجان دارد، بر اساس این برنامه بوده است که از اول سال ۹۴ اجرای آن شروع شده است. نام این سند را «سند تدبیر و توسعه‌ی استان آذربایجان شرقی» گذاشتیم که برای کل استان و همچنین بیست و یک شهرستان استان به طور جداگانه طراحی شده است.

آنچه که بین ما و صاحبان صنایع و مدیریت اجرایی استان و بخش خصوصی در تولید و تجارت و بازرگانی و تک‌تک دستگاه‌های اجرایی مبنای کار قرار گرفته این «سند تدبیر و توسعه‌ی استان آذربایجان شرقی» است. چشم‌انداز این سند عبارت است از توسعه‌ی پایدار برای کل استان در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست و دیگر بخش‌ها. چشم‌انداز این سند این است که استان را به جایگاهی برتر در کشور ارتقا دهد و رفاه اجتماعی را در استان به جایگاهی متناسب با شان آن برساند. به استناد این سند می‌خواهیم نقش حداکثری در توسعه‌ی ملی داشته باشیم، به خصوص در بخش‌های بهره‌وری، کارآفرینی و جذب استعدادها. در این سند توجه ویژه‌ای به بحث شرکت‌های دانش بنیان و نوآرور شده است و هدف از آن تولید محصولات و ارائه‌ی خدمات برتری است که در شان استان آذربایجان شرقی به عنوان استانی پیش‌تاز در صنعت، تجارت و تولید باشد. این محصولات و خدمات باید ضمن آن که در شان استان باشند در کلاس جهانی هم قابل عرضه باشند؛ چرا که دیدگاه ما به استان به عنوان استانی ویژه است که این جایگاه خاص را به جهت موقعیت جغرافیایی آذربایجان شرقی و اهمیت آن از جهت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همجواری با کشورهای همسایه، و پل ارتباطی کشور با اروپا قائل هستیم.

این چشم‌اندازی که خدمت عزیزان مطرح کردم فقط به عنوان طرح یک افق برای



گزارش همایش سومین دوره طرح
معرفی برترین شرکت‌های
منطقه آذربایجان
(ایران تک)

طرح‌های دانش بنیان خواهد بود.

مسأله‌ی دیگری که ما در سند توسعه‌ی استان به دنبال آن هستیم و از بخش تولید و فعالان اقتصادی تقاضا داریم، پیگیری بحث سرمایه‌گذاری مشترک با طرف‌های خارجی است. سرمایه‌گذاری و تولید مشترک با طرف‌های خارجی برای ما سرمایه و فن‌آوری می‌آورد و همین اقدام برای ما بازارهای جدیدی را تأمین می‌کند. اگر ما بازار نداشته باشیم، تولید اشتباه است. این که کالا تولید شود و در انبارها بماند هیچ فایده‌ای نخواهد داشت و واحدهای تولیدی ناموفق را برای ما بر جای خواهد گذاشت. سرمایه‌گذاری مشترک با خارجی‌ان گذشته از موارد مذکور می‌تواند برای ما مدیریت علمی واحدهای تولیدی را نیز در برداشته باشد.

اما دیگر مسأله‌ای که در «سند تدبیر و توسعه‌ی آذربایجان شرقی» بر آن تأکید شده است، تغییر در مقیاس واحدهای تولیدی استان است. در حال حاضر از تعداد ده‌هزار واحد صنعتی موجود در استان، اکثریت قریب به اتفاق آنها، واحدهای تولیدی کوچک هستند. بنگاه‌های کوچک اقتصادی در بحران‌های اقتصادی توان مقاومت ندارند، چرا که هزینه‌ی تمام شده‌ی تولیدشان بسیار بالاست و آنچه که ما در این سند به دنبال اجرای آن هستیم ایجاد واحدهای بزرگی است که هزینه‌ها در آنها کاهش پیدا کرده و قیمت تمام شده‌ی تولید پایین بیاید. چنین واحدهایی مسلماً ارتقای بهره‌وری را با خود خواهند داشت و کار و سرمایه و رقابت‌پذیری را به ارمغان خواهند آورد. تمامی اینها هم به صادرات منجر خواهد شد و معتقدیم که اگر یک واحد تولیدی صرفاً برای بازار داخلی طراحی شود قطعاً با مشکل مواجه خواهد شد. واحدهای تولیدی بزرگ می‌تواند برای ما اشتغال مناسبی ایجاد کند چرا که در حال حاضر اکثریت بنگاه‌های اقتصادی استان با کمتر از پنجاه نفر مشغول به کارند که این واحدها را بیشتر به عنوان کارگاه‌های تولیدی می‌توان نام نهاد.

هدف دیگری که در «سند تدبیر و توسعه‌ی آذربایجان شرقی» آمده است، ایجاد برند مشترک برای محصولات استان است. تبریز و آذربایجان کلماتی هستند که سابقه‌ی تاریخی ارزشمندی را پشت سر خودشان دارند. اگر ما بتوانیم برندهایی تحت عنوان آذربایجان و تبریز داشته باشیم، مطمئناً این برندها می‌توانند جایگاه بسیار خوبی را در فراتر از مرزهای کشور برای استان و تبریز ایجاد کنند. این دیدگاه، خلاصه‌ای از دیدگاه ما نسبت به بحث توسعه‌ی استان است. این دیدگاه را در قالب سند تدوین کرده ایم و از اول سال ۹۴ فرمانداران هر بیست و یک شهرستان استان یک نسخه از سند توسعه‌ی شهرستان خود را دارند و به ایشان گفته‌ایم که این سند به عنوان نقشه‌ی راه توسعه‌ی هر شهرستان است. ما کار را شروع کرده‌ایم و انتظارمان این است که بتوانیم این سند را در جلسات گوناگون برای عزیزان بازگو کنیم. متأسفانه ما هنوز نتوانسته‌ایم از طریق

مطبوعات و اصحاب رسانه این سند را به درستی به گوش صنعتگران و صاحبان صنایع استان برسانیم. لذا در همینجا از فرصت استفاده می‌کنیم و از رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان جناب آقای دکتر بهبودی و همکاران شان و از عزیزان مان در اتاق بازرگانی تقاضا دارم که با مشارکت این عزیزان و استانداری بتوانیم جلسات متعددی را در جهت تبیین این سند راهبردی تشکیل و اختصاص دهیم. اکنون در تمامی شهرستان‌ها هسته‌های توسعه مشخص است و هسته‌های کلیدی هر شهرستان در این سند مصوب شده است. ذیل هر هسته نیز پروژه‌های مربوط به آن مشخص شده است همچنین اقدامات مربوط به هر پروژه نیز معین شده است.

من بسیار خوشحالم که در جمع شما عزیزان اعلام کنم، رویکرد اصلی این سند کاملاً بر پایه‌ی نگاه به بخش خصوصی است. هفتاد درصد اهداف این سند وابسته به بخش خصوصی است و تنها بخش‌هایی که به طرح‌های زیربنایی مربوط می‌شود و بخش خصوصی امکان ورود به آنها را ندارد و یا برای بخش خصوصی توجیه اقتصادی ندارد به عهده‌ی دولت گذاشته شده است. یعنی هفتاد درصد هسته‌های کلیدی استان به دست شما فعالان اقتصادی بخش خصوصی قابل اجراست. این سندی است که یک سال پشتوانه‌ی علمی پشت آن قرار دارد. ما امروز معتقدیم که توسعه‌ی استان آذربایجان شرقی توسعه‌ی تریز نیست، توسعه‌ی پایدار استان آذربایجان شرقی توسعه‌ی شهرستان‌های کلیدی و خدآفرین است. توسعه‌ی پایدار استان آذربایجان شرقی توسعه‌ی تک‌تک شهرستان‌های ماست. برای یکایک این شهرستان‌ها هم در این سند هسته‌های توسعه به طور جداگانه تعریف شده است و ما حاصل آن، که دارای پشتوانه‌ی مطالعاتی بسیار بالایی هم است، در اختیار شما عزیزان قرار دارد. از همین فرصت استفاده می‌کنم تا از بخش غیردولتی، خصوصی، شبه خصوصی، بخش تعاونی و کلیه کسانی که منابع مالی در اختیار دارند، دعوت می‌کنیم تا براساس این سند و پروژه‌هایی که در هر شهرستان تعریف کرده‌ایم برای سرمایه‌گذاری اقدام کنند و انشاءالله با همت شما تولیدکنندگان و بزرگواران فعال در عرصه‌ی اقتصادی بتوانیم استان آذربایجان شرقی را به جایگاه و شان متناسب با آن برسانیم. مدیریت اجرایی استان با تمام توان تلاش خواهد کرد تا زمینه‌های حضور شما عزیزان را در جهت سرمایه‌گذاری در آذربایجان شرقی فراهم کند و امیدواریم که در کنار هم بتوانیم گام‌هایی استوار در جهت تحقق سند توسعه‌ی استان برداریم.

من باور دارم که در دولت تدبیر و امید استان آذربایجان شرقی روزهایی بسیار درخشان خواهد داشت، و این جایگاهی است که مردم استان نیز خواهان آن هستند و مدیریت اجرایی استان تمام تلاش خود را در جهت تحقق این جایگاه خواهد نمود.



سخنرانی دکتر رجب بیگی مدیر عامل سازمان مدیریت صنعتی در همایش ایران تک

شفاف سازی امور اقتصادی و مالی بنگاه‌ها و باز کردن عرصه رقابت برای همه از اهداف انتخاب برترین شرکت هاست



در سال گذشته که تراز سال ۹۲ مورد بررسی قرار گرفت، بیشترین میزان فروش را شرکتی با چهل هزار میلیارد تومان داشته است و کمترین میزان فروش در میان صد شرکت برتر هزار میلیارد تومان بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که بنگاه‌های بزرگی حجم بسیار بالایی از اقتصادی کشور را در اختیار دارند. اما نکته‌ی مهمی که در تحلیل نتایج شاخص فروش در شرکت‌های برتر سال ۹۲ که در سال ۹۳ معرفی شده‌اند وجود دارد، رشد ۴۷ درصدی فروش است.

حالا کاری که باید به انجام برسد استفاده از این آمار در تحلیل‌های اقتصادی کشور است که توسط اساتید بزرگوارى چون آقای دکتر مومنی صورت می‌پذیرد. در واقع این آمار می‌تواند موضوع کاوش و پژوهش‌هایی در تحلیل وضعیت کلی اقتصاد کشور قرار بگیرد. همچنان که در جهان وقتی که «Fortune 500» پانصد شرکت برتر جهان را معرفی می‌کند، بعد از آن تحلیل‌های بسیار زیادی بر روی شرکت‌های معرفی شده انجام می‌شود و از جهات مختلف پژوهش‌های متعددی صورت می‌گیرد. یکی از خلأهایی هم که اکنون احساس می‌شود، ارائه این تحلیل‌ها برای جوامع دانشگاهی کشورمان است تا از این طریق بتوانیم به تحلیل کلی اقتصاد کشور کمک کنیم. البته شرط این امر این است که شرکت‌های بیشتری وارد طرح شده و مورد تجزیه و تحلیل واقع شوند. البته طبیعی است که در میزان مشارکت شرکت‌ها پایتخت پیشرو بوده است و در مقایسه با سایر استان‌ها در سال ۹۳ استان آذربایجان شرقی در رتبه هفتم تعداد شرکت‌کنندگان بوده است. این میزان مشارکت شرکت‌های استان به نسبت سال ۹۲ که آذربایجان شرقی در رتبه‌ی چهارم بوده است در سال ۹۳ کاهش یافته است. به همین دلیل است که انتظار داریم میزان مشارکت شرکت‌ها در دوره‌ی آتی طرح IMI100، با توجه به تعداد شرکت‌های صنعتی و حجم عملیاتی و مالی این شرکت‌ها در استان آذربایجان شرقی، بعد از پایتخت، دومین یا نهایتاً سومین رتبه‌ی میزان مشارکت را شکل دهد.

طبیعی است که تحقق این امر مستلزم این است که آمار و اطلاعات و ترازنامه‌ها و صورت‌های مالی در اختیار سازمان مدیریت صنعتی قرار بگیرد تا با رعایت جنبه‌ی محرمانگی اطلاعات، شرکت‌ها مورد بررسی این سازمان قرار گرفته و نتایج به صورت رتبه‌بندی اعلام شود. اما این طرح ملی اگرچه یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های سازمان مدیریت صنعتی است اما در کنار آن سایر طرح‌های ملی نیز در سازمان مدیریت صنعتی در حال اجراست. از جمله‌ی این طرح‌ها می‌توان به طرح تعالی سازمانی، اشاره داشت که طی این طرح، شرکت‌ها از جنبه‌ی استقرار نظام مدیریت کیفیت مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرند. این کار تاکنون دوازده سال است که به انجام رسیده و شرکت‌های برتر در این زمینه در سطح تقدیرنامه، گواهینامه و تندیس بلورین

در ابتدا تشکر می‌کنم از حضور فعال و پربر بار صاحبان صنایع، صاحبان بنگاه‌های اقتصادی، مدیران عزیز و اساتید و صاحب‌نظران محترم که در این جمع حاضر شدند. سازمان مدیریت صنعتی با بیش از پنجاه سال قدمت با هدف توسعه‌ی ظرفیت مدیریت در کشور و مدیرپروری آغاز به کار کرد. در یک نگاه گذرا و جمع‌بندی کلی می‌توانیم چنین ارزیابی کنیم که این سازمان در مأموریت و رسالت خودش موفق بوده است. اگر بخواهیم شاخصی برای ارزیابی این مدعا ارائه دهیم، می‌توانیم بگوئیم که تقریباً تمامی مدیران موفق کشور، هم در سطح مرکز، هم در سطح منطقه و هم در استان به نوعی از دوره‌های آموزشی و آموزش‌ها و مشاوره‌های مدیریتی این سازمان برخوردار گشته‌اند. شاخص دیگر هم بقاء این سازمان در طول نیم قرن است، موضوعی که گواهی است بر موفقیت سازمان مدیریت صنعتی در انجام رسالت خود. در گذر این سال‌ها، سازمان‌های آموزشی بسیاری ظهور و بروز پیدا کرده‌اند که دوام و بقای زیادی نداشته‌اند.

اما یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که باعث اهمیت یافتن سازمان مدیریت صنعتی می‌شود، معرفی طرح‌های ملی فراوان در کشور است، طرح‌هایی که باعث ایجاد انگیزه و رقابت در بنگاه‌های اقتصادی می‌شود. طرح معرفی شرکت‌های برتر، یکی از این طرح‌هاست که به عنوان یک طرح ملی به اجرا درآمده است. تاکنون، هفده دوره از این طرح برگزار شده و امسال وارد هجدهمین دوره‌ی معرفی شرکت‌های برتر شده‌ایم، طرحی که ثبت نام در آن، هر سال پس از تیرماه آغاز می‌شود و معرفی شرکت‌ها، در اوایل بهمن ماه انجام می‌شود.

یکی از اهداف اصلی معرفی شرکت‌های برتر، شفاف‌سازی امور اقتصادی و مالی بنگاه‌هاست. این موضوع بدون تردید به رونق اقتصادی در کشور کمک می‌کند. این طرح، عرصه‌ی رقابت را برای همه‌ی رقبا باز می‌کند و باعث می‌شود که بنگاه‌ها دیدی درست از جایگاه‌شان در عرصه‌ی اقتصادی داشته باشند. طرح معرفی شرکت‌های برتر، هر ساله با بیست و هشت شاخص، بنگاه‌های اقتصادی را رتبه‌بندی کرده و شرکت‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهد. از این شاخص‌ها می‌توان به عنوان نمونه به شاخص‌هایی چون شاخص فروش، شاخص سودآوری، شاخص میزان صادرات، شاخص بازدهی فروش و شاخص میزان اشتغال‌زایی اشاره داشت. البته این کار در میان بنگاه‌های اقتصادی به گونه‌ای است که هر بنگاه در شاخه‌های گوناگونی چون شاخه‌ی صنایع غذایی یا نفت و پتروشیمی و ... می‌تواند خود را با رقبایش بسنجد. یعنی علاوه بر این که شرکت‌ها در حد پانصد شرکت کشور مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرند و جایگاه خود را در میان این شرکت‌ها ارزیابی می‌کنند، در گروه صنعتی خودشان هم می‌توانند وضعیت‌شان را مورد ارزیابی قرار دهند.

و سیمین وزین معرفی شده‌اند. اما در توضیح مزایای این طرح می‌توان گفت که با اجرای این طرح، شرکت‌ها توانسته‌اند با کاهش هزینه‌ها در فرایندهای کاری و در سیستم هزینه‌های مبتنی بر فعالیت‌ها تا حدودی در این طرح مطرح است، هم به لحاظ مسئولیت‌های اجتماعی و هم به لحاظ افزایش سود بهره‌وری، وضعیت خود را ارتقا دهند و در مسیر تعالی سازمانی حرکت کنند. به این ترتیب است که بیش از هزار دویست شرکت در این طرح دوازده ساله مورد ارزیابی کیفی قرار گرفته‌اند.

با مدیران شرکت‌های شرکت کننده در طرح هم که صحبت می‌کنیم، دلیل شرکت مستمر خود در این ارزیابی را، افزایش بهره‌وری واحدهای تولیدی‌شان می‌دانند و اذعان دارند که نتایج این طرح باعث ساده‌سازی و روان‌سازی فعالیت‌ها، جایگزینی فرایندسازی و فرایندمحوری به جای وظیفه‌گرایی در آن شرکت‌ها شده است.

از طرح‌های ملی دیگری که سازمان مدیریت صنعتی در این سالها داشته است، نظام ارزیابی و ارتقای شایستگی مدیران بوده است. در این طرح برای هر بنگاهی سیستم ارزیابی مدیریتی پیاده‌سازی شده، ارزیابی انجام شده، کمبودها و خلاءهایی که مدیران هر بنگاهی ممکن است از لحاظ آموزشی، یادگیری و از نظر توانمندسازی داشته باشند مورد شناسایی و توجه قرار گرفته و به بنگاه‌ها اعلام شده است و بر این اساس مدیریت سازمان به تحول و دگرگونی رسیده است.

طرح مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها یا CSR هم از طرح‌های دیگری است که در سازمان مدیریت صنعتی به اجرا درآمده است و مورد استقبال بنگاه‌های اقتصادی قرار گرفته است.

توسعه‌ی نمایندگی‌ها هم از مواردی است که مورد استقبال استان‌ها قرار گرفته است و در حال حاضر سازمان مدیریت صنعتی در بیست و هشت استان دارای نمایندگی است، که یکی از مهم‌ترین این نمایندگی‌ها نمایندگی آذربایجان شرقی است که جا دارد همینجا از سرکار خانم خیرآور و همکاران‌شان تشکر کنیم و یاد مرحوم خیرآور را گرامی بداریم.

تشکر می‌کنم از نمایندگی آذربایجان شرقی که هر ساله این مراسم را ترتیب می‌دهند و ما امیدواریم که با شرکت هر چه بیشتر شرکت‌های منطقه در طرح رتبه‌بندی بتوانیم این طرح را نیز به یک طرح ملی تبدیل کنیم و شرکت‌هایی از استان که در میان صد شرکت برتر کشور قرار می‌گیرند در همین جا و در همین مراسم نیز مورد تقدیر قرار بگیرند. اما در کنار برگزاری این طرح‌ها، سازمان مدیریت صنعتی همکاری‌های خوبی را هم آغاز با دانشگاه‌های مختلف کشور و به طور کلی با وزارت علوم و همچنین دانشگاه علمی کاربردی و سازمان فنی و حرفه‌ای آغاز کرده است. در این مورد هم امیدواریم که بتوانیم یک حرکت همسوار در کشور شاهد باشیم.

در نهایت آرزو داریم که برنامه‌ای که امروز شاهد اجرای آن هستیم، باعث رقابت‌پذیری بیشتر و رشد و شکوفایی بنگاه‌های اقتصادی و بالندگی هر چه بیشتر اقتصاد منطقه بشود و ما هم بتوانیم در این راستا سهم کوچکی را ایفا کنیم. از همکاران خودم سرکار خانم باغمشالی و جناب آقای درویشی هم که در اینجا حضور پیدا کرده‌اند نهایت سپاسگذاری را دارم.



سخنرانی دکتر علیرضا منادی نماینده‌ی مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی و عضو هیات رئیسه‌ی مجلس در همایش ایران تک

همایش برترین شرکت‌های منطقه شمالغرب، محلی برای تضارب آراء



گسیل شد و اینگونه بود که پایه‌های پیشرو بودن در اصفهان تقویت شد. حالا می‌خواهم سوال کنم که خوب امروز ما پس از آن سال‌های درخشان اقتصادی در چه جایگاهی در اقتصاد کشور و منطقه قرار داریم. برای این کار شاخصی را مطرح می‌کنم که از روی این شاخص بدانیم که بزرگی اقتصاد آذربایجان شرقی چقدر است. در سال ۱۳۹۳ از استان آذربایجان شرقی، در حدود هزار میلیارد تومان مالیات وصول شده است. این مبلغ نشان می‌دهد که حجم درآمد و گردش اقتصادی ما متناسب با همین میزان مالیات بوه است. حالا ببینیم در اصفهان چقدر مالیات پرداخت شده است. چهار هزار میلیارد تومان. یعنی بزرگی اقتصاد اصفهان چهار برابر بزرگی اقتصاد آذربایجان شرقی است حالا با توجه به این شاخص است که می‌توانیم تشخیص بدهیم که اقتصاد استان و بنگاه‌های اقتصادی فعال در آن تا چه حدی توانسته‌اند موفق عمل کنند.

امروز لازم است ما در هر جایگاهی قرار داریم از هیچ کوششی برای پیشبرد استان بهره بگیریم. بنده به عنوان نماینده‌ی مجلس، چهار پنج طرح بزرگ را به استان آورده‌ام. و این امر میسر نبوده مگر با مشورت‌هایی که ما از نخبگان اقتصادی‌ای همچون حاضرین در این همایش گرفته‌ایم. از جمله این موارد، به عنوان مثال می‌توانم به خط اتیلین غرب اشاره کنم که در نهایت پس از ۸ سال در سال به تبریز رسید. همینطور بزرگراه تبریز به ارمستان، پروژه‌ی انتقال آب ارس به دریاچه‌ی ارومیه به منظور تامین آب شرب تبریز و همینطور انتقال آب آن به دریاچه‌ی ارومیه و نیروگاه سه هزار مگاواتی نیز از جمله این موارد می‌باشند.

اگر هر فردی که در مباحث اقتصادی قابلیت تاثیرگذاری دارد، بتواند از طریق مشورت با دانشگاهیان و نخبگان اقتصادی، تاثیر مثبتی در اقتصاد داشته‌باشد، آذربایجان از این روزگار نامناسب خارج می‌شود. البته این درست است که شهر تبریز در مقایسه با بسیاری دیگر از شهرهای کشور، وضعیت مناسبی دارد اما لازم است ما از تمامی ظرفیت‌های این منطقه بهره برداری کنیم.

این نوع همایش‌ها که امروز در اینجا شاهد آن هستیم، بایستی محل تضارب آراء باشند. از این نوع فرصت‌ها باید استفاده کرد تا افکارمان را به یکدیگر نزدیک کنیم. شرکت‌ها و بنگاه‌ها با هم رابطه برقرار کنند و حتی تفاهم‌نامه‌هایی نیز به امضاء برسند. ما در آذربایجان فرصت‌های بسیاری داریم که یکی از مهم‌ترین آنها مرزهای خارجی است. بعد از تحریم غرب توسط روسیه، بازار مواد غذایی روسیه که بالغ بر واردات چهار میلیارد یورو از غرب می‌شد، آزاد شد و ما فرصت داریم از این ظرفیت به وجود آمده بهره ببریم. امروز روس‌ها واردات گوشت و لبنیات از ایران را آزاد کرده‌اند. در این مقطع، فرصت‌هایی نظیر این برای کلیه فعالین اقتصادی وجود دارد. بازاری که قبلاً در اختیار اروپائیان بوده است و امروز بعد از یک سال بررسی اقتصادی و استانداردها به روی ایران و به خصوص آذربایجان گشوده شده است.

این که فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف کشور تا چه اندازه از اهمیت برخوردار است، بویژه با در نظر گرفتن این واقعیت که کشور در شرایط اقتصاد مقاومتی است، بر کسی پوشیده نیست. اما کلیه افرادی که در این منطقه مشغول فعالیت هستند، بایستی یک نکته‌ی اساسی را مدنظر داشته باشند و آن دیدگاهی است که رهبر این کشور در مورد منطقه آذربایجان بیان داشته است، منطقه‌ای که شامل آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان می‌شود؛ «آذربایجان سر ایران است».

باید دید که معیارهای این برتری آذربایجان چه مواردی است و همچنین ما که مفتخر به به چنین توصیفی شده‌ایم، چگونه بایستی این برتری را حفظ کنیم. بخش مهمی از کار تمامی افرادی که در هر جایی نشان یا درجه ای دریافت کرده‌اند، حفظ آن درجه است. یعنی کسی که به عنوان مثال ادعای طبابت می‌کند باید علم آن را داشته‌باشد هم حلم آن را. آذربایجان دروازه‌ی ورود صنعت اروپا و حتی فرهنگ اروپا به کشورمان است. اینجا خاستگاه صنعت چاپی است که زیرساخت فرهنگ در عصر جدید است.

از اینجا بود که اولین روزنامه در ایران منتشر شد و در عرصه‌ی دموکراسی اولین شورای شهر به شکل امروزی در تبریز شکل گرفته است. در صنایع مادر اولین کارخانه‌های باروت‌سازی، والورسازی، کبریت‌سازی و بسیاری از کارخانه‌های دیگر برای اولین بار در این منطقه شکل گرفته‌اند. همین مساله‌ی پیشرو بودن را در عرصه‌ی فرهنگ هم می‌توان دید. از شهریار و پروین اعتصامی تا سه علامه‌ی صد سال اخیر که گذشته‌ی بسیار درخشان آذربایجان را رقم زده‌اند. اینان زنان و مردان بزرگی هستند که ما هم وارث آنها هستیم و هم مدیون آنان.

اما اجازه بدهید در اقتصاد از گذشته بگوییم و از حال، و به این ترتیب ببینیم که به شما که برگزیدگان شرکت‌های شمال غرب کشور هستید، می‌شود نمره‌ی قبولی داد یا نه؟ البته در این مقطع زمانی که سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان، شما را به عنوان شرکت‌ها و بنگاه‌های برتر انتخاب کرده بدین معناست که شما حتماً در جاهای از نمره‌ی قبولی را داشته‌اید؛ اما می‌خواهم موضوع را از دیدگاه فردی که عضو جامعه‌ی شمال غرب کشور و در نهایت ایران است، را بررسی کنیم. دوستان، ما امروز وارث و مدیون بزرگترین اقتصاد گذشته‌ی ایران هستیم. می‌دانید که در میان آثار ثبت شده در یونسکو، اولین اثر ثبت شده‌ی ایران، ربع رشیدی است. دانشگاهی که هفتصد و پنجاه سال پیش توسط «رشیدالدین فضل‌الدینی همدانی» بنا شده است و موقوفه‌های فراوانی نیز دارد. یکی از آثار ثبت شده در یونسکو هم بازار سرپوشیده‌ی تبریز است. این بازار بزرگ‌ترین بازار مسقف جهان است، و این یعنی مهم‌ترین سند گذشته‌ی اقتصادی آذربایجان. آن روز اقتصاد ما در حدی بود که قیمت‌های جهانی در تبریز تعیین می‌شد. ولی امروز ما نقص‌ها و کاستی‌هایی داریم.

یکی از شهرهایی که ما معمولاً خود را با آن مقایسه می‌کنیم اصفهان است. چرا؟ چون پس از انتخاب شدن اصفهان به عنوان پایتخت، صدنفر از نخبگان تبریز به آن شهر

از این که در آذربایجان چنین رویدادی رخ داده، بسیار خرسندیم چرا که فعالیت های اقتصادی و مراودات های بازرگانی نمی توانند در محدوده استانی محدود بماند



مصاحبه ی سرکنسول ترکیه، گوون بگچ در حاشیه ی همایش ایران تک

شاید می توان دامنه این طرح را به اندازه ای گستراند که شرکت های فعال خارجی در منطقه ی شمالغرب هم بتوانند در این رتبه بندی شرکت کنند



مصاحبه ی سرکنسول جمهوری آذربایجان، علی علیزاده در حاشیه ی همایش ایران تک

کارائی: نزدیکی جغرافیایی استان آذربایجان شرقی و جمهوری ترکیه، این امر تا چه حد می تواند در افزایش ارتباطات بخش خصوصی ترکیه و بخش خصوصی استان آذربایجان شرقی موثر واقع شود؟
سرکنسول ترکیه: بخش خصوصی ترکیه در ایران مجموعاً دو میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده که چهارصد میلیون دلار از این سرمایه گذاری در آذربایجان شرقی سرمایه گذاری انجام شده است. این مبلغ، از طرف چهل شرکت ترک صورت پذیرفته است. کاری که باید انجام شود، گسترش سرمایه گذاری بخش خصوصی ترکیه در کل ایران است. پس از این مرحله حتماً بایستی افزایش سهم آذربایجان از این سرمایه گذاری ها، در اولویت قرار گیرد. ابزارهای تحقق این امر نیز در دسترس می باشند. اولین مورد، زبان مشترک ترکیه با منطقه ی آذربایجان است. به همین جهت باید یکدیگر آشنائی داریم و غریبه نیستیم. دومین مورد، وجود و فعالیت شورای همکاری ایران و ترکیه است که ابزاری بسیار کارآمد است. طرف ایرانی این شورا متشکل از بازرگانان و صنعت گران با تجربه ایرانی است و شایسته است از این فرصت مغتنم نیز به بهترین نحو استفاده شود.

کارائی: مسلماً چنین همایش هایی در کشور ترکیه نیز برگزار می گردد، تاثیر فعالیت های اینچنینی بر روی اقتصاد کشورها چیست؟
سرکنسول ترکیه: در ترکیه نیز چنین همایش ها و کنفرانس های منطقه ای در زمینه توسعه شرکت ها هم توسط بخش خصوصی و هم بوسیله ارگان های دولتی انجام می شود. از این که در آذربایجان نیز چنین رویدادی رخ داده، بسیار خرسندیم چراکه فعالیت های اقتصادی و مراودات های بازرگانی نمی توانند در محدوده استانی محدود بمانند. بخش خصوصی ترکیه نیز این منطقه را نه در قالب چند استان مجزا که در قالب منطقه ی آذربایجان می بینید. به همین دلیل است که از برگزاری این همایش در چارچوب منطقه ای خرسندیم.

کارائی: نگاه جمهوری آذربایجان به همایش معرفی شرکت های برتر منطقه آذربایجان چیست؟
سرکنسول جمهوری آذربایجان: مراسم رتبه بندی شرکت های برتر منطقه ی شمال غرب حرکت بسیار خوبی است. معتقدیم برگزاری این رتبه بندی، موجب خواهد شد که شرکت هایی که در این همایش شرکت دارند در جهت توسعه هر چه بیشتر فعالیت های خود اقدام کنند. ما برای این رتبه بندی ارزش بسیاری قائلیم و آن را مثبت ارزیابی می کنیم.

کارائی: انجام این رتبه بندی چه تاثیری می تواند در توسعه ی روابط متقابل ایران و جمهوری آذربایجان داشته باشد؟
سرکنسول جمهوری آذربایجان: اگر به طور عمومی و با دیدی بازتر به این رتبه بندی نگاه کنیم شاید می توان دامنه ی این طرح را به اندازه ای گستراند که شرکت های فعال خارجی در منطقه ی شمالغرب هم بتوانند در این رتبه بندی شرکت کنند و به این ترتیب زمینه های مناسب برای سرمایه گذاری های متقابل فراهم شود. می دانید که در منطقه ی شمال غرب و استان آذربایجان شرقی و بویژه منطقه ی ویژه ی اقتصادی جلفا شرکت های بسیاری از جمهوری آذربایجان مشغول فعالیت هستند، به همین دلیل است که ما از حضور شرکت ها و نگاه های آذری که در این منطقه فعال هستند در طرح انتخاب برترین شرکت های این منطقه استقبال می کنیم و فکر می کنیم که این نوع مراودات می توانند به گسترش مناسبات اقتصادی سطح بالایی میان ایران و آذربایجان منجر شوند. در میان دو کشور ایران و آذربایجان پیوندهای بسیاری در زمینه های گوناگون سیاسی، مدنی، و علمی وجود دارد که زمینه های بسیار مناسبی را برای تعمیق روابط فی مابین فراهم می سازد. اخیراً نیز تفاهم نامه ای اقتصادی میان روسای جمهوری دو کشور به امضاء رسیده است. از آنجا که هم تعداد زیادی از شرکت های فعال شمال غرب و هم شرکت های بسیاری از جمهوری آذربایجان حضور داشته اند، این دیدار زمینه های همکاری فی مابین و آشنائی بیشتر را فراهم نموده است. خوشبختانه زمینه هایی ایجاد شده تا دو طرف بتوانند به صورت متقابل به سرمایه گذاری پرداخته و مناسبات اقتصادی را گسترش دهند.

گزارش پنل همایش ایران تک، سومین دوره ی معرفی برترین شرکت های منطقه ی آذربایجان

طرفیت کارشناسی موجود در ایران برای حل و فصل پیچیدگی های مسائل اقتصادی کفایت می کند



درسومین همایش معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان و در راستای اهداف آن پنلی با موضوع «موانع توسعه کسب و کار و پیشنهادهایی برای رفع آن» برگزار گردید. در این بخش که به نظر بسیاری از حاضرین یکی از جذاب ترین برنامه های این همایش به شمار می رفت، مسولین محترم صنعتی و اقتصادی استان آذربایجان شرقی آقایان حسین نجاتی (رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان آذربایجان شرقی)، رضا حسینی (مدیرکل سازمان امور اقتصادی و دارائی استان آذربایجان شرقی)، ساسان فرشی حق (مدیرکل اداره ی استاندارد و تحقیقات صنعتی آذربایجان شرقی)، اقتصاددان خبره منطقه و کشور آقایان دکتر فرشاد مومنی (عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی به عنوان رئیس پنل)، دکتر محمد باقر بهشتی (عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تبریز و مشاور اقتصادی استاندار آذربایجان شرقی) و دکتر حسین پناهی (عضو هیات علمی و رئیس دانشکده ی اقتصاد دانشگاه تبریز و مشاور استاندار آذربایجان شرقی) و مدیران عامل سه شرکت حاضر در لیست برترین شرکت های منطقه آذربایجان آقایان احد بدیعی (مدیرعامل شرکت کلپارس)، سلیمان نوروزی (رئیس هیات مدیره ی شرکت خاک چینی آذربایجان) و احمد سجودی (مدیرعامل شرکت عمران و توسعه ی آذربایجان) حضور داشتند. مشروح این پنل در پی می آید.

محور و نظام پاداش دهی تولید محور است. در این زمینه که بقای هر کشور و بالندگی هر کشور و پایداری هر کشور به نظام حیات جمعی تولید محور وابسته است، اتفاق نظر وجود دارد. گزینده ی رقیب در برابر تولید محوری، تحت عنوان فعالیت های غیرمولد صورت بندی مفهومی می شود. به اعتبار ویژگی هایی که فعالیت های تولیدی دارند و من در نهایت اختصار به آنها اشاره خواهیم کرد، گفته می شود تا زمانی که هزینه ی فرصت بر خورداری های بی ضابطه در عرصه های غیرمولد در کشور بالا نرود، امکان شکل گیری یک ساختار نهادی تولید محور وجود ندارد.

با کمال تأسفد در شرایط کنونی ساختار نهادی ما بر علیه تولید و به نفع فعالیت های غیرمولد سامان پیدا کرده است. این مسأله از جنبه های متعددی قابلیت ردگیری دارد. اشاره های کوتاهی می کنم تا ملاحظه بفرمایید وقتی که می گوئیم ساختار نهادی منظور چیست؟ همینطور اینکه اصلاح نظام پاداش دهی نیز ضرورت دارد یعنی چه؟ و سازه های ذهنی و اصلاح آنها به چه معناست؟

همین چند ماه پیش جریان یک پژوهش بسیار مهم ملی قرار گرفتیم. یکی از بزرگترین هلدینگ های دارویی کشور پروژه ای تحقیقاتی را سفارش داده بود که موضوع آن، تصمیم گیری در خصوص صرف منابع محدود آن هلدینگ در فعالیت هایی بود که سود مجموعه را حداکثر نماید. پاسخی که در جریان تحقیق بدان رسیده بودند این بود که اگر آن منابع صرف تولید مواد اولیه ی دارویی گردد، سقف سود انتظاری چهار درصد خواهد بود. اگر صرف تولید محصول نهایی بشود سقف سود انتظاری بیست درصد خواهد بود، و اگر صرف واردات بشود کف سود انتظاری چهارصد درصد خواهد بود.



دکتر فرشاد مومنی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

با سلام و احترام خدمت تمامی حضار محترم و سپاسگزاری از بانیان این جلسه و با امید به اینکه از مجموعه ی مطالبی که در این نشست مطرح می شود خیری برای آینده ی کشورمان پدید بیاید، بایستی چند نکته ی کلیدی را به اختصار خدمتتان عرض نمایم. واقعیت بزرگ این است که اقتصاد ایران شرایط خوبی را تجربه نمی کند. در سطح نظری اصول مسیری که برای خروج از شرایط حال حاضر ضرورت دارد، مشخص است. در هیچ جای دنیا جز این مسیر راهی به سمت بهبود پدیدار نشده است. مسیر مورد نظر، در کلی ترین بیان با عنوان تولید محوری صورت بندی مفهومی می گردد. تولید محوری، در چارچوب این مفهوم یک نظام حیات جمعی است، یعنی در آن فقط به فعل فیزیکی تولید توجه نمی گردد. بلکه لوازم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی آن به صورت سیستمی لحاظ می گردد و در این مسیر محورهای عمده بحث در ارتباط با سازه های ذهنی تولید محور، ساختار نهادی تولید



حالا شما می‌توانید با دقت بیشتری این نکته را مورد توجه قرار دهید که وقتی ساختار نهادی و نظام پاداش دهی به این صورت آرایش پیدا کرده ، براساس منطق نفع شخصی، افراد و بنگاه‌ها بایستی به چه سمتی بروند و به چه سمتی نروند. نکته‌ی بسیار مهم دیگری که به مسأله‌ی فضای کسب و کار مربوط می‌شود، این است که هم اکنون اقتصاد ایران در حال تجربه‌ی شرایطی است که بخش مهمی از آن به واسطه‌ی اشتباهات بی‌سابقه دوره‌ی ۱۳۸۴ به بعد متحمل شده است. هم اکنون این اقتصاد در ربع پایانی کشورهای دنیا از نظر گستره و عمق فساد مالی قرار دارد. این وضعیت نماد این است که ساختار نهادی به طرز غیرمتعارفی اجازه‌ی برخورداری‌های بی‌ضابطه و ناهنجار به افراد می‌دهد و وقتی که اینگونه باشد منابع انسانی و مادی کشور به سمت تولید گرانش اصولی پیدا نمی‌کنند. اگر دقت کرده باشید یکی از افتخارات جمهوری اسلامی این است که نسبت به هر دوره‌ی دیگری در تاریخ اقتصاد معاصر ایران، سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی آموزش انسان‌ها انجام شده است اما به اعتبار آن ساختار نهادی‌ای که اشاره کردم ایران در ده ساله‌ی گذشته بیش از سه بار از نظر فرار مغزها در رتبه‌ی اول جهان قرار گرفته است. معنی این امر چیست؟ یعنی اینکه ما منابع انسانی و مادی کشور را درگیر می‌کنیم، نیروی انسانی کارآمد تربیت می‌کنیم آن نیروی انسانی هنگامی که به سطوحی از صلاحیت‌ها و توانایی‌ها رسید ساختار نهادی و نظام پاداش دهی اینجا را برای فعالیت تنگ می‌بیند و از کشور خارج می‌شود. معنای خروج این منابع انسانی از کشور، از نظر توسعه‌ی دوام‌مدت این است که ما نیروی انسانی تربیت می‌کنیم و دودستی تقدیم آنهایی می‌کنیم که استکبار جهانی می‌نامیم. شما اگر همین الان به سایت بانک مرکزی مراجعه کنید، می‌توانید به وضوح ببینید که این مسأله‌ی خروج سرمایه‌های انسانی به طور متناسب با خودش خروج سرمایه‌های مادی را هم به همراه دارد. در آنجا استانداردی وجود دارد، تحت عنوان خالص حساب سرمایه. حساب سرمایه ورود و خروج قانونی سرمایه را به ایران و از ایران ثبت می‌کند. خالص این حساب در شهریور ماه ۱۳۸۴ معادل منهای دو بیست میلیون دلار بوده است. یعنی ما در مجموع دو بیست میلیون دلار خروج سرمایه بیش از ورود سرمایه داشته‌ایم. این رقم در سال ۱۳۸۹ به بیست و پنج میلیارد دلار منفی رسیده است. ما اگر نتوانیم از این بنیه‌ی علمی که در اختیارمان هست استفاده کنیم، نخواهیم توانست کارهایمان را به سامان برسانیم. ما چه کار کرده‌ایم که میزان خروج سرمایه از کشور در یک دوره‌ی کمتر از ده سال یکصدویست و پنج برابر شده است؟ الان که بحث از خاتمه شرایط پر تنش میان ما و دیگران مطرح است باید در این زمینه هم عالمانه و واقع بینانه به مسأله نگاه کنیم و الا دوباره دچار سرخوردگی خواهیم شد. از منظر تجربه‌های تاریخی توسعه شواهد نشان می‌دهد که از ربع پایانی قرن هیجدهم تا امروز حتی یک تجربه‌ی موفق در زمینه‌ی جذب سرمایه‌ی خارجی وجود نداشته است جز اینکه آنها قبلاً صلاحیت و کفایت خودشان را در زمینه‌ی استفاده‌ی موثر و خردورانه از سرمایه‌های انسانی و مادی خودشان نشان داده باشند. در واقع در شرایط کنونی و با این ساختار نهادی، حتی از فرصت‌هایی هم که پدید می‌آید جز در موارد استثنائی نمی‌توانیم به شکل اصولی استفاده کنیم چون در تمرین اصلی نمره‌ی قبولی نیاورده‌ایم و قادر به استفاده‌ی خردورانه از سرمایه‌های مادی و انسانی خود نبوده‌ایم. بنابراین وقتی که از بیرون نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که مجموعه‌ی ظرفیت‌های مادی و انسانی که در ایران وجود دارد حکایت از این دارد که ما قابلیت‌های قابل اعتنائی داریم. اما وقتی که به کارنامه‌مان نگاه می‌کنیم، این ناتوانی و عدم تناسب به خوبی مشهود است. این بحث را می‌شود با شواهد تکان دهنده‌تری ادامه داد. ما شرح و شواهد این گونه موارد را مقام توصیف می‌نامیم. رسالت تلاش‌های علمی این است که بعد از مقام توصیف که به اعتبار خصلت ذاتی اقتصاد سیاسی ایران یعنی

عدم شفافیت‌های گسترده ما حتی در آن مقام هم مشکلات جدی داریم و نظام اطلاعات‌مان کارآمد، به هنگام و شفاف نیست، به هر حال پس از توصیف هر مسأله می‌بایست وارد مقام تحلیل شویم. چنانچه تصویری دقیق از وضع موجود پیدا کنیم، می‌شود به شکل اصولی وارد مقام تحلیل شد و گفت که چه چیزهایی به چه چیزهایی مربوط است و چه چیزهایی مربوط است. این رسالت اصلی جامعه‌ی علمی کشور است. وقتی که می‌گوییم جامعه‌ی علمی کشور، این را هم در نظر داریم که بخش بزرگی از علم به معنای دقیق کلمه محصول تجربه است. آن ترکیب خردمندانه از دانسته‌های نظری و عملی باید به ما بفهماند که کجاها چه اشتباهاتی کرده‌ایم. به عنوان مثال دبیرخانه‌ی شورای عالی اشتغال گزارش کرده است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲، تعداد بنگاه‌های تولیدی مشکل‌دار ایران هفت و نیم برابر شده است. بنابراین در کنار همه‌ی آن ریشه‌های تاریخی نهادی، این که در یک دوره‌ی کوتاه به یکباره چنین جهشی در آمار بنگاه‌های اقتصادی مشکل‌دار ایجاد می‌شود، با ترکیب‌نظر و عمل خردمندانه به راحتی قابل ردگیری است. بنابراین مرحله‌ی کلیدی و سرنوشت‌ساز، مقام تحلیل است. یعنی بتوانیم چرایی وقایع و اشتباهاتی را که کرده‌ایم را دریابیم. اینجا است که اگر این گستاخی و صداقت وجود نداشته باشد و ما به جای برخورد فعال شروع به تعارف کردن برای همدیگر و مدح و ثنا گفتن کنیم، مسائل حل و فصل نمی‌شود.

اما آنچه که به عنوان هدیه برای شما فعالین اقتصادی منطقه‌ی شمال غرب کشور در نظر گرفته‌ام این است که تقریباً تمام مطالعاتی که ما درباره‌ی ایران در اختیار داریم، نشان می‌دهد که سرنوشت بنگاه‌ها، بخش‌ها و مناطق، در اقتصاد ایران بیش از آن که از طریق متغیرهای درونی آن مجموعه قابل توضیح باشد، از طریق آثار جهت‌گیری‌های سطح توسعه در نظام ملی و جهت‌گیری‌های سطح کلان در سطح ملی قابل توضیح است. این امر درس و البته پیام بزرگی در خود دارد که عبارت است از اینکه بنگاه‌ها، بخش‌ها و مناطق، اگر نه بیشتر، حداقل به اندازه‌ی آن انرژی که برای شناسایی عوامل محیطی موثر بر موفقیتشان می‌گذارند، برای شناخت عناصر سطح توسعه و سطح ملی نیز، باید انرژی بگذارند. در غیراینصورت، بنگاه‌ها به صورت لاینقطع در معرض شوک‌هایی قرار می‌گیرند که تمام تلاش‌های داخلی آنها را خنثی می‌کند. این با یک همکاری خردورانه بین نظام اجرایی منطقه، نظام دانشگاهی منطقه و فعالان اقتصادی امکان‌پذیر خواهد بود. شما اگر از مسائلی که در سند لایحه‌ی بودجه‌ی ۹۴ صورت‌بندی شده، آگاهی داشتید، می‌توانستید تصمیمات بسیار بهتری برای بنگاه و منطقه‌ی خود بگیرید. این یک نکته‌ی حیاتی است و اهمیت آن در شرایط کنونی، یعنی سال ۱۳۹۴، که سال تدوین و تصویب برنامه‌ی میان مدت است، مضاعف می‌گردد. همه بایستی تلاش کنید که مشارکت بسیار فعالی در ماجرای شکل‌گیری یک سند کارآمد برای برنامه‌ی میان مدت کشور، داشته باشید. این تصور خام که گویی مسئولیت تدوین جهت‌گیری‌های ملی فقط به عهده‌ی مرکز نشینان هست را کنار بگذارید. یکی از پاشنه آشیل‌های ما در اتخاذ رویکردهای غلط در عرصه‌ی مدیریت توسعه و مدیریت کلان ملی، همین است که مشارکت بایسته‌ی بخش‌ها و مناطق در تصمیمی‌گیری‌ها وجود ندارد. این آن چیزی است که شما باید از دانشکده‌های اقتصاد در منطقه بخواهید و آنها هم باید خود را مجهز کنند. دانستن متغیرهای موثر در سطح منطقه برای موفقیت اقتصادی لازم است اما کافی نیست. شوک‌های اصلی از سطح ملی نازل می‌شود. بنابراین هم شما باید هزینه‌ی فرصت آن سیاست‌ها را به آگاهی سیاست‌گذار برسانید و هم از طریق آن در امری که سرنوشت ملی خوانده می‌شود، مشارکت کنید.

نکته‌ی دیگری که من به شما هدیه می‌کنم و فکر می‌کنم در چارچوب نهاد‌های تولید

محور نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارد، این است که ذهن غیرکارشناسی و عامیانه تصورش بر این است که اگر شما بتوانید در چانه‌زنی‌های رانته‌ی با مرکز قرار بگیرید و منافع ریالی و ارزی بیشتری را به منطقه‌ی خود، سرازیر نمایید، این موفقیت محسوب می‌شود. ولی ذهن کارشناسی به هیچ وجه این مسأله را تایید نمی‌کند. گفته می‌شود که اگر شما شناخت عمیق راجع به ظرفیت جذب سالم منابع ارزی و ریالی در سطح منطقه و بنگاه‌هایش نداشته باشید، به هر میزان که منابع فراتر از ظرفیت جذب به این منطقه سرازیر بشود، نیروی محرکه‌ی رانت، فساد، و ناکارآمدی خواهد شد. این نکته بسیار مهمی است. از همکارانم در منطقه بخواهید که برایتان توضیح دهند که بیماری هلندی به چه معناست و برای چه بدین نام خوانده می‌شود. هلند، کشوری است که بیش از هفتصدسال سابقه‌ی استعمارگری در کارنامه دارد و دارای اقتصادی قدرتمند است. هلندی‌ها به یک باره درآمدهای بی‌زحمته‌ی پیدا کردند. این موضوع آنان را به این فکر رهنمون شد که با این درآمدها قادر خواهند شد اوضاع خود را به سامان نمایند. اما در عمل اوضاع به گونه‌ای دیگر رقم خورد. هوشمندی آنان در این است که در زمان نظریه‌پردازی برای تبیین این موضوع، از لفظ «بیماری» استفاده می‌کنند. آن چیزی که در غیاب فهم عالمانه‌ی ظرفیت جذب برای هلند می‌شود بیماری هلندی، برای کشورهای در حال توسعه تبدیل می‌شود به نفرین و بلای منابع.

در دوره‌ی ۸۴ تا ۹۲، از محل صادرات نفت، گاز و غیرنفت چیزی بالغ بر هزار میلیارد دلار به اقتصاد ایران تزریق شد. ماحصل این شد که شاخص فلاکت در ماه‌های پایانی دوره‌ی دولت قبلی دو برابر شاخص فلاکت در ماه‌های شروع به کار آن دولت بود. یعنی در این اقتصاد بدون اعتناء به ظرفیت جذب، هزار میلیارد دلار تزریق شد، رقمی که این می‌توانست همه چیز را دستخوش تغییر نماید. در اقتصاد چین در یک دوره‌ی کمتر از بیست سال از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۶ در مجموع سیصدوسی میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گرفته، و در عوض به میزان دو بیست و بیست و شش میلیون فرصت شغلی ایجاد کرده است. بدین ترتیب هزار میلیارد دلار ارز ورودی می‌بایست چیزی در حدود هفتصد و پنجاه میلیون فرصت شغلی در ایران ایجاد کند. اما در عمل، در ابتدا و انتهای دوره زمانی مذکور، اندازه‌ی جمعیت شاغل در ایران تقریباً تغییری نکرده است و اینجاست که شما می‌توانید به خوبی بفهمید که چرا در این دوره ایران حدود هفتاد پله به سمت فاسدترین کشورهای جهان سقوط کرده است و از نظر رتبه‌ی کیفیت محیط زیست هم در حدود چهل و هفت رتبه سقوط کرده است. این آن چیزی است که ما بلا‌ی منابع می‌نامیم. بنابراین بایستی از مقامات استانی بخواهید راجع به ظرفیت جذب این استان کار جدی انجام بدهند و خود بنگاه‌ها هم باید این ظرفیت جذب را در مقیاس بنگاه‌های خودشان در دستور کار قرار بدهند. بایستی با یک مشارکت وسیع و همگانی این امکان ایجاد شود که فهم چرایی شکل گرفتن این کارنامه در سال‌های اخیر، به رغم این همه منابع مادی و انسانی قابل اعتناء میسر گردد و باب گفتگو در این زمینه گشوده گردد. بدین ترتیب می‌توان با استفاده از این تجارب، چشم‌اندازهای روشن‌تری برای آینده‌ی کشور تصویر کنیم.

اما آخرین عرض من این است که با همه‌ی پیچیدگی‌هایی که مسائل اقتصادی در ایران دارد، ظرفیت کارشناسی موجود در ایران برای حل و فصل آن کفایت می‌کند. سند این امر، مطالعه‌ای است که اخیراً صورت گرفته و نشان می‌دهد وقتی که دولت قبلی، سیاست‌های غلط اقتصادی را در دستور کار قرار داده بود، بالغ بر نود و پنج درصد پیش‌بینی‌هایی که جامعه‌ی کارشناسی کشور در زمینه نقد این سیاست‌گذاری‌ها انجام داده بود، بوقوع پیوست. اما اشکال کار کجا بود؟ اشکال در اینجاست که علم در ایران یک نیروی اجتماعی قدرتمند نیست. برای اینکه ما کاری کنیم که علم نقش فصل الخطاب را در تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع بر عهده بگیرد، به یک مجاهدت همگانی نیاز داریم. من در اینجا می‌خواهم ذکر خیری کنم از استاد فقیدم مرحوم آقای عالی‌نسب، که کارهای ارزنده و موثری در طول حیات پربرکت خود در این زمینه انجام داده‌اند. به نظر من مقام ایشان در نجات ایران اگر از مقام ستارخان، بالاتر نباشد، کمتر هم نیست و چقدر جای دریغ و تأسف دارد که ایرانیان گرمای و به خصوص آذربایجانیان گرمای افتخارات خود را آنگونه که می‌بایست، نمی‌شناسند.



ساسان فرشی حقوق و مدیر کل استانداردها و تحقیقات صنعتی آذربایجان شرقی

به نظر، اگر ما بخواهیم در بازارهای منطقه‌ای و جهانی را نقشی داشته باشیم و اثرگذار باشیم، از نظر سازمان استانداردها، ارتقای کیفیت محصولات تولیدی مطابق با استانداردهای بین‌المللی و همچنین به وجود آوردن استانداردهای کارخانه‌ای و برندهای خاص جهانی از راه‌های اساسی است. امید داریم که با بهینه‌سازی مراحل تولید و اقتصادی کردن تولید و توجه به کیفیت محصولات به این مقصود دست پیدا کنیم.



مجید درویش رئیس مرکز رتبه‌بندی سازمان مدیریت صنعتی

برای تحقق و توسعه‌ی فعالیت‌های تولید محور در اقتصاد کشور، نقش و اهمیت تولید اطلاعات مربوط به بنگاه‌های اقتصادی و شفاف‌سازی تولید این اطلاعات، در مورد بنگاه‌های اقتصادی، روشن است و دلیل برگزاری این گردهمایی نیز همین امر می‌باشد. در حقیقت میزان تأثیر بنگاه‌های اقتصادی بر اقتصاد کلان، با ارائه‌ی این اطلاعات بیشتر نمود می‌یابد. تولید این اطلاعات، در شناسائی روند صعود و نزول بنگاه‌های اقتصادی و تغییرات بوقوع پیوسته در رشته‌های مختلف کسب و کار به کمک پژوهشگران خواهد آمد. مطالعات ما نشان می‌دهد، بسیاری از کشورهای پیشرفته سال‌هاست که این نوع از رتبه‌بندی‌ها را در کشورهایشان انجام می‌دهند؛ با در نظر گرفتن این موضوع که بنگاه‌های اقتصادی در این کشورها از بازیگران اصلی هستند و بر خلاف کشور ما، در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، مدیران این بنگاه‌ها نقش بسزائی ایفا می‌کنند، اهمیت چنین طرح‌هایی بیش از پیش نمایان می‌گردد. به این ترتیب از این فرصت استفاده می‌کنیم و از مدیران بنگاه‌های اقتصادی منطقه دعوت می‌کنیم که در فرایند انجام این کار مشارکت داشته باشند. در این گونه فعالیت‌های رتبه‌بندی، معمولاً چهار دسته ذی‌نفع وجود دارند. اولین دسته مدیران بنگاه‌های اقتصادی‌اند که با استفاده از این اطلاعات علاوه بر ارتقای برند بنگاه خودشان می‌توانند وضعیت بنگاه خود را نسبت به سایر بنگاه‌های فعال در همان فعالیت اقتصادی ارزیابی کنند. گروه دوم سیاست‌گذاران و مسئولین اقتصادی و صنعتی کشور هستند که با استفاده از این اطلاعات، نزول و صعود شرکت‌های بزرگ را ردیابی کرده و از میزان توان هر یک از رشته‌های صنعتی و اقتصادی در کشور آگاه می‌شوند. به عنوان مثال رتبه‌بندی سازمان مدیریت صنعتی در سال ۹۱ نشان داد که بخش بانکداری کشور رشد بسیار فرابنده‌ای در دو تا سه سال داشته است به طوری که از ده شرکت اول کشور، چهار مورد بانک بودند. این مسأله ذهن مسئولان را مشغول کرد که علت این امر چیست؟ در نتیجه، بحث‌های بعدی‌ای که مربوط به بانکداری بانک‌ها بود مطرح شد. گروه سوم ذی‌نفعان هم پژوهشگران و تحلیل‌گران هستند که پژوهش‌های متعددی در مورد بخش بنگاه‌ی اقتصادی کشور انجام می‌دهند. گروه چهارم هم سرمایه‌گذاران و شرکت‌هایی هستند که مایلند با شرکت‌هایی که در این فهرست هستند همکاری مشترک داشته باشند.



محمد باقر بهشتی عضو هیات علمی دانشگاه تبریز و مشاور اقتصادی استاندار آذربایجان شرقی

اگر بهره‌وری کار در ایران مورد بررسی قرار گیرد، یعنی بررسی کنیم که میزان تولید یک نفر چه میزان است، بسیاری از مسائل روشن می‌شود. بعد از وقوع انقلاب، درصد سواد در کشور بالا رفته و به جمعیت دانشگاهی افزوده شده است. اما وقتی به تولید سرانه می‌رسیم می‌بینیم که تقلیل پیدا کرده است. این امر نشانگر این است که در ایران اساس کار بر اساس تولید محوری نیست. ما افراد دانایی تربیت کرده‌ایم که توانا نیستند. یکی از هدف‌های انتخاب شرکت‌های برتر هم یافتن راهکارهایی برای این مسائل است. راهکارهایی از طریق توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی. بنگاه‌های اقتصادی بایستی بتوانند با هم رقابت کنند. رقابت هم‌یک ارزش است و امری مثبت. در جریان رقابت کسی پیشی می‌گیرد که توانایی بیشتری داشته باشد. ما بایستی چنین روحیه و فضایی را در کشور ایجاد کنیم تا افرادی که از توان بیشتری برخوردارند بتوانند از نتیجه‌ی بیشتری هم در کارشان بر خوردار باشند. وقتی از مردم مالیات می‌گیریم، تصور بر این است که توانسته‌ایم بنگاه‌های فعالی داشته باشیم که مالیات می‌پردازند. این در حالی است که در حال حاضر میزان یارانه‌ای که در کل کشور به مردم پرداخت می‌شود دو برابر میزان مالیاتی است که از مردم دریافت می‌شود. این ساختار به هیچ عنوان تولیدی نیست. سیر پرداخت یارانه‌ها، مسیر انحراف اقتصادی جامعه است. حداکثر افرادی که زیر پوشش پرداخت یارانه‌ها قرار می‌گیرند نباید از چهل درصد افراد جامعه تجاوز کند. بنابراین با پرداخت یارانه به کسانی که نباید یارانه در یافت کنند، فعالیت‌های غیرتولیدی در جامعه تبلیغ می‌شود. نظر بنده این است که دولت قبل قانون هدفمندی یارانه‌ها را به بدترین شکل ممکن اجرا کرد. تلاش دولت یازدهم هم البته با محافظه‌کاری بر این بوده است که این روند غلط را اصلاح کند و توصیه‌ی ما این است که با سرعت بیشتری این روند را به طور واقعی اصلاح کند. اما بنده از آقای دکتر

مومنی تشکر می‌کنم که از آقای عالی‌نسب یاد کردند. مرحوم حاج آقا مصطفی عالی‌نسب مشاور اقتصادی دکتر مصدق بود. زمانی که نفت ایران ملی شد، ما نتوانستیم نفت بفروشیم. یک روز مرحوم عالی‌نسب خدمت دکتر مصدق رسید و گفت من فکر کردم حالا که نفت ما را کسی نمی‌خرد، بنده سماور ذغالی را به سماور نفتی تبدیل کرده‌ام. من فکر می‌کنم واقعا نیاز به سرمایه‌داران و کارخانه‌دارانی مثل حاج آقا عالی‌نسب داریم. کسانی که بتوانند در چارچوب منافع ملی به فعالیت‌های اقتصادی هم بپردازند. خدمت شما هم عرض می‌کنم که در جهت علمی کردن فعالیت‌های اقتصادی در استان آذربایجان شرقی شعبه‌ی انجمن اقتصاددانان ایران را افتتاح کردیم و آمادگی داریم در قالب این انجمن مشاوره‌های علمی لازم‌برای فعالیت‌های اقتصادی تولیدمحور را ارائه کنیم.



حسن پناهی

عضو هیات علمی و رئیس دانشکده‌ی اقتصاد

دانشگاه تبریز و مشاور استاندار آذربایجان شرقی

ضمن تأیید صحبت‌های همکاران گرامی در مورد اشکالات ساختاری و همین‌طور مشکلات پیش آمده در زمان دولت قبل و تأکید بر روی راه‌حل‌های ارائه شده توسط دوستان در مورد مشارکت بخش خصوصی در بخش تولید با جامعه‌ی دانشگاهی، به اطلاع عزیزان می‌رسانم که از زمان استقرار استاندار محترم آذربایجان شرقی در دولت جدید، ما بحث علمی کردن تصمیمات در استان را پیاده کردیم و امروز خوشحالی‌م که موردی به اولین‌های شهر تبریز اضافه شده است و آن هم برنامه‌ریزی با شیوه‌های جدیدی است که هم اکنون در دنیا مطرح است. ما «برنامه‌ریزی هسته‌های کلیدی» را در استان آذربایجان شرقی طی یک سال گذشته انجام داده‌ایم که البته در اینجا بایستی از تمام مدیران دستگاه‌های اجرایی، فعالان بخش خصوصی و اساتید دانشگاه قدردانی کنیم. به این ترتیب ما توانستیم سند توسعه‌ی استان را تدوین کنیم. در چند ماه گذشته هم بحث آموزش این شیوه‌ی جدید را برای سی استان دیگر کشور داشتیم که مرحله‌ی آموزش به اتمام رسیده و مقرر شده است بنا به دستور سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، برنامه‌ی ششم توسعه بر مبنای «برنامه‌ریزی هسته‌های کلیدی» با در نظر گرفتن بحث اقتصاد مقاومتی تنظیم می‌شود. اما در مورد ویژگی‌های سند توسعه‌ی استان کافی است به اطلاع‌تان برسانم که بیش از هفتاد و پنج درصد منابع مورد توجه در این سند، مبتنی بر منابع بخش غیردولتی است. لذا این سند با توجه به شرایط اقتصادی حال حاضر تنظیم شده است. ما در تنظیم و اجرای این سند، حتی آمیدی به تفاهم لوژان هم نبسته‌ایم و حتی با شرایط بدتر از امروز هم می‌توانیم این سند را پیاده کنیم. البته حداقل دستاورد تفاهم‌نامه‌ی اخیر برای ما شناسائی نقاط ضعف ساختاری مان بوده، چرا که تا کنون هر مشکلی که داشته‌ایم در دولت‌های قبلی به تحریم‌ها ربط داده شده است. در پایان هم عرض کنم که ما در بحث رقابت شرکت‌های بخش خصوصی با یکدیگر بحث رفاقت را هم اضافه کرده‌ایم و امیدواریم در برنامه‌ریزی اقتصادی بخش شمال غرب کشور، بحث رفاقت برای بر خورداری از اثرات سرریزی که در اقتصاد منطقه به وجود می‌آید اجرایی شود و بیشتر گسترش یابد.



حسین نجاتی

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت

استان آذربایجان شرقی

در ابتدا از سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی تشکر می‌کنم که با انتخاب شرکت‌های برتر منطقه بر اساس شاخص‌های مهمی چون حجم فروش، اندازه‌ی شرکت‌ها و مقدار صادرات به رونق اقتصاد استان و منطقه کمک می‌کند و تشکر ویژه ای دارم از سرکار خانم علیزاده و جناب آقای خیرآور که بانی این حرکت نیکو در اقتصاد استان و منطقه شده‌اند. انجام این رتبه‌بندی در میان شرکت‌های منطقه‌ی آذربایجان طی سه سال گذشته، اثرات بسیار مثبتی در ایجاد رقابت در میان بنگاه‌های اقتصادی فعال در اقتصاد منطقه داشته است. اما اگر ما بخواهیم کشور را از بیکاری، رکود، تورم و اعتیاد نجات دهیم باید تولید محوری را در راس برنامه‌های مان قرار دهیم. انجام رتبه‌بندی شرکت‌های برتر منطقه نیز در شرایط اقتصادی بحرانی تحت تحریم کشورمان، توانسته است در منطقه‌ی آذربایجان قوت قلبی برای واحدهای اقتصادی فعال ایجاد نماید. در واقع شرکت‌های بزرگ منطقه توانسته‌اند با نشان دادن حجم فروش، سود، صادرات و سایر ویژگی‌های مثبت خود، طی این رقابت اقتصادی سالم

نتایج تلاش هایشان را در معرض دید قرار دهند. البته جای تأسف دارد که به رغم تمام تلاش‌هایی که همه‌ی مان در حال انجام هستیم چندین سال طول خواهد کشید تا ما به نقطه‌ای برسیم که در سال ۸۳ در آن قرار داشتیم. ما در تولید پسرفت کرده‌ایم و اینجاست که تولید محوری را باید در برنامه‌ی کلیت جامعه از ارگان‌های دولتی و بخش خصوصی گرفته تا تک‌تک مردم قرار دهیم. نباید یک ارگان به عنوان متولی، تولیدمحوری را حمایت و حفظ کند بلکه بایستی ارگان‌های دیگر و کلیت جامعه نیز تولید محور باشد. درخواست ما از تمامی عزیزان این است که تلاش خود را معطوف به خروج استان از این وضعیت نامناسب اقتصادی کنند. در آخرین دیداری که از یک واحد تولیدی داشتیم متوجه شدم که از پنج شش سال پیش به این سو که از همان واحد تولیدی بازدید داشتیم تعداد کارکنان از ۲۸۰ نفر به ۵ نفر کاهش پیدا کرده است. با این شرایط، دفاع از تولید محوری معنای چندانی ندارد. جای تأسف دارد که در حال حاضر تعداد زیادی از واحدهای تولیدی در همین شرایط هستند. البته ما تمام تلاش خود را خواهیم کرد که جامعه تولید محور باشد و تولید محور بماند، و از شما و مسئولین محترم هم چنین انتظاری داریم. متأسفانه درآمدی که در دولت گذشته از محل صادرات نفت به طور کلانی عاید کشور شده بود؛ سرنوشت نامعلومی یافت و به جای اینکه صرف سرمایه‌گذاری در تولید شود صرف ساخت و ساز مسکن مه‌ری شد که بسیاری از واحدهای آن اساساً قابلیت سکونت ندارند. امروز باید بتوانیم برای نجات کشور، منطقه و استان از این رویه‌های خطا دوری کنیم.



رضاحسینی

مدیرکل سازمان امور اقتصادی و دارایی

استان آذربایجان شرقی

ضمن تشکر از برگزارکنندگان همایش انتخاب شرکت‌های برتر منطقه‌ی آذربایجان، بنده نیز ضمن تأیید نظرات دوستان در تأکید بر تولید محوری، می‌خواهم یادآور شوم که ما همگی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها صحبت می‌کنیم. چه در حوزه‌ی منابع انسانی و چه در حوزه‌ی منابع طبیعی. اما چرا نمی‌توانیم از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم؟ برای روشن شدن مساله می‌خواهیم یک مثال تاریخی بزنم. در مقطعی از تاریخ ایران در سال‌های ۴۷ دووزارتخانه‌ی وزارت صنعت و معدن از حقوق تولیدکنندگان دفاع می‌کرده داشته است. به این ترتیب وزارت صنعت و معدن از وزارت بازرگانی در کشور وجود است و وزارت بازرگانی هم از حقوق تجاری که قصد واردات کالا را داشتند. برای رفع این مشکل پیشنهاد تجمیع وزارتخانه‌ها طرح می‌گردد و این امر با ساختار وزارت اقتصاد محقق می‌گردد. این وزارت اقتصادی که آن زمان شکل می‌گیرد، با وزارت صنعت، معدن و تجارت امروز بسیار متفاوت بود. ساختار در آن زمان ساختار منطقی با وظایف منطقی بوده است. شما بررسی کنید تمام کارخانه‌های باثبات و قابل اعتنایی که هنوز هم می‌شود و بر روی آنها به عنوان کارخانه‌های مادر تخصصی تکیه داشت و در توسعه‌ی ایران از آن زمان تا کنون اثر خود را نشان می‌دهند، محصول همان زمان هستند. در اثر این دیدگاه منطقی و استقرار یک ساختار منطقی در آن زمان، ایران به سمت توسعه حرکت می‌کند و حتی به عنوان الگوی سایر کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شود. حرف بنده این است که ما نمی‌توانیم از ظرفیت‌های موجودمان استفاده کنیم و منابع مادی و انسانی ما از دست می‌روند چرا که ما نتوانسته‌ایم ساختارهای مناسب اجرایی و اداری را برای شکوفائی ظرفیت‌ها خلق کنیم. ساختار اجرایی و اداری ما این ظرفیت را ندارند که هم بتوانند در حوزه‌ی تکامل فکری این فضا را ایجاد بکنند که ما بتوانیم منابع انسانی خودمان را به بازی بگیریم و هم نمی‌گذارند در اثر پرورش منابع انسانی و جایگیری این منابع در محل‌های درستخود، بتوانیم تصمیم‌های منطقی بگیریم. در واقع بزرگ‌ترین چالش امروز ما این است که نمی‌توانیم از ظرفیت منابع انسانی خودمان در ظرفیت تولیدیمان استفاده کنیم. از این امر که بگذریم می‌رسیم به مشکلی که این ساختارهای غلط برای پس از تولید رقم زده‌اند. یعنی وقتی تولید انجام شد ما باید بتوانیم محصولات را صادر کنیم که نمی‌توانیم این کار را محقق کنیم و این ساختارهای منطقه‌ای غلط اجرایی و اداری در منطقه اجازه‌ی انجام دست کار را به ما نمی‌دهند و به این ترتیب مدیران منطقه‌ای در یک حجاب اداری‌ای که منجر به تحول و توسعه نمی‌شود در حال کار هستند.



احمدبدیعی

مدیرعامل شرکت کلرپارس

مشکلات طرح شده توسط دوستان، ادامه خواهد داشت. عدم وجود ارتباطات بین‌المللی نیز یکی از عوامل جدی‌ای است که می‌تواند مانع تولید و در نتیجه مانع توسعه شود. به نظر من استراتژی صنعتی هنوز پس از سال‌ها اجرایی نشده است. حدود ده سال پیش در شستا جلسه‌ای در نقد برنامه‌ی استراتژی صنعتی که آقای دکتر نیلی تهیه کرده بودند، گذاشتند و آنجا شاهد نقد طرح بودیم و امیدوار به اجرای آن شدیم اما باز هم اجرای آن شروع نشد. در بیان مضرات اجرایی نشدن این طرح، می‌توان به صنایعی چون فرش ماشینی و ماکارونی اشاره کرد که، به جهت تعدد مجوزه‌های صادره، کارشان به تعطیلی تعدادی از واحدها رسید و برخی صنایع دیگر را داشتیم که آنقدر در انحصار قرار داشتند که عملاً هیچ رقابتی در آنها وجود نداشت. تمامی اینها حاصل عدم توجه به اجرای استراتژی صنعتی کشور بود. این اتفاق متأسفانه در صنعتی هم که ما در آن فعال هستیم که تولید کلر و مشتقات آن است که به طور عمده در تصفیه‌ی آب کاربرد دارد، پیش آمده و طبیعی است که پس از مدتی به تعطیلی واحدهایی که از پشتوانه‌ی کافی برخوردار نیستند خواهد انجامید. من امیدوارم بتوانیم در این دولت بحث استراتژی صنعتی را پی‌گیری و اجرایی کنیم چرا که به عنوان مثال زنده شاهدیم، صنایعی که در اواخر دوره‌ی قبل از انقلاب ایجاد شد، که در استان و شهر ما به واسطه‌ی سازمان گسترش و به خصوص مهندس تقی توکلی تاسیس شدند، یا صنایع خصوصی دیگری که در کشور مثل ایران خودرو و کفش ملی بوجود آمده بودند، امروز در نتیجه‌ی عدم ارتباط با جامعه‌ی جهانی و اعمال تحریم‌ها شرایط مناسبی ندارند و این نشان می‌دهد که نبود استراتژی چقدر به اقتصاد کشور صدمه زده است. مطلب بعدی شفاف‌سازی اقتصاد است. سال گذشته به ابتکار آقای دکتر نهاوندیان، کارت‌های بازرگانی رتبه‌بندی شده و خوشبختانه شرکت ما هم جزء صد شرکت انتخاب شد و به جلسه‌ای که آقای دکتر نهاوندیان در آن شرکت داشتند دعوت شدیم. در آن جلسه ایشان به رویه‌ی «ماهاتیر محمد» در مالزی اشاره داشتند که با انتخاب صد شرکت موفق مالزی و به کمک آن صد شرکت، توسعه‌ی مالزی اتفاق افتاد. ایشان بر شفافیت فعالیت اقتصادی این شرکت‌ها تأکید داشتند؛ ویژگی که با تکیه بر آن، شرکت‌ها توانستند به عنوان موتور توسعه‌ی آن کشور عمل کنند. در نهایت خدمت شما عرض می‌کنم که به رغم تحریم‌هایی که وجود دارد، فرصت‌هایی هم در منطقه پیش آمده است. فرصت‌هایی مثل امکان صادرات به عراق و روسیه. اما شاهدیم که این فرصت‌ها به جهت عدم آمادگی زیرساخت‌های فیزیکی و اداری و مشکلات و محدودیت‌های واحدهای صنعتی و اقتصادی کشور در حال از بین رفتن هستند.



سلیمان نوروزی

رئیس هیات مدیره‌ی شرکت خاک چینی آذربایجان

دوستان تقریباً به تمامی مشکلات کلان اقتصاد کشور اشاره کردند. من قصد دارم با گذر از این مسائل کلی، که تا مرحله‌ی تصمیم‌سازی را شامل می‌شد، مشکلاتی که ما به عنوان واحدهای تولیدی با آنها درگیر هستیم را مطرح کنم. مشکلی که ما الان با آن درگیر هستیم فاصله‌ی بین مرحله‌ی تصمیم‌گیری با مرحله‌ی اجرا است. جای تأسف دارد که ما همواره زمانی به مرحله‌ی تصمیم‌گیری می‌رسیم که اجرا در بدترین شرایط ممکن است. امروز هم همین اتفاق افتاده است و ما قانون رفع موانع تولید و تصمیماتی مشابه آن را زمانی می‌گیریم که بیشتر واحدهای تولیدی ما با مشکلات بسیاری مواجه شده‌اند. و معمولاً در رابطه با پیشگیری از رسیدن به این مرحله اقدامی صورت نمی‌گیرد. زمانی که کشور در رونق است و درآمدهای نفتی بالاست اصلاً توجهی به تولید نمی‌شود و زمانی که کار در حصول درآمدهای نفتی به مشکل می‌رسد تازه به این نتیجه می‌رسیم که تولید را احیا بکنیم! در واقع بحث‌های پیش‌گیرانه معمولاً جایگاهی در تصمیم‌گیری‌ها ندارند. در نتیجه امروزه که تصمیم برای حمایت از تولید گرفته می‌شود یک زمان طولانی‌ای را باید برای اجرایی شدن آن تصمیم صبر کنیم که این زمان موجب می‌شود که تصمیمی که به اجرا در می‌آید دیگر آن قابلیت و اثربخش‌ای را که این تصمیم به آن جهت گرفته شده است و تا زمان اجرایی شدن از دست داده باشد. اگر این بازه‌ی زمانی بین تصمیم و عمل را کم کنیم خواهیم توانست بخشی از مشکلات را حل کنیم.



احمد سجودی

مدیرعامل شرکت عمران و توسعه‌ی آذربایجان

من فکر می‌کنم مشکلات ما بیشتر به دخالت‌های دولت ارتباط پیدا می‌کند. در

اینجمن به برخی از مواردی که دولت نباید در آنها دخالت می‌کرد اشاره می‌کنم. البته بنده هم قبول دارم که ساختارهای نهادی ما دچار مشکل هستند، اما همان نهادهای ساختاری قبل از سال ۸۴ هم تا حدودی جواب مثبت داده بودند. در مورد افزایش ظرفیت جذب باید بگویم که اگر مشکل مان را با سرمایه می‌توانستیم حل کنیم که تا به حال مسائل حل شده بود. ما باید همراه سرمایه، تکنولوژی و نیروی انسانی را هم جذب کنیم و در واقع ظرفیت‌سازی کنیم. مساله‌ی دیگر مکانیزم های انتقال پول در ایران است، به گونه‌ای که پول به خارج از مسیر تولیدگرایی هدایت می‌گردد. مشکل دیگر هم تعیین نرخ بهره به صورت دستوری است که همواره مورد اعتراض ما بوده است. در مورد حضور در بازار جهانی باید بگویم که ما نخواهیم توانست به این سادگی‌ها موفق به این امر شویم. اقتصاد ایران عمدتاً برون‌زاست تا درون‌زا و دست ما هم خیلی برای فعالیت باز نیست. با توجه به تمام مواردی که در بالا گفتیم، تولید کار آسانی نیست. تولید سرمایه می‌خواهد، تکنولوژی روز می‌خواهد، بازار رقابتی می‌خواهد، و در نهایت مدیریت می‌خواهد. اگر مشکل اقتصاد ایران را ساختار، منابع، تکنولوژی و مدیریت بدانیم سهم مدیریت از تمام این مشکلات بیشتر است.



جمع بندی فرهاد مومنی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی

همانطور که ملاحظه فرمودید مباحث تئوریک دانشگاهی و تجربیات عملی دوستان و همکاران گرامی مجموعه‌ای از مولفه‌ها را در همین زمان کوتاه پیش روی شما قرار داد. بنده تأکید می‌کنم که مشکلات اقتصادی در ایران در مجموع در تسخیر علم فریاد دارد و این مساله خود نیروی محرکه‌ای امیدبخش در فضای اقتصاد کشور است. مصداق بارز این امر، که در این جلسه نیز ملاحظه کردید این است که اگر واقعا گوشی برای شنیدن و چشمی برای دیدن وجود داشته باشد، فهم پیچیدگی‌های اقتصاد ایران چندان برای ما دشوار نیست. آن چیزی که به نظر من در فرمایشات دوستان بسیار با اهمیت است، و من می‌خواهم بر آن تأکید بکنم، این است که علم به مثابه یک نیروی قدرتمند اجتماعی، اگر به درستی در دستور کار قرار بگیرد، درجه‌ی ایمان افزایش اش اگر بیش از درجه‌ی کارآمدسازی نباشد، کمتر از آن هم نیست. ما در سطح نظری می‌گوییم اگر کاری بکنیم که دانایی به عنوان یک نهاده‌ی تولیدی وارد تابع تولید بشود بازدهی صعودی می‌شود؛ چرا؟ برای اینکه یکی از معجزه‌های خلقت این است که نهاده‌ی علم، نهاده‌ای است که در آن استهلاک راه ندارد و این نهاده هر قدر که بیشتر به کار گرفته بشود و مصرف بشود بر طول و عرض آن افزوده می‌شود و این که شما می‌بینید که خداوند در قرآن با این که نماد صمد بودن است و نماد بی‌نیازی کامل، به این اعتبار که انسان را عالم خلق کرده است، ابراز شغف می‌کند. ولی همانطور که اشاره کردم رقبای علم در ایران امروز از علم و پشتیبانانش قدرتمندترند. به همین دلیل است که در یک حرکت فراگیر همه‌ی ما باید تصمیم بگیریم که در تفکر و فعل تلاش کنیم که فرایندهای تصمیم‌گیری تخصیص منابع در ایران در مسیر علم قرار بگیرد و روزی را مشاهده کنیم که چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای حتی یک تصمیم فاقد پشتوانه‌ی کارشناسی نداشته باشیم. نکته‌ی دیگری که در فرمایشات دوستان خیلی خوب آشکار شد، این بود که تولید محوری به مثابه یک نظام حیات جمعی در جامعه‌ی ما مطرح است و این به این معناست که نگرش سیستمی و همه جانبه و چندوجهی یکی از کلیدهای ما برای توسعه است. رفع این مشکل هم ممکن نیست مگر با مشارکت فعال همگانی. نکته‌ی بعدی فرمایشات دوستان این بود که چشم به بیرون نداشته باشیم، فرصت‌های بیرون را نادیده نگیریم. اما بایستی اتکا—مان به منابع مادی و انسانی خودمان باشد. حتی یک تجربه‌ی موفق توسعه در دنیا وجود ندارد که غیر از این باشد. هیچ کشوری نمی‌تواند از دانایی‌ها و توانایی‌های کشورهای خارجی در مسیر توسعه‌ی خودش استفاده کند، جز این‌که یک آزمون داخلی موفق پس داده باشد و به ظرفیت‌های سرمایه‌ی مادی و انسانی خودش بها بدهد و آنها را به شکل کارآمد مورد استفاده قرار بدهد. بایستی نکته‌ای عرض کنیم، که من این حرف را نه در مقام توصیه‌ی اخلاقی بلکه با استناد به گزارش سازمان توسعه‌ی جهانی با عنوان «دانایی برای توسعه» که در سال ۱۹۹۸ منتشر شد، عنوان می‌نمایم.

پرونده: الناز علیزاده اشرفی
آراز ادوای

توسعه

مسئله توسعه و الگوهای مرتبط با آن، همچنین نوع نگرش و سوگیری دولت‌ها و جوامع گوناگون در قبال مباحث و رهیافت‌های مختلف توسعه و مسائل مورد مناقشه آن، از بحث‌هایی است که همواره در میان دولتمردان، سیاست‌گذاران، دانشگاهیان و محققان مطرح می‌گردد. این مساله به اندازه‌ای اهمیت دارد که به یکی از مهمترین معیارهای شناخت و بررسی جوامع و کشورهای مختلف بدل شده و به این اعتبار در تمامی جوامع سطوحی از تلاش‌های مرتبط برای دستیابی به پیشرفت و توسعه قابل مشاهده است. اما نظرات مختلفی پیرامون اینکه اساساً توسعه چیست و لوازم و الزامات حصول به آن چیست، ابراز می‌گردد ضمن آنکه به نظر می‌رسد اجماعی نیز در این خصوص وجود ندارد. مباحثی مانند اینکه آیا توسعه یافتگی امری جهانشمول و دستاوردی بشری است که اصول خاصی دارد؟ آیا توسعه یافتگی پدیده‌ای است که همانند ریاضی به یک چارچوب مشخصی رسیده است؟ آیا اصول توسعه یافتگی مبتنی بر تجربه عمومی بشری است؟ بدین معنا که توسعه تحت تأثیر جغرافیا یا فرهنگ خاصی نیست و چه برای آلمان و چه برای کره جنوبی اصول ثابتی دارد؟

در مقابل، رویکرد دیگری وجود دارد که کلیت جوامع انسانی را واجد آنچنان گستردگی و پیچیدگی می‌داند که امکان یافتن اصول و مولفه‌های ثابت در امر توسعه یافتگی را ناممکن می‌انگارد و بویژه نقش فرهنگ را در این امر بسیار پررنگ ارزیابی می‌نماید.

این بحث‌ها همچنان داغ و پیرنگ در سطوح سیاست‌گذاران و بویژه دانشگاهیان در جریان است. هم‌صاحب‌نظرانی که در بررسی عوامل توسعه نیافتگی، ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایرانی از جمله عشیره و قبیله‌ای بودن، فرصت طلبی، دمدمی مزاج بودن و انعطاف پذیری شخصیت ایرانی در مقابل قدرت و مواردی اینچنینی را طرح می‌کنند و توسعه را در معنای حقیقی به مثابه تحولی در نحوه تفکر و نگرش می‌انگارند، و هم‌صاحب‌نظرانی که معتقدند مفهوم فرهنگ، مفهومی نهفته در تاریخ است و مفهوم آن صرفاً تکرار یک رفتار در بلندمدت است، در مورد توسعه و توسعه نیافتگی اظهار نظر می‌کنند. به زعم دسته دوم، چون فرهنگ تکرار یک رفتار در بلندمدت است، نمی‌تواند پدیده عمیقی باشد، چون آنچه عمق یک پدیده را تعیین می‌کند، عوامل اقتصادی، طبقاتی و اقلیمی است. بدین ترتیب و از این روی نتیجه گیری می‌نمایند که تأثیر فرهنگ بر روی توسعه نیافتگی تعیین کننده نیست. این دسته، همچنین معتقدند که ریشه فرهنگ در زیرساخت‌هاست. یعنی اگر شرایط عینی در زیرساخت‌ها تغییر کند، فرهنگ هم تغییر می‌کند و در مجموع، فرهنگ را عاملی غیر اصیل، مادی و غیر تعیین کننده می‌دانند.

با این تفاسیر، به نظر می‌رسد گام نخست در نیل به توسعه، رسیدن به یک تعریف واحد، منسجم و هماهنگ در خصوص اصول، مبانی و شرایط توسعه است. در همین راستا و برای پرداختن به ابعاد مختلف مساله توسعه از جمله ریشه‌های تاریخی آن، مضمون و مفهوم و نوع نگرش موجود نسبت به این مقوله در ایران امروز، پرونده ای تهیه گردیده که در آن از نظرات اساتید و صاحب‌نظران مرتبط با این حوزه بهره گرفته شده است.

گفتگوی اختصاصی با دکتر سلماسی زاده استادیار و پژوهشگر تاریخ توسعه در دانشگاه تبریز

تاریخ به مثابه فرهنگ و توسعه



کارایی: نگاه شما به عنوان یک متخصص تاریخ به پدیده توسعه چگونه است؟

سلماسی زاده: توسعه یک پدیده تاریخی است. رواج واژه توسعه به عنوان development پس از جنگ جهانی دوم بوده است. اما اگر توسعه را به معنای پیشرفت، ترقی و بهبود بگیریم، که البته این مفاهیم با هم متفاوت هستند، ریشه‌های آن تاریخ قدیمی‌تر هم دارد. از منظر اقتصادی تغییرات بهبود آمیزی که همراه با ترقیات اقتصادی بزرگ بود از قرن‌های شانزدهم و هیفدهم در اروپای غربی آغاز شد. می‌دانیم که در اثر تغییر نوع معیشت اقتصادی در کنار عوامل کلان دیگری مانند اصلاحات دینی، اکتشافات جغرافیایی و مهم‌تر از همه تغییر طرز فکر و نگرش انسان به جهان، تمدن جدید پایه‌گذاری شده است. بنده در کتابی که در این مورد نوشته‌ام «تاریخ به مثابه فرهنگ و توسعه» در سه فصل اول این مساله را دقیق‌تر مورد بررسی قرار داده‌ام که برای اختصار شما را به آنجا ارجاع می‌دهم. اما چیزی که در اینجا می‌توان گفت این است که تغییر فکر و نگرش انسان نسبت به خود، جامعه و هستی باعث ایجاد تمدن جدید شده است که یک بعد آن اقتصادی است. این تغییر اندیشه در سه حوزه‌ی پیش گفته از دو منظر صورت گرفته است. هم از منظر بینش (اپیستمولوژی) و هم از منظر روش (متدولوژی). خیلی خلاصه می‌توان گفت که در حوزه‌ی بینش، انسان عقلانی شد، و در حوزه‌ی روش، متدولوژی چهره‌ای تجربی به خود گرفت و این تغییرات کلان در نهایت به ایجاد تمدن جدید منتهی شد.

کارایی: این توسعه در اقتصاد چه جلوه‌هایی یافت؟

سلماسی زاده: آنچه که مرتبط با حوزه‌ی اقتصادی می‌توانیم در موردش صحبت کنیم این است که عقلانیتی که بیشتر در حوزه‌ی بینش به آن اشاره کردیم، در ذیل خود، در کنار سایر بخش‌هایش، شامل عقلانیت اقتصادی نیز می‌شود. عقلانیت اقتصادی را هم می‌توانیم هم در حوزه‌ی اقتصاد و هم در حوزه‌ی علوم اجتماعی تعریف کنیم. بنده هم نسبت به تمرکز مطالعاتم در سال‌های اخیر که تاریخ توسعه بوده است جمع بندی‌ای کرده‌ام که خدمت‌تان عرض می‌کنم. آن چیزی که از کتاب‌های مرجع علوم اجتماعی مانند «فرهنگ علوم اجتماعی - ریمون بودن و آلن بریکو» یا فرهنگ علوم اجتماعی «آلن بیرو» حاصل می‌شود این است که عقلانیت اقتصادی یعنی به حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن زیان. در این نوع نگرش اساس فعالیت‌های اقتصادی را سود شکل می‌دهد. یعنی هر انسانی و هر کنشگر اقتصادی‌ای چون به دنبال سود است دست به فعالیت اقتصادی می‌زند. این همان نکته‌ای است که پدر لیبرالیسم اقتصادی «آدام اسمیت» در مهم‌ترین اثرش «ثروت ملل» بر آن تأکید دارد. در این نوع نگرش به اقتصاد کار و تلاش و تولید، ثروت واقعی ملت‌هاست. در آن زمان فیزیوکرات‌ها، معتقد به اصالت زمین به عنوان محور ثروت بودند و مرکانتیلیست‌ها معتقد به اصالت نقدینگی و طلا به عنوان منشا ثروت بودند. اما آدام اسمیت در برابر این نظریات معتقد بود که کار و تولید منشا ثروت واقعی است و کار و تولید هم سود محور است. در نتیجه دولت نباید در عرصه‌ی اقتصاد دخالت کند. در واقع آشفتگی ظاهری بازار در نهایت تبدیل به مکانیزم عرضه و تقاضا می‌شود که به تعیین قیمت‌ها کمک به تولید خواهد شد. اگر دولت بخواهد به بهانه‌ی تعیین قیمت‌ها در اقتصاد دخالت کند، منجر به پرداخت بی‌بهره‌ی بیشتری از سوی مردم می‌شود. چون رانت‌های دولتی در عرصه‌ی اقتصاد وارد کردن کالاها به بهانه‌ی تنظیم قیمت‌ها، موجب کناره‌گیری تولیدکننده‌ی داخلی از تولید خواهد شد چرا که توان رقابت با کارفرمای بزرگ، یعنی دولت را نخواهد داشت. پس در واقع این نگرش جدید یک بعد اقتصادی و یک بعد تاریخی و اجتماعی دارد.

کارایی: منظور از بعد اجتماعی توسعه چیست؟ نگرش تاریخی به توسعه در این نوع تبیین از توسعه چه جایگاهی دارد؟

سلماسی زاده: «ماکس وبر» از جامعه‌شناسانی است که با گذشت بیش از صد سال از وفاتش هنوز هم نظریاتش از بنیان علمی کافی برخوردار بوده و قابل استناد است. ایشان در مهم‌ترین اثرش «روح سرمایه‌داری و اخلاق پروتستانی» بر همین نکته تأکید

دارد که روح تمدن جدید، سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری متأثر از اخلاق پروتستانی است که خود متأثر از آثار «کالوین» و «پیوترین» ها، چنین فرهنگی را ساخت که تنها ملاک آموزش و تعالی روح انسان کار زیاد و سخت و پس انداز سود حاصل از آن است. اینگونه بود که این زمینه‌ی فرهنگی بستر انقلاب فرهنگی را فراهم آورد. مفهوم این امر این است که وقتی قرار است من به سختی کار بکنم و تولید و در نتیجه ثروت ایجاد کنم، و قرار نیست که آن ثروت را هزینه بکنم، در نتیجه پس اندازی به وجود می‌آید که از آن به عنوان انباشت ثروت یاد می‌کنیم.

ثروت یاد می‌کنیم. بنا بر نظر مورخانی که در حوزه‌ی انقلاب صنعتی کار می‌کنند انقلاب صنعتی دو زمینه‌ی عمده داشته است. انباشت ثروت و انباشت دانش. پس در واقع چنین رویکرد فرهنگی‌ای، یعنی کار سخت و زیاد و پس انداز کردن، زمینه‌ی بزرگ‌ترین تحول اقتصادی قرون جدید شده است که همان انقلاب صنعتی است، که یکی از ارکان تمدن جدید را شکل داده است. در حوزه‌ی تاریخ ایران هم بنده معتقدم که اگر ما می‌خواهیم مطالعات مان کاربردی، با فایده و دارای اهمیت باشد باید چنین رویکردهای کلانی را پیگیری کنیم. برای نمونه ببینیم چرا در یک دوره‌ی تاریخی به کار به عنوان یک ارزش تأکید می‌شود و در دوره‌ی دیگری چنین نیست. از نظر بنده یکی از علومی که با متدولوژی علمی می‌تواند به تبیین این مساله کمک کند و در عین حال به گسترش فرهنگ کار منتهی شود تاریخ است.

کارایی: جایگاه فرهنگ در نگرش به توسعه در کجاست؟

سلماسی زاده: همانطور که می‌دانید فرهنگ مفهومی است پیچیده که به عبارتی برابر با تمدن انگاشته می‌شود. حتی تعاریف پیشینی از تمدن بیشتر بر فرهنگ استوار بود. این فرهنگ به یکباره و خلق‌الساعه ایجاد نمی‌شود و حاصل زندگی اجتماعی است. زندگی اجتماعی در کنار آموزه‌هایی که یا منشا وحیانی دارند، یا منشا عرفی و اجتماعی دارند، در گذر سال‌ها و ایام و روزگاران فرهنگ را پدید می‌آورند. اما در حوزه‌ی اقتصاد نکته‌ای که به نظر من از آن غفلت شده است و باید تأکید ویژه‌ای بر آن داشته باشیم، این است که ببینیم فرهنگ اقتصادی ما چه بوده و چگونه بوده است. برای دریافت این مساله و تبیین فرهنگ اقتصادی ما باید از تاریخ کمک بگیریم و می‌دانیم که تاریخ علمی، حکم کلی صادر نمی‌کند. به مانند آموزه‌های پست مدرنیته یک فرا روایت کلان از هر چیز وجود ندارد، بلکه در هر دوره‌ای و در هر عصری، مطالعه‌ی دقیق تاریخ آن عصر می‌تواند بگوید که چطور شد که فرهنگ اقتصادی از کار و تلاش و تولید و پس انداز، به سمت قناعت، پنهان کردن دارایی‌های اقتصادی، عدم استفاده از دارایی‌ها در تولید، و به عبارت دقیق‌تر بلوکه کردن ثروت پیش رفت. اینها معلول شرایط تاریخی‌ای هستند که فرهنگ را ساخته‌اند.

اگر بخواهیم مثالی در این زمینه بزنیم می‌توانیم به این مساله اشاره کنیم که به استناد یافته‌های تاریخی ما در عصر «ناصرالدین شاه» قاجار «حاج حسین امین‌الضرب» از تعداد زیادی از ثروتمندان اروپا ثروتمندتر بود؛ اما چرا نمی‌توانست ثروتش را در مسیر تولید به کار بگیرد؟ برای اینکه شرایط تاریخی نامنی‌ای را به وجود آورده بود، که مهم‌ترین انگیزه‌ی کنشگر اقتصادی یعنی سود را تهدید می‌کرد. در عصر مورد اشاره، یعنی نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم، مناسبانه نامنی‌هایی که در اثر عوامل گسترده تشدید شده بود امکان فعالیت اقتصادی آزاد سود محور را نمی‌داد. این بود که بسیاری از کسانی که دارای ثروت بودند ترجیح می‌دادند آن را پنهان کنند.

چرا در ایران این همه گنجینه و دینه پیدا می‌شود؟ چرا در نزد محافظه‌کاران اقتصادی ما حتی همین امروز، چنین آموزه‌ای وجود دارد که بهترین ثروت زمین است؟ چرا بخش زیادی از جامعه‌ی ما نقدینگی‌های خودشان را به جای اینکه ببرند در سازمان‌هایی مانند بورس و یا تولید تولیدات اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند ترجیح می‌دهند آن را تبدیل به طلا بکنند؟

به این ترتیب نه تنها امروز که در دوره‌ی تاریخی‌ای که عرض کردم اساس بر این بوده است که ثروت بلوکه بشود، تبدیل به طلا بشود و در نهایت آن طلا خاک شود. چون امنیتی نبوده است که «حاج امین‌الضرب» از ثروتش استفاده‌ی بهتری بکند.



البته درست است که او با استفاده از ارتباطات گسترده‌ای که داشت توانست اولین کارخانه‌ی برق را در تهران تاسیس کند، اما این کار به نسبت توان اقتصادی او بسیار محدود بوده است.

اما اگر از یک منظر دیگر وارد بحث فرهنگ اقتصادی بشویم، باز هم می‌توانیم مقایسه‌ای بین غرب و شرق و یا به طور ملموس‌تر بین اروپا و ایران انجام دهیم. حالا باید ببینیم که اگر ما آموزه های «وبر» در «ثروت ملل» را ملاکی نسبی قرار دهیم، آیا در دوره های تاریخی گوناگون در فرهنگ ما، کار زیاد و سخت ارزش است یا نیست؟ آیا فرهنگ کار کردن وجود دارد یا ندارد؟ آیا ما صرفا در اقتصاد معیشتی روزمره ماندگار شده‌ایم یا اینکه توانسته‌ایم از آن عبور کنیم؟ فکر می‌کنم در این بحث باید از آموزه های فرهنگی، ادبیات تعلیمی، و از مطالعات تاریخی بهره بگیریم، و هم از یافته‌های علم اقتصاد.

کارایی: **آیا این فرهنگ اقتصادی در تاریخ ما مستند است؟ چه کارهایی در این زمینه انجام شده است؟**

سلماسی‌زاده: **بله.** در یک دوره‌ای در ادبیات تعلیمی ما دیدگاه غالب این بوده است که «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند/ تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری». این اقتصاد، اقتصاد سنتی‌ای است که معنای آن میانه‌روی در هزینه است. کلمه‌ی اقتصاد نیز کلمه‌ای است عربی از باب افتعال از قصد، که معنای میانه‌روی دارد. چنین اقتصادی را اقتصاد بازدارنده و محدود کننده می‌نامیم. یعنی اساسا هدف از فعالیت اقتصادی به دست آوردن تکه نانی است که آن هم نباید به غفلت خورده شود و ای بسا تلقی بسیاری از اندیشمندان ما این بوده است که اگر آن تکه نان بشود دو – سه تکه نان، موجب غفلت انسان‌ها خواهد شد و به این ترتیب تولید انبوه در فرهنگ ما جایی پیدا نمی‌کند.

اتفاقا چنین تلقی‌ای در میان کاتولیک های اروپایی هم وجود داشت که فعالیت های اقتصادی و سود و پول انسان را از خدا دور می‌کند، چرا که باعث هوسبازی می‌شود. در قرون وسطی در اروپا چنین وضعیتی بود و آرای پاپ و کلیسای پاپی بر این مساله تاکید داشت که رفتن به سمت فعالیت اقتصادی روی کردن به دنیاست و روی آوردن به دنیا روی گردانی از آخرت است. در حالی که آن انقلابی که «کالوین» ایجاد کرد این بود که شما به فعالیت اقتصادی بپردازید اما حق ندارید سود به دست آمده را صرف هوا و هوس و تشریفات و تجمل کنید، بلکه آن را باید پس‌انداز کنید و دوباره در تولید به کار بگیرید.

یکی از کارهایی که بنده در این سال‌های اخیر انجام داده ام این بوده است که به استناد برخی از منابع دست اول تاریخی، و به صورت خاص سفرنامه های اروپائیان دیدار کننده از ایران، چنین مساله‌ای را بررسی کرده ام. در این تحقیق، به استناد پنجاه سفرنامه، بررسی شده است که آیا در نیمه‌ی اول سده‌ی نوزدهم آیا ما فرهنگ کار داشته‌ایم یا نداشته‌ایم؟ یافته‌های به دست آمده در این تحقیق، به روش تحلیل محتوا، یک وضعیت پارادوکسیکالی را نشان می‌دهد. از سویی تعدادی از این سفرنامه نویس‌ها، مثل «سر جان مالکم» که در ابتدای سده‌ی نوزدهم سه بار به ایران آمد و

کتاب مشهور و مهمی را به نام «تاریخ ایران» نوشت، تاکید دارند که ایرانی‌ها بسیار سخت‌کوشند. یا فرستاده‌ی آلمانی الاصل امپراتور روسیه «کوتسه‌بوه» تاکید دارد که بر خلاف آنچه که ما تصور می‌کردیم ایرانیان مردم زحمت‌کشی هستند. یا فرستاده‌ی هیات مدیره‌ی انقلاب فرانسه «اولیویه» که در سال‌های پایانی سده‌ی هجدهم به ایران آمد معتقد است که مردم ایران با توجه به اقلیم سختی که در آن زندگی می‌کنند، بسیار انسان‌های پرتلاشی هستند که در چنین تنگناهای محیطی قادرند آب‌به‌دست آورده و با اقتصاد کشاورزی ادامه‌ی حیات دهند. به قول «مالکوم» همین که مردم ایران هستند و گدا کم است و عدانی ناس (طبقات پائین جامعه) می‌توانند زندگی کنند نشانه‌ای‌ست از تلاشگری ایرانیان. از کسان دیگری مثل «ژوبر»، «لایارد» و دیگران هم نقل قول‌هایی در سختکوشی ایرانیان وجود دارد.

اما در تعداد دیگری از این سفرنامه‌ها، به نتبلی و بیکاری ایرانیان اشاره می‌شود. به عنوان مثال در آثار «موریه» و «فریزر» که در آنها گفته می‌شود در شهرها مردم بیکاره و تنبل و عیاشی وجود دارند که فقط مزاحمت ایجاد می‌کنند.

کارایی: دلایل این پارادوکس چیست؟

سلماسی‌زاده: با کمی دقت می‌توانیم این پارادوکس را توضیح دهیم. در واقع در زمان مورد بررسی یک فرهنگ واحد در ایران وجود نداشته است. تعدد اقوام در حیطه‌ی جغرافیائی ایران، باعث ایجاد خرده فرهنگ های متفاوتی می‌شده است.

آنچه که از سیمای کلی این سفرنامه‌ها بر می‌آید این است که اگر بیکاری و تنبلی وجود دارد اختصاص به بخشی از مردمان شهری دارد، و در آن زمان تنها حداکثر بیست درصد جمعیت ایران در شهر‌ها زندگی می‌کنند. بیش از پنجاه درصد در روستا‌ها و حدود سی درصد در ایلات و عشایر مردم سختکوشی هستند؛ و نکته‌ی جالب این است که بر خلاف تصور اولیه، بسیاری خانم‌ها و زنان در تولید، نقشی همپایه‌ی مردان دارند، که متاسفانه کمتر به این مساله پرداخته شده است.

حال بایدبا تحدید مسائل به بررسی تک تک موضوعات مربوط به این حوزه پرداخت. به عنوان مثال می‌توان فرهنگ کار، تولید و پس‌انداز، و میل به پیشرفت و ترقی را، در ایلات و عشایر، روستائیان و شهرنشینان بررسی کرد که در این مساله در نهایت به روشن شدن بنیان‌های توسعه‌یافتگی و یا توسعه نیافتگی در ایران خواهد انجامید.

کارایی: **تفاوت غرب با ما چه بود که راهی چنین متفاوت را پیمودیم؟**

سلماسی‌زاده: **پیشش** غربی‌ها در قرون جدید نسبت به ذات جهان و گوهر هستی تغییر کرد و دیگر برخلاف گذشتگان شان آن را امری ثابت ندانستند و به متغیر و سیال بودن آن متمایل شدند. این تغییر نگرش، هم زمانی بود و هم مکانی. در نتیجه تسلط بر طبیعت و زمان و مکان از لوازم و نتایج این نگرش است. در همین راستا بود که غربی‌ها روی به دانش تجربی و محاسبات ریاضی و اختراعات فنی آوردند و در نتیجه مساله‌ی تکنولوژی و فن‌آوری را به مفهوم امروزی آن به‌بارآورد. این تکنولوژی و فن‌آوری هم اسباب تسلط و برتری غربی‌ها بر دنیا را فراهم آورد.

بدیهی است که با این تفاوت پیشش‌ها نتایج بسیار متفاوتی نیز حاصل خواهد شد. اگر پیشش‌ما این باشد که ذات و جوهره‌ی هستی ثابت و لایتغیر است و هدف از آن رسیدن به کمال است، و این کمال نه در اثر کار علمی و نه در اثر کار اقتصادی، بلکه در اثر سیر و سلوک باطنی به دست می‌آید، در نتیجه ما در عرصه‌ی بازار و تولید اقتصاد حضوری نخواهیم داشت. آنچنان که برخی از متصوفه می‌گفتند، بست نشینی، گوشه نشینی و ذکر و اورادی که تأثیرات معنوی بر روح انسان می‌گذارد، مهم‌ترین راه و رسم زندگی و کمال است.

البته در اینجا لازم است که یادآوری کنیم که در اروپای قرون وسطی نیز، متأثر از آموزه‌های کاتولیکی، انسانی که گناه اول را در کارنامه داشت، مهم‌ترین هدف زندگی‌اش امرزش روح بود. در واقع در اروپای آن زمان نیز شباهتهایی به این نوع نگرش شرقی وجود داشت؛ اما تغییر این نگرش که اساس هستی بر ثبات نیست، بلکه بر تغییر است، موجب به وجود آمدن روش‌های جدیدی از شناخت شد، که این روش‌ها هم در علوم تجربی و هم در علوم ریاضی، با کمک یکدیگر موجب پدید آمدن فن‌آوری شدند. فن‌آوری نیز اسباب تسلط انسان، بر خود، جامعه و هستی شد.

کارایی: **این تفاوت در دیدگاه‌ها چه جلوه ی تاثیر گذاری در زندگی روزمره و تاریخ ملل پیدا می‌کند؟**

سلماسی‌زاده: از این منظر هم دو نوع انسان در تاریخ قابل شناسائی هستند. انسانی که به ثبات، سکون و عدم تغییر رای می‌دهد، و دل در گرو قضا و قدر و تقدیر منفی و خواسته‌های آسمانی دارد و در نتیجه به اندک نانی قانع است و سودای دیگری در سر ندارد. این انسانی است که بیشتر به آرامش و سکون و بهره مندی از سیر باطنی

می‌پردازد. نوع دوم هم انسانی است که به این باور رسیده است که می‌تواند پای بر سر افلاک نهد، ماجرا می‌جوید و سوار بر کشتی‌های نه چندان مقاوم، دو اقیانوس را طی می‌کند و یک قاره‌ی جدید کشف می‌کند. این انسانی است که جان خود را به کف می‌گیرد که کروی بودن زمین را ثابت کند.

از دل همین ماجراجویی‌هاست که تحولات اقتصادی پدید می‌آید. در اروپای قرون وسطی، به ویژه پس از شکل‌گیری امپراتوری عثمانی، راه‌های سنتی تجارت که مهم‌ترین نمادش راه ابریشم بود و راه ادویه، راه‌هایی که از شرق به غرب می‌رفتند، بسته شد. یعنی امپراتوری عثمانی مانعی شد بر سر راه اروپا و شرق افسانه‌ای که معدن ثروت و ذخایر بود که اصلی‌ترین این سرزمین‌ها ه‌ند، و چین بودند. به این ترتیب راه‌های دسترسی سنتی به شرق از طریق مدیترانه، تحت تسلط حکومت عثمانی در آمد. این نیاز عملی بود که در کنار رویکرد جدید به جهان، اروپائیان را در موقعیتی قرار داد که «کریستف کلمب» برای یافتن مسیر جدیدی به شرق، آنقدر در دریا به سمت غرب برود تا با دور زدن زمین، از راهی دیگر به هندوستان برسد، که این حرکت به کشف قاره‌ی بکر آمریکا منتهی می‌شود.

چنین تحرک و پویائی بود، که در کنار علم و فن‌آوری، قدرتی غیر قابل مقاومت برای اروپائیان فراهم کرد. نخستین جلوه‌های این قدرت غیر قابل مقاومت در درگیری‌های نظامی بروز کرد و در مرحله‌ی بعد در سلطه‌ی اقتصادی. چیزی که کشورهای قدرتمند غربی در سده‌ی نوزدهم به دنبال آن بودند به دست آوردن مواد اولیه برای کارخانه های صنعتی شان و فروختن تولیدات این کارخانه‌ها به کشورهای شرقی بود. چیزی که در این تغییرات از اهمیت بسیاری برخوردار است بعد تاریخی آن است که اهمیت این بعد تاریخی در تاکید بر تغییر بیشش و روش است.

امروز که ما صحبت از توسعه می‌کنیم، نخستین جلوه‌های توسعه برای ما یا نخستین دریافت‌های ما از توسعه، توسعه‌ی اقتصادی است. در حالی که بنابر پژوهش‌های جدید و تحقیقاتی که خود غربی‌ها انجام داده‌اند، نخستین نقطه‌ی تغییر اندیشه‌ی غربی که به تغییر بیشش و روش تحول‌زا منتهی شد، فرهنگ و روان انسان بود. به همین دلیل است که امروز در مباحث مرتبط با توسعه، مباحث و عناوینی مانند Human development جایگاه برتری دارد. شما اگر در منابع کتابخانه‌ای و مجازی UNDP (United Nations Development Program) را جست و جو کنید ملاحظه می‌کنید که امروزه رویکرد های جدید جهانی توسعه در قرن بیست و یکم بیشتر با رویکرد انسانی هستند. یعنی به عنوان مثال Human development برنامه‌ای است که سازمان ملل متحد در سایت خودش چشم‌انداز آن را تا سال ۲۰۲۰ ترسیم کرده است، و این برنامه کاملا رویکردی انسانی دارد.

در این رویکرد های انسانی اهدافی دنبال می‌شود که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به بالابردن سطح آموزش‌های اولیه، فراگیر شدن تحصیلات ابتدایی، جلوگیری از ظلم و ستم‌به‌زنان و کودکان، مساله‌ی اشتغال، مساله‌ی محیط زیست، و بسیاری موارد دیگر اشاره کرد که در نهایت به شکل کلی، فرهنگ را تشکیل می‌دهد.

کارایی: **پس توسعه به واسطه‌ی فرهنگ و تاریخ رابطه‌ای ناگسستنی با توسعه دارد که از گسترندگی مقوله‌ی فرهنگ ناشی می‌شود.**

سلماسی‌زاده: این که فرهنگ چیست و شامل چه مقولاتی است بحثی است بسیار گسترده. دو انسان شناس آمریکایی به نام‌های «کلاکن» و «بروکلی»، بیش از ۹۰۰ تعریف از فرهنگ ارائه کرده‌اند. آقای «داریوش آشوری» هم ۱۶۴ تا از اینها را انتخاب کرده و در کتابش به نام «تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ» در شش حوزه آورده است. آن چیزی که من فهمیدم این است که در این حوزه‌ها آن چیزی که در تمامی تعاریف مشترک است این است که فرهنگ شامل تمامی مقولات زندگی از جمله تکنولوژی می‌شود و در عین ثبات دارای تغییر است. این ثابت و در عین حال متغیر بودن مقوله‌ی فرهنگ، که نقطه‌ی اتصال دیدگاه شرقی و غربی است، یعنی تاریخ. این که امروز من با شما صحبت می‌کنم و هر انسانی با فرهنگی متفاوت با دیگری گفت و گومی‌کند، به این معنی است که ناخودآگاه در حال ارائه‌ی عصاره‌ای از تاریخ و فرهنگ خود است. در نتیجه و بستر این تاریخ و فرهنگ است که در یک جامعه کار و تولید و پس‌انداز به عنوان ارزش شناخته شده و توسعه‌ی جامعه را رقم می‌زند. اما آن علمی که دلایل این موجودیت این بیشش‌ها و روش‌ها و در نتیجه، توسعه یافتن و نیافتن ملت‌ها را تبیین می‌کند تاریخ است. این که چرا در فرهنگ شرقی ماجراجویی کم است اما در فرهنگ غربی ماجراجویی اصلی است که به آن افتخار هم می‌شود؟

کارایی: **آقای دکتر ریشه‌ی فرهنگی عدم توسعه یافتگی در ایران را در چه می‌دانید؟ کشورهای توسعه یافته در قیاس با کشورمان از کدام مولفه‌ها برخوردارند که توانسته‌اند راه توسعه را طی کنند؟**

سلماسی‌زاده: وقتی تاریخ را نگاه می‌کنیم می‌بینیم که سرزمین ایران مواجه با



تهاجمات بسیار بزرگی بوده است. دست کم در دوره‌ی پس از اسلام شش تهاجم بسیار بزرگ به ایران انجام شده است. به پیش از آن نمی‌پردازم چرا که در تخصص من نیست. وقتی در تاریخ ایران دقت می‌کنیم می‌بینیم که تعدد اقوام، تکثر جغرافیایی و تنگناهای اقلیمی، منازعات خونبار و پر دامنه‌ای را بر جغرافیای ایران تحمیل کرده است، که همه‌ی این‌ها مساله‌ی بزرگی به نام نا امنی را پدید آورده است که نا امنی مهم‌ترین مساله‌ی تاریخ ماست. در شرایط نا امن نیز قطعاً شرایط اقتصادی به سمت روزمرگی، تامین معیشت حداقلی، پنهان‌کاری، و رویه‌های خشونت بار می‌رود.

این در شرایطی است که در جای دیگری که آب‌ها آن را محصور کرده است و این سرزمین به طور طبیعی در برابر تهاجمات خارجی مصونیت یافته است، مثل کشور بریتانیا، و وجه اقتصادی سنتی آن کشور که کشاورزی بوده است و هرگز در مورد تامین آب آن مشکلی نبوده است، طبقات مستقل اقتصادی شکل می‌گیرند که آن طبقات می‌توانند جلوی خودکامگی پادشاه را بگیرند، نظام قانونی پدید بیاورند و در نتیجه‌ی همین نظام قانونی امنیت لازم برای فعالیت اقتصادی فراهم شود.

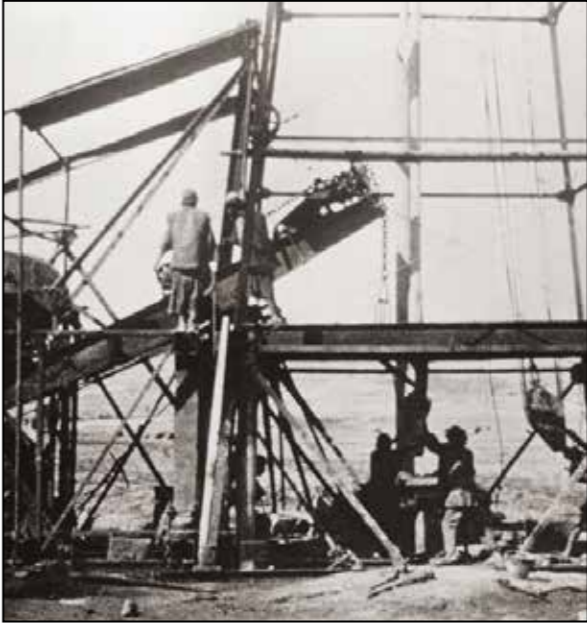
متأسفانه در تاریخ ما، دست کم در دوره‌ای که بنده در آن مطالعه می‌کنم، یعنی دوره‌ی معاصر قاجار و پهلوی، آن امنیت لازم برای فعالیت اقتصادی فراهم نبوده، چرا که یکی از دو پیش شرط اساسی انقلاب صنعتی را ما نداشتیم، یعنی انباشت سرمایه. البته انقلاب صنعتی معلول علل و عوامل بسیاری است، اما دو پیش شرط اساسی دارد. اولی انباشت ثروت و سرمایه است و دومی انباشت دانش. تا این دو به وجود نمی‌آمدند انقلاب صنعتی صورت وقوع نمی‌یافت.

کارایی: **خوب حالا با داشتن این اطلاعات تاریخی چطور قرار است نتیجه‌ای در جهت یافتن مسیر توسعه یافتگی بگیریم؟**

سلماسی‌زاده: در واقع اگر امروز در کشور کسی می‌خواهد از توسعه صحبت کند باید حتما به تاریخ توجه داشته باشد. تاریخ به معنای جنگ‌ها، فتوحات، خودکامگی‌ها و هوسبازی‌های خودکامانی که نام شاه و حاکم بر خود نهاده‌اند نیست. تاریخ به معنای تبیین علل، چرایی‌ها و چیستی‌ها و چگونگی‌های پیشرفت و انحطاط است، که همین مساله یعنی شناخت علل توسعه یافتگی و نیافتگی.

لازم است که ما بفهمیم که چه شد که منحنش شدیم و چه شد که توسعه نیافته شدیم. چه شد که ما عقب ماندیم و دچار رکود و خمودگی شدیم. از آنجا که برای ما نگاه کردن در این آینده زلال سخت است و شاید اصلا برای هر انسانی چنین است، باید در بررسی ریشه‌های تاریخی نیز از متخصصانی خبره استفاده کرد و از بر خورده‌های عوامانه دوری جست.

البته برخی از متخصصان تاریخ نیز چنان کلی‌گویی‌ها و تعمیم‌های ناروایی دارند که از منظر عام تاریخ را بیشتر شبیه به داستان و روایت می‌کند تا یک تبیین علمی. همین مساله نکته‌ای است که من به آن پای می‌فشارم و به آن تاکید دارم که اگر تاریخ می‌خواهد دانش باشد و فایده داشته باشد، باید با مهم‌ترین مسائل زمان خودش درگیر باشد، نه با غیبت مردگان. مهم‌ترین مساله‌ی زمان ما هم مساله‌ی توسعه است. البته نه فقط توسعه‌ی اقتصادی، همانطور که گفتیم توسعه‌ی انسانی، توسعه‌ی



فرهنگی و توسعه‌ی سیاسی و توسعه‌ی روانشناختی و همه جانبه را در بر می‌گیرد که در هر حوزه‌ای توسط متخصصان فن انجام می‌گیرد.

اگر ما بدون روش علمی و صرفا با غرق شدن در پارanoiای خودفریبی بخواهیم از خودمان مدح و ستایش بکنیم، و آن را در قالب تاریخ به خورد نسل جوان بدهیم، قطعاً هیچوقت توسعه‌پیدانمی‌کنیم.

کارایی: این فرهنگی است که ما حداقل در قرن اخیر عملا با آن زندگی کرده ایم. آیا این مساله یکی از عواملی است که راه ما را از غرب جدا کرده است؟

سلماسی‌زاده: یکی از ویژگی‌ها و شاخصه های تمدن جدید انتقادی بودن آن است. پایه‌ی پیشرفت تمدن غربی‌ها انتقادی بودن آن است. بنیان توسعه درست از لحظه‌ای گذاشته شده است که آنها به نقد گذشته و انتقاد از همه چیز پرداخته‌اند. این انتقادی بودن همان حلقه‌ی مفقوده ی فرهنگی در کشورهای توسعه نیافته است. «رئه دکارت» در نقد تا آنجا پیش رفت که در وجود خودش هم شک کرد و قرار شد تمامی معلومات پیشینی را از اثبات خودش استخراج کند. جمله‌ی معروف «می‌اندیشیم پس هستیم» تلاشی در جهت همین روند است. یعنی آن چیزی که از اصل «کوژنیو» ی «دکارت» نتیجه می‌شود قابلیت نقد پذیری تمام میراثی است که فرهنگ از گذشته به ما هدیه می‌کند و تاریخ آن را بیان می‌کند. تاریخ اگر این قابلیت نقد و انتقاد را با روش مندی علمی پیدا کند، انگونه‌می‌تواند تبیین بکند که چگونه شد که انقلاب صنعتی به وقوع پیوست و چطور شد که کشورهای توسعه یافتند و چطور شد که کشورهای توسعه نیافتند و دچار عقب‌ماندگی اقتصادی شدند، و در شناسائی راه حل‌ها کمک کند.

کارایی: دلایل عدم توسعه‌ی متوازن در کشورهایی که روی به توسعه‌ی غربی آوردند ولی توسعه نیافتند، مثل ایران عصر پهلوی، که در آن سخن از الگوبرداری از مدل‌های کلاسیک توسعه بوده است، چه بوده است؟ چرا به رغم تمام تلاش‌ها و حمایت‌های حکومت توسعه‌ی پایدار و متوازنی به معنای واقعی کلمه ایجاد نشده است؟

سلماسی‌زاده: در این حوزه همانطور که قبلا هم عرض کردم «ریمون بودن» و «آلن بریکو» از کسانی هستند که در این زمینه کار کرده‌اند. این نویسندگان در کتاب «فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی» این امر را بررسی می‌کنند که چرا کشورهای جهان سوم با این که الگوهای توسعه‌ی غربی را پیش می‌گیرند موفق نیستند.

یکی از تئوری‌هایی که این پژوهشگران ارائه می‌کنند این است که در کشورهای توسعه نیافته ثروت به دست آمده یا موجود به جای اینکه صرف پس‌انداز و انباشت ثروت شود و بعد در تولید به کار گرفته شود، بیشتر صرف هزینه‌های تجملاتی و تشریفاتی می‌شوند. این تئوری که به عنوان «تئوری اثر نمایش» از آن یاد می‌شود سوال می‌کند که چرا کشور ما که دارای درآمدهای نفتی است به عنوان مثال در دوره‌ی پهلوی توسعه پیدا نمی‌کند؟ و پاسخ می‌دهد که به خاطر اینکه این درآمدها صرف زیرساخت‌های تولیدی نمی‌شود. این درآمدها صرف وارد کردن موز می‌شود.

صرف وارد کردن تلویزیون شصت اینچ می‌شود. صرف وارد کردن بسیاری از کالاهای لوکس و تجملاتی می‌شود، که کشورهای توسعه‌یافته از گذر تاریخی از توسعه نیافتگی به توسعه یافتگی، هیچ وقت پول شان را صرف خرید چنین کالاهایی نکرده‌اند.

در کشورهایی که درآمد اقتصادی دارند ولی توسعه‌ی اقتصادی ندارند، دست کم یکی از مدل‌های تبیین این است که آن درآمد های اقتصادی صرف امور نمایشی و به تعبیر من تجملی و تشریفاتی می‌شوند، و صرف سرمایه‌گذاری زیرساختاری و پس‌انداز و تولید نمی‌شوند.

این که چرا این سرمایه‌ها صرف پس‌انداز و تولید نمی‌شوند، به فرهنگ برمی‌گردد. اما چرا فرهنگ یک جامعه‌ای این را می‌پذیرد؟ به خاطر همان زمینه‌های تاریخی‌ای که تبیین شد. یعنی اگر همان گونه که گفتیم در طول تاریخ، جامعه‌ای نا امن باشد، این جامعه‌ی نا امن زندگی کوتاه مدت را به افراد تلقین می‌کند. در نتیجه، جامعه‌ی کوتاه مدت درست می‌شود و فلسفه‌ی دم‌غنیمت است باب می‌شود و افراد تمام درآمدی را که به دست می‌آورند از ترس اینکه مبادا مصادره بشود، و مبادا مورد تهاجم داخلی و یا خارجی قرار بگیرد و نابود بشود، ترجیح می‌دهند که صرف لذت جویی‌های آنی‌شان بکنند. به همین دلیل است که در فرهنگ ما پر است از آموزه‌هایی که تاکید بر این دارند که دم را غنیمت است. هم اکنون را دریاب، و اکنون خوش باش.

البته این مبحث که در شبکه های اجتماعی هم از منظر روانشناسی کامیابی طرح می‌شود قابل قبول است اما از منظر اقتصادی نا درست است. یعنی از منظر اقتصادی درست نیست که منی که یک استاد دانشگاه هستم از یک ماشین دویست ملیون تومانی برای رفت و آمدم به دانشگاه استفاده بکنم. عقلانیت اقتصادی حکم می‌کند که من یک پراید معمولی بخرم و بقیه‌ی پولم را در تولید سرمایه‌گذاری کنم. کشورهایی که راه توسعه را در گذر تاریخی طی کرده اند چنین روال‌هایی را طی گذرانده‌اند. این روال در بریتانیا، آمریکا، آلمان و فرانسه و سایر کشورهای توسعه یافته، البته با تفاوت‌هایی، به همین صورت بوده است. یعنی همان آموزه‌هایی که «وبر» از «کالوینیست‌ها» و «پیورترین‌ها» تبیین می‌کرد، در این کشورها جاری شد و تنها راه آموزش روح‌شان کار سخت همراه با ریاضت شناخته شد که ثروت به دست آمده از این طریق را نیز حق نداشتند صرف لذت جویی خودشان کنند. اما این مسائل در خلا اتفاق نمی‌افتد و باید در یک بستر تاریخی رخ دهد. تاریخ کشورهایی که نتوانسته اند امنیت بسازند، نشان می‌دهد که ایجاد امنیت باعث ایجاد زمینه‌های کار و انباشت پس‌انداز و ثروت شده است.

کارایی: معنای این امنیت در مفهوم اقتصادی‌اش چیست و در کدام عوامل فرهنگی و اجتماعی و تاریخی ریشه دارد؟

سلماسی‌زاده: در تعریف امنیت گفته شده است که امنیت عبارت است از فراغت از هرگونه تهدید یا خطر، یا آمادگی مقابله با آن تهدید یا خطر. این تعریف کلاسیکی است که از امنیت ارائه شده است که البته به امنیت شخصی و جمعی، فردی، ملی و بین‌المللی، جسمی و روانی و … نیز تقسیم می‌شود.

اما اگر بخواهیم ببینیم که خودامنیت از چه‌سر چشمه‌ی می‌گیرد باید به بحثی بپردازیم که در جامعه‌شناسی به آن تاثیر و تاثر متقابل گفته می‌شود. امنیت هم زائیده‌ی عوامل اقتصادی است. هم زائیده‌ی غنای تکنولوژی و دانش است، هم زائیده‌ی بنیان‌های سیاسی قانونی است و حتی زائیده‌ی اقلیم است. یعنی اگر اقلیمی را طبیعت بازلزله و سیل و خشکسالی ناامن کرده باشد، این خود یک ناامنی درست می‌کند.

در علوم اجتماعی گفته می‌شود که در این علوم علت و معلول از نوع علت و معلول ریاضی نیست که طی آن «الف» علت «ب» باشد و تمام. در علوم اجتماعی «الف» علت «ب» است و «ب» «الف» را باز تولید می‌کند. یعنی به عنوان مثال همانطور که نا امنی فقر اقتصادی می‌آورد، فقر اقتصادی هم نا امنی می‌آورد.

کارایی: آقای دکتر می‌دانیم که ادعای حکومت‌ها در کشور ما در طول تاریخ این بوده است که در ازای همه چیز، امنیت به مردم کشورمان داده‌اند. اگر حکومت واقعا نتوانسته است به مردم ما امنیت را ارزانی کند پس چرا این امنیت، به عنوان مثال در دوره‌ی پهلوی، نتوانسته است شکوفائی اقتصادی و توسعه را برای ما فراهم کند؟

سلماسی‌زاده: چون حکومت‌ها درک درستی از مقوله‌ی امنیت نداشته‌اند. درک پهلوی اول از امنیت این بوده است که به عنوان مثال در راه‌ها دزد و راهزن نباشد. ولی اگر قرار باشد در راه‌ها دزد نباشد، اما در پایتخت یک شاه دزد باشد، سرمایه‌گذار هیچ موقع نمی‌تواند سرمایه‌گذاری کند. در حالی که در کشور ما همیشه به عوامل بسیار حداقلی از امنیت پرداخته شده است، همیشه فراموش می‌شود که بزرگ‌ترین عامل امنیت‌ساز عقلانیت است. این امر به این معناست که مردم به جای نزاع و به جای اینکه خون همدیگر را بریزند، می‌نشینند و با گفت و گو و عقل مشکلات‌شان را حل

می‌کنند و برای این که جامعه طوری اداره بشود که امنیت لازم برای کار اقتصادی، سرمایه‌گذاری و توسعه به وجود بیاید، همین مردم از میان خودشان نمایندگانی را، که فرض بر این است که انسان‌های درس خوانده‌ای هستند و در حوزه‌ی خودشان متخصص هستند و انسان‌های بی‌غرضی هستند، انتخاب می‌کنند و در جایی به نام مجلس گرد می‌آورند.

مجلس یا پارلمان است که نماد عقلانیت یک ملت است. مجلس یعنی محل خرد جمعی. خرده‌های شخصی ممکن است که در اثر اغراض شخصی با هم به تعارض و تضاد برسند. اما اگر انسان از چنان رشدی برخوردار شد که برای خودش نماینده انتخاب کرد، و این نماینده‌ها در جایی جمع شدند، و مقررات و قوانینی وضع کردند که به تعبیر «کاره دومالبرگ» قانون، یعنی بیان خواست اراده‌ی عمومی، را به تصویب رساندند و به این ترتیب خواست عموم مردم و منافع اکثریت را به کرسی نشاندند، آن موقع نظام قانونی درست می‌شود که مهم‌ترین بستر، شرط و لازمه‌ی امنیت است.

کارایی: آیا از این گفتار نتیجه می‌گیریم که انقلاب صنعتی در اروپا زائیده ی مردم سالاری بوده است؟

سلماسی‌زاده: انگلستان در انقلاب صنعتی موج اول پیشگام بود. سوال در اینجاست که چرا فرانسه در این امر پیشگام نشد؟ چرا شاهزاده‌نشین‌های آلمانی در انقلاب صنعتی پیشگام نشدند؟ به دلیل این که در بریتانیا از سده‌ی دوازدهم «ماگنا کارتا» صادر شده، پارلمان درست شده، و نظام قانونی حداقلی درست شده است که پادشاه به دلخواه خود نمی‌تواند جان و مال دیگران را تهدید و مصادره بکند. این امر است که از آن زمان تا کنون در انگلستان امنیت ایجاد کرده است. تمام این روندها در بریتانیا به این دلیل ایجاد شده‌اند که طبقات اقتصادی توانسته‌اند قدرت سیاسی را مهار کنند. این زمینه‌های مردم سالاری است که در نهایت با تکمیل ماشین بخار در بریتانیا در سال ۱۶۸۳ توسط جیمز وات و یاد دیگر نقاط عطف تاریخی متعدد زمینه را برای آغاز انقلاب صنعتی در این کشور قبل از دیگر سرزمین‌های اروپایی ایجاد کرد.

کارایی: آقای دکتر ریشه‌های این مردم‌سالاری در دولت نهفته است یا ملت؟ سلماسی‌زاده: باز اینها هم هر دو با هم در تاثیر و تاثرند. حاکمان هر کشوری از دل مردم همان کشور برمی‌آیند. میان‌پرده‌های بسیار کوتاهی داریم که از خارج از یک کشور کسی حاکم بر سرنوشت کشورها بوده باشد. حداقل در تاریخ ما این میان‌پرده‌ها بسیار کوتاه است. یعنی این امر هرگز تبدیل به رویه‌ی معمول نشده است و روال عادی این بوده است که حاکمان کشور ما از دل مردم کشورمان برخاسته‌اند. وقتی که یک ملت فرهنگ و تاریخش استبدادی باشد، طبیعی است که حاکمانش هم خودکامه می‌شوند. اما اینجا تاثیر و تاثر متقابل است. همان حاکمی که در یک شرایط نرمال و طبیعی بر سر کار می‌آید شرایط جامعه را به سمتی می‌برد که خودکامگی دوباره بازتولید می‌شود.

کارایی: راهکار مقابله با بازتولید خودکامگی در طول تاریخ چیست؟ سلماسی‌زاده: آنچه که من تا امروز دریافته‌ام این است که شاه کلید راه‌هایی از این خودکامگی در عقلانیت و خردمندی است. یعنی کدام انسان‌ها هستند که کار و تولید را ارزش می‌بینند؟ کدام انسان هستند که به جای گریز، ستیز را انتخاب می‌کنند؟ کدام انسان‌ها هستند که به جای غرق شدن در مشکلات سعی می‌کنند در موج آن مشکلات سواری بکنند؟

اگر در کتاب‌های کلاسیک دانشگاهی مرتبط با توسعه نگاه کنید مبحث عقلانیت یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با توسعه است. این امر تا آنجا مهم است که تعریفی که «وبر» از مدرنیته ارائه می‌دهد برای کلمه‌ی توسعه در زمان وی مصطلح نیست. چون «وبر» در ابتدای سده‌ی بیستم فوت می‌کند و کاربرد واژه‌ی توسعه در معنی «development» پس از جنگ جهانی دوم است. اما اصطلاح جاری و رایج که به‌نوعی با توسعه همپوشانی دارد و به نوعی توسعه از نتایج آن است مدرنیته است. مدرنیته و یا در اصطلاح فارسی ما «نوسازی» از نگاه «وبر» یعنی فرایند عقلانی ساختن امور. این فرایند عقلانی ساختن امور در چهار حوزه رخ می‌دهد. اقتصاد، سیاست، روابط شخصی، و کدگذاری های قانونی و حقوقی. این چهار حوزه اگر عقلانی بشود امنیت تأمین می‌شود.

همینجا لازم است یادآوری کنم که توسعه امری اتفاقی نیست و به تقدیر و مشیت الهی ارتباطی ندارد. بلکه توسعه امری است انتخابی و با برنامه و با عقلانیت به دست می‌آید.

کارایی: آقای دکتر نسبت احتیاط و ترس با امنیت و در نتیجه توسعه چگونه است؟



سلماسی‌زاده: انگلیسی‌ها ضرب‌المثلی دارند با این عنوان که «تمام تخم مرغ هایت را در یک سبد نگذار». از این ضرب‌المثل امروزه به خصوص در ارتباط با سرمایه‌گذاری در بورس استفاده می‌شود به این معنی که با تشکیل یک پورتفوی متنوع از سهام شرکت های گوناگون، تمام سرمایه‌ی خود را در یکجا سرمایه‌گذاری نکنید. این همان احتیاط است و چیزی است که در چار‌چوب عقلانیت تعریف می‌شود و واقعی است.

حالا اگر فردی فوبیا داشته باشد و از عوامل غیر واقعی بترسد، مثل این مورد که فردی از چشم خوردن بترسد و یا با پریدن کلاغی احساس بدشناسی کند مساله تفاوت خواهد کرد. این ترس واهی در مواردی حتی تاریخ را هم دگرگون کرده است. به عنوان مثال به هنگام حمله‌ی موغولان به ایران، بیشتر این فوبیا بود که آن‌ها را در برابر ایرانیان به پیروزی می‌رساند تا توان واقعی‌شان.

ترس‌های اقتصادی نیز به همین گونه ممکن است واقعی و یا غیر واقعی باشند. هر دو نوع این ترس‌ها نیز آثار خود را بر اقتصاد می‌گذارند. به همین دلیل است که اقتصاددانان دو ویژگی را برای سرمایه برمی‌شمارند. اول این که سرمایه به شدت ترسوست، و دوم این که سرمایه به شدت فرار است.

کارایی: این امنیتی که ما به دنبال برقراری آن در اقتصادمان هستیم بیشتر ریشه در کدام ترس دارد؟

سلماسی‌زاده: یخش عمده‌ای از آن واقعی است. وقتی مردم به جای سرمایه‌گذاری مازاد درآمد شان در بورس آن را صرف خرید دلار و طلا می‌کنند، این مسائل علل واقعی دارد. این علل واقعی هم وابسته به بسیاری عوامل داخلی و بین‌المللی اقتصادی و غیر اقتصادی است. برای غلبه بر این ترس‌های واقعی و غیر واقعی باید به عقلانیت گرایید، و عقلانیت در کوتاه‌ترین تعریفش یعنی تناسب وسایل با اهداف. عقلانیت اقتصادی هم در کوتاه‌ترین تعریفش یعنی به حداکثر رساندن سود و حداقل تأمین زبان. یعنی تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود با حداکثر مطلوبیت.

کارایی: پس وقتی ما توسعه پیدا نمی‌کنیم به این معناست که ما نتوانسته‌ایم این امنیت را تأمین کنیم؟

سلماسی‌زاده: بله. ما نتوانسته‌ایم امنیت را تأمین کنیم و در نتیجه توسعه پیدا نکرده‌ایم و تاریخ یکی از علومی است که این امر را که ما چرا نتوانسته‌ایم امنیت را تأمین کنیم و به عقلانیت برسیم و توسعه پیدا کنیم.

باید با دیدگاهی تاریخی توضیح دهیم که در حالی که فرایند مدرنیزاسیون در ژاپن هم‌زمان با ایران عهد «ناصرالدین‌شاه قاجار» آغاز شد، «موتسوهیتو» چه کرد که پس از پنجاه سال اقتصاد ژاپن توسعه یافت و این کشور مبدل به یک قدرت بزرگ صنعتی شد و توانست روسیه را در ۱۹۰۵ شکست بدهد و یکی از قدرت‌های درگیر جنگ در جنگ جهانی دوم شود و حتی امروز نیز از قدرت‌های صنعتی و اقتصادی بزرگ جهان باشد، چرا این روند در ایران طی نشد.

^[1] کارایی: شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۴

دولت توسعه‌گرا شرط لازم توسعه

دکتر علیرضا بافنده

اغلب پدیده‌های طبیعی و بسیاری از ساخته‌ها و آفرینش‌های امروزی انسان را بایستی ذیل مقولات و موجودیت‌های پیچیده بررسی و مطالعه نمود. با رشد پیچیدگی در پدیده‌ها، بویژه پدیده‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی، نیاز به سطح تحلیلی فراتر از علوم تک‌نگر در اکثریت حوزه‌ها احساس می‌شود. رویکرد سیستماتیک، نگاهی نو به مقولاتی است که به علت ارتباط بین اجزای آن و همچنین ارتباط آنها با دیگر پدیده‌ها، از پیچیدگی بالایی برخوردارند و رفتار جمعی متفاوتی بروز می‌دهند. بدین معنی که با مطالعه تک‌تک اجزای یک سیستم پیچیده نمی‌توان به رفتار جمعی آن دست یافت و بایستی کلیه ارتباطات موجود در درون و بیرون سیستم مورد توجه و تدقیق قرار گیرد. به نظر می‌رسد مقوله توسعه یکی از پیچیده‌ترین این موضوعات و مفاهیم بوده باشد، مقوله‌ای که برای درک آن، رویکرد سیستمی بنا به ذات و ماهیت خود می‌تواند بسیار کارساز و کارگشا باشد.

دکتر علیرضا بافنده دارای مدرک دکتری مدیریت باگرایش سیستم‌ها و مدیر واحد مشاوره و تحقیق سازمان مدیریت صنعتی آذر بایجان شرقی می‌باشد. ایشان بواسطه رشته تحصیلی خود، مطالعات و تحقیقات چندوجهی و میان‌رشته‌ای متعددی در مسائل مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی انجام داده‌اند. آنچه در پی می‌آید، مقاله‌ای است که دکتر بافنده در خصوص ارتباط میان ماهیت دولت و توسعه یافتگی به رشته تحریر در آورنده‌اند:



هر چند توسعه امری چند وجهی و موضوعی پیچیده می‌باشد، در این مقاله تنها نقش نهاد سیاست بعنوان وجهی از آن مورد بررسی قرار گرفته است. بانک جهانی در سال ۱۹۹۳ در گزارشی اعلام کرد که رشد اقتصادی کشورهای آسیای شرقی نسبت به دیگر بخش‌های جهان صرفاً با عوامل مرسوم، همچون سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و عینی قابل تبیین نیست، رشد اقتصادی در آسیای جنوب شرقی نه تنها با توسعه فرهنگی و اصلاحات سیاسی همراه بوده است بلکه تا حدود زیادی نیز نتیجه آنها بود. لغت ویج در کتاب «دولت‌های توسعه‌گرا» سیاست را نه تنها بعنوان متغیر اصلی در طرح و شکل توسعه، بلکه همچنین آن را متغیر کلیدی در موفقیت یا شکست فرایند توسعه در همه جوامع انسانی می‌داند. وی اظهار می‌دارد: «اگر ما درصدد فهم توسعه با فقدان آن هستیم، مجبور به فهم دولت ایم، و اگر ما خواهان فهم دولت ایم، مجبور به فهم نیروهای اجتماعی - یعنی سیاست - هستیم، نیروهایی که به دولت شکل می‌دهند و بوسیله دولت شکل می‌یابند». عبارات دیگر وجود یک دولت توسعه‌گرا قبل از هر نوع سرمایه‌گذاری شرط لازم برای توسعه می‌باشد. در بسیاری از موارد دیده شده است وجود سرمایه‌های فیزیکی غنی بدون وجود دولت توسعه‌گرا نه تنها توسعه‌ای را به همراه نداشته، بلکه عامل ایجاد ساختارهای اقتدارگرا، واردات بی‌رویه، فساد، ناکارآمدی اداری، آشفتگی اجتماعی و در نهایت فروپاشی نظام‌های اجتماعی بوده است. فقدان دولت توسعه‌گرا، سیاست‌های اقتصادی همچون آزاد سازی اقتصاد و خصوصی سازی را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. شخصی سازی به جای خصوصی سازی، شبه دولتی سازی، اعطای امتیازات به وابستگان و تقسیم اموال عمومی در میان بستگان تنها بخشی از پیامدهای سیاست‌های اقتصادی بدون حضور دولت توسعه‌گرا است. در اصل دولت‌هایی که اندیشه توسعه ندارند گاه به بهانه توسعه، اقدام به غارت اموال عمومی می‌کنند. این گونه از دولت‌ها اگر چه گاه همونوا با جریان غالب علم اقتصاد شعار اقتصاد آزاد را سر می‌دهند اما علاقه‌ای به توسعه واقعی بخش خصوصی ندارند. چرا که به خوبی می‌دانند توسعه‌ی بخش خصوصی، نیروهای مقتدر اقتصادی و اجتماعی که وابستگی به دولت را ندارند را ایجاد خواهد کرد. این نیروها تعهدی به حکومت نداشته، مانعی جدی بر سر راه اقتدارطلبی آن خواهند بود. تقویت بخش خصوصی، موجب رشد نهاد‌های مدنی همچون انجمن‌های کارفرمایی و کارگری می‌گردد که در نهایت قدرت دولت را به چالش می‌کشد. به عبارت دیگر از آنجائیکه دولت‌های اقتدارگرا وجود نهاد‌های مدنی را بر نمی‌تابند، برنامه‌ریزی‌های اقتصادی را بیشتر به سمت تقویت اقتدار خود هدایت می‌کنند. برنامه‌هایی که بنام بخش خصوصی و البته به کام دولت و نهاد‌های اقتدارگرا خواهد بود.

ی آن هستند. نهایتاً آزادی‌ها نه فقط اهداف اولیه‌ی توسعه، بلکه از جمله ابزارهای اصلی توسعه نیز می‌باشند. آزادی‌های سیاسی مانند آزادی بیان و انتخابات کمک به گسترش امنیت اقتصادی می‌کنند. به عقیده‌ی او غالباً ناامنی اقتصادی می‌تواند مانع از آزادی‌ها و حقوق مردم سالارانه ارتباط پیدا کند. در واقع، مردم سالاری و حقوق سیاسی حتی می‌تواند در پیشگیری از وقوع فحشی و دیگر فجایع اقتصادی کارکرد داشته باشد. رهبران سیاسی تمامیت‌خواه که خود اغلب از فحشی یا دیگر فحایع اقتصادی در امان هستند، هیچ انگیزه‌ای برای پیشگیری از وقوع این گونه مصائب ندارند. در مقابل، دولت‌های مردم سالار به خاطر پیروزی در انتخابات و مواجهه با نقد‌های عمومی، انگیزه‌های بسیار قوی برای ریشه کن کردن فحشی، بدبختی و دیگر مصائب دارند.

دسته بندی‌های زیادی از نوع نظام‌های سیاسی شده است. به طور کلی این نظام‌ها در یک طرف طیف می‌تواند بوروکراتیک، توسعه یافته یا قاطعانه و در انتهای طیف، پاتریمونیل، توسعه نیافته یا بی‌نظم و سست و حتی غارتگر و چپاولگر باشند. یکی از دسته بندی‌های مناسبی که در امر توسعه می‌تواند راه گشا باشد، دسته بندی ماکس وبر از دولت‌ها است. ماکس وبر بطور عمده برای تحلیل زندگی سیاسی کشورهای خاور میانه از اصلاح پاتریمونیل استفاده می‌کند. به نظر ماکس وبر، پاتریمونالیسم (پدرسالاری) حاکمیتی سیاسی است که یک‌خاندان پادشاهی، قدرت را از طریق یک دستگاه عریض و طویل اداری به صورت اجبار آمیز اعمال می‌کند. سلطاننسیسم حالت افراطی پاتریمونالیسم است که در آن سلطه بر پایه اراده شخص قرار گرفته است و بالاترین مقام حکومتی (شاه، حاکم، رئیس، ...) از تمامی قید و بندهای نظام سنتی آزاد است، از این رو، شبکه اصلی ارتباطات در نظام‌های اداری، به جای اعمال قدرت رسمی و قانونی، شبکه روابط وفاداران و چاکر منشانه و وابستگی - های خصوصی است. در نظام‌های پاتریمونیل، دیوانسالاری سیاسی و اداری به صورت کامل به مثابه ابزار خصوصی در انحصار حاکمیت است و حاکم در راس هرم سیاسی - اقتصادی قرار می‌گیرد. حاکمیت سیاسی، تحت رژیم پاتریمونیل، زمینه رشد نظام سرمایه - داری ناقص دلال صفت را فراهم می‌کند. در نظام اداری پاتریمونیل بر خلاف دیوانسالاری عقلانی، ابهام در مرزهای حوزه عمومی و حوزه خصوصی وجود دارد. در این نوع از ساختار سیاسی، مالکیت امتیازی است که حاکم می‌دهد بنابراین هر موقع اراده کرد می‌تواند این امتیاز را بستاند. به عبارت دیگر مالکیت فردی معنی و مفهومی ندارد. بخشش یا مصادره اموال موضوعی طبیعی است. بدیهی است جائیکه مالکیت فردی به راحتی می‌تواند ستانده شود، شهروندان امنیتی بر سرمایه‌های خود احساس نمی‌کنند، در این فضا سرمایه‌گذاری معنی خود را از دست خواهد داد. شخص حاکم در راس هرم قدرت سیاسی - فرهنگی، اقتصادی است و از طریق روابط شخصی حکومت می‌کند نه روابط رسمی و قانونی. به دلیل شخصی بودن امر سیاست و تجمع قدرت در نزد یک فرد، و غیر نهادی شدن آن، ساخت قدرت از نهادینگی گریزان است. تصمیم‌گیری - ها به صورت پنهانی صورت می‌پذیرد. قدرت در وجود حاکم متمرکز می‌گردد در حالی که تعهدی نسبت به پاسخگویی ندارد. از آن جایی که تصمیم‌گیری پاتریمونیل شدیداً شخصی است، لازم است که حاکم در فرآیند تصمیم‌گیری از خویشاوندان کمک گیرد. از آن سو نزدیکان حاکم نیز برای دستیابی به پست - های کلیدی به حاکم نزدیک می‌شوند و وفاداران به او خدمت می‌نمایند. «تفرقه بیانداز و حکومت کن» از اصول پاتریمونالیسم است. از

این رو حاکم میان درباریان و جناح‌های مختلف سیاسی تفرقه می‌اندازد و حکومت می‌کند. حاکمیت سنتی پاتریمونیل در اذهان جامعه معمولاً از طریق ارتباط دادن حکومت با دین، موجه، منطقی، مقبول و مشروع جلوه داده می‌شود. شخص اول فره ایزدی دارد و مخالفت با او برابر با عداوت با خداوند بوده مجازات سنگینی را به

همراه خواهد داشت. شاید نمونه‌ای از این نوع ساختار سیاسی، امپراطوری ژاپن قبل از جنگ جهانی دوم باشد. امپراطور بر اساس آموزه‌های مذهب رسمی ژاپن یعنی شینتو، خداوند متجسد بر روی زمین بود. مردم بر اساس آموزه‌های این دین امپراطور را خدا می‌دانستند بنابراین اطاعت از وی را امری دینی و واجب تلقی می‌کردند. هر چند بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از شکست ژاپن، امپراطور هیروهیتو رسماً اعلام می‌کند که خدا نیست و انسانی همانند سایر انسان‌ها است. بدین ترتیب گامی بزرگ به سوی توسعه‌گرا نمودن حکومت در کشور ژاپن برداشته شد. تقویت نظام پاسخگویی، کمترین پیامد این حرکت بود. و شاید یکی از محرک‌های اصلی توسعه در ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم، تحول در ساختار سیاسی بوده است.

میردال از اصطلاح دولت سست برای بیان نقش دولت و نهاد سیاست در توسعه استفاده می‌کند. از دیدگاه وی، نظم سازمان یافته دولت‌های مرفه اسکاندیناویایی نقطه مقابل دولت متزلزل و سست می‌باشد منظور وی از دولت‌های سست، دولت‌هایی هستند که نقائصی در قوانین و به طور خاص در رعایت و اجرای آن دارند. قانون‌گریزی مقامات دولتی، تبانی این مقامات با اشخاص یا گروه‌های قدرتمند و یک‌گرایش عمومی در جهت مقاومت در برابر نظارت‌های عمومی و ویژگی‌های این دولت‌ها است. نمونه بارز این دولت‌ها، برخی دولت‌های ما بعد استعماری در آفریقا هستند.

برخی از دولت‌ها اگر چه واجد صورت‌های ظاهری حکومت قانون همچون انتخابات، بوروکراسی اداری و ... هستند، در باطن قوانین و مقررات را چنان درهم تنیده‌اند که خروجی آن نظام اجتماعی چیزی جز دولت غارت‌گر، سست یا پاتریمونیل نمی‌تواند باشد. در بسیاری از دولت‌های آفریقایی اگر چه احزاب دموکراتیک رقابت‌جو با حاکمیت یک حزب یا حاکمیت نظامی جایگزین شد و حاکمیت‌های نظامی به نفع دموکراسی‌های جدید کنار رفتند، یک الگوی گسترش‌یابنده وابسته‌گرانی و فساد وجود داشت که از حاکمان و دار و دسته‌هایشان نشأت می‌گرفت و به نحوی همه



سطوح و عرصه‌های جامعه را آلوده می‌کند. در واقع زیر پوسته ظاهری قانون‌گرایی و دموکراسی، مناسبات پاتریمونالی جریان داشت و چه بسا که قانون نیز در خدمت توجیه آن بود. وجود دولت غیر توسعه‌گرا در کنار فقدان یک جامعه مدنی و یک جامعه سیاسی قوی (احزاب سیاسی) می‌تواند چنین زیست فاسد سیاسی و اقتصادی را

تقویت کند. جامعه مدنی و جامعه سیاسی دویخش دیگر نهاد سیاسی هستند که نظام پاسخگویی و نظارت جامعه بر عملکرد دولت را شکل می‌دهند. در نبود این دو حتی شاید دولت‌های توسعه‌گرا، بدلیل تمرکز قدرت و عدم پاسخگویی به دولت‌های غیر توسعه‌گرا و سست تبدیل تداوم توسعه‌گرا بودن دولت‌ها هستند. جامعه مدنی اغلب به انجمن‌ها و دیگر گروه‌های سازمان‌یافته‌ی واسط بین دولت و خانواده اشاره دارد. این موارد شامل اتحادیه‌های کارگری، جنبش‌های اجتماعی، انجمن‌های تخصصی، گروه‌های دانشجویی، گروه‌های دینی و رسانه‌ها هستند. شواهدی زیادی از نقش جامعه مدنی

در توسعه سیاسی و اقتصادی وجود دارد. پاتنام بیان می‌کند که تراکم زیاد انجمن‌های داوطلبانه در میان مردم شمال ایتالیا نسبت به جنوب ایتالیا موفقیت اقتصادی شمال ایتالیا را تبیین می‌کند. از باکلی نیز نقل شده است که پس از سقوط دولت سومالی، بی‌نظمی مدنی و سقوط درآمدها بیش‌تر کشور را فرا گرفت، اما در جایی که نیروهای محلی قوت بیشتری داشتند بی‌نظمی مدنی و سقوط درآمدها شدت چندانی نداشت. همچنین، در گجرات هند بر خورد‌های خشونت آمیز بین مردم محلی و مقامات حکومتی موجب رکود اقتصادی شده بود. از وقتی که اجتماعات محلی بسیج شدند و مدیریت نهادی را پذیرفتند، تضادها تقلیل یافتند و بهره‌برداری از زمین و درآمد در روستاها افزایش پیدا کرد. اما آنچه قابل تأمل است این نکته می‌باشد که دولت‌های غیر توسعه‌گرا معمولاً اجازه‌ای به فعالیت چنین جامعه مدنی و جامعه سیاسی نمی‌دهند بلکه بدتر از آن اقدام به مسخ و تهی‌سازی این گونه تشکیلات می‌نمایند. اتحادیه‌های کارگری غیر مستقل، تشکیل احزاب فرمایشی، صدور مجوزهای گزینشی به سازمان‌های غیردولتی (NGO) ها و در صورت لزوم لغو این مجوزه‌ها بخشی از این فرایند مسخ می‌باشد.

اگر چه توسعه‌یافتگی و نیز توسعه‌نیافتگی، اکوسیستمی با چرخه‌های حیاتی خود می‌باشند که این چرخه‌ها به صورت تعاملاتی بین نهاد‌های مختلف چون اقتصاد، سیاست و دین و فرهنگ شکل گرفته‌اند، تا جائیکه به نهاد سیاست مربوط می‌شود بدون دولت توسعه‌گرا، شکل دادن به اکوسیستم توسعه امکان‌ناپذیر خواهد بود.

اساساً حکومت از طریق تنظیمات نهادی، تدوین قوانین و مقررات مناسب، فضای مناسبی را برای کسب و کار می‌تواند فراهم نماید. وجود یک حکومت مردم سالار، باثبات و پاسخگو در مقابل رعایت حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان و وجود اعتماد متقابل بین مردم و حکومت، نقش اساسی در توسعه ایفا می‌کند.

سخنرانی منتشر نشده دکتر محسن رنانی

برای توسعه نباید منتظر دولت ماند باید خودمان گفت‌وگو را شروع کنیم



دکتر محسن رنانی استاد گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان و از صاحب‌نظران اقتصاد کشور است. وی تاکنون بیش از ۱۵ عنوان کتاب به‌طور مستقل یا مشترک تالیف و ترجمه و بیش از یکصد مقاله علمی به چاپ رسانده است. همچنین دو کتاب ایشان به عنوان کتاب سال دانشگاهی برگزیده شده است. معروفترین اثر او «بازار بانابازار» است و کتاب مهم دیگر او با نام «چرخه‌های افول اخلاقی و اقتصاد» پس از دوسال انتظار برای مجوز چاپ در بهار ۱۳۹۰ روانه بازار شد. این کتاب در زمان انتشار مورد استقبال قرار گرفت و در مطبوعات به‌طور گسترده معرفی شد. ماهنامه کارایی پیشتر هم در زمینه کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه‌انگیزی ایران: درآمدی بر عبور تمدن‌ها» که به‌طور گسترده در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته بود، مصاحبه اختصاصی و مفصلی با این استاد برجسته اقتصاد کشور ایشان داده بود اما این بار، دکتر رنانی، متن یکی از سخنرانی‌های منتشر نشده خود در باب توسعه، پیش شرط‌ها و الزامات آن را در اختیار این ماهنامه قرار داده است. در این سخنرانی بویژه بر روی گفت و گوی محلی برای دست یافتن به توسعه منطقه‌ای تأکید شده است.

در چنین رویکردی مفروض انگاشته شده که توسعه یعنی خرج کردن پول در زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها. با این رویکرد، اساساً طرح این سوال که توسعه چیست، سوال زایدی است.

اینکه توسعه چیست، گرچه سوال سهل و ممتنعی است و در آغاز سوال ساده‌ای به نظر می‌رسد، اما با اندکی کاویدن، می‌بینیم که سوال دشواری است و پاسخ روشنی برای آن نداریم و یا هنوز پاسخ روشنی به آن داده نشده است. اما در پاسخ به کسانی که می‌گویند این سوال، سوال بی‌جایی است و روشن است که باید تلاش کنیم، سرمایه‌گذاری کنیم، کارخانه راه اندازی کنیم، راه احداث کنیم، بایستی گفت که در ربع قرن اخیر بعد از جنگ تحمیلی، ما ذخائر نفت و گاز و آب خود را تقریباً تخلیه کرده ایم. اگر قرار بود توسعه با چنین تمهیداتی بیاید، می‌بایست تا به حال آمده باشد. این نشان می‌دهد که یک جایی از کار اشکال دارد. کشورهایی داریم که بدون این ذخایر به توسعه رسیده‌اند پس به نظر می‌رسد که

ما بایستی قبل از ادامه راه، در باب توسعه گفت و گوی جدی بکنیم. شاید اصلاً ما توسعه نمی‌خواهیم. شاید اصلاً ما توسعه به معنایی که سایر جوامع براساس قواعد و ضوابط مشخصی به آن دست یافته‌اند، را نمی‌خواهیم. بدین ترتیب بسیار اهمیت دارد که در بدو امر توسعه را تعریف کنیم و بگوئیم منظور ما از توسعه یافتگی چیست؟

علی‌احمال ممکن است برخی از مقامات، هنوز در مورد مطلوب بودن مفهوم توسعه به جمع بندی نرسیده باشند و اعتقاد داشته باشند که اگر توسعه راهی است که غرب رفته، دبی رفته، مالزی رفته، ترکیه رفته، ما طالب آن نیستیم. ای کاش می‌گفتند، ای کاش به صراحت اعلام می‌کردند و تکلیف همه روشن می‌شد. تکلیف قانون‌گذار، تکلیف سیاست‌گذار، تکلیف اساتید، تکلیف نویسندگان و همچنین تحلیل‌گران.

اما آیا توسعه به راستی ساختن کارخانه است؟ ما اگر انرژی هسته‌ای را غنی‌سازی کنیم و در این موضوع به کفایت برسیم، بدین معنی است که موضوع توسعه یافته‌ایم؟ اگر موشک به فضا بفرستیم، آیا بدین معناست که توسعه یافته‌ایم؟ اگر خودروی ملی بسازیم، به معنای توسعه یافتگی است؟ یا نه چنانچه هواپیما بسازیم، توسعه یافته‌ایم؟ این سوالاتی جدی است. چه تمهیداتی لازم است که ما را کشوری توسعه یافته قلمداد نمایند؟

در یک جمله توسعه تحولی است که در اندیشه رخ می‌دهد. تا این تحول در اندیشه رخ ندهد، آنچه که روی زمین به اسم توسعه رخ می‌دهد، ابزار قتل ما می‌شود. باید در وجود ما، فکر ما، رفتار ما، اندیشه ما یک تحول رخ دهد تا بعد و با آمدن اتوموبیل، موبایل و پتروشیمی ما منتفع شویم. اگر این تحولات رخ نداده باشد، تکنولوژی‌ها ابزاری می‌شود به ضرر ما. اتوموبیل می‌آید اما مبدل به ابزار قتل ما می‌شود. آلمان پنج برابر ما ماشین دارد و در سال پانصد کشته در تصادفات دارد. ما یک پنجم آلمانی ماشین داریم و در سال بیست هزار کشته می‌دهیم؛ یعنی اتوموبیل در آلمان پنج برابر کشور ماست اما کشته‌های ما در تصادفات چهل برابر آلمان است. این یعنی اگر تعداد اتوموبیل‌ها در آلمان‌ها به اندازه ما بود، یک دوستم می‌کشته می‌دادند. معنی این آمارها این است که اگر بهترین اتوموبیل‌ها را با آخرین فن‌آوری‌ها وارد کنیم، بدون رخ دادن تحول در اندیشه، هیچ اتفاق جدیدی نخواهد افتاد. تمام ابزارهای روز تبدیل به وسیله‌هایی شیک خواهند شد که نه تنها دردی از ما دوا نمی‌کنند بلکه به ابزار قتل ما تبدیل می‌شوند. به عنوان مثال موبایل را بر می‌داریم و شلیک می‌کنیم به شخصیت یکدیگر. آبرو می‌بریم و برای یکدیگر جوک می‌سازیم. شایعه پراکنی می‌کنیم و اخلاق جامعه خود را مورد اصابت قرار می‌دهیم. در نتیجه به جای اینکه موبایل ابزاری شود برای اطلاع‌رسانی و کمک به توسعه، وسیله‌ای می‌شود برای آسیب‌زدن به یکدیگر.

قبل از انقلاب جمعیت ایران سی و پنج میلیون نفر بود و تعداد سدها نوزده، امروز جمعیت ما دو برابر شده اما سدهای ما سی برابر شده است. ششصد و سی و پنج سد داریم. اما همچنان راضی نیستیم. اگر سدهای در حال ساخت را هم حساب کنیم، هزار و سیصد و سه سد خواهیم داشت. اگر پنج هزار سد دیگر هم بسازیم، باز هم چیزی عوض نخواهد شد. امروز آنقدر فرودگاه ساخته‌ایم که بسیاری از فرودگاه‌های حتی یک پرواز هم ندارند. بسیاری از فرودگاه‌ها هم که پرواز دارند به مراکز استان‌ها پرواز ندارند. به عنوان مثال، از اصفهان تنها به ده مرکز استان پرواز وجود دارد و به بیست مرکز استان دیگر از اصفهان پرواز وجود ندارد. یعنی معلوم نیست وقتی تقاضا وجود ندارد، ما اینهمه فرودگاه را برای چه ساخته‌ایم؟

چون سوال اول جواب داده نشده است؛ اینکه توسعه چیست؟ یک بار برای همیشه باید جمع شویم و به این سوال پاسخ دهیم. به این نتیجه برسیم که توسعه یعنی آنقدر قدرتمند می‌شویم که بتوانیم یک سانتی متر کمتر روی پدال گاز ماشین فشار دهیم. بایستی توسعه یافته باشید که بتوانید در یک ماشین پیشرفته بنشینید و توان داشته باشید که یک سانتی متر کمتر روی پدال گاز فشار دهید. این که به جای صد و چهل کیلومتر صد کیلومتر سرعت بگیریم، این قدرتی می‌خواهد که ما نداریم. بنابراین خیلی از خرج‌هایی که به اسم توسعه می‌کنیم، نه مخارج توسعه که مخارج توسعه نیافتگی است. یعنی اگر ما می‌توانستیم یک سانتی متر کمتر روی پدال گاز فشار دهیم دیگر لازم نبود خیابان‌های ما سرعت گیر داشته باشد. نرده نیاز نبود. خط کشی و چراغ راهنمایی نمی‌خواست و ما لازم نبود برای تمامی این‌ها به شهرداری پول پرداخت کنیم. هر کدام از این سرعت‌گیرها هزینه سالانه‌ی تعمیرات و نگهداری دارد، همچنین هزینه تعمیراتی که بایستی

برای خسارات حاصل از این سرعت‌گیرها بر روی اتوموبیل‌هایمان خرج کنیم. تمام این‌ها، هزینه‌های توسعه نیافتگی ماست. اگر تحول در اندیشه ما رخ دهد دیگر لزومی به این هزینه‌ها نیست. هزینه ترمیم خط‌کشی‌های اصفهان سالانه چهارمیلیارد تومان است. با چهار میلیارد تومان چند مدرسه می‌شد ساخت. به چند معلم می‌شد حقوق داد. اینها هزینه‌های توسعه نیست. اینها هزینه‌های توسعه نیافتگی است.

توسعه باید در اندیشه رخ دهد که رخ نداده است. توسعه را در بیرون، در خاک، در سیمان و در صنعت نباید جستجو کنیم. اگر تحول در اندیشه رخ دهد، پتروشیمی ارزان وارد می‌شود. فرودگاه ارزان می‌آید. ولی وقتی این توسعه رخ نمی‌دهد تمام اینها می‌آیند اما گران، ما چون نفت داریم توانستیم این همه سد و اینهمه فرودگاه بسازیم. اگر نفت نداشتیم نمی‌توانستیم این کار را بکنیم.

خلاصه کنیم توسعه دو بعد دارد. بعد مادی و اقتصادی که ملموس است و می‌بینیم، ماشین‌آلات، کارخانه‌ها، جاده‌ها، نورپردازی، پارک‌ها و

.... بعدی که لازم است و با فن‌آوری و سرمایه‌گذاری رخ می‌دهد. حاصل این بعد مادی رفاه است، اما رضایتی در پی ندارد. بعد مادی توسعه، آسایش می‌آورد اما آرامش نمی‌آورد. یعنی شما ممکن است با هواپیما رفت و آمد کنید، اما اعتصابان بابت آمد و رفت و بلیت گرفتن خرد باشد. اتوموبیل خوب سوار شوید اما اعصابتان به خاطر رانندگی همشهری‌ها ناراحت باشد. از رفتار شرکاتبان دلگیر باشید. شش ماه برای وصول یک چک در دادگستری درگیر باشید. دوستان تان به قول خود وفا نمی‌کنند. چک کسانی که با آن‌ها معامله می‌کنید، برگشت می‌خورد. مواد اولیه‌ای که برای کارخانه‌ی خود می‌خرید، ضایعات زیادی دارد و استاندارد نیست. ظاهر آرفاه دارید ولی رضایت ندارید. دروغ، بی‌وفائی و بی‌اخلاقی در جامعه زیاد است. پس رفاه کفایت نمی‌کند. توسعه رفاه هست اما همراه با رضایت. توسعه آسایش است همراه با آرامش. آن بعد اقتصادی و مادی توسعه که در تجهیزات و سرمایه‌گذاری و ظاهر می‌شود رفاه می‌آورد اما رضایت نه. رضایت زمانی می‌آید که ما توسعه در اندیشه و رفتارها و عادات رفتارها و الگوهای زندگی را تحقق بخشیم، نه در وسایلی که استفاده می‌کنیم. این سوالاتی است که نه در رژیم گذشته کسی به آن پاسخ داده است و نه کسی امروز به آن پاسخ مناسب می‌دهد. هنوز در بر همان پاشنه می‌چرخد. الان قرار است که برنامه ششم نوشته شود. این برنامه را نگاه کنید و با برنامه اول توسعه مقایسه کنید. ببینید آیا هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ها تفاوتی کرده است؟ در برنامه چهارم توسعه در سال ۸۲ ما کلی تلاش کردیم و ماده‌ای را گنجانیدیم که وزارت کشور موظف باشد سالیانه سرمایه اجتماعی را در کل کشور رصد کند و گزارش دهد. من چند بار پرس و جو در این مورد که برای اجرای این ماده قانون کدام محل، دفتر، مسئول و مدیریتی وجود دارد؟ به وزارت کشور رفتم. پس از یافتن فرد مسئول، از او سوال کردم سرمایه اجتماعی یعنی چه؟ قانونی ده سال است که تصویب و برای اجرا ابلاغ شده است و مسئول مربوطه هنوز نمی‌دانست که سرمایه اجتماعی که موضوع آن قانون است، به چه معنی است یعنی وقتی صحبت از سرمایه‌گذاری ملموس فیزیکی است همه بیان می‌دهند و افتخار می‌کنند اما صحبت از سرمایه‌های فرهنگی که می‌شود کسی دقیقاً نمی‌داند سرمایه اجتماعی چیست؟ اعتبار و اعتماد چیست؟ اخلاق و هنجار چیست؟ همه سکوت می‌کنند و کسی چیزی نمی‌داند. سرمایه اجتماعی همان چیزی است که در اندیشه رخ می‌دهد. رعایت هنجارهای اجتماعی، رعایت قوانین راهنمایی، راست‌گویی، اعتماد و وفای به عهد، همیاری، مشارکت، فعالیت نهادهای مدنی، همدلی در مسائل اجتماعی، اینها همگی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

در این ۲۵ ساله برای کسی مهم نبوده که در پی سنجش و آزمودن سرمایه اجتماعی در کشور باشد. اینکه چنانچه با هم جمع شویم آیا می‌توانیم با یکدیگر کار کنیم؟ آیا یاد گرفته‌ایم در یک محله دور هم جمع شویم و راجع به یک مسأله دوستانه صحبت کنیم؟ آیا می‌توانیم با یکدیگر در مورد یکی از مسائل شهرمان مانند یک پل یا یک کارخانه به‌طور مسالمت‌آمیز با یکدیگر گفتگو کنیم؟ اگر این کار ممکن نباشد یعنی سرمایه اجتماعی نداریم. اگر سرمایه اجتماعی همراه با توسعه اقتصادی رشد نکند بایستی برای حفظ خود بلاوقفه پول خرج کنیم. بعد اول توسعه یعنی رفاه اقتصادی و سرمایه‌گذاری، مدرنیزاسیون نام دارد، یعنی مدرن‌سازی و نوسازی. بعد دوم توسعه هم که ذهن ما را عوض می‌کند و رفتارهای ما را شکل می‌دهد و موجب رضایت و آرامش خاطر ما می‌گردد، موجب ارتقاء

توانایی زیست مسالمت آمیز با یکدیگر و توانایی همکاری و مشارکت، گفتگو و حل مسائل را بوجود می آورد، قابلیت روا دار بودن، تحمل افکار یکدیگر، و انتقادپذیری می گردد، بعدی است که به آن مدرنیته گفته می‌شود که معنای نوگرایی دارد. واقعیت این است که لباس‌های مان نو شده، خانه‌های مان شیک شده است. مدهای جدید را استفاده می‌کنیم. اتومبیل‌های مان نوشته ولی شخصیت‌هایمان

نوشده است.رفتارمان، افکارمان، ارزش‌های مان و هنجارهای مان متناسب با نوسازی عوض نشده و به نوگرایی نگرایییده است. آن نوسازی ای را که تلویزیون و ماهواره و موبایل آوردند، برخی از هنجارهایی را که برای صدها سال اسباب دوستی ورفاقت و همکاری ما بودند و همچنین هنجارهای سنتی و مذهبی را از بین برد اما به جای آنها هنجارها و مدرن و اخلاق‌های مدرن را نیاورد. اخلاق، توسعه تقوای مدرن است. ما يك تقوای مذهبی داریم که در آن اصول و قواعد و ضوابط مذهبی و رعایت حدود لحاظ می گردد. يك تقوای مدرن هم داریم؛ تقوای مدرن یا همان تقوای شهروندی. اینکه من بدانم که بوق زدن فقط برای وقتی است که ممکن است تصادف کنم. برای فحش دادن نیست. برای صدا زدن فرزندم نیست. برای صدا زدن برای باز کردن در پارکینگ نیست، فقط برای تصادف است. این می‌شود اخلاق شهروندی و تقوای شهروندی.

من سال هشتاد و هفت برای يك کار دانشگاهی، يك سفر شش ماهه به کانادا داشتم بعد به شهر تورنتو که می‌رفتم دوستی ایرانی داشتم که آمد به استقبال من در فرودگاه و من را به خانه‌اش برد و من باید خانه‌ی ایشان می‌بودم تا از دانشگاه جا می‌گرفتم. وقتی از دوستم پرسیدم که چه سوغاتی ببرم ایران؟ گفت: بوق. دلیلیش را که پرسیدم گفتند

که بوق در کانادا بسیار مرغوب است. من تا صبح از ایشان پرسیدم که دلیل این امر چیست؟ ایشان سر به سر من می‌گذاشت. صبح که شد دوستم دفترچه‌ای به بنده داد و گفت که این را در جیبیت بگذار و از امروز تا شش ماه دیگر که اینجایی بوق‌هایی را که می‌شنویی ثبت کن. من شش ماه در شهر تورنتوی پنج شش میلیونی حواسم را جمع کردم و کلاً پنج تا بوق شنیدم. این می‌شود همان تقوای مدرن. در روزهای اقامت در کانادا شب‌ها، حدود ساعت یازده دوازده از دانشگاه با اتوبوس راهی خانه می‌شدم. اتوبوس پانصدمتر می‌رفت، توقف می‌کرد و دوباره حرکت می‌کرد. اول فکر کردم که راننده ماشین به خاطر اشکال فنی مجبور به توقف در فواصل کوتاه شده است اما در روزهای بعد متوجه‌شدم که این اتفاق در تمام اتوبوس‌ها و هر شب می‌افتد. بعدها متوجه شدم که دلیل این توقف‌ها تابلوهای ایست در هر خط عابر پیاده است و اتوبوس‌ها در هر ساعتی از شبانه‌روز موظف هستند پشت هر خط عابر پیاده توقف کرده و دوباره حرکت کنند. قانون این را می‌خواهد و می‌گوید، پس این امر باید رعایت شود. فردی که شب این قانون را رعایت می‌کند، صبح هم این کار را خواهد کرد. این درحالی است که ما در ایران تابلوی ایست را اصلاً تابلو حساب نمی‌کنیم. در شهر ما تمام ورودی‌های کوچه به خیابان تابلوی ایست دارد. من بعداز این که از کانادا آمدم تلاش کردم هر کجا تابلوی ایست وجود دارد، توقف کنم اما دیدم این کار امکان پذیر نیست. وقتی توقف می‌کنم پشت سرم ماشین‌ها آنقدر بوق می‌زنند که اصلاً امکان ایستادن نیست. به این ترتیب ایستادن اتوبوس پشت خط عابر پیاده می‌شود تقوای مدرن و این یعنی توسعه. اگر این توسعه بیاید رفاه می‌آید، تصادف‌ها کم می‌شود. اختلافات کم می‌شود. درگیری‌ها کم می‌شود. نزاع نخواهیم داشت و رضایت خواهیم داشت. در خیلی از شهرها، شهرداری برای نمایش مدرنیته، دورگلکاری‌ها نرده می‌کشد. در واقع گلی می‌کاریم به ارزش ده هزار تومان و نرده می‌کشیم به ارزش سیصدهزار تومان. اصلاً جامعه‌ای که باید دور گلش نرده کشیده شود گل می‌خواهد؟ نباید پول نقد را برد و يك جای دیگر صرف کرد تا آن زمانی که خود گل در ذهن افراد حريم داشته باشد بدون این که نیاز به نرده باشد؟ اگر این تحول در ذهن ما رخ بدهد توسعه ما کم هزینه می‌شود. شهرداری‌ها چقدر باید چمن بکارند و شش ماه بعد دوباره این کار را بکنند. اصلاً خود چمن یکی از نمادهای اشتباه در دریافت ما از توسعه است. در واقع کاشت چمن در کشور ما نوعی اتلاف منابع است. چمن متعلق به کشورهایی است که

در آنها بارندگی فراوان است نه کشور ما که از کم آبی رنج می‌برد. این که ما فکر می‌کنیم با کاشت چمن و گل و ساخت و نصب نرده و جدول‌های رنگی توسعه پیدا می‌کنیم، برداشت درستی از توسعه نیست. اگر این هزینه‌ها جای دیگری صرف می‌شد بهتر می‌توانست به توسعه منجر شود. بنابراین اگر تحول در اندیشه رخ ندهد هر هزینه‌ای که در بیرون صرف کنیم تبدیل به خسارت خواهد شد و آسیب بیشتری به ما خواهد زد. فرقی نمی‌کند که شهرک صنعتی بزنیم یا اتومبیل و موبایل بخریم.

اما چرا تا به حال این مسیر را رفته‌ایم؟ چرا همهٔ دولت‌ها بر طبل رشد اقتصادی کوبیده اند و نعل وارونه زده اند در حالی که توسعه‌ای در کار نبوده است؟ اسم این پیشرفت‌ها رشد است. چون ما سال‌ها پول صنعت نفت را خرج کرده ایم، با این پول خرابی ایجاد کرده ایم و دوباره خرابی‌ها را با پول نفت درست کرده ایم و کسی هم متوجه عمق قضیه نمی‌شد. اما خوشبختانه این دوره دیگر به اتمام رسیده است. عصر دولت پولدار تمام شده است. دیگر دوره درآمدهای صدمیلیاردی نفت به سر آمده است. از ۸۳ تا ۹۳، این درآمدها چیزی معادل هزار میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که در فاصله سال های ۸۴ تا ۹۳ میزان اشتغال ثابت مانده است. کمی بیش از بیست میلیون و هنوز هم بیست میلیون است. این درآمد کلان نفتی کجا رفته؟ هزار میلیارد دلار چند برابر

کل پول فروش نفتی است که از ۱۲۸۴ با انقلاب اسلامی نفت فروخته‌ایم، و معادل کل پول‌هایی است که از اول انقلاب تا ۸۴ از نفت حاصل شده بود. این همه پول خرج کردیم ولی لیجندهی بر لبهای ما نیامد. چرا؟ چون تحول در اندیشه رخ نداده است. دولت‌ها هم کاری نداشتند. یا می‌خواستند رأی شما را بگیرند، می‌خواستند ببینند شما از چه خوشتان می‌آید همان از چه خوشتان می‌ساختند، پل می‌خواهید، شهرک صنعتی می‌خواهید، راه‌آهن می‌خواهید، هر چه می‌خواستید برایتان می‌ساختند، چون رأی شما را می‌خواستند و قصدشان راضی نگه داشتن جامعه بوده است. بین دولت‌های مختلف در این زمینه اختلاف چندانی وجود نداشته است. ممکن است در دولت‌های مختلف، درصدی فساد یا کارایی کم و زیاد شده باشد اما اصولاً نگاه به توسعه غلط بوده است و این فکر هم همچنان ادامه دارد. بالاخره تمام دولت‌ها می‌خواهند چهارسال دیگر رأی بگیرند، و برای رأی گرفتن یا باید از شما رأی بگیرند یا نمایندگان شما در مجلس چانه‌زنی کرده و از دولت‌ها امتیاز خواهند گرفت. در واقع بخشی از این خرابی‌ها را نمایندگان شما ایجاد کرده‌اند؛ نماینگانی که بسیاری از آنان واقعاً هدف‌گیری درستی در زمینه توسعه در منطقه خود نداشته‌اند و در این بودند که اگر فلان کارخانه در فلان شهرستان تاسیس شود، کلیه مسائل حل و فصل خواهد شود. نمایندگان که معتقدند اگر مثلاً دانشگاهی در فلان منطقه راه اندازی گردد، مشکلات مرتفع می‌گردد. این باعث شکل گیری توسعهٔ ای نامتوازن یا ناپایدار در منطقه می‌شود. بدین ترتیب نمایندگان ، وزرا ، و مردم به صورت جداگانه و هر یک براساس منافع خود عمل می‌کنند.

خوشبختانه توان دولت در حال کاهش است و دیگر نمی‌تواند به دلخواه در هر جایی سرمایه‌گذاری کند. در نتیجه ناچار به سمت بخش خصوصی خواهد رفت. دقت بفرمائید که کل درآمد نفت به علاوه درآمد مالیاتی دولت در سال اخیر برابر با صد و هفتاد و پنج هزار میلیارد تومان است. این در حالی است که جمع حقوق کارکنان دولت، به علاوهٔ حقوق بازنشستگان و به علاوه یارانه‌ها برابر با همین مبلغ یعنی صدوهفتادوپنج هزار میلیارد تومان است. یعنی دیگر پولی برای کارهای دیگر وجود ندارد. یعنی باید در دولت دو زانو نشینند و ببینند حالا باید از کدام درآمد توسعه پیدا کنیم. در کشور همسایه ما، ترکیه، سرمایه داران و صنعتگرانی به ویژه در صنعت فولاد وجود دارد که دارای گردش مالی چهل میلیارددلاری می‌باشند. این مبلغ معادل يك و نیم برابر کل درآمد نفتی ماست. یکی از این افراد کوچ، صاحب هلدینگ فولادسازی کوچ است که در انتخاباتی که حزب عدالت و توسعه ترکیه برای اولین بار برنده شد، از رفیق اردوغان حمایت کرده بود. این فرد تعریف می‌کند که همان هفته اولی که اردوغان به نخست وزیری انتخاب شد، از دفتر نخست وزیری

با او تماس می‌گیرند و قرار ملاقاتی برای او تعیین می‌کنند. آقای کوچ، در فاصله يك هفته‌ای که تا قرار ملاقات مانده بود، سیار مضطرب بوده است و حدس می‌زند که به خاطر از رفیق اردوغان مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. سپس از يك هفته، او سر ساعت به دیدار اردوغان می‌رود و نخست‌وزیر در این دیدار از او می‌خواهد تا در عرض یک هفته وی تمام انتظارات خود از دولت را مکتوب و ارسال نماید به گونه ای که در دو سال آینده، سود هلدینگ کوچ دو برابر گردد. این یعنی نخست‌وزیر ترکیه به این امر آگاه است که با دو برابر شدن گردش مالی آقای کوچ، میزان اشتغال شصت هزار نفری آن مقطع زمانی نیز دو برابر شده و کلاً دولت هم به شدت از این امر منتفع خواهد گردید.

وقتی دولت‌ها خود را نیازمند بخش خصوصی می‌بینند به این روش برخورد می‌کنند. دولتی که فاقد درآمدهای نفتی ندارد، چنین رفتاری از خود بروز می‌دهد. چرا نظامی‌ها در ترکیه زمین خوردند و سیاست را به سیاست‌مدارها واگذار کرده و عرصهٔ سیاسی را ترک کردند؟ چون هم ترکیه و هم جامعه جهانی بزرگ شده بود. جمعیت ترکیه زیاد شده بود و دیگر يك اقتصاد نظامی نمی‌توانست جوابگوی این جمعیت باشد. این موضوع نظامی‌ها را ناچار به ترک صحنه و زمینه سازی برای ورود يك دولت غیرنظامی و فعال شدن بخش خصوصی شد.

بنابراین ما سقوط قیمت نفت را به فال نیک می‌گیریم. شاید این سقوط باعث شود دولت‌ها با سرعت و جدیت بیشتری در مورد مسائلی که بدان مبتلا هستیم، بازاندیشی کنند. توسعه‌ای که در این سال‌ها رخ داد در بسیاری از استان‌ها توسعه‌ی نامتوازن و ناپایداری بوده است. نامتوازن بودن یعنی بین بخش‌های مختلف توازن برقرار نبوده است. مثلاً در اصفهان آنقدر صنایع متالوژی و

فولاد و آهن احداث شد و بقیهٔ صنایع مورد اغماض قرار گرفت که آلودگی هوای اصفهان، نفس شهروندان را بریده است. اصفهان به لحاظ ابتلا به سرطان، بالاترین نرخ سرطان در کشور را دارد. هنگامی که آلودگی تهران به هفتاد می‌رسد اعلام وضع اضطراری می‌کنند، اما در اصفهان روزهایی بوده که با آلودگی بالای دویست، اعلام وضع اضطراری نشده است. اینکه طبیعت اصفهان را به هزینهٔ توسعهٔ صنعت و کشاورزی نابود کنیم، یعنی توسعه نامتوازن. اگر زاینده رود نباشد، کشاورزی معنا ندارد و احتمالاً از یکی دو سال دیگر کشت گندم در اصفهان ممنوع خواهد شد. خیلی از استان‌های دیگر هم اینطور هستند. مثل اراک که آلودگی‌های پنجاه سال گذشته آسیب زیادی به آن زده است. در جمع مردم کردستان صحبت که می‌کردم گفتم که شما يك مزیت دارید به نام مزیت عقب‌ماندگی. بایستی خوشحال باشید که در سی سال گذشته در کشور توسعه پیدا نکرده‌اید، اما حداقل فرصت‌های خود را نیز از دست نداده‌اید. با این تفاسیر و در شرایط فعلی، حال که دولت توان سرمایه‌گذاری ندارد، شهروندان خود دست به ابتکار عمل خواهند زد، و با به میان آوردن بخش خصوصی با کمک نهادهای مدنی، و تشکیل اتاق‌های فکری، خواهند توانست يك توسعهٔ پایدار درون‌زای متوازن را بنا کنند.

به خاطر همین خطای دید و خطای نگاه و نداشتن درك درست از توسعه، بسیاری از فرصت‌ها در مناطق مختلف از دست رفت. اما چرا دوران پایان نفت فرا رسیده است. خلاصهٔ قضیه این است که غربی‌ها ده دوازده سال پیش تصمیم گرفتند که از اوایل قرن بیست و یکم در سال ۲۰۲۰ مصرف نفت خود را کاهش دهند و به سمت انرژی‌های پاک حرکت کنند. علت اصلی این کار هم گرم شدن زمین و آب شدن یخچال‌ها، بواسطه مصرف نفت می‌باشد. با ذوب شدن یخچال‌ها بخش اعظم صنایع غربی که در ساحل دریاها قرار دارند، زیر آب می‌رود. ضمن این که با ادامه مصرف سوخت‌های فسیلی، گرم شدن هم اجتناب‌ناپذیر است و کل کره را می‌تواند مورد تهدید قرار دهد. بدین ترتیب کشورهای غربی به این جمع‌بندی رسیده اند که باید نقطهٔ پایانی برای استفاده از انرژی‌های فسیلی تعیین گردد. یکی از قول‌های داد، عدم ورود کربن به محض پیروزی در انتخابات سال ۲۰۰۷، به جمع آمریکا داد، و عدم هرید حتی یک قطره نفت به آمریکا در سال ۲۰۲۰ بود کرد. وقتی اوپاما رئیس جمهور شد آمریکا سالیانه دوازده میلیون بشکه نفت وارد

می‌کرد. الان این میزان به هفت میلیون بشکه رسیده و پیش‌بینی من این است که ایالات متحده آمریکا در فاصله‌ی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ دیگر نفت وارد نخواهد کرد. اروپا هم به همین ترتیب، هدف‌گذاری‌هایی انجام داده تا مسیر حرکت خود را به سمت انرژی‌های پاک سوق دهد. بنابراین غرب دیگر به دنبال تخلیه نفت ما نیست. زمانی هدف غرب، جلب حمایت و تسلط بر کشورهای نفت خیز بود تا جریان نفت مستدام باشد. اما دیگر نفت آن اهمیت سابق را

ندارد. البته نفت در دنیا تولید خواهد شد، اما برای پتروشیمی‌هاو برای مصارف غیرسوختی. بنابراین از این به بعد قیمت نفت بالا نخواهد رفت و اگر به صورت مقطعی به خاطر ورود عربستان به جنگ و یا حملهٔ دائمی به چاه‌های نفتی قیمت نفت دستخوش تغییر گردد، پس از مدت کوتاهی دوباره به همان سطح ۲۵ دلار در بشکه باز خواهد گشت.

حال چه ملزوماتی برای توسعه به مفهومی که مد نظر است، لازم می‌باشد؟ «داگلاس نورث» برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۳ میلادی، سی سال بر روی موضوع توسعه کار کرده است. به

زعم نورث، برای پی بردن به توسعه یافتگی یا عدم توسعه یافتگی یک کشور، نبایستی کارخانه‌ها و سطح فناوری آنها را مورد توجه قرار داد، چرا که تمام این موارد با پول قابل خرید و فروش است و به دست آوردن و مجزه شدن به انواع تکنولوژی‌ها از انرژی اتمی گرفته تا موبایل و ماهواره امر دشواری نیست. به طرق مختلفی می‌توان به انواع و اقسام تکنولوژی‌ها دست یافت. اما توسعه يك شاخص دارد. بایستی به روش و روش‌شناسی آموزشی کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی مراجعه کرد. اگر فرزندان ما در این مقاطع به گونه‌ای پرورش یابند که صفاتی همانند پرسشگر، خلاق، نوآور، دارای روحیهٔ جمعی، دارای توانایی صحبت کردن، دارای توانایی گفتگو با همدیگر، توانایی نقد کردن، توانایی نقدپذیری، تنوع‌طلب، پرتحرک، دارای روحیهٔ تعامل مثبت جمعی، قانونمند، منظم و صبور برای آنان قابل اطلاق باشد، این کودکان در آینده خواهند توانست توسعه ایجاد نمایند، و يك زندگی توسعه یافته را ساماندهی کنند.اما کودکانی که مقلد، بی‌پرسش، آرام، سر به زیر، بدون تعامل مثبت، کم تحرک، ناتوان از گفتگو با یکدیگر، ناتوان از نقد اجتماعی بار می‌آیند، نمی‌توانند توسعه ایجاد کنند.

به عنوان مثال زمانی که که مدبری در صد راه اندازی یک صنعت کوچک است اما توان مالی او به تنهایی کفاف این امر را نمی‌کند، بایستی به فکر شراکت با افراد دیگری باشد. در نتیجه اگر او در کودکی شراکت را آموخته باشد خواهد توانست این کار را انجام دهد. اما اگر مانند بسیاری از مردمان کشور ما بر این عقیده پرورش یافته باشد که اگر شريك خوب بود، خدا هم شريك داشت، نتیجه کار شکست وی در راه اندازی و ایجاد صنعت و متضرر شدن همگان خواهد بود. متأسفانه، کارخانه‌های ما هم به تدریج تبدیل به کارگاه‌های کوچکی می‌شوند و کارخانه‌ها ی بزرگ فقط مختص دولت است. این توانمندی را باید در کودکی یاد گرفت تا در بزرگسالی به کار آید.

اگر مدبری در بزرگسالی کسب و کاری ایجاد می‌کند و در میانه راه با شرکاء خود دچار اختلاف می‌گردد، بدین معنی است که مدبر محترم در کودکی، توانایی حل مشکل را نیاموخته است. اگر مدیر کارخانه ای در طول بیست هیچ تنوع و نوآوری و خلاقیتی ایجاد نمی‌کند، بدین معنی است که ریسک‌پذیری را در کودکی یاد نگرفته است. اگر مدیر کارخانه ای هیچ مسئولیتی در قبال آلودگی و سر وصدایی که کارخانه متبوعش ایجاد می‌کند، احساس نمی‌کند و این امر را تجاوز به حقوق شهروندان و ساکنان اطراف، تلقی نمی‌نماید، این هم بدین معنی است که مدبر محترم فعلی، رعایت حقوق شهروندان را در کودکی نیاموخته است. در کودکی حتماً بایستی ایمن موارد را برای کودکانمان آموزش دهیم : روی تخته بنویسیم «۱- بوق زنید»، بعد بگوییم بچه‌ها پنجاه بار از روی این بنویسید. «۲- چراغ قرمز وارد کنید» بچه‌ها شب این را بنویسید. «۳- مشارکت و شراکت خوب است» بروید صد بار این را بنویسید. این‌ها را باید در عمل بیاموزیم.

یکی از همکاران که برای دیداربا فرزندان به آمریکا مسافرت کرده بود، تعریف

می کرد که یک روز تصمیم گرفتیم به همراه خانواده دخترم به یک مسافرت یک روزه برویم به همین دلیل، دامادم برای دریافت اجازه مرخصی یک روزه برای نوه ام به مدرسه مراجعه کرد. آن روز دوشنبه بود و بچه ها کاردستی و نقاشی و ورزش داشتند. معلم با تقاضای مرخصی مخالفت کرده بود و گفته بود که فردا امکان دارد که فرزندان غیبت کند چون درس فردا ریاضی است و شما به سهولت می توانید در خانه هم به وی آموزش دهید اما درس امروز نقاشی و کار دستی است که جزو کارهای گروهی هستند و شما نمی توانید با معلم گرفتن یا راساً آن را به فرزندان بیاموزید. یکی از کارهای گروهی که بچه ها در مدرسه انجام می دهند، این است که پلاستیکی تحویل هر یک از دانش آموزان می شود تا تمامی قوطی های پلاستیکی و فلزی دور ریز شده در طول هفته را در آن جمع کنند و هفته آینده به مدرسه بیاورید. بچه ها روزی که کاردستی یا نقاشی دارند، کیسه لوازم قابل بازیافت را با خود به مدرسه می برند. بعد معلم سبیدی می آورد و تمام وسایل موجود در کیسه پلاستیک بچه ها را در آن سبید می ریزند، بعد روی یک میز بزرگ قیچی و چسب و رنگ و ... می گذارند و بچه ها دور میز جمع می شوند و به آنها گفته می شود که همه با هم فکری کنید و همگی با هم یک کاردستی بسازید. بدین ترتیب کودکان از همان ابتدا، سرمایه گذاری را می آموزند و متوجه می شوند که بسیاری از اشیاء و وسایل دور و بر ما را می توان به چشم سرمایه دید. کودکان همچنین با جمع کردن مواد زاید در کنار هم و استفاده از آن ها سرمایه گذاری مشترک و شراکت را می آموزند. هر کسی نظری برای ساختن کاردستی ارائه می دهد و در جریان کار می آموزند که می توان به جای دعوا با یکدیگر، گفتگو کرد. کودکان، گفتگو، نقد کردن و نقدپذیری و خلاقیت را بدین طریق می آموزند. همچنان پس از رسیدن به یک نقطه مشترک در زمینه این که چه چیزی بسازند و با شروع کار، تقسیم کار را می آموزند. یکی می چسبند، یکی چسب می زند و یکی رنگ می زند و ... و یکی هم مدیریت می کند.

به زعم نورث، برای پی بردن به توسعه یافتگی یا عدم توسعه یافتگی یک کشور، نبایستی کارخانه ها و سطح فناوری آنها را مورد توجه قرار داد، چرا که تمام این موارد با پول قابل خرید و فروش است و به دست آوردن و مجهز شدن به انواع تکنولوژی ها از انرژی اتمی گرفته تا موبایل و ماهواره امر دشواری نیست. به طرق مختلفی می توان به انواع و اقسام تکنولوژی ها دست یافت. اما توسعه یک شاخص دارد. بایستی به روش و روش شناسی آموزشی کودکان پیش دبستانی و دبستانی مراجعه کرد.

ترتیب انجام شود صبر را هم می آموزند و رعایت نوبت را تمرین می کنند. بنابراین تمام ویژگی هایی را که شما برای توسعه یافتگی نیاز دارید در یک کلاس کاردستی چند سال تمرین می شوند. این را می شود گفتگو و آموزش نامید. کار مشترک، سرمایه گذاری مشترک و همه آنچه که برای توسعه یافتگی لازم دارید.

در طول دوران تحصیل یک فرد از دوران پیش دبستانی تا فوق تخصص مهم ترین درسهایی که فرد آموزش داده می شود کاردستی و نقاشی و ورزش است. ریاضی و فیزیک برای توسعه هیچ اهمیتی ندارد. ریاضی و فیزیک حافظه را قوی می کند. ما برای توسعه آنقدرها عقل نیاز نداریم. عقلی که در ریاضی و فیزیک فعال می شود هوش طبیعی ماست. IQ ماست. ما در توسعه EQ می خواهیم هوش اجتماعی. هوش IQ هوشی است که شما محاسبه کنید، حسابگری کنید، برنامه ریزی کنید. EQ یا هوش اجتماعی به شما توانایی های اجتماعی می دهد. شما ممکن است IQ بسیار بالایی داشته باشید، اما بلد نباشید با همسر، فرزند و مشتری تان صحبت کنید. ما برای توسعه EQ یا هوش اجتماعی می خواهیم، نه IQ یا هوش طبیعی. این هوش اجتماعی را ما در خانه، در مدرسه و بعد در جامعه می آموزیم. «داکلاس نورث» هم دقیقاً به همین دلیل می گوید برای توسعه هر کاری که می کنید باید از مدرسه، دبستان و پیش دبستانی آغاز گردد. بعد از دبستان چنین آموزش هایی اثر چندانی ندارد. اصل برنامه ریزی توسعه بایستی در دبستان ها شکل گیرد.

حالا ببینید ما سرمایه گذاری های خود را در کجا انجام می دهیم. معلم های ما به حال خود رها شده اند. هر چند سال یک بار یک اعتراضی می کنند و حقوق شان اندکی افزایش پیدا می کند. بیشتر معلمان ما چند شغله اند، در دوره های آموزشی سالیانه بازیابی شرکت نمی کنند و به لحاظ روحی بسیار خسته اند. بسیاری از معلمان ما اصلاً نمی دانند شیوه های آموزشی مدرن چیست؟ در دنیا مشق شب ممنوع است. من اخیراً در اصفهان با معلمی آشنا شدم که به عنوان معلم نمونه مدرسه که کلاس خود را بسیار خوب نیز اداره می کند، شناخته شده است. این معلم گچ قرمز می برد و دور نیمکت ها با گچ قرمز خط می کشد و به بچه ها می گوید که کسی حق ندارد از این گچ قرمز پایش را بیرون بگذارد. آیا این مصداق سرکوب بچه ها نیست؟ خوب البته این، امری طبیعی است. چون معلم به فاجعه آمیز بودن عملی که انجام می دهد واقف نیست، چون آموزش ندیده است. آموزش و پرورش ما نظارتی بر این موضوع ندارد. به رئیس آموزش و پرورش می گفتم که چرا

شیوه های آموزش نوین و آموزش شناختن را به کار نمی گیرید؟ می گفت ما دلمان می خواهد اما جرأت انجام این کار را نداریم چون هنوز دو بیست میلیارد تومان حقوق معلمان مان را بدهکاریم. اگر از آنها بخواهیم که در دوره های آموزشی حضور داشته باشند می گویند که بایستی حقوق مان را بدهید تا بعد اگر شد در دوره های آموزشی شرکت کنیم.

در کردستان از من خواستند پروژه ای معرفی کنم که برای منطقه توسعه یافتگی در پی بیاورد. گفتم بهتر است از دولت بخواهید امور مربوط به راه اندازی پتروشیمی که در شرف راه اندازی است، را متوقف نمایند. در پاسخ به ما گفتند چنین چیزی ممکن نیست چرا که ما پس از دوندگی های بسیار اهالی منطقه و نمایندگان استان، توانسته ایم پی ریزی و راه اندازی پروژه پتروشیمی را آغاز نماییم. در ادامه از من سوال کردند که اگر پتروشیمی برای ما توسعه نمی آورد، چه چیزی بایستی به جای آن درخواست نماییم؟ در پاسخ گفتم اگر شما هزینه ای را که قرار است برای این پروژه صورت گیرد، از دولت بگیرد یا حداقل یک پنجم این هزینه را برای توسعه یافتگی منطقه کفایت خواهد کرد. این پول را در بانک می گذارید و سالیانه مبلغ معینی از آن را به عنوان سود دریافت می نمایید. آموزش و پرورش خواهد توانست از محل این سود؛ حقوق معلمان خود را دو برابر کند. اما دیگر هیچ معلمی حق دو شغله بودن ندارد. تمام معلمان باید سه ماه تابستان سرکار بیایند و دوره های بازآموزی را سال به سال بگذرانند. از تمام معلمان بایستی آزمون های روان شناسی به عمل آید و معلمانی که ویژگی های روحی و روانی آنان متناسب با مقوله آموزش کودکان نیست، بایستی باز خرید شوند. در صورت انجام این رویه ها، بیست سال دیگر نسلی خواهید داشت با قابلیت های توسعه. اما تنها دستاورد احداث پتروشیمی پس از بیست سال آلودگی زیست محیطی و سیستمی نه چندان کارآمد خواهد بود. چرا که صنعتی دارید که تجهیزات آن با کشتی از خارج از کشور وارد شده، مهندسان شاغل در آن با هواپیما از تهران آمده اند، نفت و گاز آن با لوله از جنوب کشور آمده، و محصولات آن هم با تریلر از استان شما خارج می شود. مگر اینکه بتوانید صنایع بالادستی و پایین دستی پتروشیمی را در استان داشته باشید تا سود حاصل از آن بتواند سرریز کند و بدین ترتیب خانواده مرفه تر شوند و سطح کیفی معلمان ارتقاء یابد. اما تجارب نشان می دهد که شما نخواهید توانست در این کار موفق شوید.

خوب پس حالا که پتروشیمی نمی خواهیم باید چه کنیم؟ آیا بایستی فرزندمانم را آموزش دهیم؟ ما الان از کجا شروع کنیم؟ می گوئیم ما صنایع نمی خواهیم، عملویه نمی خواهیم، پتروشیمی نمی خواهیم، برویم کودکانمان را آموزش دهیم. اما با کدام منابع؟ با کدام پول؟ و با کدام سرمایه؟

داستان در اینجاست که ما نمی توانیم از همین حالا تصمیم بگیریم که صنعت را به کناری بگذاریم و شروع به آموزش و پرورش اصلی فرزندمانم نماییم. دولت که هزینه ای برای این امر تخصیص نمی دهد، آموزش و پرورش هم که به عنوان متولی، بودجه کافی ندارد، توان مردم هم کفاف این کار را نمی کند. پس باید باز هم به صنعت متوسل شویم تا در آمد حاصل از آن به آموزش منتقل گردد. حالا انتقال پول از حوزه صنعت به حوزه آموزش واقعاً توان و هنر می خواهد. معمولاً ما این هنرمندی را نداریم. صنعت می آید و عواقب خود را هم در پی دارد. اما انتقال منافع بر سر سفره خانواده ها و معلمان و جامعه رخ نمی دهد. دولت پول ندارد و حالا که دارد پتروشیمی می سازد اگر شما نخواهید همان قدم را هم بر نمی دارید، پس شما پتروشیمی می خواهید اما پس از آمدن آن را باید مدیریت کنید. مسأله در اینجاست که پتروشیمی چگونه در سندنج ساخته شود که در کنار مشکلاتی که دارد منفعتم هم برساند و منافع آن فقط در جیب کشور نرود.

مسئله ما نمی گوئیم کشور منافعش را نبرد. ولی بایستی من هم سهمی از این منافع داشته باشد و اینگونه نباشد که سهم من تنها آلودگی و تعدادی شغل کارگری و دربارتی باشد. می دانم که دولت دیگر پول نفت ندارد که صرف آموزش معلمان نماید و نسلی آماده توسعه تربیت کند. پس من هم سهم خود را از این کارخانه ی پتروشیمی می خواهم تا خسارت هایی که به جامعه و محیط من زده شده، جبران شود. قرار نیست که من به تنهایی هزینه توسعه کشور را بدهم. ما در توسعه کشور مشارکت می کنیم، کشور هم بایستی تعهد کند، مراقبت کند، و از صنعت هم تعهدات لازم اخذ شود تا سهم تک ساکنین منطقه از منافع این حوزه پرداخته شود.

گفتگوی اختصاصی ماهنامه کارائی با دکتر فرشاد مومنی

قدرت توضیح دهندگی نهادگرائی در باره مسائل توسعه و توسعه نیافتگی از نظریه های رقیب بیشتر است

دکتر فرشاد مومنی، استاد دانشگاه علامه طباطبائی، عضو مؤسسه دین و اقتصاد و صاحب نظر اقتصادی است. در خرداد ماه سال جاری و در حاشیه همایش برترین شرکت های منطقه آذربایجان، فرصتی دست داد تا با این صاحب نظر نهادگرادر باره نسبت نهادگرائی و مقوله توسعه به گفتگو بنشینیم. آنچه در پی می آید حاصل گفتگوی اختصاصی ماهنامه کارائی با دکتر فرشاد مومنی است:



کارایی: آقای دکتر نظریه مطرح می شود مبنی بر اینکه در نهایت این فراگیری نهادها یا کیفیت رابطه ملت و دولت است که سرنوشت توسعه را رقم می زند اما در مقابل این نظریه، نظریه مطرح دیگری وجود دارد که فرهنگ را شالوده توسعه معرفی می کند و معتقد است فرهنگ، مردم سالاری و توسعه در چرخه های پیش رونده، هم به وجود آورنده و تقویت کننده یکدیگرند و هم برآیند یکدیگر، اگر این دو رویکرد را اساساً جدا از هم تلقی کنیم، به عنوان یک اقتصاددان نهادگرا شما بالطبع راه رسیدن به توسعه را در فراگیر کردن نهادها عنوان خواهید نمود اما برای ما عنوان بفرمایید که پیش شرط توسعه و فراگیری نهادها چیست، و آیا فرهنگ یکی از این الزامات و پیش شرط ها نیست؟

فرشاد مومنی: چندتا نکته خیلی مهم وجود دارد که بایستی هر کدام را در جای خود مورد ارزیابی قرار دارد. یکی از این موارد مهم مفهوم فرهنگ است، حداقل به زبان فارسی ما همین الان سه تا کتاب با حجم نسبتاً بالا داریم که موضوع آنها مفهوم فرهنگ است. ما در روش شناسی علوم اجتماعی می گوئیم

که باید دقت داشته باشیم که مشترک های لفظی بیاید به صورت عملیاتی تعریف بشوند تا یک درک واحدی از آنها پدید بیاید. بنابراین فرهنگ هم یکی از این مشترکات لفظی است. وقتی که شما فرهنگ را در کلی ترین تلقی از آن، یعنی طرز نگاه یک جامعه به عالم و مافیها و طرز عمل آن جامعه می بینید، ملاحظه می کنید که در کادر چنین تعریفی از فرهنگ، بخش اصلی و محوری آن ترتیبات نهادی که کشور را به سمت توسعه یا اضمحلال پیش می برد، همان عناصری هستند که ما در بعضی موارد از آن به عنوان فرهنگ، در برخی موارد به عنوان سرمایه اجتماعی و در موارد دیگر با عناوین متفاوتی از آن یاد می کنیم و به این اعتبار، در دستگاه نظری نهادگرائی، عنصر فرهنگ و

نظام باورها و هنجارها را به عنوان نهادهای سطح بالای شکل دهنده رفتارهای جمعی در نظر می گیریم.

کارایی: کارائی- پس این دو تا تلقی اساساً جدا از هم نیستند؟

فرشاد مومنی: بله، یعنی در واقع شما دارید در مورد یک چیز صحبت می کنید. اما بایستی سطوح را از یکدیگر جدا کرد، زمانی، منظور شما از فرهنگ صرفاً مجموعه عوامل غیراقتصادی، غیر اجتماعی و غیر سیاسی هست در یک نظام حیات جمعی است اما مواقعی هست که تلقی وسیع تری از فرهنگ را به شرحی که اشاره کردم مینا قرار می دهید. بنابراین این مناقشه بیشتر مناقشه مفهومی است و به لحاظ مضمونی و محتوایی شاید بزرگترین مزیت دستگاه نظری که توانسته تعریف عملیاتی اثربخش و یک ادغام موثر عناصر فرهنگی در تبیین مسائل توسعه و توسعه نیافتگی را ارائه می کند، نهادگرائی است. در عین حال با اینکه از دیدگاه دستگاه نظری نهادگرائی برای فرهنگ جایگاه والایی در نظر گرفته می شود، در عین حال دو تا تذکر خیلی حیاتی هم مطرح می شود. تذکر حیاتی اول این است که ما

فرهنگ را با پیوستگی تمام عیاری که با بقیه عناصر و وجوه شکل دهنده حیات جمعی است، مورد توجه قرار دهیم و نکته دوم هم این هست که در مورد نقش فرهنگ غلو نکنیم و جایگاه بایسته آن را ببینیم. مثلاً در مطالعاتی که نهادگرایان تاریخی مطرح کرده اند، کارنامه متفاوت برخی از کشورها را در دوران جنگ سرد مثال می زنند. یک فرهنگ، یک هویت فرهنگی، با دو گروه ترتیبات نهادی متفاوتی در آلمان شرقی و آلمان غربی کارنامه های متفاوت، سبک تمدنی متفاوت و عملکرد اقتصادی را رقم می زند و نمونه جهان سومی این قضیه را شما می توانید در مقایسه کره جنوبی و کره شمالی مشاهده کنید.

کارایی: با این تفاسیر می توان نتیجه گرفت که شما رویکردهای توسعه محور نهادگرا را جزمی تلقی نمی کنید و معتقد هستید که این نظریه ها به اندازه کافی منعطف هستند و جایگاه مردم سالاری در آن ملحوظ می ماند؟

فرشاد مؤمنی: به هیچ وجه، ببینید دو تا نکته در اینجا وجود دارد یک موقعی هست که شما با این توجیه که این دستگاه نظری قدرت توضیح دهنده‌گی اش دربره مسائل توسعه و توسعه نیافتگی از نظریه های رقیبش بیشتتر است، از یک دستگاه نظری براساس یک فرایند پژوهش تاریخی گسترده استفاده می کنید این یک حالت است اما حالت دیگر این است که شما تصب ایدئولوژی زده نسبت به یک تئوری خاص دارید. برداشت خود من این است که به اعتبار یک کوشش نزدیک به سی ساله که برای فهم ریشه های تداوم توسعه نیافتگی ایران انجام داده ام ، و براساس مبانی کاملاً روشمند و قابل عرضه به این جمه بندی رسیدم که این دستگاه نظری قدرت توضیح دهنده‌گی بیشتتری دارد و این در واقع یک فرایند گزینش است و حد مساله این است که این تئوری، تئوری کارآمدتری است.

کارایی: در مورد نسبت این دستگاه نظری با مردم سالاری؟

فرشاد مؤمنی: به تمامه. شاید یکی از نقاط قوت این دستگاه نظری این است که دیگر حتی تصور اقتصاد منهای سیاست و سیاست منهای اقتصاد، تصور غیر واقعی است و این در هم تنیدگی را در عالی ترین شکل موجود در میان رقبای نظری خود به نمایش گذاشته و پشتوانه اش هم این است که براین اساس، نهادگرایان یک دوره ده هزار ساله از تاریخ بشر را توضیح داده اند. چیزی که بسیار مهم است این است که اگر همین فردا صبح یک دستگاه نظری با قدرت توضیح دهنده‌گی و انسجام و روش مندی بالاتر پیدا

شود، من شخصاً جانب آن دستگاه نظری را خواهم گرفت چراکه من باور ایدئولوژی زده به تئوری ندارم. گرفتاری ما با طیف طرفداران اقتصاد بازار در ایران این است که اینها جای تئوری را با ایدئولوژی اشتباه گرفته اند بنابراین به صورت باورهای جزمی و ایدئولوژی زده از کلیشه ها دفاع می کنند و ما آن را غیر عالمانه و غیر کارشناسی می دانیم. مثلاً فرض کنید در سطح نظری، گفته می شود که اگر تحت شرایطی اگر اجازه عملکرد آزادانه به نیروهای بازار داده شود، دستاورد این اجازه وقوع کارائی و بهینگی خواهد بود بحث ما این است که این حرف در سطح نظری منوط و موکول به یک مجموعه ای از شروط و فروض است. بحث ما با نئوکلاسیک های وطنی که هیچ یک از آن شروط و فروض در ایران وجود ندارد، مثلاً فرض کنید نه بازیگر ها در ایران ذره ای هستند، نه شفافیت وجود دارد در فرایندهای تصمیم گیری و تخصیص منابع، نه بازیگرها دارای اطلاعات کامل هستند و قس علیهذا.

این فروض و شروط چون وجود ندارد به گواه آنچه که در ایران و تقریباً در همه کشورهای در حال توسعه اجراکننده تعدیل ساختاری مشاهده شده، اجازه عملکرد آزادانه دادن به نیروهای بازار، نیروی محرکه بی سابقه ترین سطوح ناکارآمدی و بی سابقه ترین سطوح فساد در ایران شده است.

کارایی: جالب است که شما دولت قبلی را هم از این منظر مورد نقد قرار می دهید.

فرشاد مؤمنی: عنصر کلیدی در برنامه تعدیل ساختاری این است که طرفداران این نظریه می خواهند از طریق شوک درمانی راه های چند صد ساله را در یک دوره زمانی کوتاه طی کنند. اگر مینا را ارادت ورزی به شوک درمانی بدانیم، پیوند بسیار وثیقی بین آنچه که در سال های اولیه دهه ۱۳۷۰ در ایران اتفاق افتاد، و آنچه که از سال ۸۹ به بعد در ایران اتفاق افتاد را می

توانیم مشاهده کنیم. حتی یکی از مطرح ترین اقتصاددان های نئوکلاسیک وطنی که الان در همین دولت آقای روحانی هم مسئولیت دارد، زمانی که آقای احمدی نژاد گفت من می خواهم شوک بزرگ به قیمت حامل های انرژی وارد کنم، ایشان مصاحبه کردند و گفتند این کار لازم است، اما کافی نیست. و گفتند شرط کفایت این است که باید به طور همزمان بایستی شوک متناسب به قیمت ارز هم وارد شود. پس بنابراین اصلاً دوگانگی وجود ندارد و اینها عموماً از این سیاست حمایت جدی می کردند، می کنند و احتمالاً در آینده هم خواهند کرد. پس من جدایی نمی بینم بین آن چیزی که در سال های اولیه دهه ۱۳۷۰ از طریق آن شوک افراطی به نرخ ارز وارد شد و آن چه که سال ۱۳۸۹ بر سر اقتصاد اومد؟

کارایی: آیا منصفانه تر نیست که تفکیکی بین سیاسیت های اقتصادی و سیاسی در میان دولت ها یا طرفداران آنچه شما معتقدین شوک درمانی می خوانید، قائل شد؟

فرشاد مؤمنی: در همین کتاب اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز، این مساله را مطرح کرده ام که از ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ ، ما شاهد چهار دولت هستیم که اینها در اکثریت قریب به اتفاق مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و بین المللی با یکدیگر اختلاف جدی دارند. حالا سوال این است که چرا تمامی اینها بر روی استفاده از یک رویکرد اقتصادی در عرصه تخصیص منابع استفاده کرده اند و نسبت این موضوع با اقتصاد سیاسی رانتی ریشه دار در ایران چیست؟

کارایی: برخی نگاه حتی بدبینانه تری نسبت به مقوله توسعهٔ در ایران دارند و معتقد هستند کشور ما در حل مسائل خودش عاجز است.

مشکلات بسیار دارد، و ما به این دلیل، توسعه‌نیافته هستیم و باید سعی کنیم که توانایی حل مشکلاتمان را پیدا کنیم و بعد به فکر توسعه یافتگی بیفتیم، آیا با چنین نظراتی موافق هستید؟

فرشاد مؤمنی: این درک یک درک ناقص و ناکارآمدی است. دلیلش هم این است که اگر ما حتی فقط دوران جمهوری اسلامی را هم در نظر بگیریم می بینیم که فراز و نشیب های خیلی بزرگی در عملکرد اقتصادی ایران

پدید آمده است. من مثال می زنم. در مهر ماه ۱۳۹۲ مرکز پژوهش های مجلس یک گزارشی را منتشر کرده است که به نظر من یک سند تاریخی است برای کسانی که می خواهند به روش علمی مسائل توسعه و توسعه نیافتگی در ایران را بفهمند. در آن گزارش نکات ارزنده متعددی مطرح شده که یکی از آنها این است که تصریح می کند که در دوره سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ برای دستیابی به هر یک واحد رشد اقتصادی در مقایسه با سال

های نظام ملی ۵ برابر دلار نفتی صرف نموده است. براساس تجربه ایی که از اولین شوک نفتی در اقتصاد ایران اتفاق است، براساس می خواستم تحلیلی ارائه بدهم اگر این دولت بسیار گرمای کنونی آن بلوغ را از خودش نشان ندهد که لوازم کاربست موثر جذب سرمایه خارجی، چه هوشمندی های خیلی مهمی وجود دارد و اگر قرار بود صرف جذب کردن یک میلیارد دلار گرفتاری های ما حل و فصل کند، آقای احمدی نژاد ۱۰۰۰ میلیارددلار را در ۸ سال دود کردند و کشور ار دچار بحران فساد، بحران ناکارآمدی، بحران فقر گسترده و حاد، بحران فروپاشی طبقه متوسط و طیف متنوعی از بحران های زیست محیطی کردند . هوشمندی خیلی سطح بالایی می خواهد. نکته بسیار مهم این است که این دانش وجود دارد اما مهم این است که آن عناصر قدرتمندی که کاربست علم مغایر با منافع آنهاست، چقدر می توانند کنار زده شوند.

توجه به دانشگاه و دانشجو و تعمیق زیرساخت های علمی

راه رسیدن به توسعه

فاروق امین مظفری

فاروق امین مظفری، استادیار دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز در این مقاله نسبت دانشگاه و توسعه را مورد توجه قرار داده است و اینکه چه تحولات ضروری در این خصوص بایستی صورت پذیرد:

امروزه چالش ها و نیازمندی های متعدد و متنوع علمی واطلاعاتی پیش روی نهادهای علمی قرار دارد که برای رویارویی با آن، ضروری است در جهت نوعی تجدید حیات و تغییرات گسترده و حتی تنوع در اهداف، وظایف و کارکردها گام‌هایی برداشت. برای کسب بیشترین بازدهی با کمترین هزینه، این نهادها باید به نوسازی خود همت گمارند. از این رو برنامه ریزی نوین و طراحی مجدد فعالیت ها و نقش ها ضرورتی اجتناب ناپذیر خواهد بود؛ زیرا در این عصر، کارکردهای این نهادها تغییرات اساسی نموده است. بدین خاطر تجدیدنظر در برنامه ریزی آموزشی، شیوه های سیاستگذاری در نظام آموزش و تحقیقات، تحلیل و تبیین تعامل بین حوزه صنعت و دانش، بازنگری در ساختار ووظایف نهادهای متولی دانش، تجدیدنظر در نظام پذیرش دانشجو، یافتن شیوه های نوین در پژوهش و تحقیقات، بررسی روش های بهبود کیفیت آموزشی و نیز تبیین رابطه میان آموزش عالی با فرهنگ جامعه و مسائل اجتماع وپاسخگویی نظام آموزش عالی به نیازهای اقتصادی واجتماعی جامعه متنوع امروز برای نیل به توسعه، ضرورتی اجتناب ناپذیر می نماید که در واقع تامل و تعمق در عوامل فوق، لزوم تحول بنیانی نظام آموزش عالی را به خوبی روشن می سازد.

از دیدگاه صاحب نظران مباحث توسعه، در شرایط کنونی توان مراکز علمی ودانشگاهی در پرورش افراد نخبه و توان بکارگیری آنان در فعالیت های اقتصادی واجتماعی به عنوان هدف های اصلی، مطرح بوده و از اصلی ترین عوامل حرکت به سمت یک جامعه توسعه یافته به شمار می رود؛ به همین خاطر ضرورت درک و آشنایی با دیدگاه ها و تحولاتی که امروزه نظام آموزش عالی ایران با آن روبرو است از اهمیت وافری برخوردار است. لازم به ذکر است که مطرح شدن انتظارات جدید از نظام آموزش عالی در بیشتر کشورهای جهان به ویژه در سال های اخیر، از عمده ترین عواملی است که برخی از نظام های دانشگاهی کشورهای پیشرفته را دچار تحول و تغییر بنیانی و برخی دیگر را در اندیشه آغاز چنین تحولی قرار داده است.

دانشگاه در ایجاد توسعه پنج وظیفه اساسی بر عهده دارد:

۱. آموزش در برگیرنده ی دو مقوله ی تعلیم و تربیت است و دانشگاه ها نامین کننده ی نیروهای متخصص و عاملی تعین کننده برای بازآموزی و روزآمد ساختن اطلاعات حرفه ای بخش صنعت ودولت هستند.

۲. پژوهش و تولید علم که اصولا تحقیقات در مرزهای دانش بیشتر در حوزه ی عمل دانشگاه ها است. اگر چه مراکز تحقیق وتوسعه نیز به تولید علم می پردازند اما نقش کلیدی در تحقیقات بنیادی بر عهده ی دانشگاه ها است و آنها از این طریق می توانند بخش عمده ی نیازهای مراکز تحقیق وتوسعه را تامین و در نتیجه، فرایند تبدیل علم به تکنولوژی را تسریع بخشند

۳. ترویج به این مفهوم که دانشگاه ها نقشی اساسی در بالا بردن آگاهی‌های عمومی دارند. دانشگاه ها از طریق سازوکارهای مختلف مثل برگزاری سمینارها، کارگاههای آموزشی، نمایشگاه ها و برگزاری دوره های تخصصی برای گروه های خاص و موارد مشابه می توانند موجی از دانش را به جامعه سرازیر کنند.

۴. خدمات علمی ومشاوره ای. دانشگاه ها می توانند با ارائه ی خدمات علمی ومشاوره ای به صنایع ودولت آنها را در حل مشکلاتی که با آن مواجه اند، یاری دهند. اگر چه این نقش نسبت به نقش های مذکور کم رنگ تر است.

۵. علاوه بر موارد یادشده، دانشگاه ها می توانند طراحی مهندسی جامعه وسازماندهی مستمر ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ساختارها و خرده ساختارهای صنعتی کشور را به عهده گیرند. تحقق مطلوب وظایف مذکور زمانی صورت می گیرد که دانشگاه از یک نهاد درونگرا و نخبه پرور به یک نهاد پویا، برونگرا و پاسخگو به نیازها و ضرورت های بومی وجهانی تبدیل شود.

اشاعه ی فرهنگ ترویج علم در دانشگاه نه تنها بسته به پتانسیل های بالقوه ی دانشجویان، که نیازمند همکاری وحایمت سایر نهاد های اجتماعی از جمله دولت، آموزش و پرورش و … نیز می باشد. سالهاست که کشور های غربی به تجهیز وبرنامه ریزی در حوزه توسعه سطوح دانشگاهی می پرداختند و این توجه، در ساختار توسعه یافته امروزه آنها مشهود است. آنها نگاه خود را معطوف به سرمایه گذاری بلند مدتی نموده اند که نمود آن عمیقادر بافت های درونی کشور رخ می نمایاند.

فراهم کردن زمینه های لازم برای رشد دانشجویان از اساسی ترین و بنیادی ترین افعال اجتماعی هر دولت برای توسعه زیرساخت های علمی خود می باشد. از شاخص ترین

چهره ها در توسعه ی علوم در غرب می توان به فرانسیس بیکن اشاره نمود. از قرن ۱۷ و ۱۸ می توان شاهد این توسعه در قالب هایی چون تاسیس آکادمی های علوم، انتشار نشریات علمی، تالیف کتب درسی، توجه به برگزاری نمایشگاه ها وموزه ها بامضامین علمی وفناورانه و … . برنامه ریزی های بلند مدتی که در زمان های دور در اروپا رخ داد امروز آن را در بالاترین سطح علمی قرار داده است، نمی توان با تصمیم گیری های عجولانه، یکباره و حساب نشده به میدان رقابت با بزرگان علم پرداخت؛ اما انسجام وبرنامه ریزی بلند مدتی که به طور حساب شده ودقیق باشد که حمایت نهاد های دولتی را نیز به همراه خود داشته باشد می تواند در بلند مدت سبب رشد وپویایی هر چه بیشتر جوامع گردد.

دانشگاه به عنوان مهمترین نهاد در حیطه ی بلوغ اجتماعی انسان های جامعه باید در مرکز توجه وبرنامه ریزی های دولت قرار گیرد. فعالیت های دانشجویان هر دانشگاه باید در مرکز توجه نهاد های اجتماعی -دولتی قرارگیرد و ضمن حمایت از این فعالیت ها اسباب انگیزش در دیگران دانشجویان رافراهم نمایند.

متأسفانه در جوامع عقب مانده بدلیل سطح ابتدایی توقعات و غفلت از اهمیت زیر ساخت ها تنها به رونمای رشته های علمی پرداخته می شود. فراموش شدن علوم انسانی و تنها پرداختن به رشته های کاربردی می تواند پیامدهای منفی جبران ناشدنی رافراهم آورد. علوم انسانی به عنوان زیربنای فرهنگ و هویت یک جامعه در کنار دیگر شاخه های علوم حائز اهمیت است. جامعه ای که فرهنگی برای خود نداشته باشد یا تاریخش را فراموش کند خیلی زود از صحنه ی جهانی پس زده می شود. عدم توجه به مهمترین ساختارهای اجتماعی و علمی در کشور و کنار گذاردن نگاه دقیق و اصولی به توانایی های افراد جامعه و تنها توجه به برخی از رشته ها، توسعه ای وپسگرا و ناقص را به همراه خواهد داشت. توسعه بایددر تمامی رشته ها باشد.

از سویی پرداختن صرف به دانشگاه ها و عدم آمادگی برای ورود به عرصه ی اجتماعی نیز از دیگر آفت هایی است که دانشجویان با آن سر و کار دارند. متأسفانه بدلیل عدم آمادگی جامعه برای حضور نیروی متخصص جدید و البته استفاده عمومی صاحبان مشاغل از ایده های سنتی وعدم اعتماد به تکنولوژی های روزآمد دانشگاهی سبب می شود که در اشتغال به کار دانشجویان فارغ التحصیل از دانشگاه های نازل ودانشجویانی که با بالاترین سطح علمی در دانشگاه های درجه نخست تحصیل نموده اند هیچگونه تمایزی نباشد.

شاید یکی از حششتنکات ترین پدیده های اجتماعی در حوزه ی دانشگاهی و علمی این باشد که دانشجویان فارغ التحصیل پس از یک دوره درگیری وتلاش و برای رسیدن به این نقطه دچار دلزدگی و پوچی کار خود شوند و به مشاغل غیر مرتبط و گاه کاذب روی آورند که این مسئله بدترین آفت برای یک جامعه که روی به توسعه دارد می باشد. ایجاد انگیزش وتوجه به دانشجویان و تعامل مستمر جامعه ودانشگاه از اساسی ترین نیازها برای توسعه پایدار یک جامعه می باشد، جهان آینده از آن مللی است که باتکیه به توان نیروی علمی خود به توسعه در ساختار آکادمیک وپژوهشی بپردازد.

قرن ۲۱ به عنوان قرن دانش معرفی شده است. در این عصر، سرمایه اصلی جوامع، دانش، مهارت ونگرش منابع انسانی آنها است. برای اینکه این سرمایه در خدمت سعادت جامعه باشد به قابلیت های کارآفرینی نیاز دارد. در حال حاضر توسعه کارآفرینی هسته برنامه های توسعه کشورها است. از این رو، سرمایه گذاری در قابلیت های کارآفرینی منابع انسانی جایگه ویژه ای دارد. انتظار می رود دانشگاه ها در توسعه قابلیت های کارآفرینی نقش محوری ایفا نمایند. به طور کلی از دانشگاه ها انتظار می رود که یک جریان تآووری در کشور ایجاد کنند و قابلیت های کارآفرینی مورد نیاز جامعه رافراهم نمایند. همچنین دانشگاه می تواند قابلیت های کارآفرینی شامل دانش، مهارت ونگرش کارآفرینی را در دانش آموختگان ایجاد کندو دانش آموختگان به عنوان عاملان تغییر اجتماعی، این قابلیت ها را در جامعه ارویج دهند. امروزه کارآفرینی دانشگاهی یک آرمان پیشرفته و جذاب برای آموزش عالی است. در دنیای رقابتی آینده دانشگاه ها برای حفظ بقای خود راهی جز حرکت به سمت کارآفرینی دانشگاه ندارند. برای رسیدن به این منظور باید تغییراتی در فرایندهای آموزشی وپژوهشی، ساختار، فرهنگ وشیوه ومحتوای تعامل دانشگاه ها بانگه ها ودولت ایجاد شود.

در نهایت باید گفت در عصر حاضر موفقیت از آن کشوری خواهد بود که ضمن توجه به دانشجویان ونهاد حساس وتعیین کننده ی دانشگاه ،سیاست های عمرانی وشجاعانه ای را در پرورش واشاعه ی علم وبصیرت در جامعه پیاده کند.

چیستی توسعه، جهان شمول بودن یا منحصر بفرد بودن تجربه توسعه، مصادیق توسعه یافتگی و چشم انداز حصول به آن در گفتگو با صاحب نظران

هفته گذشته در محل سازمان مدیریت صنعتی نمایندگی آذربایجان شرقی، مناظره ای درباره توسعه، رویکردهای متفاوت نسبت به این موضوع و الزامات دستیابی به آن برگزار شد. این مناظره با حضور آقایان محمدباقر بهشتی، عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانش‌کده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز و مدیر علمی سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی، علیرضا بافنده، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و مدیر واحد مشاوره و تحقیق سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی و آصف حاجی زاده دانش آموخته و مدرس علوم سیاسی برگزار شد، آنچه در پی می آید، مشروح این گفتگو و مباحثه است:

کارایی: اگر اجازه بدهید پیش از هر چیز از تعریف توسعه شروع کنیم. برای ما بفرمایید معنای توسعه چیست؟



دکتر بهشتی: برای تعریف مضمون توسعه برای دانشجویان اقتصاد حداقل هشت واحد درسی ارائه می گردد. بنابراین در اینجا فرصت پرداختن به تعاریف کلاسیک را نداریم. تعریف ساده‌ای که می‌توانم از توسعه ارائه کنم این است که توسعه تکامل درون‌زای بلندمدت است. فرایند یعنی مسیری که ابتدا دارد اما انتها ندارد. تکامل، یعنی هر مرحله مکمل مرحله‌ی قبل است، و بدین معنا توسعه با جهش اتفاق نمی‌افتد. یعنی توسعه یک انقلاب نیست بلکه مسیری تکمیلی است. یعنی یک جامعه‌ی استبدادی به یکباره نمی‌تواند به یک جامعه‌ی دموکراتیک تبدیل شود بلکه باید روندی را طی کند. مورد بعد این است که توسعه، فرایندی است درون‌زا و نمی‌توان آن را به جامعه‌ای تزریق کرد. برای فهم موضوع می‌توان به مثال تکامل یک جوجه در تخم‌مرغ اشاره کرد. مراحل تکمیل شدن یک جوجه بیست و یک روز داخل تخم‌مرغ طول می‌کشد. شما اگر آن جوجه را زودتر بیرون بیاورید از بین خواهد رفت. اما همین جوجه اگر خودش به تکامل برسد، خواهد توانست از درون، دیواره‌های تخم‌مرغ را بکشند و بیرون بیایند. جامعه باید خودش بخواد که توسعه پیدا کند. اگر نخواهد، توسعه امکان پذیر نخواهد بود.

کارایی: آقای دکتر با فرض این که جامعه تصمیم بگیرد به طور درون‌زات توسعه پیدا کند آیا عوامل بیرونی می‌تواند این توسعه را متوقف کند؟



دکتر بهشتی: خیر. عامل بیرونی همانطور که نمی‌تواند جامعه را برای حرکت به سمت توسعه اجبار کند، نمی‌تواند جلوی توسعه‌ی ارادی جامعه را هم بگیرد. کشورهای دیگر می‌توانند روند توسعه‌ی یک کشور را کند کنند اما نمی‌توانند این روند را متوقف کنند. حمایت دیگر کشورها هم تنها سرعت توسعه‌ی یک کشور را می‌تواند افزایش دهد و نمی‌تواند توسعه را در یک کشور از ابتدا ایجاد کند. مثال خوب این حمایت از توسعه کره‌ی جنوبی است. همچنین توسعه روندی است بلند مدت. هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که مثلاً تا ده سال به توسعه دست خواهد یافت. برخی از ممالک در چهارصد سال به توسعه رسیده‌اند و برخی دیگر در پنجاه سال. اگر نسل فعلی ما تصمیم به توسعه بگیرد، فرزندان‌شان به توسعه می‌رسند و نه خودشان. یعنی می‌توانند فرزندان‌شان را طوری تربیت کنند که رفتار توسعه‌ای را یاد گرفته و در زندگی‌شان اجرا کنند. خود این نسل در حال حاضر تعریفی از توسعه ندارد به طوری که پیشرفت را جایگزین توسعه می‌داند. این در حالی است که در واقع هر توسعه‌ای پیشرفت است اما هر پیشرفتی توسعه نیست. یعنی این دو مفهوم باهم متفاوتند. پیشرفت بیمار، توسعه نیست. پیشرفت در تخریب مراتع که توسعه نیست.

کارایی: آقای دکتر نقطه‌ی شروع توسعه کجاست؟



دکتر بهشتی: گفتیم که هر فرایند، نقطه‌ی شروعی دارد اما نقطه‌ی پایان ندارد. توسعه نیز فرایند تکامل درون‌زای بلندمدت است. پس نقطه‌ی شروع توسعه جایی است که باورها و رفتارهای جامعه متحول شود. باورها و رفتارهای جامعه که شروع به تغییر کرد جامعه توسعه را آغاز کرده است. اما تحول در باورها و رفتارها یعنی انسان یاد بگیرد که در جمع زندگی کند. یعنی فرد در جامعه برای جمع زیست کند نه برای خود. برای خود زیستن به معنی گریز از توسعه خواهد بود. یعنی یک فرد خود را در تمام خوشی‌ها و نازاحتی‌های جامعه مشارکت می‌دهد و این به معنی شهروندی است. این تفکر که به ما می‌گوید هر کس باید گلیم خود را از آب بیرون بکشد تفکر ضد توسعه است. متأسفانه

این باور در جامعه ما وجود دارد که با دیگران کاری نداشته باش و گلیم خود را از آب بیرون بکش. باید توجه داشته باشیم که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی دارد. زندگی انسان دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. و توسعه مفهومی است که در برگیرنده‌ی همه‌ی ابعاد زندگی انسان است. به همین دلیل است که می‌گوییم این توسعه شاخص‌های اقتصادی دارد، شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی دارد، و شاخص‌های سیاسی نیز دارد. بنابراین توسعه مفهومی است که تمامی ابعاد زندگی انسان را در برمی‌گیرد.

کارایی: به نظر شما دولت در کجای این فرایند توسعه قرار می‌گیرد؟



دکتر بهشتی: هر حکومتی واجد یک تئوری حکومتی است. مدیریت یک علم است. حالا باید دید حکومت ما از کدام تئوری‌های مدیریت برای اداره‌ی جامعه استفاده می‌کند؟ طرح این مساله در شرایطی است که دولت‌های نهم و دهم اصلاً اعتقادی به علم نداشتند و علم را به سرخه می‌گرفتند. وقتی که صدوپنجاه و هفت نفر از اقتصاددانان نامه‌ای برای رئیس دولت نهم و دهم نوشتند که در آن مشکلات کشور در عرصه‌ی اقتصاد، به همراه راهکارهای علمی رفع این مشکلات تبیین شده بود، رئیس دولت گفت که ما مملکت را اداره می‌کنیم و یک تعداد در این میان‌های و هوی می‌کنند. معنای این پاسخ رئیس دولت وقت این است که دولت و رئیس آن اعتقادی به علم در اداره‌ی کشور ندارند. این مسائل در حالی رخ داد که در سال‌های بعد تمامی پیش‌بینی‌هایی که در آن نامه‌ی اساتید دانشگاه شده بود درست از آب درآمد. البته مساله، خود رئیس دولت نبود، بلکه مجموعه‌ای از افراد و نحوه تفکر در حوزه حکومت بود که بواسطه آن، دروغ‌گویی و اختلاس ناپدید شد و باور دینی مردم مورد حمله قرار گرفت. و به رغم افزایش درآمدهای نفتی، بدبختی تمام کشور را فرا گرفت. متأسفانه دولت یازدهم هم نمی‌تواند راجع به مشکلات دولت قبل صحبت کند، چرا که مردم آمادگی شنیدن آن را ندارند. عمق فجایع چندین برابر چیزی است که مردم می‌دانند. میزان کل فروش نفت در تاریخ ایران، ۱۴۰۰ میلیارد دلار است که ۷۰۰ میلیارد دلار آن، متعلق به دوره‌ی دولت‌های نهم و دهم است. این دولت حساب صندوق ذخیره‌ی ارزی را با ۱۴ میلیارد دلار از آقای خاتمی تحویل گرفت، و با وجود این درآمد، زمانی که صندوق توسعه‌ی ملی‌ای که در زمان همان دولت راه اندازی شده بود، تحویل دولت یازدهم شد، این صندوق خالی بود. تمام اینها بجز ۸۲ هزار میلیارد تومان وامی است که شبکه‌ی بانکی پرداخت کرده و به آن بازگردانده نشده است. شبه دولتی‌سازی هم که خود داستان دیگری است و برخی از نهادهایی که اصلاً نمی‌توان در هیچ موردی از آنها سوال کرد، بسیاری از شرکت‌های دولتی را خریداری نموده‌اند. در واقع بخش خصوصی از میان رفته است. آیا این ویرانگری نیست؟ البته نیابستی از خاطر دور داشت که تفکر ما در تمامی پنجاه ساله‌ی که به سمت توسعه با مشخصات مورد تعریف خیز برداشته ایم، دچار مشکل بوده است اما تنها نقطه‌ی تمایزی که در دولت‌های نهم و دهم نسبت به طول پنجاه سال وجود دارد این است که در طول این هشت سال ما میزان بالایی از منابعی را که نصیب کشور شده بود هدر داده‌ایم.

کارایی: آقای دکتر حاجی زاده، شما از منظر علوم سیاسی چه تعریفی از توسعه دارید؟



دکتر حاجی‌زاده: توسعه شامل یک سری موقعیت‌ها در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که در کشورهای توسعه یافته با کشورهای توسعه نیافته تفاوت دارد. یعنی معیار تحلیل و ارزیابی ما واقعیتی است که عملاً وجود دارد و نه چشم‌انداز ایده‌آل. در کشورهای شمال که به آنها توسعه یافته اطلاق می‌کنیم

موقعیت‌هایی وجود دارد که ما کشورهای خود را که در قالب کشورهای جنوب دسته‌بندی می‌شوند، در مقایسه با آن موقعیت‌ها، توسعه نیافته می‌یابیم. البته این موقعیت‌ها نسبی هستند، هم در کشورهای شمال و هم در کشورهای جنوب، چرا که هر لحظه در حال تغییرند. این که آیا ما توسعه نیافتگی را پدیده‌ای درون‌زادانیم یا متأثر از عوامل خارجی، در واقع ما وارد حوزه‌ی آسیب‌شناسی توسعه

شده‌ایم و می‌خواهیم تشخیص بدهیم که ما چرا توسعه نیافته‌ایم. اینکه آیا عدم توسعه یافتگی حاصل عدم تصمیم داخلی است و یا حاصل نیروها و عوامل خارجی.



کارایی: آقای دکتر بافنده، شما تعریف خود از توسعه را برای ما عنوان بفرمائید. **دکتر بافنده:** ممنونم که از تعریف توسعه، بحث را شروع کردید. ما در تعریف توسعه و مفاهیم وابسته به آن مشکلات فراوانی داریم. تصور این است که اگر به دانشگاه‌ها مراجعه کنیم و از جامعه‌ی علمی کشورمان بخواهیم که توسعه و برخی مفاهیم مربوط به آن را تعریف کنند شاید به تعریف‌های چندان هم گرایانه‌ای نرسیم. حالا ما اگر بخواهیم با چنین تعاریف متفاوت و دور از همی از توسعه، برای هدایت جامعه به سمت توسعه راهکارهایی ارائه کنیم چندان موفق نخواهیم بود. من فکر می‌کنم بتوانیم با استفاده از استعاره‌ها به نتایج بهتری در زمینه تعریف توسعه برسیم. شاید استعاره‌ی پارادایم یا اکوسیستم برای توصیف توسعه مناسب باشد. توسعه ویژگی کلی یک نظام اجتماعی است. و نظام اجتماعی، کلیت یکپارچه‌ی درهم تنیده از مولفه‌های مختلف و متغیرهای گوناگون است. یعنی توسعه موضوعی است که از برآیند و برهم کنش مولفه‌ها و متغیرهای مختلف به وجود می‌آید. و این کلیت البته با تعدادی معرف و شاخص قابل نمایش و قابل اندازه‌گیری است. در طبیعت اکوسیستم‌هایی وجود دارند که حاصل به هم پیوستگی چرخه‌های حیاتی هستند چرخه‌های حیاتی که گونه‌های مختلف موجودات را شکل می‌دهند و در صورت تغییر این چرخه‌ها، برخی گونه‌ها ناپدید شده و برخی گونه‌های جدید نیز شاید خلق شوند. جامعه توسعه یافته، گونه‌ای است که درون یک اکوسیستم تحت یک نظم پیچیده وجود می‌آید. این اکوسیستم به صورت یک پارادایم خود را حاکم می‌سازد. پارادایم توسعه به صورت یک الگو و سرمشق، مشتمل بر مجموعه مفروضات و الگوهایی در حوزه‌های گوناگون نگرشی و رفتاری شناخته می‌شود. این الگوها بین ال‌ذهانی می‌باشند. عبارت دیگر مشترک و پذیرفته شده بین اعضای یک جامعه است. الگوهای رفتاری و نگرشی توسعه در تمام شئونات زندگی خود را می‌توانند نشان دهند. پارادایم، رفتارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... را در خود جای می‌دهد. درآمد سرانه، امید به زندگی، سطح آموزش (سواد)، بهداشت، سلامت (عدم فساد) در نظام اداری سیاسی، رعایت حقوق شهروندی، وجود سخاوت‌های سیاسی آزاد، انگیزه پیشرفت در مردم، آینده گرایی، ریسک‌پذیری و قبول تغییر، عقلانیت و عدم خوشباشندمداری و تبارگرایی و ... می‌توانند برخی از مولفه‌های جامعه توسعه یافته باشند. این مولفه‌ها توسط برخی شاخص همچون شاخص توسعه انسانی، شاخص آزادی سیاسی، اعلامیه حقوق بشر و ... بیان می‌شوند. این مفاهیم دامنه وسیعی از رفتارها اعضای یک جامعه را در بر می‌گیرد. رفتار والدین با فرزندان، معلم‌پادانش آموزان، حاکمیت با شهروندان، رفتارهای سیاسی چون شرکت در انتخابات و رای دادن، رفتارهای اقتصادی همچون خرید و فروش، رعایت قوانین و مقررات در نظام های اداری و رفتارهای اجتماعی می‌توانند یک جامعه توسعه یافته یا توسعه نیافته را نمایندگی کنند. در واقع وقتی تمامی این مولفه‌ها را یک جا جمع می‌کنیم، می‌توانیم به مفهوم اکوسیستم یا پارادایم توسعه دست یابیم. برخی از معیارها اقتصادی برخی فرهنگی برخی سیاسی و برخی دیگر اجتماعی هستند. در حالی که یکی از خطاهای ما دانشگاهیان این است که مفهوم توسعه را به یک رشته علمی تقلیل می‌دهیم. برخی آن را از منظر علوم سیاسی و با معیارهای این علم تعریف می‌کنند، برخی دیگر معیارهای اقتصادی را در اولویت تعریف توسعه قرار می‌دهند، و برخی نیز معیارهای اجتماعی یا فرهنگی را. اما واقعیت این است که توسعه تمام اینهاست و نه یک یا کایک این موارد. عبارت دیگر توسعه، توسعه است. ما نمی‌توانیم یک فیل را به چند فیل کوچک تقسیم کنیم. اگر از توسعه و یا توسعه نیافتگی صحبت می‌کنیم در واقع ما داریم از کلیت یک نظام اجتماعی بحث می‌کنیم که هر چند این کلیت از اجزا و ارتباط آنها تشکیل شده، اما قابل تقلیل و تحویل به اجزا نیست. در تعریف توسعه به نظر می‌آید معیارهای اشاره شده بر شالوده بنیادی تری استوار است. که برای تعریف توسعه تعیین تکلیف با این شالوده نیز ضروری به نظر می‌رسد. منظور از شالوده بنیادی چیزی نیست مگر طرز

تلقی ما از انسان. محور توسعه انسان است. طرز تلقی ما از انسان بسیاری از شاخص‌های توسعه یافتگی را رقم خواهد زد. ما باید تکلیفمان را با آزادی، مالکیت، حقوق و تکالیف انسان مشخص کنیم.



کارایی: جناب آقای دکتر بافنده تقریباً چقدر طول کشیده است که دانشگاه ما توسعه را به عنوان یک موضوع چندوجهی ببیند؟



دکتر بافنده: نظر من این است که هنوز هم این امر به درستی پذیرفته نشده است. هر چند اساتیدی همچون مرحوم دکتر عظیمی تلاش قابل تقدیری را در این مسیر انجام دادند. و اساتید دیگری نیز در دانشگاه‌های مختلف سعی دارند از منظرهای متفاوت به موضوع توسعه نگاه کنند اما به نظر می‌آید هنوز دانشگاهیان ما در جنبه تخصص گرائی گرفتار هستند. منظورم از تخصص گرائی این است که توسعه موضوعی پیچیده و میان رشته‌ای است در حالی که ما دانشگاهیان یک تخصص خاص را داریم. یا اقتصاد خواندیم، یا سیاست، یا جامعه‌شناسی یا ... تخصص گرائی علم، متخصص را در تعریف موضوع چند بعدی و پیچیده توسعه دچار تقلیل گرائی می‌کند. در حوزه دانشگاه چنین درکی از مفهوم توسعه غالب است. و در حوزه سیاست‌گذاری و اجرا بحث شاید وخیم تر نیز باشد. در این حوزه به نظر می‌رسد ما در توهم تعریف توسعه قرار داریم. عده‌ای آنز معادل کارخانه و ساختمان و جاده و ... می‌دانند. گروهی توسعه را مفهومی غربی دانسته‌وازه‌های دیگری همچون پیشرفت را ترجیح می‌دهند. عده‌ای سعی در تعریف آن بر اساس سنت و گذشته دارند. شاید این مورد آخری خود یکی از اسبب‌های جدی تعریف توسعه باشد. سنت‌های دیرینه و عمیق که قدمتی به درازنای تاریخ دارند همیشه ما را در تعریف توسعه به عقب و گذشته حواله می‌دهند. وابستگی و تعهد به مفاهیم سنت، گاه ما را در تعریف توسعه بی‌جسارت و محافظه‌کار می‌کند. من فکر می‌کنم هنوز ما به تعریف واحدی از توسعه نرسیده‌ایم. شاید در سطح دانشگاه تا حدودی توانسته باشیم توسعه را به عنوان یک مفهوم میان رشته‌ای ببینیم، اما قطعاً در سطح جامعه و حتی دولت توانسته‌ایم به تعریف مشخصی از توسعه برسیم. ما هنوز قادر نیستیم نمونه‌ای آرمانی از توسعه را تصور کنیم. نمونه‌ای که مانند تعریف ماکس وبر از نظام اداری کاملاً روشن و واضح باشد و بتوانیم روی آن توافق کنیم و میزان توسعه یافتگی مان را با آن بسنجیم.

کارایی: آیا برای رسیدن به توسعه با این مولفه‌های مورد نظر، چشم اندازی متصور است؟



دکتر بافنده: به نظر می‌آید ما در مقوله حرکت به سمت توسعه می‌توانیم سه رویکرد را داشته باشیم. شانس، تفکر و برنامه ریزی. تقسیم دوکره در مدار ۳۷ درجه باعث شد کشور کره با فرهنگ و سبک زندگی واحد به دو کشور با شرایط توسعه یافتگی کاملاً متفاوت با هم تبدیل شوند. بیماری طاعون توسط موش‌ها از کشورهای شرقی از طریق کشتی‌ها به انگلستان می‌رسد، این بیماری به سرعت شیوع پیدا کرده تقریباً پنجاه درصد از کارگران مزارع (سرف) کشته می‌شوند. توازن بین عرضه و تقاضای نیروی کار برهم می‌خورد. قدرت چانه زنی کارگران افزایش می‌یابد. در برخی مناطق نهادهای کارگری تشکیل می‌شود که به کارفرما‌های می‌توانند فشار وارده کرده امتیازهای بیشتری مطالبه کنند. در نهایت نظام سرف فرومی‌باشد. کشاورزانی که چیزی بین رعیت و برده بودند یک مرحله آزاد تر می‌شوند. سرف‌ها یا کارگرانی که با زمین خرید و فروش می‌شدند تبدیل به رعیت می‌شوند. یک گام به سمت توسعه. استعمار هند توسط انگلیس که اگر چه صدمات و معایبی داشت اما زبان ارتباط بین المللی و بوروکراسی اداری از برکات آن بوده است. کشف نفت در ایران که معادلات اقتصادی و سیاسی خاصی را رقم زد. نمونه‌های زیادی را می‌توان پیدا کرد که به برخی از این‌ها دارون عجم اوغلو در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» اشاره کرده است. شاید این عامل را بتوان شانس نامید. منظور از تفکر، فرصت‌یابی و استفاده از فرصت‌های پیش رو جهت تحقق مفاهیم توسعه است. در این مرحله ما چشم اندازی برای توسعه داریم. عبارات دیگر توسعه برای ما تعریف مشخص و واضحی دارد تنها کاری که باید انجام دهیم فرصت‌یابی و شکار فرصت‌ها برای دستیابی به چشم انداز توسعه است. برنامه مشخص و منظمی وجود ندارد اما تفکر و اندیشه توسعه در بین تصمیم گیران، تمام تصمیمات را به سمت توسعه سوق می‌دهد. مانند استفاده از تعاملات سیاسی، شناسایی نقاط اهرمی و بزنگاه‌های تاریخی و استفاده از فرصتهای پیش آمده در معادلات سیاسی دنیا و منطقه. و اما

سومین رویکرد برنامه ریزی منظم است. البته سه کاملاً جدا از هم نیز نیستند. مخصوصاً مورد دوم و سوم. در برنامه ریزی ابتدا باید چشم‌انداز توسعه مشخص گردد. منظورم از این چشم‌انداز، چشم‌انداز در ادبیات مدیریت است. چشم‌انداز مثل يك فانوس دریایی جهت حرکت را معلوم می‌کند و قصد ما را از توسعه روشن می‌کند. چشم‌انداز مقصد نهائی را

مشخص می‌کند. چشم‌انداز یا بینش، تصور ما از توسعه را تبیین می‌کند. چشم‌انداز تصویر مثبت از آینده است. این اولین قدم است. تعیین چشم‌انداز و کلا برنامه ریزی برای تغییر، بدون دولت توسعه‌گرا ممکن نیست. مفهوم توسعه باید برای دولت توسعه‌گرا هضم شده باشد. بدیهی است وقتی که در يك نظام اجتماعی، و رهبران و افراد پیشرو نمی‌خواهند توسعه اتفاق بیفتد صحبت کردن از توسعه در آن جامعه آب در هوا ن کوفتن است. وقتی که در میان نخبگان سیاسی هنوز تعریف بسیاری از مفاهیم مرتبط با توسعه مانند آزادی، مالکیت، حقوق شهروندی و… بلا تکلیف است تصور تعریف چشم‌انداز، تصویری واهی و بیهوده خواهد بود. شما تصور کنید هنوز در جامعه ما برغم شعارهای خصوصی سازی بدنه دولت از واژه خصوصی وحشت دارد. وقتی که ما هنوز در تعریف این موارد محافظه‌کاری می‌کنیم و به جای بخش خصوصی از عباراتی همچون بخش غیر دولتی استفاده می‌کنیم و بخش خصوصی قدرتمند را به عنوان محدود کننده‌ی قدرت دولت می‌دانیم، نمی‌توانیم از تعریف چشم‌انداز صحبت کنیم. چشم‌انداز توسط رهبران خلق می‌گردد اما تا زمانی که توسط توده‌ها پذیرفته نشده است، نمی‌تواند موتور محرکه برای دستیابی به آن باشد. اینجا نظام آموزشی، برنامه ریزی فرهنگی، رسانه ها و

… می‌تواند مفید واقع شوند. اما بعد از آنکه چشم‌انداز را روشن کردیم باید ببینیم که برای پیاده کردن آن چشم‌انداز چه باید کرد. باید نقاط قوت و ضعف‌های داخلی، موقعیت‌مان در جهان، فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی، انتظارات ذینفعان داخلی و خارجی را با در نظر گرفتن آن چشم‌انداز ارزیابی کنیم. این جانگاہ به درون و نیز نگاه به بیرون باید داشته باشیم. در نگاه درونی می‌بایست به تحلیل مولفه‌های تشکیل دهنده نظام اجتماعی توجه کنیم. سیاست، اقتصاد و فرهنگ سه مولفه درونی هستند که می‌توانند ما را در دستیابی به چشم‌انداز عامل یا مانع باشند. همچنین عوامل بیرونی و مداخلات سیاسی و اقتصادی بیرون از نظام اجتماعیمان در دل خود فرصت ها و تهدیداتی را دارند که نیاز به تحلیل است. و البته مهم تر اینکه مولفه‌های درون جامعه با خود و با محیط خود در تعامل هستند. بر تعامل تاکید دارم به این دلیل که نباید به تحویل گرایی و تقلیل گرایی مبتلا شویم. از تعامل و برهم کنش این مولفه‌هاست که توسعه می‌تواند یا نمی‌تواند شکل بگیرد. من فکر می‌کنم هنوز تحلیل‌های عمیقی که باید در بررسی مولفه‌های درونی و بیرونی توسعه انجام شود و در نهایت به یک برنامه جامع ختم شود در کشور ما انجام نشده است. چنین رویکرد برنامه ریزی در ادبیات مدیریت، برنامه ریز تعاملی نام گرفته است. یعنی توجه به مولفه درون و بیرون از سیستم و مهم تر از آن توجه به ارتباط بین مولفه‌ها. یکی از این ارتباطات توجه به اقتصاد سیاسی به جای توجه صرف به اقتصاد و سیاست است. بعنوان مثال باید به این نکته توجه کرد که اساساً در اقتصادی که نفتی و رانتیر است چگونه می‌توان از توسعه صحبت کرد؟ طرحی ریزی نظام اقتصادی مبتنی بر منابع طبیعی باید با توجه به نظام سیاسی انجام بگیرد. این چنین نظام اقتصادی در کنار چه نوع نظام سیاسی و نهادی می‌تواند مولد توسعه باشد؟ درآمدهای حاصل از چنین اقتصادی در کدام بخش از بدنه دولت (حکومت) باید قرار گیرد؟ این‌ها سوالاتی هستند که بر تعاملات بین نهاد‌های جامعه تاکید دارند. شما دقت

کنید در کدامیک از کشورهایی که درآمد دولت‌ها به ذخایر طبیعی همچون نفت متکی هستنددموکراسی وجود دارد؟ تقریباً در هیچ‌کدام. البته این مساله به معنی این نیست که آرزوم کنیم نفت سریع تر تمام شود یا منابع انرژی دیگری چون انرژی های پاک جایگزین آن شود. که البته در این صورت نیز شرایط سیاسی جوامعی بی‌تاثیر نخواهد بود. منظور این است که در کشور ما که اقتصاد متکی بر درآمدهای نفتی است، رابطه نهاد اقتصاد با نهاد‌های دیگر چون سیاست باید باز تعریف شود. نفت مثل فرزندی است که متولد شده. سقط جنین امکان پذیر نیست. اما تصمیم گیری در مورد درآمد حاصل از آن قابل تصمیم گیری است. اینکه چه بخشی از حکومت در مورد این درآمد تصمیم بگیرد، قوه مجریه یا مجلس یا هر مرجع قدرت سیاسی دیگری قابلیت بحث دارد. وقتی در چشم‌انداز بر مبنای کرامت انسانی، آزادی انسان را بعنوان یکی از معیارهای توسعه یافتگی پذیرفته ایم، این آزادی محقق نمی‌شود مگر اینکه تصمیم گیری در خصوص منبع قدرتی چون درآمد نفت به مردم سپرده شود. در تئوری های رفتاری اصلی داریم تحت عنوان «کلید قدرت وابستگی است». تا زمانی که زندگی من وابسته به پارانه ماهانه دولتی است، صحبت کردن از دموکراسی و کرامت انسانی بیشتر به طنز شبیه است. در



چشم‌انداز توسعه می‌گیرند که قرار است نقدش کنند و تضمین کننده مسولیت پذیری آن باشند. بنابراین باز تعریف نهاد‌ها و مهم‌تر از آن بازتعریف ارتباط بین مولفه‌های نظام اجتماعی و در واقع طرح ریزی مجدد آن با در نظر گرفتن چشم‌انداز توسعه، یکی از ضروریات و تضمین کننده توسعه یافتگی است. شما فرض کنید تصمیم گیری در مورد درآمد نفت، امنیت، سرمایه گذاری و… را به مردمی بسپارند که برای دستمالی بازار قیصریه را به آتش می‌کشند. برنامه ریزی اقتصادی جامعه را به کسی دهند که معتقد است هر آنکس که دندان دهن‌نان دهد، تقدیرگرانی، بی توجهی به کار و فعالیت، ریسک‌گریزی، آخرت گرایی، رهبانیت، … ویژگی های فرهنگی هستند که بر روی عملکرد سایر نهاد‌ها تاثیر خواهند گذاشت. به عنوان مثال فرهنگ گذشته‌گرایی را در فرهنگ ما ببینید. ما همیشه الگوهای آینده‌ی‌مان را از گذشته انتخاب می‌کنیم. این در حالی است که از اساس، بینش توسعه نگاه به آینده دارد. توسعه به دنبال تغییر و ایجاد تفاوت‌هاست و این خود به خود با گذشته‌گرایی در تضاد است. این در حالی است که ما در تمامی زمینه‌ها در جامعه‌ی‌مان می‌خواهیم به الگوهای گذشته رنگ و لعاب امروزی بدهیم. ما فرهنگی داریم محافظه‌کار، که در برابر

هر نوع تغییری ایستاده است. از زمان «میرزا حسن رشدیه» که اولین مدارس را تاسیس کرد و با مقاومت روبرو شد تا جایگزینی دوش به جای خزینه در حمام‌ها و ورود تلویزیون و ویدئو، دادگستری، ثبت احوال، سینما و…، مادر برابر همه تغییرات مقاومت کرده‌ایم. البته نباید تصور کرد که این مقاومت مختص قشر خاصی از جامعه بوده است. هر کدام از ما به نوبه‌ی خودمان در این مقاومت سهم داریم. این یک مساله‌ی عام است که ما را همواره به سمت افکار ارتجاعی می‌برد. در نگرش ارتجاعی، دوران طلایی گذشته، نوستالژی محبوب ماست و همواره این طرز تلقی وجود دارد که روند امور به سمت بدتر شدن است، در نتیجه ما باید دوران طلایی گذشته را احیاء کنیم. تنها همین تفکر کافی است که جلوی تغییر را در تمامی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بگیرد. یکی از حوزه‌های فرهنگی، دین و معرفت دینی است. در برخی از مناطق کشور همچون کردستان، به دلیل باورهای دینی، چندان علاقه‌ای به سپرده گذاری هائی که سود به آنها پرداخت می‌شود و نیز به دریافت وام وجود ندارد. چرا که سیستم بانکی را ربوی می‌دانند. چندی پیش که برای مشاوره به یکی از کارخانهارفته بودم دیدم که دیواری از وسط کارخانه کشیده شده است. وقتی که از چرایی ماجرا پرسیدم، گفتند کارخانه ارثیه‌ای پدری بود، بین دو برادر تقسیم کردیم. از چگونگی تقسیم دستگاه‌ها و ساختمان‌ها که پرسیدم گفتند که ساختمان‌های اداری و تعدادی از دستگاه‌ها در يك طرف مانده و بر برخی دستگاه‌ها و سالن تولید هم طرف دیگر. قانون ارث که بر گرفته از فرهنگ دینی است جلوی انباشت ثروت را می‌گیرد. انباشت ثروت که رخ ندهد، بخش خصوصی قدرتمند هم نخواهیم داشت. این در حالی است که در کشور آلمان اگر شما زمینتان رابه همسایه‌ی‌تان بفروشید از مالیات معاف خواهید بود. بدیهی است که چنین قانونی باعث یکپارچه شدن زمین و صرفه جویی به مقیاس و افزایش بهره وری خواهد شد. مزارعی را در نظر بگیرید که چندین نسل بین وراثت تقسیم شوند.

کارایی: **آقای دکتر حاجی زاده**، به نظر شما عمده تفاوت های میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته یا کشورهای شمال و جنوب چیست؟



از نظر ما در کشورهای جنوب امنیت يك مقوله‌ی سخت‌افزاری است در حالی که از نظر کشورهای شمال امنیت يك مقوله‌ی کاملاً نرم‌افزاری است. برای به دست آوردن قدرت در کشورهای شمال نیز عقلانیتی وجود دارد که در کشورهای جنوب، مادری از آن عقلانیت نداریم. اما ما چرانی می‌توانیم این عقلانیت را بفهمیم؟ چون سیستم آموزشی ما چهره شکل سنتی که بر اساس حب و بغض است و چه در روش‌های شناختی‌ای که از بیرون به آن وارد شده است، حاصل روش‌هایی است که تضاد به بار می‌آورد و جامعه‌ی ما را همیشه در

داخل و خارج دوقطبی می‌کند و به ما اجازه نمی‌دهد به خرد برسیم. چون این منطق در داخل، ما را در قالب مذاهب، طبقات و ملیت‌ها، در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد و در بیرون در قالب استکبار، امپریالیزم، در یک دنیای دوقطبی، ما را روبروی هم قرار می‌دهد و این روند هم به صورت پیوسته‌ای خود را باز تولید می‌کند و پذیرش علم و عقلانیت محوری برای مادشوار می‌شود.

در حال حاضر در سیستم آموزش غرب به کودکان چشم‌انداز فلسفی داده می‌شود و آنها می‌دانند که کشورشان به کدام سمت در حال حرکت است. نمونه‌ی عملی‌را هم در چار چوب همان چشم‌انداز به کودک می‌آموزند. به عنوان مثال به کودک گفته‌در چار چوب آن چشم‌انداز، کشورشان در حال تعقیب کدام استراتژی‌ها در منطقه‌ی خاورمیانه یا دیگر نقاط دنیاست. آنها انسان مدنی پرورش می‌دهند؛ یعنی این که به فرزندان‌شان یاد می‌دهند که حداقل به حقوق انسان‌ها احترام بگذارند. حالا بر اساس هر معیاری که لازم است، حالا اسمش را حقوق بشر بگذارید و یا هر چیز دیگری.

در آنجا دموکراسی ابزار ی است برای تامین حداقل حقوق انسان‌ها. اگر ما بخواهیم ابزارهای اقتدار را نام ببریم، چند ابزار وجود دارد. ارادت، ارعاب، پاداش، تخصص و حقانیت که مهم‌ترین این ابزارها، حقانیت است. مهم این است که ما اقتدار را با حقانیت ببندیم می‌خواهیم بگوییم که در کشور ما ساختارها وجود دارند، اما چون منطق حاکم، دیالکتیک مبتنی بر ساختارگرایی است و همیشه سعی دارد چند ساختار را بسازد و باهم به تقابل وارداد، در قالب درها در اینجا اهمیت ندارد. یعنی در کشور ما ساختارها وجود دارد اما

ساختارها کارکرد مورد نظر ما را ارائه نمی‌کنند. تفاوتی ندارد که ساختارها، سنتی باشند یا مدرن، حکومتی باشند یا مردمی. مثلاً ساختار آموزش ساخته شده است اما آیا این سیستم می‌تواند همان کارکردی را که در آمریکا و اروپا دارد را داشته باشد؟ در واقع برخی منطق‌ها وارد شده‌اند و همه چیز را تحت تاثیر قرار داده‌اند. حتی در زمان انقلاب هم این بود. يك سری به امام فشار می‌آوردند که بگوید اسلام انقلابی، امام هم می‌گفت که اسلام نیامده است که انسان‌ها فقط انقلاب کنند. اسلام آمده است که به انسان‌ها رفاه بدهد، آزادی بدهد، پیشرفت بدهد و در مهمترین حالت حق‌شان را بدهد. حتی در تدوین قانون اساسی مساله این بود که دین آمده است که انسان را به حقوقش برساند؛ و این تازه برداشت حداقلی از چیزی بود که دین می‌خواست به انسان بدهد. بحث، بحث اخلاق است. یعنی گذشته از مقولاتی که به اخلاق مربوط است و جنبه‌ای اختیاری دارد، دین انسان را وامی‌دارد که حداقل حقوق بشری را به رسمیت بشناسد. ولی يك عده فکری می‌کردند که اسلام تنها جنبه‌ی انقلابی دارد و هنوز هم چنین دیدگاه‌هایی در جامعه غالب است. البته، کسانی هستند که تکلیف خود را معلوم کرده‌باشند اما این تعداد مظلوم واقع شده‌اند و از عرصه‌های اجتماعی کناره گرفته و یا کنار زده شده و در حاشیه مانده‌اند.

کارایی: **آقای دکتر حاجی زاده** از منظر علوم سیاسی موانع اساسی ما در رسیدن به توسعه چیست؟



دکتر حاجی زاده: مساله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که حتی اگر ما امروز بگوییم که استان آذربایجان شرقی را می‌خواهیم توسعه دهیم، باید توجه کنیم که در دهه‌ی پنجاه یا هفتاد نیستیم، بلکه در نظام بین‌المللی جهانی شده قرار داریم و يك سری الگوهایی هم پیش روی ماست. در حال حاضر کشور ژاپن مولد علم نیست اما علم را از آمریکا انتقال می‌دهد، یا ترکیه علم را مقلدانه با استفاده از صنایع مونتاژ بومی می‌کند. هر دوی این کشورها تلاش می‌کنند تا علم را تبدیل به اقتدار و قدرت کنند، که در پشت این حرکت يك عقلانیت قرار دارد. یکی از این موانع این است که ما زندانی ذهن‌مان هستیم. «دکتر سیف زاده» در این مورد می‌گوید که زندان‌های فکری کشورهای توسعه یافته رفته رفته بزرگ‌تر می‌شوند، در حالی که زندان‌های فکری ما در همان حالت محدود، ثابت شده‌اند. در حال حاضر مفهوم استقلال در آمریکا به معنای کلاسیک از میان رفته است. آنها تمامی کسانی را که در اقصی نقاط جهان به منافع آمریکا خدمت کنند آمریکایی می‌دانند. در جامعه‌ی ما انسان‌ها را به طور کلی می‌توان به دو نوع تقسیم کرد. یا مهر جوی مددجو هستند که زیر بال و پر دیگران در عرصه‌ی سیاست و اقتصاد و فرهنگ و … ارتزاق می‌کنند و یا ستیزه جوی پر خاشک‌رند. ما این شرایط دوقطبی نمی‌توان به توسعه رسید. باید گفت و گو را در اولویت قرار داد. همین مورد در فضای بین‌المللی هم حاکم است و باید به سمت گفت و گو حرکت کرد. اما اگر از منظر فرهنگی بخواهیم به موضوع نگاه کنیم، در فرهنگ ما بنده، عبد است، یعنی مطلقاً مطیع است، اما در فرهنگ کشورهای توسعه یافته بنده پرستنده است.



این در حالی است که ما ادعای خلیفه الهی انسان را داریم. پس باید بتوانیم قدرت خلیفه الهی را هم برای انسان‌های جامعه‌ی کشورمان متصور باشیم. ما باید خرد را پیش بگیریم و معنویت روح الهی را هم پیش ببریم. تمام این مسائل در فرهنگ فکری و مذهبی ما وجود دارند اما باز تولید نمی‌شوند. مشکل اصلی در اینجا است که در کشور ما دموکراسی بیشتر به عنوان ابزاری برای رسیدن به قدرت به کار می‌رود اما در کشورهای توسعه یافته دموکراسی وسیله‌ای است که همه به حقوق‌شان برسند.

اگر امروز صحبت از نظام پارلمانی در کشور است به این دلیل است که وزیرایی از تمامی طیف‌های مطرح کشور به کابینه راه پیدا کنند و همه هم‌منظور که در پارلمان نماینده

دارند در قوه‌ی اجرایی نیز بتوانند نماینده داشته باشند. به این ترتیب است که يك کابینه‌ی متکثر خواهد توانست حقوق تمام مردم را تامین کند. با قطبی کردن جامعه و دعوای‌های جناحی، جامعه رو به سوی توسعه نخواهد نهاد. اگر ما به عنوان يك فرد

آذربایجانی تبریزی نتوانیم خاورمیانه و قدرت‌های بزرگی مثل آمریکا و فضای بین‌المللی را درست درک کنیم، به توسعه دست نخواهیم یافت. در ترکیه آقای «تورگوت اوزال» فنا را کمی باز کرد و به این ترتیب ترکیه را کم‌به‌سوی توسعه پیش برد. این امر سال‌هاست

که در کشور ما ناتوانسته است که اتفاق بیفتد.

کارایی: **آقای دکتر بهشتی** به نظر شما آیا میان دموکراسی و توسعه نسبتی وجود دارد؟

دکتر بهشتی: توسعه بدون دموکراسی اصلاً معنا ندارد. کشور توسعه یافته هم بدون دموکراسی اصلا معنا ندارد، چون از نظر اقتصادی پیشرفت کرده است اما از نظر سیاسی استبدادی است. به چین نمی‌شود عنوان توسعه یافته‌ داد. هند از نظر دموکراسی بسیار قوی است اما از نظر اقتصادی بسیار عقب مانده است، پس به هند

نمی‌تواند توسعه یافته به حساب بیاید. کشور توسعه یافته در جهان تعدادی شاخص‌های مشخص دارد. کشوری که به آن شاخص‌ها نرسیده باشد نمی‌تواند ادعای توسعه یافتگی داشته باشد. بنابراین چون دموکراسی بر پایه‌ی اصالت فرد به وجود می‌آید، نظام آموزش يك کشور توسعه یافته نیز بر مبنای اصالت فرد است. در مدرسه‌ی کشور توسعه یافته به کودک آموزش داده می‌شود که دارای حق و حقوقی است و نباید در استفاده از این حق و حقوق به حقوق دیگر افراد جامعه تجاوز کند. دانشجو در این کشورها واقعا انتخاب واحد می‌کند، نه این که تعدادی واحدهای از پیش تعیین شده را برایش ارائه کنند و عملاً امکان انتخاب وجود نداشته باشد.

اینگونه است که دانش آموز و دانشجویی که با رفتار استبدادی تربیت شده است فردا که دانشجویی در جامعه می‌گیرد همان رفتار استبدادی را تحویل جامعه می‌دهد. باید روی دانشجو و دانش آموز کار کرد که کار به اینجا نکشد. در واقع توسعه مطلبی آنچه‌ان ساده نیست که بتوان به راحتی و با گفتن آن را به اجرا درآورد، باید با آموزش رفتارها، تا پایان کار را ادامه داد.

کارایی: **آقای دکتر بهشتی**، در نهایت با در نظر گرفت تمامی مباحث انجام شده راه رسیدن به توسعه را چه می‌دانید؟

دکتر بهشتی: اصل مطلب در پذیرش علم است. همه چیز باید مبتنی بر علم باشد. وقتی بر خوردمان با توجه به علم باشد می‌بینیم که وظایف دولت امروز با دولت هزار سال پیش کاملاً متفاوت است. دولت امروز باید و باید دولت توسعه‌گرا باشد. در کشورهای توسعه یافته تمامی دولت‌ها توسعه‌گرا هستند چرا که برآمده از جامعه‌ای توسعه یافته‌اند. اما در جوامع توسعه نیافته دولت باید یاد بگیرد که توسعه‌گرا باشد و توسعه را در کشور هدایت هم بکند. در دنیا تجارب دولت‌ها نشان از این داشته است که دولت بزرگ مانع توسعه است. در حالی که در بخش عمومی کشور ما چهار میلیون و سیصد هزار نفر مشغول کار هستند. این در حالی است که با يك و نیم میلیون نفر هم می‌توان همان کارها را اداره کرد. یعنی ما حدود سه برابر معمول در دولت پرسنل داریم. دولت بزرگ دولت ناتوان است و نمی‌تواند توسعه‌گرا باشد. ضمن این که در کشورما، مخصوص در دولت گذشته، نهاد‌های ضد توسعه‌ی بسیاری ایجاد شده است. در زمان دولت گذشته نهاد‌های مصرف کننده‌ای به دولت اضافه شده‌اند که توسعه‌خورزند. به‌هر حال باید تمایل به توسعه در دولت باشد و ساختارهای اجتماعی هم شکل بگیرد و توسعه در قالب شعارهای عمومی درآید تا بتوانیم از توسعه صحبت کنیم.

الحاق ارمنستان به اتحادیه گمرکی اوراسیا تنظیم ساعت به وقت مسکو در کشور کلیساها

تحولات اوکراین موجب شد تا روسیه برای الحاق ارمنستان به اتحادیه گمرکی اوراسیا تلاش مضاعفی را آغاز کند. و بالاخره در دوم اکتبر سال ۲۰۱۴ میلادی و در نشست بلا روس موضوع الحاق ارمنستان به اتحادیه گمرکی اوراسیا تصویب شد. یونین بر این باور است که با توجه به تحولات اخیر اوکراین پیوستن ارمنستان به هر اتحادیه اقتصادی و گمرکی منطقه ای خارج از مدار کرملین، سیاست های منطقه ای روسیه را با چالش های زیادی روبرو خواهد کرد.

تاکید ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه بر لزوم پیوستن ارمنستان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا در شرایطی اتفاق افتاده که روسای جمهور بلاروس و قزاقستان نیز قبلاً آمادگی خود را برای امضای پیمان اقتصادی با ارمنستان و پیوستن این کشور به اتحادیه اقتصادی و گمرکی مشترک اعلام کرده بودند.

چشم انداز این اتحادیه برای کشورهای غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا خوشایند نیست. زیرا انفوذ این کشورها بویژه در دوره های اخیر بر قفقاز جنوبی بسیار کاهش یافته است. امریکایی ها فشار بی سابقه ای بر ارمنستان وارد می آورند. آندره آریشف کارشناس مسائل قفقاز و سیاست پرداز روس با اشاره به این موضوع می گوید: مشکلاتی وجود دارد که بیشتر سیاسی هستند. ماهه خوبی می فهمیم که اتحادیه گمرکی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا به خاطر وجود خلاء شکل گرفته است. ما می بینیم که روسیه به خاطر مساله اوکراین در شرایط بسیار سختی قرار دارد. همین چندی پیش ما شاهد بودیم که چطور سفیر آمریکا در ایروان مستقیماً به رییس جمهور ارمنستان توصیه کرد از روسیه فاصله بگیرد. به عبارتی، ما می فهمیم که رویارویی با فرایند همگرایی به اندازه کافی جدی و پیگیرانه است. و کسانی که از آن طرفداری می کنند، به هر بحث و موضوعی برای متوقف ساختن این روند متوسل می شوند.

غرب به فشار بر ایروان ادامه داد ولی مقامات ارمنستان نشان دادند ظاهر اقصم دارند منافع ملی خود را بر اساس پاندول ساعت برج کرملین تنظیم نمایند نه منافع «برادران آنسوی اقیانوس». اما مهم ترین موضوع در این میان نحوه تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، در ارتباط با کشور همسایه خود در قفقاز جنوبی است. در این پرونده ویژه، موضوع الحاق ارمنستان به اتحادیه اوراسیا از این منظر بیشتر مورد بررسی قرار می گیرد.

الحاق ارمنستان به اتحادیه گمرکی اوراسیا

تهدید یا فرصت؟!

را افزایش داده است. علاوه بر آن، اکنون مذاکراتی درباره فروش ۱۰۰٪ سهام شرکت «هایروس گازارد» که شبکه توزیع گاز ارمنستان را در اختیار دارد به شرکت روسی «گازپروم» در جریان است. اکنون ۲۰٪ سهام در دست دولت ارمنستان است و چنان چه همه اختیارات توزیع گاز در ارمنستان به «گازپروم» داده شود این شرکت اجازه خرید گاز ارزان قیمت از ایران را نخواهد داد.

امانگاه دیگری هم در میان فعالین اقتصادی وجود دارد که معتقدند الحاق ارمنستان به اتحادیه گمرکی اوراسیا فرصتی برای توسعه حضور صنعت گران و تجار ایرانی در یک بازار ۲۰۰-۳۰۰ میلیونی از آسیای مرکزی تا شرق اروپاست. از جمله طرفداران این دیدگاه، مدیرعامل منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس است. محسن عرب باغی در نشست هم اندیشی اعضای انجمن دوستی ایران و ارمنستان که اواخر سال گذشته در تهران برگزار شد، ضمن اینکه خواستار حضور فعال تر سرمایه گذاران ارمنی در منطقه آزاد ارس و انجام سرمایه گذاری های مشترک و فعالیت های اقتصادی و صنعتی دو جانبه با کشور ارمنستان گردیده به فعالیت های جدید منطقه آزاد ارس در منطقه نوردوز (تنها مرز مشترک بین ایران و ارمنستان) و ارائه تسهیلات و امکانات رفاهی در گمرک این منطقه اشاره نمود و تاکید می کند که با توجه به فراهم شدن زمینه های حضور اقتصادی فعال تر کشورمان در روسیه، کشور ارمنستان به عنوان پلی ارتباطی، این روابط را تسهیل نماید. توسعه تولیدات مشترک با کشور ارمنستان و استفاده از تسهیلات اتحادیه گمرکی اوراسیا می تواند موجبات حضور قدرتمند اقتصادی، تجاری و صنعتی جمهوری اسلامی ایران در بازار بزرگ و وسیع روسیه و کشورهای دیگر مشترک المنافع را فراهم نماید.

در همین راستا، بایستی سیستم اقتصادی کشور و بخصوص استان آذربایجان شرقی با جدیت وارد این عرصه گردد. تاکنون قراردادهای تفاهم نامه های متعددی در زمینه های مختلف همکاری های بانکی، ساخت نیروگاه های برق یادی، سرمایه گذاری فنی و اقتصادی، اتصال خط آهن ایران و ارمنستان به طول ۴۷۰ کیلومتر، مشارکت در احداث خط لوله انتقال نفت و فرآورده های نفتی، همکاری در زمینه بیمه و سند بانک توسعه صادرات، رژیم تجارت آزاد بین دو کشور ایران و ارمنستان به امضا رسیده است و در ملاقات های صورت گرفته مقامات عالیله دو کشور در دولت تدبیر و امید نیز این همکاری ها گستره و عمق بیشتری یافته است.

مطابق آمار ارائه شده، مبادلات تجاری ایران و ارمنستان طی سه ماهه اول سال ۲۰۱۰ با رشد ۹۸ درصدی به ۴۵ میلیون دلار رسید و ایران هفتمین شریک تجاری این کشور شناخته شد. با این حال آمار و ارقام فوق نشان می دهد که به رغم زمینه های متعدد افزایش روابط اقتصادی میان ایران و ارمنستان، هنوز حجم روابط تجاری در شأن دو کشور نیست و باید سیاست های کارآمد تری در پیش گرفته شود. همچنین با عنایت به عضویت ارمنستان در بسیاری از سازمان ها و مجامع بین المللی اقتصادی غربی، از جمله سازمان تجارت جهانی و سازمان همکاری کشورهای حوزه دریای سیاه، توسعه همکاریهای اقتصادی و مناسبات تجاری دو کشور بخصوص در حوزه بخش خصوصی بسیار مهم و حساس است.

اردیبهشت سال گذشته «هامایاک آوادیس یانس» رابین بازرگانی ایران در کشور ارمنستان در جمع تجار و بازرگانان استان زنجان با بیان این که کشور ایران توانمندی های خوبی همچون فعالیت اتحادیه تجار ایران در ارمنستان، وجود اتاق بازرگانی مشترک و استقرار سفارت خانه ای با ۲۰ سال سابقه را در ارمنستان دارد، عنوان نمود که باید از ظرفیت های اقتصادی ارمنستان برای توسعه روابط تجاری خارجی با این کشور نهایت استفاده را ببریم. رابین بازرگانی ایران در ارمنستان با بیان اینکه طلا از مهم ترین محصولات صادراتی کشور ارمنستان به شمار می رود، اضافه کرده ماشین سازی، صنایع غذایی و الکتروموتور نیز از مهم ترین صنایع این کشور محسوب می شود. ارمنستان کشوری سرمایه پذیر است و وجود کارخانجات نیمه تمام، زمینه سرمایه گذاری در این کشور را فراهم نموده است. وجود روابط خوب سیاسی بین دو کشور ایران و ارمنستان، نزدیکی جغرافیایی و وجود مرز مشترک، سهولت اعزام و پذیرش هیئت های تجاری و بازرگانی، وجود منطقه آزاد تجاری و صنعتی ارس در مجاورت مرز، از مهمترین مزیت های مورد توجه در روابط میان این دو کشور است. این مقام مسئول همچنین برخی نقاط ضعف موجود را طولانی شدن راه اندازی مرکز تجاری ایران در ایروان، عدم شناخت کافی سلابق و نیاز بازار، تجارت به شیوه سنتی و ضعف در تبلیغات برشمرد.

نخستین عنصر و مولفه راهبرد امنیتی ایران در قفقاز جنوبی همکاری و همگرایی در حوزه های اقتصادی و کارکردی بویژه انرژی و حمل و نقل است. ایران با ارائه تعریف و تلقی مثبتی از مقوله امنیت، در معنای وجود شرایط مناسب و مطلوب برای تامین منافع ملی، همکاری و همگرایی کارکردی و اقتصادی با کشورهای این منطقه مهم و ژئواکونومیک را یکی از عوامل و عناصر اصلی صلح و امنیت منطقه ای قلمداد می کند. دلیل این امر، این است که همگرایی اقتصادی و کارکردی فراتر از دستاوردهای رفاهی و مادی بوده و به عنوان ساز و کاری برای صلح و امنیت منطقه ای، منافع امنیتی همه کشورها از جمله ایران را تامین می کند. از این رو ایران از آغازین روزهای استقلال کشور های قفقاز در جهت برقراری و گسترش روابط اقتصادی با آنها در چارچوب همکاری های دوو چندجانبه تلاش کرده است.

در این راستا ایران و ارمنستان، بر پایه منافع و تهدیدات مشترک، روابط عمیق و مستحکمی در سطح استراتژیک برقرار ساخته اند. واقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک مشترک، روابط استراتژیک ایران و ارمنستان و همکاری متقابل آنان را ضروری ساخته است. هر دو کشور با نوعی انزوای منطقه ای روبرو بوده اند که برای غلبه بر آن به همکاری با یکدیگر نیاز داشته اند. ارمنستان به ایران کمک می کند تا با تهدیدات اقتصادی ناشی از حضور نفوذ آمریکا و اسرائیل در آذربایجان مقابله کند. همچنین این کشور می تواند ایران را در رسیدن به بازار اروپا و صدور نفت به اتحادیه اروپا یاری رساند. از طرف دیگر نیز ایران برای ارمنستان ارزش و اهمیت راهبردی بسیاری دارد. ایران همچنین قادر است نفت و گاز مورد نیاز ارمنستان را تامین کند. جمهوری اسلامی توانایی اعطای کمک های فنی، کارکردی و اقتصادی به ارمنستان را نیز دارد.

ارمنستان از اوایل سال ۲۰۱۵ میلادی با تصویب مجلس این کشور رسماً به عضویت اتحادیه گمرکی اوراسیا درآمد. معاهده مربوط به اتحادیه گمرکی اوراسیا در تاریخ ۲۹ مه سال ۲۰۱۴ در شهر آستانه میان کشورهای روسیه، بلاروس و قزاقستان به امضا رسید. در ماه سپتامبر سال گذشته میلادی، زمانی که اتحادیه اقتصادی اوراسیا هنوز در مرحله طرح و نظریه بود، ایروان از تمایل خود برای پیوستن به اتحادیه گمرکی و سپس اتحادیه اوراسیایی سخن گفت. امروز مراحل نهایی الحاق ارمنستان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی شده است. مقامات ایروان، مینسک، آستانه و مسکو در دوم ماه اکتبر ۲۰۱۴ در بلاروس، مساله الحاق ارمنستان و همچنین فرقیزستان را به این اتحادیه مطرح و تصویب نمودند.

ارمنستان تا آخرین لحظه می توانست یکی از دو گزینه را انتخاب کند: یا وارد همگرایی با شرکای تاریخی خود شود و یا توافق نامه پیشنهادی اتحادیه اروپا را امضا کند که بروکسل روی آن اصرار زیاد داشت. به نقل از وب سایت فارسی رادیو صدای روسیه: ویجیسلاو کوالنکو سفیر سابق روسیه در ارمنستان و مدیر برنامه های منطقه ای در استیتوتی همکاری های خزر معتقد است که در نهایت، این تصمیم ایران، تصمیم درستی بود. به اعتقاد کوالنکو، ارمنستان با امضای این توافق نامه و بهره گیری از مزایای اتحادیه گمرکی، وارد فضای دامنه گسترده توسعه اقتصاد ملی می شود. این مزایا هم شامل قیمت نفت می شود و هم توسعه بازار محصولات کشاورزی ارمنستان. مساله سیاست مهاجرت در این میان نیز از اهمیت برخوردار است. اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا بسیاری از مشکلات مهاجران کار از ارمنستان که امروز تعدادشان در روسیه و بلاروس زیاد است را برطرف خواهد کرد.

اما موضوعی که در این میان مهم است، آینده روابط اقتصادی ایران و ارمنستان در چارچوب اتحادیه گمرکی اوراسیا است. در نگاه بدبینانه، این روابط با عنایت به تسلط ساختاری روسیه در این اتحادیه و اهداف سیاسی پشت پرده کرملین در تشکیل آن به عنوان آخرین تلاش حفظ حیاط خلوت روسیه، هر گونه توسعه روابط اقتصادی ایران و ارمنستان به عنوان دو کشور همسایه باید از فیلتر ارزیابی های به شدت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک استراتژیست های روسی بگذرد. در این صورت آینده روابط دو کشور در سایه ملا حظات کشور ثالثی به نام روسیه خواهد بود.

از نظر این گروه در حقیقت، آن چه اکنون مانع گسترش در حوزه روابط انرژی میان ایران و ارمنستان است نه تحریمهای آمریکا، بلکه موضع روسیه است. این کشور طرکهای مشترک انرژی ایران و ارمنستان را به بن بست میکشاند و چون موضوع انرژی مستقیماً به سیاست وصل است. روسیه در حقیقت مجبور است هم مانع یکپارچگی ارمنستان با اروپا، و هم مانع یکپارچگی سیاسی منطقه شود. ارمنستان برای خرید گاز بیشتر از ایران باید از روسیه گاز کمتری بخرد. مسکو در این اواخر بهای گاز ارمنستان

گفت و گوی اختصاصی ماهنامه ی کارایی با ولی کوزه گر کالجی پژوهشگر گروه مطالعات اوراسیا در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

سرعت عمل ارمنستان در الحاق به اتحادیه اوراسیا، تحت تاثیر فشار سنگین سیاسی و اقتصادی فدراسیون روسیه قرار دارد

ولی کوزه گر کالجی، پژوهشگر گروه مطالعات اوراسیا در مرکز تحقیقات استراتژیک (مجمع تشخیص مصلحت نظام) است که آثار تالیفی چون مجموعه امنیتی منطقه ای قفقاز جنوبی (انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی)، تحولات سیاسی جامعه ارمنستان (۱۹۸۸- ۲۰۱۳ میلادی) و جریانهای سیاسی جامعه ارمنستان (مبانی فکری، دیدگاهها و رویکردها) از انتشارات آشیان، از مهمترین فعالیت‌های پژوهشی وی به‌شمار می‌رود. کالجی همچنین در حال انجام آخرین اقدامات برای چاپ کتاب تازه ای با عنوان «ایران، روسیه و چین: تعامل و تقابل با سیاست خارجی آمریکا» است که طی ماه جاری از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه منتشر خواهد شد.

در مصاحبه ای که با این پژوهشگر جوان و پر تلاش کشورمان داشته ایم ایشان پذیرفتند که به سوالات ماهنامه ی کارایی در ارتباط با مسئله الحاق ارمنستان به اتحادیه گمرکی اوراسیا پاسخ دهند.

به طور کلی می توان گفت به نظر ایشان خلاء اصلی که از نظر مطالعاتی و تحقیقاتی در رابطه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در داخل ایران وجود دارد، عدم توجه به سیر تحولات داخلی این کشورها به ویژه از زاویه جامعه شناسی سیاسی و اندیشه سیاسی و فکری می باشد که متأسفانه سوء تفاهم ها و برداشتهای نادرست و کلیشه ای فراوانی را به بار آورده است. در این راستا بوده که آقای کالجی کتاب های ارمنستان را تالیف نموده اند و امیدوارند ضمن دیدار از تبریز و ارتباط با پژوهشگران و اساتید این شهر برای تالیف کتاب های جمهوری آذربایجان نیز از نظرات آنها استفاده نمایند.

کارایی: روز ۲۹ مه ۲۰۱۴ روسای جمهور روسیه، قزاقستان و بلاروس در آستانه، پایتخت قزاقستان قراردادی هزار صفحه‌ای را امضا کردند که مبنای تشکیل «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» شد. ارزیابی جنابعالی از فلسفه شکل گیری و توسعه این اتحادیه و همچنین وزن اقتصادی بین المللی آن چیست؟

کوزه گر کالجی: به طور کلی در فضای جغرافیایی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، شاهد شکل گیری دو نوع مکانیسم منطقه ای هستیم؛ از یک سو، «مکانیسم های منطقه ای یورو- آتلانتیک محور» نظیر اتحادیه اروپا در حوزه سیاسی و اقتصادی و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در حوزه امنیتی- نظامی، که با طراحی و اجرای برنامه های مختلفی مانند برنامه ابتکار عمل شرقی و مشارکت برای صلح و حمایت از مکانیسم های منطقه ای چون پیمان گوم و اتحادیه ترابوزان درصدد گسترش دامنه نفوذ جهان غرب در مناطق پیرامونی روسیه، ایجاد گسست در پیوندهای سنتی کشورهای منطقه با مسکو و فراهم ساختن زمینه عضویت (البته در درازمدت) کشورهای منطقه در ساختارهای یورو- آتلانتیک هستند.

در نقطه مقابل نیز، مکانیسم های منطقه ای «روس محور» وجود دارد که از ابتدای فروپاشی شوروی تا کنون به شکل های مختلف ظهور و بروز یافته است. تشکیل جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع با ماهیتی سیاسی در دسامبر ۱۹۹۱ میلادی، پیمان امنیت دسته جمعی با ماهیت امنیتی- نظامی در می ۱۹۹۲ میلادی، سازمان همکاری شانگهای با ماهیتی امنیتی- نظامی در آوریل ۱۹۹۶ میلادی، اتحادیه اقتصادی اوراسیایی با ماهیتی اقتصادی در اکتبر ۲۰۰۰ میلادی و سازمان همکاری آسیای مرکزی با ماهیتی اقتصادی در فوریه ۲۰۰۲ میلادی از مهمترین «مکانیسم های منطقه ای روس محور» در سطح منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی طی دو دهه گذشته به شمار می رود. شکل گیری «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» در اکتبر سال ۲۰۱۴ میلادی و آغاز به کار آن در ژانویه ۲۰۱۵ میلادی را باید تازه ترین کوشش مسکو برای تقویت «مکانیسم های منطقه ای روس محور» در سطح مناطق پیرامونی فدراسیون روسیه دانست. روسها مناطق پیرامونی روسیه را «خارج نزدیک» می‌خوانند و به شدت نگران واگرایی کشورهای واقع در این مناطق از مدار سیاست های کرملین هستند. خروج آذربایجان و گرجستان در سال ۱۹۹۹ میلادی و ازبکستان در سال ۲۰۱۲ میلادی از پیمان امنیت دسته جمعی، کناره گیری گرجستان از ادامه عضویت جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع پس از بحران اوت ۲۰۰۸ میلادی، تعطیلی پایگاه های نظامی روسیه در خاک گرجستان (به استثنای مناطق دو فاکتو آبخازیا و اوستیای جنوبی)، پایان بخشیدن به فعالیت ایستگاه راداری قبله (گاباله) در آذربایجان پس از نزدیک به دو دهه حضور کارشناسان روسی، بحران اوکراین و اعمال تحریم های اقتصادی جهان غرب علیه روسیه به موازات کاهش رشد اقتصادی روسیه (در نتیجه کاهش چشمگیر قیمت جهانی نفت) از جمله عوامل مهمی هستند

که روسیه را به تشکیل مکانیسم جدید منطقه ای تحت عنوان «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» در سال ۲۰۱۴ میلادی با عضویت معدود کشورهای وفادار به سیاستهای مسکو یعنی قزاقستان، بلاروس و ارمنستان سوق داده است. اما در مورد جایگاه «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» در اقتصاد بین المللی باید به این واقعیت اشاره نمود که این اتحادیه از وزن و جایگاه قابل توجه و تعیین کننده ای بر خوردار نخواهد بود. دلیل اصلی آن نیز وجود ساختار طبقاتی، سلطه و محرومیت فدراسیون روسیه و فاصله بسیار زیاد اقتصاد این کشور با سایر کشورهای عضو به ویژه اقتصاد های شکننده ای چون ارمنستان است. «اتحادیه اقتصادی اوراسیا»، جمعیتی معادل ۱۷۰ میلیون نفر را در برمی گیرد که ۸۴ درصد آن از روسیه است. از مجموع ۲ هزار میلیارد تولید ناخالص ملی این اتحادیه هم ۸۸ درصد متعلق به روسیه است. هر چند در چهار چوب اتحادیه اقتصادی اوراسیا، کشورهای عضو، متعهد به آزادی روند انتقال سرمایه، گردش کالا، خدمات و نیروی انسانی شده اند، اما هماهنگی قوانین ملی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا با مقررات این اتحادیه ۱۰ سال به طول می انجامد. بنابراین، به دلیل محدودیتهای ساختاری و سلطه و محرومیت روسیه، این اتحادیه اقتصادی نمیتواند همانند بلوک ها و مکانیسم های اقتصادی موفق نظیر «آسه آن» و اتحادیه اروپا عمل کند و حداکثر جایگاه آن، حفظ جایگاه و محرومیت سنتی روسیه در معادلات اقتصادی کشورهای وفادار به سیاستهای مسکو و کمک به عبور روسیه از چالش های کاهش قیمت نفت و تحریمهای اقتصادی جهان غرب است.

کارایی: کشور ارمنستان با وجود برخی تلاشهایش در راه الحاق به اتحادیه اروپا به سرعت زمینه های پیوستن به اتحادیه گمرکی را فراهم نمود و با تصویب مجلس این کشور از ابتدای سال ۲۰۱۵ به اتحادیه گمرکی اوراسیا پیوست. شما دلیل سرعت عمل ارمنستان در الحاق به اتحادیه اوراسیا را چه می دانید؟

کوزه گر کالجی: سرعت عمل ارمنستان در الحاق به اتحادیه اوراسیا به طور مشخصی تحت فشار سنگین سیاسی و اقتصادی فدراسیون روسیه صورت گرفت. باید به این نکته عنایت داشت که زیربنای کلی سیاست خارجی ارمنستان را سیاست تکمیل متقابل (سیاست تممیم) تشکیل میدهد که بر اساس آن رویکرد مشارکتی و توسعه روابط با کلیه دولت های منطقه و نیز مشارکت و حضور در هر دو سطح منطقه ای و بین المللی در دستور کار سیاست خار جی این کشور قرار می گیرد. هدف اصلی و نهایی از اجرای این سیاست، ایجاد تعادل در عرصه مناسبات خارجی به ویژه در زمینه روابط با کشورهای همسایه (در سطح منطقه ای) و مناسبات توامان و متوازن با فدراسیون روسیه و مجموعه جهان غرب (ایالات متحده آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا) است. به همین دلیل، دولت ارمنستان به موازات حفظ روابط سنتی اقتصادی با روسیه، در سال ۲۰۱۳ میلادی، وارد مذاکراتی با اتحادیه اروپا شد، که واکنش منفی



مسکو را به دنبال داشت و قیمت گاز صادراتی به ارمنستان را از ۱۸۰ دلار به ۲۷۰ دلار افزایش داد. در نتیجه این فشارها و البته مباحث گسترده ای که در سطح محافل سیاسی و رسانه ای داخل ارمنستان در رابطه با اهمیت راهبردی روابط مسکو- ایروان و تاثیر منفی عدم حضور ارمنستان در این سازمان منطقه ای روس محور بر آینده روابط دو کشور مطرح شد، دولت ارمنستان تصمیم به حضور در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی گرفت. نکته جالب اینکه پس از پذیرش عضویت ارمنستان در این اتحادیه، قیمت گاز صادراتی روسیه به این کشور به همان نرخ سابق ۱۸۰ دلار بازگشت که به روشنی گویای بهره گیری مسکو از اهرم انرژی برای همراه نمودن ارمنستان با سیاست های مسکو بود؛ کشوری که به شدت از ناحیه تامین منابع انرژی آسیب پذیر است.

کارایی: به نظر شما اتحادیه گمرکی اوراسیا چه تاثیری در جهت ایجاد شرایط مطلوب برای رشد پایدار و شکل گیری اقتصاد قابل رقابت در ارمنستان خواهد داشت؟

کوزه گر کالجی: اقتصاد ارمنستان به دلیل انسداد مرزهای شرقی و غربی و تداوم محاصره اقتصادی از سوی آذربایجان و ترکیه در شرایط بسیار شکننده ای قرار دارد و همین امر افزایش بیکاری و نرخ تورم، افزایش موج مهاجرت از ارمنستان و وابستگی شدید این کشور را به فدراسیون روسیه و ایران در پی داشته است. در این شرایط، دولت ارمنستان در راستای سیاست تکمیل متقابل، تنوع بخشی به شرکای اقتصادی خود، توجه خاصی را به بهره گیری از ظرفیت اقتصادی جامعه دیاسپورای ارمنی (تشکیل وزارت دیاسپورا و بانک دیاسپورا) و نیز اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا مبذول داشته است. اقدامی که گام های مهم- هر چند کند- دولت سرژ سارگسیان برای کاهش میزان وابستگی اقتصاد خارجی به روسیه، ایجاد شرایط مطلوب برای رشد پایدار و شکل گیری اقتصاد قابل رقابت در ارمنستان به شمار می رود. از اینرو، پیوستن ارمنستان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا که تحت فشار سیاسی و اقتصادی روسیه صورت گرفت، به منزله تشدید وابستگی اقتصاد ارمنستان به روسیه خواهد بود که پیامدهای منفی خاص خود را بر روی اقتصاد قابل رقابت در ارمنستان برجای خواهد گذاشت. همین امر، انتقاد گسترده مخالفین دولت سارگسیان را در پی داشته است. منتقدین بر این باورند که پر رنگ شدن بیش از اندازه حضور روسیه در سیاست خارجی ارمنستان، موجب نقض اصول بنیادین سیاست تکمیل متقابل (سیاست تممیم)، افزایش بی اعتمادی شرکای اروپایی و آمریکایی به ارمنستان و در نهایت تنزل جایگاه و استقلال ارمنستان به سطح کشوری وابسته و پیرو خواهد شد. همزمانی تقریبی عضویت ارمنستان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا با وقوع حادثه بسیار تازدیک قتل عام یک خانواده ارمنی توسط یک نظامی روس در ژانویه ۲۰۱۵ میلادی، موجب افزایش انتقادات در فضای سیاسی و رسانه ای ارمنستان در رابطه با رویکرد دولت سارگسیان در توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی با فدراسیون روسیه شد.

کارایی: اخیرا ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا تفاهم نامه همکاری را امضا کردند که طی آن باید تبادل گمرکی دوجانبه با تسهیل بیشتری انجام شود. در این ارتباط عضویت ارمنستان به عنوان همسایه ما در اتحادیه چه تاثیری می

تواند در افزایش یا کاهش تعاملات اقتصادی با این کشور و سایر اعضا بخصوص روسیه داشته باشد؟ مشخصا عضویت ارمنستان در این اتحادیه تعاملات اقتصادی دوجانبه را با محدودیت های ناخواسته مواجه نخواهد کرد؟

کوزه گر کالجی: به دلیل پیوندهای بسیار نزدیک سیاسی و اقتصادی که از گذشته میان ایران و دو کشور روسیه و ارمنستان، وجود داشته است، بسیار بعید است که عضویت ارمنستان در این اتحادیه تعاملات اقتصادی دوجانبه را با محدودیت های ناخواسته و منفی مواجه کند. حتی از یک منظر می تواند روند توسعه مناسبات ایران با ارمنستان، روسیه و سایر کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تسهیل نیز کند. مطابق برنامه زمانی اعلام شده، کشورهای عضو این اتحادیه در سال ۲۰۱۶ میلادی بازار واحد عرضه دارو، و تا سال ۲۰۱۹ میلادی بازار واحد نیروی برق تشکیل می دهند. در هر دو حوزه یادشده، ایران از ظرفیت بسیار بالایی بر خوردار است که با توجه به تسهیلاتی که به تدریج در زمینه تعرفه های گمرکی و انتقال سرمایه، گردش کالا، خدمات و نیروی انسانی ایجاد خواهد شد، بتواند با بهره گیری از ساختار اتحادیه اقتصادی اوراسیا، حضور اقتصادی خود را در منطقه، عمق و وسعت بیشتری بخشد. مذاکرات وزیر صنعت، معدن و تجارت حذف با اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای کاهش عوارض گمرکی بین ایران و اعضای اتحادیه، حاکی از آن است که ایران درصدد بهره گیری از ظرفیت این مکانیسم اقتصادی منطقه ای نوظهور است.

کارایی: کارد کوردس، رئیس کمیته روابط اقتصادی شرق اروپا در گفتگو با یکی از شبکه های رادیویی آلمان گفته است که ایجاد منطقه آزاد تجاری با «اتحادیه اقتصادی اوراسیا»، «از نظر سیاسی و اقتصادی» منطقی و لازم است. حتی اسرائیل و مصر نیز خواستار ایجاد منطقه آزاد مشترک با اتحادیه اوراسیا شده اند. به نظر شما وجود منطقه آزاد ارس در مرز ایران و ارمنستان تا چه اندازه می تواند در توسعه ارتباطات اقتصادی و تجاری بین ایران و اوراسیا و نیز آذربایجان شرقی و ارمنستان نقش ایفا کند؟

کوزه گر کالجی: منطقه آزاد ارس به صورت کاملاً استثنایی با کشورهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان در ارتباط است. با توجه به رشد مناسبات ایران با هر دو کشور آذربایجان و ارمنستان در دولت یازدهم، اهمیت منطقه آزاد ارس به عنوان سرپل همکاری با همسایگان ایران به ویژه با توجه به موقعیت ترانزیتی و ظرفیت اقتصادی بسیار بالای استان آذربایجان شرقی بسیار حائز اهمیت است. در رابطه با ارمنستان این نکته شایان توجه است که سال ۱۳۹۴ را باید به منزله سال اجرایی شدن بخش اعظم توافقات سال ۱۳۹۳ میان مقامات ارشد دو کشور دانست. به ویژه آن که دور بعدی اجلاس کمیسیون مشترک همکاری های اقتصادی ایران و ارمنستان، اکتبر یا نوامبر سال ۲۰۱۵ میلادی (مهر یا آبان ۱۳۹۴) برگزار خواهد شد که در فرصت زمانی باقیمانده، تداوم ملاقات های دوره ای و دائمی در سطوح مختلف وزیران و مدیران ارشد دو کشور، زمینه و بستر لازم و مناسب را برای اجرایی شدن برنامه ها و اهداف پیش بینی شده در حوزه های مختلف فراهم خواهد نمود، که در کانون آن موضوعاتی مهمی چون احداث نیروگاه های برق آبی و بادی، خط انتقال برق، مسایل زیست محیطی رودخانه ارس، احداث خط آهن ایران به ارمنستان و اکتشاف و بهره برداری از معادن قرار دارد.

گفت و گوی اختصاصی ماهنامه کارایی با آقای هامایاک آوادیس یانس رابزن بازرگانی ایران در ارمنستان

روسیه برای اینکه بتواند حوزه نفوذ و تاثیرگذاری در عرصه بین المللی خود را گسترش دهد، ناچار به حرکت به سمت تجمیع و همسویی منطقه ای است

بیوگرافی که از خود در سایت ساز مان توسعه تجارت ایران گذاشته بسیار مختصر و مفید است. کارشناس ارشد روانشناسی و مدرس دانشگاه می باشند. همچنین سوابق اجرایی طولانی در وزارت بازرگانی سابق و صنعت، معدن و تجارت فعلی دارند. مسئولیت های خود را از سمت کارشناسی شروع کرده و در سمت های رئیس اداره محصولات کشاورزی، اداره بانک و بیمه ادامه داده اند. همچنین مدتی در اکراین رابزن بازرگانی ایران در سفارتخانه بوده و در حال حاضر نیز رابزن بازرگانی ایران در ارمنستان است. در پی تماسی که با ایشان داشتیم به سوالات ما در ارتباط با موضوع الحاق ارمنستان به اتحادیه گمرکی اوراسیا پاسخ دادند.

کارایی: آقای آوادیس روز ۲۹ مه ۲۰۱۴ روسای جمهور روسیه، قزاقستان و بلاروس در آستانه، پایتخت قزاقستان، قراردادی هزار صفحه‌ای را امضا کردند که مبنای تشکیل اتحادیه اقتصادی «اوراسیا» شد. ارزیابی جنابعالی از فلسفه شکل گیری و توسعه این اتحادیه و همچنین وزن اقتصادی بین المللی آن چیست؟

هامایاک آوادیس یانس: اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک بلوک تجاری متشکل از روسیه، بلاروس و قزاقستان بود که با پیوستن رسمی ارمنستان به آن از ابتدای سال ۲۰۱۵ میلادی دارای چهار عضو شد. تشکیل این اتحادیه که روسیه پیشگام ایجاد آن بود به سال ۲۰۰۰ بر می گردد که تحت عنوان اتحادیه گمرکی بلاروس، قزاقستان و روسیه شکل گرفت اما به علت عملی نشدن این طرح، پوتین در سال ۲۰۱۱ بطور جدی پیگیری آن شد و تلاش کرد تا ضرورت این اتحادیه را توجیه و تبیین نماید و در مقاله ای در اکتبر همان سال در روزنامه «ایزوستیا» این ایده را پیشنهاد کرد. تشکیل این اتحادیه به لحاظ سیاسی بحث انگیز بوده است و از روزهای نخست آن تحت تاثیر بحران اقتصادی روسیه قرار گرفت. به نظر می رسد که هدف این اتحادیه نزدیک تر کردن جمهوری های شوروی سابق به یکدیگر، از بین بردن مشکلات و موانع موجود در زمینه توسعه روابط اقتصادی و تجاری، و تشکیل یک بازار متحد برای جا به جایی آزاد کالا، خدمات، سرمایه و نیروی انسانی میان کشورهای عضو برای جمعیتی بالغ بر ۱۷۰ میلیون نفر است. از آغاز سال جدید میلادی اخذ و پرداخت هرگونه عوارض گمرکی از معاملات و گردش کالا بین این کشورها لغو شد. گرچه این بلوک تجاری فاقد یک پول واحد است اما احتمال می رود در سال های آینده برای ایجاد آن اقدام شود. همچنین احتمال دارد که قرقیزستان و تاجیکستان هم در آینده نزدیک به این اتحادیه ملحق شوند. روسیه برای اینکه بتواند حوزه نفوذ و تاثیرگذاری در عرصه بین المللی خود را گسترش دهد، ناچار به حرکت به سوی تجمیع منطقه ای است و می داند که در دنیای امروز کشورهایی که قدرت اقتصادی بیشتری دارند، میزان تاثیرگذاری سیاسی آنها هم بیشتر است. البته هنوز جایگاه این اتحادیه در اقتصاد جهانی روشن نیست و شاید به نهادی شبیه اتحادیه اروپا تبدیل شود.

کارایی: کشور ارمنستان با وجود برخی تلاش هایش در راه الحاق به اتحادیه اروپا به سرعت زمینه های پیوستن به اتحادیه گمرکی را فراهم نمود و با تصویب مجلس این کشور از ابتدای سال ۲۰۱۵ به اتحادیه گمرکی اوراسیا پیوست. شما دلیل سرعت عمل ارمنستان

کارایی: اخیرا ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا تفاهم نامه همکاری را امضا کردند که طی آن باید تبادل گمرکی دوجانبه با تسهیل بیشتری انجام شود. در این ارتباط عضویت ارمنستان به عنوان همسایه ما در اتحادیه چه تاثیری می تواند در افزایش یا کاهش تعاملات اقتصادی با این کشور و سایر اعضا بخصوص روسیه داشته باشد؟ مشخصا عضویت ارمنستان در این اتحادیه تعاملات اقتصادی دوجانبه را با محدودیت های ناخواسته مواجه نخواهد کرد؟

هامایاک آوادیس یانس: با توجه به اینکه کشورمان از شرکای اصلی تجاری ارمنستان است و با روسیه، بلاروس، و قزاقستان هم روابط خوبی دارد، این تحولات بر روابط تجاری دو کشور در بلند مدت تاثیر مثبتی خواهد گذاشت. البته افزایش تدریجی حقوق گمرکی کالاهای وارداتی به اتحادیه اوراسیا و گران تر شدن کالاهای وارداتی از سایر کشورها رقابت پذیری آنها را کاهش خواهد داد. لذا عقد موافقت نامه ترجیحی و پیشنهاد استفاده از ارمنستان به عنوان حلقه واسط به منظور فرآوری محصولات و کالاهای ایرانی به منظور صادرات، به ویژه به مناطق جنوبی روسیه، بدون پرداخت حقوق گمرکی مطرح می شود که قابل بررسی است. ضمناً امکان بهره گیری از پتانسیل های ایرانی موجود از جمله سازمان اجتماعی یا اتحادیه تجار و تولیدکنندگان ایرانی در ارمنستان، اتاق بازرگانی مشترک ایران و ارمنستان در تهران، و بانک ملت ارمنستان وجود دارد، و همچنین قرار است در آینده یک مرکز تجاری ایرانی در ایروان راه اندازی شود.

کارایی: اکارد کوردس، رئیس کمیته روابط اقتصادی شرق اروپا در گفتگو با یکی از شبکه های رادیویی آلمان گفته است که ایجاد منطقه آزاد تجاری با «اتحادیه اقتصادی اوراسیا»، «از نظر سیاسی و اقتصادی» منطقی و لازم است. حتی اسرائیل و مصر نیز خواستار ایجاد منطقه آزاد مشترک با اتحادیه اوراسیا شده اند. به نظر شما وجود منطقه آزاد ارس در مرز ایران و ارمنستان تا چه اندازه می

تواند در توسعه ارتباطات اقتصادی و تجاری بین ایران و اوراسیا و نیز آذربایجان شرقی و ارمنستان نقش ایفا کند؟

هامایاک آوادیس یانس: وزیر بازرگانی اتحادیه اقتصادی اوراسیا اخیراً به خبرگزاری ریانووستی گفته است که به احتمال زیاد در ماه مه سال جاری با ویتنام موافقتنامه منطقه آزاد تجاری امضا خواهد شد و مذاکرات آن در حال پایان یافتن است و چند کشور دیگر هم برای این کار اعلام آمادگی کرده اند و به زودی مذاکراتی با چین در خصوص راه های همکاری متقابل شروع خواهد شد، اما صحبت در مورد منطقه آزاد با چین هنوز زود است. از سوی دیگر از قرار معلوم ترکیه و یونان هم برای ایجاد منطقه آزاد اقتصادی اعلام آمادگی کرده اند. بنابراین چنانچه اتحادیه اوراسیا دستاوردهای مثبتی داشته باشد و شکل واقعی همکاری بین کشورهای مستقل همکار با هم را پیدا کند و اگر این همکاری اقتصادی نتایج مثبتی داشته باشد، کشورهای بیشتری از جمهوری های جدا شده از شوروی سابق و همچنین کشورهای دیگر به آن ملحق خواهند شد. مزیتی که ایران در این زمینه دارد وجود مرز دریایی با روسیه، و مرز مشترک زمینی با ارمنستان و همچنین منطقه آزاد تجاری و صنعتی ارس در استان آذربایجان شرقی در مجاورت آن است که از پتانسیل های آن می توان برای گسترش همکاری های اقتصادی بهره برداری کرد. البته بازار ارمنستان کوچک است اما ورود به این بازار به معنی امکان نفوذ در بازار گسترده چند کشور دیگر بدون محدودیت است. در ماه های گذشته نیز سفارت ایران در ارمنستان، در راستای معرفی پتانسیل های منطقه آزاد ارس، یک هیئت بزرگ از خبرنگاران رسانه های جمعی ارمنستان را به جلفا اعزام نمود و برای پذیرش هیئت های بازرگانی در منطقه مذکور و همچنین برای بازدید آنان از نمایشگاه های بین المللی تخصصی در ایران و آشنایی با امکانات موجود در کشورمان خدمات ویژه ای ارائه داد که امیدواریم در توسعه روابط صنعتی، معدنی، تجاری و اقتصادی با اتحادیه اوراسیا مؤثر واقع شود.



گزارش سفر هیات اقتصادی ارمنی به منطقه آزاد ارس



ارمنستان دروازه ای به سوی اتحادیه‌ها

بعد از یک ماه تلاش فشرده و تحسین برانگیز مجموعه وزارت خارجه در سفارت ایران در ارمنستان و نمایندگی وزارت خارجه در تبریز منطقه آزاد ارس اواسط هفته قبل یعنی از دوشنبه ۲۵ لغایت چهارشنبه ۲۷ خرداد ماه ۱۳۹۴ میزبان هیات تجار و سرمایه‌گذاران از استان سیونیک ارمنستان و ایروان پایتخت این کشور بود. در بین این هیات رئیس اتاق بازرگانی استان سیونیک، مدیر منطقه ای گلوبال تک اسپانیا، یکی از تجار سرشناس ایرانی-ارمنی و وکیل تام الاختیار برخی از شرکت های تجاری ارمنستان فعال در بازار روسیه و قفقاز نیز حضور داشت. سایر اعضای هیات به حوزه های مختلفی مانند معدن، دامداری، تولید انرژی خورشیدی، صنایع چوب و صنایع دستی مربوط بودند.

این هیات بعد از ورود به ایران در مرکز نوردوز منطقه آزاد ارس مورد استقبال مدیر مرکز نوردوز، مدیرکل روابط عمومی و امور بین الملل منطقه آزاد ارس، نماینده وزارت امور خارجه و نماینده انجمن دوستی ایران و ارمنستان قرار گرفتند و در نشست خوشامدگویی که برگزار شد آقای حسن نژاد مدیر مرکز نوردوز بعد از پذیرایی با میوه های فصلی منطقه که هوشمندانه انتخاب شده بود گزارشی از برنامه های فعلی و آتی مرکز برای توسعه و تبدیل نوردوز به هاب صنعتی-تجاری کشور با ارمنستان ارائه نمود. حسن نژاد با تاکید بر این که مرکز نوردوز تنها مرز زمینی دو کشور است خواستار توجه جدی فعالین اقتصادی ارمنی به این منطقه در جهت توسعه سرمایه گذاری ها برای تولید مشترک با هدف بازار های داخلی دو کشور و بازار های اتحادیه گمرکی اوراسیا (که ارمنستان از اوایل سال جاری میلادی رسماً به عضویت آن درآمده است) شد. همچنین در این دیدار هیات ارمنی با ایراز خوشحالی از سفر به ایران و منطقه آزاد ارس هدف از سفر خود را آشنایی با پتانسیل ها و ظرفیت های منطقه آزاد ارس برای سرمایه گذاری های صنعتی، تجاری و توریستی عنوان کردند و اضافه نمودند که قرابت های فرهنگی و تاریخی دو کشور می تواند بستر بسیار مناسبی برای توسعه مناسبات باشد و مرز ایران به عنوان نزدیک ترین مرز به پایتخت ارمنستان نسبت به مرز گرجستان می تواند مهم ترین مرکز تامین نیاز داخلی ارمنستان باشد. بعد از مراسم استقبال، هیات ارمنی نوردوز را به سمت جلفا مرکز منطق آزاد ارس برای اقامت ترک کرد.

برنامه روز دوم سفر فعالین اقتصادی ارمنستان بازدید از سایت های صنعتی، کشاورزی و تجاری منطقه آزاد ارس پیش بینی شده بود و این هیات قبل از ظهر روز سه شنبه از فاز یک سایت صنعتی، سایت صنایع هایتک و سایت صنایع سنگین بازدید کردند و ضمن آشنایی با سطح تامین زیرساخت های صنعتی منطقه از تعدادی از واحد ها مانند واحد های فرآوری و بسته بندی خشکبار با توان صادراتی به بازار های آذربایجان، ترکیه، گرجستان و روسیه، کارخانه تولید کچیج های دیواری با برند آلمانی، شرکت تولید پارچه های نسوز و لباس های استرلیزه بیمارستانی، شرکت تولید لوزم خانگی با برند فرانسوی نوبل و شرکت تولید قیر فخر آذربایجان دیدار کردند.

برنامه بازدید بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۶ خرداد ماه آشنایی هیات ارمنی با امکانات کشاورزی منطقه آزاد ارس بود و طی این برنامه دشت های گردیان با محصولات طلایی خود یعنی زردآلو های شیرین و آب دار شاهد حضور هیات بود که البته پرسش های پی در پی برخی از سرمایه گذاران در ارتباط با چگونگی ایجاد کارخانه های کنسارته و فرآوری محصولات باغی نشان دهنده وسوسه انگیزی سایت ۱۸۰۰ هکتاری گردیان برای سرمایه گذاری های مطمئن و آینده دار بود. همچنین بعد از بازدید از گردیان، دشت گل فرج و سایت گلخانه ای مقصد بعدی تور اقتصادی ارمنی بود. نا گفته نماند که نماینده شرکت گلوبال تک اسپانیا از ساعات اولیه ورود به ارس پیگیر آشنایی با امکانات سایت گلخانه برای برنامه ریزی جهت سرمایه گذاری بود و بعد از بازدید و شنیدن توضیحات کارشناس کشاورزی مدیریت کشاورزی منطقه از این که توانسته بود با سفر به ارس چنین سایت یکپارچه، آماده و فعالی را برای سرمایه گذاری ببیند بسیار خوشحال می نمود

بعد از پایان بازدید از مراکز مهم ارس نکته بسیار مهم در نگاه اقتصادی میهمانان ارمنی ارس، دید آینده محورانه و وسیع آنها برای توسعه مناسبات اقتصادی مشترک با هدف بازار های داخلی دو کشور و بازار های اتحادیه گمرکی اوراسیا و اروپا بود. چیزی که به جرات میتوان گفت در ابتدای ورود آنها به ارس غیر قابل دریافت بود و تصور روشنی از چگونگی ایجاد یک ارتباط اقتصادی

قابل توجه نداشتند و این امر بسیار تاسف بار نشان دهنده عمق ناآشنایی کشور های همسایه ما از امکانات اقتصادی ایران و گستره فعالیت های تبلیغی ضد ایرانی طرف های خارجی است. معضلی که حتی در زمان بازدید هیات رسانه ای ارمنستانی که چند ماه قبل از این انجام گرفته بود به نوع دیگری قابل دریافت بود.

برنامه آخر تدارک دیده شده بازدید از سایت گردشگری و کلیساهای چوپان و سنت استپانوس بود. در کلیسای سنت استپانوس همسایه های ارمنی از این که یک کلیسای تاریخی ارمنی در یک کشور مسلمان و شیعه تا به این حد نگه داری و بازسازی شده و به یک مکان دینی فرهنگی-گردشگری تبدیل شده اظهار تعجب و خوشحالی می کردند و اغلب آنها با کلمات فارسی که بلد بودند و یا به زبان ارمنی از دولت و ملت ایران تشکر می کردند و سعه صدر و عمیق بالای بینش و فرهنگ مداری ایرانی را مورد ستایش قرار می دادند. بعد از یک روز کاری بسیار فشرده ضیافت شام در رستوران چوبی پارک کوهستان با نسیم خنک و روح نوازی که از ارس می وزید خستگی را از یاد میهمانان می ربود و برای میزبانان دیدن حس رضایت در چهره آنها دلچسب و امیدوار کننده بود.

امروز سوم، روز دیدار ها و تفاهم ها بود. راس ساعت ۰۹:۳۰ جلسه مشترکی در محل دانشگاه بین المللی آزاد اسلامی واحد جلفا با حضور هیات ارمنی، معاونت اقتصادی و سرمایه گذاری، مدیریت سرمایه گذاری و گمرکی، رئیس انجمن دوستی ایران و ارمنستان، نماینده مرکز تبریز وزارت خارجه، نماینده گان استانداری و روابط عمومی و امور بین الملل منطقه ارس برگزار شد. در ابتدای این دیدار آقای دماوندی رئیس انجمن دوستی ایران و ارمنستان که توجه خاصی به منطق آزاد ارس دارد ضمن سخنانی با اظهار خوشحالی از حضور دوباره اش در ارس و خوشحالی از ورود هیات اقتصادی ارمنستانی به این منطقه عنوان کرد که علی رغم سطح بالای روابط سیاسی و بستر های فرهنگی و تاریخی دو ملت برای توسعه مناسبات، حجم روابط اقتصادی بسیار کم و تاسف آور است. وی افزود: با مطالعاتی که انجام داده ام، نبود آشنایی متقابل بین طرف های ایرانی و ارمنی و نداشتن شناخت های عمقی از امکانات و ظرفیت های همدیگر عمده ترین دلیل این ضعف ارتباطات اقتصادی است. دماوندی همچنین با ارائه آماری گفت با بررسی هایی که طبق بررسی ها از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ سطح مناسبات اقتصادی-تجاری دو کشور در مقایسه با کل آمار صادرات و واردات ایران و ارمنستان نه تنها رشد نیافته بلکه روند کاهشی را تجربه کرده است بطوری که از ۸ درصد به حدود ۵ درصد تنزل پیدا کرده است. وی اضافه کرد که با این که ارمنستان در دو کشور ترکیه و رژیم اشغالگر صهیونیستی هیچ گونه سفارت خانه ندارد حجم روابط اقتصادی اش و آمار واردات اش از این دو کشور بسیار بیشتر از ایران است و این در حالی است که ما هم سفارت خانه داریم و هم بعد از استقلال این کشور دارای روابط سیاسی سطح بالا با ارمنستان بودیم و این امر نشان می دهد که در دنیای امروز روابط اقتصادی خیلی هم تابع روابط سیاسی نیست و با ورود بخش خصوصی به عرصه اقتصادی بین المللی آن چیزی که در افزایش و کاهش ارتباطات اقتصادی تاثیر گذار است سطح آشنایی متقابل، کیفیت و قیمت اجناس و خدمات، میزان رقابت پذیری، تبلیغات هوشمندانه یا دیپلماسی اقتصادی هدفمند، رعایت های نرم های جدید اقتصادی و ایجاد اعتماد است.

دماوندی همچنین اضافه کرد که اگر ما نگاهی گذرا به اقلام وارداتی دو کشور داشته باشیم متوجه خواهیم شد که تعداد قابل توجهی از آنها را دو کشور می توانستند از یکدیگر تامین کنند و شراکت اقتصادی گسترده ای با هم داشته باشند اما متأسفانه در حال حاضر مزیت های همسایگی و اشتراکات تاریخی و

فرهنگی نیز نتوانسته به یاری ما بشتابد.

در آخر دماوندی با تاکید بر این که انجمن دوستی ایران و ارمنستان به عنوان یک نهاد غیردولتی و مردمی در تلاش است شناخت متقابل را در بین دو کشور بالا ببرد تا فعالین و تصمیم گیران اقتصادی بتوانند با داشتن اطلاعات قابل اعتماد و صحیح در مسیر توسعه روابط تجاری-صنعتی گام بردارند. در این میان نکته ای که از نظر دماوندی نباید دخیل در تصمیمات مدیران و تصمیم گیران داخلی در ارتباط با ارمنستان قرار بگیرد حجم اقتصاد، گستره جغرافیایی و یا تعداد جمعیت است چون ارمنستان نه تنها یک همسایه و یک شریک اقتصادی است بلکه می تواند دروازه ای به سوی اتحادیه های اقتصادی منطقه ای بزرگ مانند اوراسیا و اروپا باشد.

سخنران بعدی نشست، باقرزاده معاون اقتصادی و سرمایه گذاری منطقه آزاد ارس بود که ضمن برشمردن ظرفیت های بسیار قابل توجه منطقه برای توسعه مناسبات مشترک اقتصادی با کشور همسایه و دوست ارمنستان عنوان کرد که منطقه آزاد ارس می تواند بهترین شریک برای ارمنستان در تامین نیاز های اقتصادی این کشور باشد و حتی با ایجاد شهرک سرمایه گذاری های مشترک در مرکز نوردوز می توانیم بازار های دیگری را هم برای صادرات کالا هدف گذاری نماییم. معاون اقتصادی و سرمایه گذاری منطقه آزاد ارس همچنین اظهار کرد که منطقه آزاد ارس می تواند با ایجاد یک دفتر نمایندگی در استان سیونیک ارمنستان تسهیل گر ارتباطات اقتصادی دوجانبه باشد.

بعد از سخنرانی طرف های ایرانی ارمنی ها با طرح پرسش های دقیقی خواستار چگونگی گسترش همکاری ها شدند که از طرف مدیران و کارشناسان ارس به دقت مورد پاسخ دهی واقع شد. آقای جاگاریان رئیس اتاق بازرگانی استان سیونیک ارمنستان هم ضمن سخنانی با اظهار شادمانی از سفر به ارس خواستار حضور متقابل هیات اقتصادی منطقه آزاد ارس در این استان شد و گفت به زودی زمینه های این سفر را در ارمنستان فراهم خواهد کرد و منتظر اعلام آمادگی طرف ایرانی خواهد ماند.

اگر بخواهیم نتیجه این سفر سه روزه را علاوه بر ایجاد دگرگونی مثبت در نگاه هیات ارمنی نسبت به همکاری های دوجانبه محاسبه کنیم می توانیم به برخی توافق های اولیه انجام شده بین دو تن از تجار ارمنی برای خرید قیر و محصولات نساجی و نخ اشاره کنیم. که البته هر دوی آنها با پیگیری های بی دریغ مدیر شرکت مامیگون اینتر نسیونال تریدینگ انجام شد که یک ایرانی-ارمنی وطن پرست است. همچنین مدیر منطقه ای شرکت گلوبال تک اسپانیا آقای نیکولای چوبینو و مدیر این شرکت در ارمنستان آقای یوسفیان ضمن مذاکره با معاون اقتصادی و سرمایه گذاری سازمان به توافق رسیدند که بسته های پیشنهادی مکتوبی را برای مذاکره جهت انجام سرمایه گذاری و فاینانس پروژه هایی در زمینه های کشاورزی گلخانه ای با بازار یابی بین المللی، ایجاد تصفیه خانه پساب صنعتی و شهری و نیروگاه های خورشیدی، آماده و به همدیگر ارائه کنند. در ارتباط با گلوبال تک انطور که در رزومه اش آمده است این شرکت یک کمپانی مدیریت پروژه جهانی است که به مشربانش بهترین راه ها و پیشنهادات را در زمینه اقتصاد و امور مالی از نکته نظر تکنولوژیک ارائه می دهد. با توجه به سرمایه انسانی و داشتن سهام داران قدرتمند این شرکت قادر است انواع پروژه را از صفر تا صد برعهده بگیرد.

در نهایت بعد از ظهر روز چهارشنبه هیات اقتصادی ارمنی ارس را با خاطره هایی شیرین و نقشه های برای آینده ترک کرد امید است با پیگیری هایی بعدی شاهد نتایج این سفر باشیم.



رتبه اول شرکت‌های بیمه‌ای در منطقه شمالغرب

شرکت بیمه رازی سرپرستی شمالغرب، در سومین دوره طرح معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان (ایران تک)، موفق گردید در گروه شرکت ها خدمات بیمه، در حوزه های مورد ارزیابی رشد و بازدهی، اشتغال و استفاده هوشمندانه از دارایی ها رتبه اول را کسب نماید.

فرصتی بود تا با مدیریت موفق و با تجربه سرپرستی شمالغرب این شرکت، جناب آقای مهندس قدس، گفتگویی صمیمانه داشته باشیم و نظرات ایشان را در خصوص طرح ایران تک جویا شویم. حاصل این گفتگو که در ادامه آماده است، خواندنی است.

کارایی: مهمترین اهداف و مزایای طرح رتبه‌بندی برترین شرکت‌های منطقه‌ای آذربایجان را چه می‌دانید؟

قدس: در این سال، چون رتبه‌بندی در چند حیطه انجام شده بود فکر می‌کنیم به نسبت سال های پیشین موثرتر بوده باشد. شاخص‌های گوناگونی مثل اشتغال، اثربخشی در بازارهای بین الملل، استفاده‌ی هوشمندانه در دارایی‌ها و شاخص‌های دیگر، در مجموع این طرح را نسبت به دیگر طرح‌های مشابه متمایز کرده بود. اصولاً این ایده بسیار خوبی است که همه بتوانند نقاط قوت و ضعف خود را مورد سنجش قرار دهند و از این نقاط در چشم‌انداز سال‌های آتی‌شان بهره بگیرند. در واقع شرکت‌های صنعتی و خدماتی می‌توانند با این نگاه به این رتبه‌بندی، برنامه‌ریزی سال‌های آتی را به شکل بهتری انجام دهند.

کارایی: پس از نظر جنابعالی طرح انتخاب برترین شرکت‌های منطقه‌ای آذربایجان برای شرکت‌های شرکت‌کننده دارای جنبه‌های کاربردی است؟

قدس: حتماً همین‌طور است. انتظار ما هم از سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی با این همه تجربه و وسعت دید، جز این نبود. شالوده‌ی این سازمان در استان هم بر اساس آموزش‌های کاربردی است و خوشبختانه همانطور که انتظار هم می‌رفت این طبقه‌بندی به‌توا حسن به انجام رسیده است.

کارایی: فکر می‌کنید شاخص‌های دیگری هم هست که می‌توانست بجز شاخص‌های موجود در این دوره از رتبه‌بندی ملاک عمل قرار گیرد؟

قدس: شاخص‌های اصلی‌ای که برای برنامه‌ریزی شرکت‌های خصوصی و دولتی لازم بوده است، در رتبه‌بندی وجود دارد. البته شاید بتوان برای شرکت‌های صنعتی شاخص‌های مفصل‌تری را نیز در نظر گرفت تا بتوانند در برنامه‌ریزی‌های‌شان بهره برداری دقیق‌تری از اطلاعات ارائه شده داشته باشند.

کارایی: نقدهایی که بر این طرح وارد می‌دانید را عنوان بفرمائید.

قدس: بالاخره در چنین رتبه‌بندی‌هایی نمی‌توان انتظار رضایت همه را داشت. با توجه به اینکه مبنای مورد استفاده در این طرح، آمارهای شرکت‌ها بوده است، همچنین با توجه به اینکه تمام افراد انتظار دارند، در میان برترین شرکت‌ها قرار گیرند، ممکن است

گفتگو با جناب آقای صابر قدس، مدیر منطقه شمالغرب بیمه رازی



نارضایتی‌هایی نسبت به طرح حاضر وجود داشته باشد. در بخش بیمه هم که ما حضور فعالی داشتیم و در سه زمینه نیز رتبه‌ی اول را به دست آورده بودیم، انتظاراتی در نحوه‌ی اجرای مراسم و اعلام برترین‌ها داشتیم که امیدواریم در سال‌های آتی این مشکلات حل شود.

امیدواریم تلاش‌های کارکنان پرتلاش سازمان مدیریت صنعتی این مراسم هر سال پربارتر شود. به هر حال مسلماً با موفقیت‌هایی که این سازمان در برگزاری دوره‌های کوتاه و بلندمدت داشته است، و ما نیز خود را از خانواده‌ی سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی می‌دانیم، اطمینان داریم که طرح انتخاب شرکت‌های برتر منطقه‌ی آذربایجان، همانطور که سومین سال را با موفقیت پشت سر گذاشته است، در سال‌های آتی نیز به موفقیت‌های ارزشمندتری دست یابد.

کارایی: مشکل صنعت بیمه‌رادر استان چه می‌دانید؟

قدس: مشکل اصلی صنعت بیمه در استان، کمبود نیروی متخصص است. از سال ۸۲ بحث خصوصی‌سازی در صنعت بیمه آغاز شده است. تا قبل از این سال یعنی در سال ۱۳۸۱ تنها چهار شرکت بیمه‌ی دولتی در عرصه‌ی بیمه فعالیت داشتند که پس از این سال بر اساس سیاست‌های اصل چهل و چهار قانون اساسی در طول سیزده سال این تعداد به حدود بیست و هشت شرکت بیمه‌ای رسیده است. یعنی اگر در نظر بگیریم که این شرکت‌ها در بیشتر استان‌ها و شهرستان‌ها دارای نمایندگی هستند، متوجه می‌شویم که با حجم عظیمی از فعالیت‌های بیمه‌ای روبرو هستیم که فاقد پشتوانه‌ی تخصصی لازم در مرحله‌ی اجرا هستند.

البته در سال‌های قبل، رشته‌ی مدیریت بیمه در سطح کارشناسی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شده است و در سال‌های اخیر نیز کارشناسی ارشد بیمه در دانشگاه‌ها دایر شده است، اما همچنان این کمبود در صنعت بیمه کاملاً مشهود است. مسأله‌ی دوم هم تعداد بسیار زیاد شرکت‌های بیمه است که به هیچ عنوان با میزان تقاضای موجود بازار همخوانی ندارد. متأسفانه در مورد ورود افراد به عرصه‌ی صنعت بیمه مطالعات درستی انجام نگرفته است و بسیاری از افراد بدون تخصص وارد بازار شده و ضمن مواجه شدن با ضررهای بسیار زیاد عرضه را در بازار بیمه به میزان نامعقولی بیش از میزان تقاضا بالا برده‌اند. این افراد بدون داشتن نگاه کلان نسبت به وضعیت امروز این صنعت، وارد بازار شده‌اند. تمام این‌ها در شرایطی رخ داده است که میانگین نفوذ بیمه، که در جهان هفت



است در ایران فقط یک و هشت است. یعنی تقاضای بیمه در کشور ما بسیار پائین‌تر از استانداردهای جهانی است.

کارایی: به طور دقیق‌تر و در عرصه‌ی عمل این کمبود متخصصان در صنعت بیمه چه مشکلاتی را به بار می‌آورد؟

قدس: بالاخره صنعت بیمه همواره با ریسک در ارتباط است. اگر شما توانایی بررسی ریسک را نداشته باشید بدون بررسی اقدام به عقد قرارداد بیمه‌ای کنید احتمال این که به مشکل بخورید بسیار زیاد است. این که بدون محاسبات درست ریسک بازار کار را به هر نحوی بگیریم و با نرخ‌های پائین ریسک‌های بزرگ را بپذیریم مطمئناً سرانجامی بجز ورشکستگی در پی خواهد داشت دوری از این امر ممکن نخواهد بود مگر با کمک گرفتن از نیروهای متخصص در صنعت بیمه که بتوانند با ارائه‌ی خدمات فنی مناسب ضمن ارائه‌ی خدمات درست به مشتریان این صنعت از زیان شرکت‌های بیمه نیز جلوگیری کنند

کارایی: راه‌حل این معضلات را در چه می‌دانید؟

قدس: اینها مشکلاتی نیست که شرکت‌های بیمه قادر به حل آنها باشند، دولت باید در این زمینه وارد شده و با سیاست‌گذاری و اجرای آن سیاست‌ها، مشکلات را به سرانجام برساند. در زمینه‌ی تربیت نیروهای متخصص در صنعت بیمه گام بردارد، مجلس محترم، قوانینی به تصویب برساند که صنعت بیمه تحت حمایت قرار گیرد، در صدور مجوز بیمه‌ای دقت نظر بیشتری اعمال شود و در مورد فرهنگ‌سازی برای روشن‌تر شدن انواع بیمه‌ها در آذهان مردم هم اقدام شود تا میزان عرضه و تقاضا متعادل شود. در سطح استان هم نیاز است که مشکلات بیمه‌ی استان شناسایی شده و با تدبیر استاندار محترم و مدیران سازمان‌ها این مسائل رفع و رجوع گردد. مشکل دیگری هم که در صنعت بیمه‌ی کشور مان وجود دارد بحث پایه‌گذاری بیمه‌ها توسط بانک‌هاست که در کشورهای دیگر این مسأله درست به صورت برعکس اجرا می‌شود. یعنی در کشورهای پیشرفته این بیمه‌ها هستند که بانک‌ها را تشکیل می‌دهند. دقیقاً همین امر است که باعث ایجاد مشکل در فضای رقابتی صنعت بیمه‌ی کشور می‌شود.

کارایی: آیا فارغ‌التحصیلان دانشگاهی‌ای که در حال حاضر در رشته‌های مربوط به صنعت بیمه داریم از توان فنی لازم برخوردار نیستند و یا این فارغ‌التحصیلان با صنعت بیمه متصل نشده‌اند که چنین مشکلاتی به وجود آمده است؟

قدس: در برخی موارد وصل نمی‌شوند. اما مشکل بیشتر به نوع آموزش در دانشگاه باز می‌گردد. آموزش‌های دانشگاهی در کشور ما در این رشته نیز مانند بسیاری از رشته‌ها تئوری محور است. این در حالی است که این صنعت نیاز به کارشناسانی دارد که بتوانند در عرصه‌ی عملی از توان لازم برای کار در صنعت بیمه برخوردار باشند. حتی ما در بیمه‌ی رازی تلاش کردیم ارتباطاتی را با دانشگاه علمی و کاربردی برقرار کنیم و رشته‌ی مدیریت بیمه را از نظر کارگاهی در مجموعه‌ی بیمه‌ی رازی آموزش بدهیم. تمام زمینه‌های عملی آموزش هم در اینجا فراهم بود، اما به جهت محدودیت فضا با پیشنهاد ما موافقت نکردند. در واقع می‌خواهم بر این نکته تأکید کنم که اگر آموزش‌های ما عملی و میدانی باشد، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ما هم می‌توانند پس از فراغت از تحصیل، بلادرنگ در صنعت بیمه‌ی کشور مشغول به کار شوند، اما در غیر این صورت نخواهیم توانست ارتباط درستی میان دانشگاه و صنعت بیمه برقرار کنیم. اساتیدی هم که در دانشگاه برای دانشجویان صنعت بیمه تدریس می‌کنند بیشترشان فارغ‌التحصیل رشته‌های مدیریت هستند و نه رشته‌های مربوط به صنعت بیمه. همین

خودش عاملی می‌شود برای این که آموزش‌های دانشگاهی بیمه چندان کاربردی نباشند

کارایی: نتیجه‌ای که شما از استخدام نیروهای فارغ‌التحصیل دانشگاه در رشته‌های بیمه گرفته‌اید چه بوده است؟

قدس: متأسفانه ما نتوانستیم این استفاده‌ی این نیروها نتایج مثبتی بگیریم. مسئولیت این شغل بسیار بالاست. ما به عنوان شرکت‌های بیمه مسئولیت بسیار سنگینی داریم چرا که با مقوله‌های حساس چون دیات و خسارات در ارتباط هستیم. در نتیجه، کارشناسی هم که قصد رسیدگی به این امور را دارد باید بسیار ماهر و کاردان باشد تا درصد ریسک را به درستی برآورد کند. از آنجا که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی معمولاً از تجارب عملی در این مورد بی‌بهره‌اند، استخدام آنها معمولاً برای شرکت‌های بیمه هزینه‌هایی را به دنبال دارد که باعث می‌شود ریسک نکنند. ما امیدواریم که این مسأله با همکاری دانشگاه‌ها و شرکت‌های بیمه به زودی حل شود.

کارایی: برای دوره‌های آتی طرح رتبه‌بندی چه پیشنهادهای مدنظر تان است؟

قدس: فکر می‌کنم بهتر است کارگروهی برای جمع‌آوری نظرات صاحب‌نظران در این حوزه و شرکت کنندگان در رتبه‌بندی تشکیل شود، هر چند که این همایش در این سه دوره‌ای که انجام شده است، خوشبختانه هر سال بهتر از سال قبل برگزار شده است.

کارایی: انجام این رتبه‌بندی در منطقه‌ی آذربایجان با استقبال مناسبی روبرو شده است. فکر می‌کنید این امر نتیجه‌ی رونق اقتصاد آذربایجان است؟

قدس: بالاخره ادعای آذربایجان و تبریز همواره این بوده است که در ردیف اولین‌هاست و همیشه ادعا داشته است که در حوزه‌ی اقتصاد، فعال بوده است. اگر به تاریخ هم نگاهی بیندازیم می‌بینیم که اولین شرکت‌های بزرگ صنعتی در تبریز و آذربایجان بنا نهاده شده‌اند. نزدیک‌ترین فاصله از اروپا مربوط به آذربایجان است و این سرزمین به عنوان پل ارتباطی کشور به اروپا مطرح می‌شود. از سوی دیگر این منطقه همواره به عنوان قطب اقتصادی شناخته می‌شده است و تبریز نیز به عنوان قلب اقتصادی منطقه‌ی شمال غرب کشور در ادوار مختلف مطرح بوده است. تمام این پیشینه باعث می‌شود که شرکت‌های آذربایجان تلاش کنند تا خود را به حد این نامی که از منطقه وجود دارد برسانند.

کارایی: شرکت‌های بیمه‌ای و به خصوص بیمه‌ی رازی امروز امکان صادرات خدمات به کشورهای دیگر را در منطقه‌ی آذربایجان دارند؟

قدس: بحث بیمه مقوله‌ای است که تعامل با شرکت‌های خارجی در آن طبیعی است. به عنوان مثال ما بیمه‌هایی داریم با عنوان بیمه‌های مسافرتی که مخصوص کسانی هستند که به مسافرت خارج از کشور می‌روند. پوشش‌های بیمه‌ای ما شامل اتباع خارجی‌ای هم که از کشورهای خارجی وارد کشورمان می‌شوند می‌شود. همین‌طور بیمه‌های ترانزیتی مثل بیمه‌ی نفت‌کش‌ها، بیمه‌ی کالاهای وارداتی و چند نوع بیمه‌ی دیگر در همکاری با شرکت‌های خارجی انجام می‌شوند. شرکت‌های خارجی بیمه‌های اتکایی انجام می‌دهند که بخشی از آن به صورت مشترک انجام می‌گیرد و بالعکس. البته مسأله‌ی تحریم این همکاری‌ها را تا حدی با مشکل مواجه کرده است که امیدواریم با رفع این موانع وضعیت همکاری‌ها ثبات و شکل بهتری پیدا کند. البته بیمه‌ی رازی به جهت اینکه خصوصی است در همکاری با شرکت‌های خارجی از موانع کمتری برخوردار است.

مصاحبه با مهندس معتقد، مدیرعامل شرکت تولید درب معتقد

تولید محصول مطابق با استاندارهای جهانی

وظیفه ملی



کارایی: فکر می‌کنید مهم‌ترین هدفی که برای طرح رتبه‌بندی شرکت‌های برتر منطقه‌ای آذربایجان می‌تواند متصور باشد چیست؟

معتقد: مهم‌ترین حسنی که برگزاری چنین رتبه‌بندی‌هایی دارد ایجاد رقابت سالم میان شرکت‌هاست، بدیهی است که وقتی شرکتی متوجه می‌شود که در مقایسه با شرکت دیگری با نیروی بیشتر و هزینه‌ی بیشتر تولید و سود کمتری دارد، تلاش خواهد کرد بهره‌وری را در مجموعه‌ی خود افزایش دهد، چرا که می‌داند تجربه‌ی شرکت رقیب ممکن بودن این مساله را اثبات کرده است. بسیاری از تولیدکنندگان حتی احتمال هم نمی‌دهند که بتوان بهره‌وری را با همین مقدار سرمایه و نیروی کار افزایش داد. اما شرکت در طرح رتبه‌بندی شرکت‌های برتر این مساله را برای آنها روشن می‌کند.

کارایی: فکری که کنید برای برگزاری دوره‌های آتی رتبه‌بندی شاخصی وجود دارد که در این دوره لحاظ نشده باشد؟

معتقد: از نظر من همین شاخص‌ها هم توانسته‌اند انتظارات را از طرح برآورده کنند به خصوص شاخص‌های اشتغال‌زایی و فروش برای ما بسیار مفید و ارزشمند است. ما از برگزاری طرح کامل‌رأضی هستیم.

کارایی: نقدی به طرح دارید؟

همانطور که گفته‌ام از طرح به‌طور کلی راضی بودیم اما برای بهتر شدن برگزاری طرح در دوره‌های آتی فراگیرتر شدن آن حتماً باید مدنظر قرار بگیرد. یعنی باید فرهنگ‌سازی لازم در این زمینه انجام شود. عدم حضور بسیاری از شرکت‌ها هم فقط و فقط ناشی از بی‌اطلاعی است. فکر می‌کنم اگر اطلاع‌رسانی درست انجام بشود و اطلاعات لازم در مورد طرح و امنیت آن به شرکت‌ها داده شود، آنها نیز برای شرکت در طرح راغب‌تر خواهند بود. البته لازم است در اینجا اشاره کنم که این طرح از نظر برگزاری یک‌گام از تمام طرح‌های مشابهی که ما تا کنون شرکت داشته‌ایم جلوتر است. همین‌طور جای تقدیر و تشکر دارد که سازمان مدیریت صنعتی استان آذربایجان شرقی بدون دریافت هیچ‌گونه حق‌الزحمه‌ای این طرح را اجرا کرده است.

کارایی: این اولین دوره‌ای است که شرکت شما در طرح انتخاب شرکت‌های برتر منطقه‌ای آذربایجان شرکت می‌کند؟

معتقد: بله، خوب اگر ما در سال‌های قبل هم اطلاع داشتیم در هر سه دوره شرکت می‌کردیم. به همین دلیل است که تا کید دارم که احتمالاً بسیاری از همکاران ما و دیگر فعالان اقتصادی اطلاع کامل و کافی در مورد طرح و شیوه‌ی برگزاری آن ندارند. وگرنه بسیاری از آنها راغب به شرکت می‌شدند. بدون شک شرکت در این طرح باعث ارتقای شرکت‌ها از نظر فنی، بهره‌وری و تبادل تجربیات می‌شود. کدام شرکت است که این همه

کارخانه درب معتقد در سال ۱۳۵۱ با هدف تولید انبوه درب‌های پیش‌ساخته در استان آذربایجان شرقی در زمینی به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع و ۳۵۰۰ متر سالن سرپوشیده در شهرستان تبریز راه‌اندازی و افتتاح گردید.

موسس این کارخانه بر اساس تجربه و دانشی که در زمینه تولید درب‌های پیش‌ساخته داشت از ابتدا، برنامه‌های خود را مبتنی بر ایجاد کارخانه‌ای کاملاً تخصصی و حرفه‌ای قرار داد. تاکنون با تولید محصولات قابل رقابت با کارخانه‌های معظم درب و پنجره، ایجاد زیرساخت منحصر به فرد مبتنی بر تکنولوژی روز، ارائه خدمات فموده است. تولیدات این شرکت شامل انواع درب‌های MDF و HDF، درب‌های ضد سرقت آپارتمانی و همچنین درب و پنجره‌های UPVC می‌باشد.

در حال حاضر شرکت درب معتقد با بیش از ۴۰ نمایندگی در سراسر کشور، علاوه بر تأمین نیاز داخلی، صادرات به کشور‌های عراق و آذربایجان را نیز در دستور کار دارد.

این شرکت در سومین دوره طرح ایران تک، موفق به کسب رتبه اول گروه صنایع سلولزی در حوزه استفاده هوشمندانه از دارایی‌ها و همچنین حوزه رشد و بازدهی شده است و به همین جهت گفتگویی با مدیرعامل محترم این شرکت انجام شده است که در ادامه حاصل این گفتگو ارائه می‌گردد.

رأخواهد.

کارایی: در مورد صنعتی که در آن فعالیت دارید با چه مشکلاتی مواجه هستید؟
معتقد: یک مشکل عمومی برای ما هم مثل تمامی تولیدکنندگان در استان وجود دارد و آن ناهماهنگی میان ارگان‌هاست. در این میان این صنایع هستند که با مشکلاتی که از همه طرف آنها را احاطه کرده است باید بسوزند و بسازند. البته ارگان‌ها و همین‌طور مسئولانی هم هستند که تلاش می‌کنند به تولید و تولیدکننده کمک کنند، اما این تلاش‌ها هم به دلیل ناهماهنگی میان ارگان‌ها به جایی نمی‌رسند.

باید همه به این نتیجه برسیم که مسافر یک کشتی هستیم. اگر این هماهنگی برای حمایت از تولید میان مسئولان ایجاد شود، که امبدوریم بشود، همه با هم موفق خواهیم شد.

متأسفانه به‌عنوان مثال وضعیت گرفتن وام به‌حدی دشوار شده است که اصلاً نمی‌شود سراغش رفت. البته عملاً هم هر موقع از اداره‌ی صنعت، معدن و تجارت پی‌گیری می‌شویم می‌گویند که هنوز ابلاغ نشده است و بار بعد که پی‌گیری می‌شویم می‌گویند که خبردار نشده‌ایم و اعتبار تمام شده است. این عوامل باعث می‌شود که کارخانه‌های تولیدکننده یا کاملاً مستقل از دولت عمل کنند و یا یکی یکی از عرصه‌ی تولید خارج می‌شوند. مثل این می‌شود که در یک خانواده فرزندان مستقل از خانواده امرار معاش و زندگی کنند و هر موقع هم که دیگر امکان امرار معاش نداشتند از خانواده جدا می‌شوند.

کارایی: در حال حاضر وضعیت صنعت شما چطور است؟

معتقد: در وضعیت فعلی با توجه به کاهش ساخت و ساز مسکن، و وابستگی صنعت ما به این امر با مشکل مواجه شده است. فروش درب کم‌شده و برای تهیه‌ی مواد اولیه به دلیل تحریم‌ها دچار مشکل شده‌ایم. دلیل این امر هم این است که امروز بیشتر صنایع مادر عمل تولیدکننده نیستند بلکه مونتاژکننده‌اند.

ما هم یکی از همین مونتاژکننده‌ها هستیم که چون تولیدمان وابسته به مواد اولیه‌ی خارجی است بحث تحریم بسیار آزارمان می‌دهد.

ما باید بتوانیم مواد اولیه را خودمان تولید کنیم. وقتی نتوانیم این کار را بکنیم، مردم هم بالاچبار به سمت دلال بازاری سوق پیدا می‌کنند. تأمین مواد اولیه از خارج مشکل دیگری هم برای ما ایجاد می‌کند که بحث مرادوات مالی است. یعنی حتی برای واردات کالا نیز با مشکل واریز پول مواجه هستیم. ضمن این که نباید فراموش کرد که این واردات بالاخره ارز از کشور خارج می‌کند.

کارایی: فکر می‌کنید ما می‌توانیم مواد اولیه‌ی صنعت درب را در کشور خودمان تولید کنیم؟

معتقد: بله ما توان این کار را داریم. باز هم مساله به هماهنگی ارگان‌ها برمی‌گردد. اگر این ارگان‌ها صدور مجوزها را با هم پاس‌کاری نکنند می‌توان خیلی کارها انجام داد. متأسفانه در کشور ما این کارها به شکل فرسایشی انجام می‌شود و آنقدر طول می‌کشد که تولیدکننده کلاً پشیمان می‌شود و یا تا بخواند به نتیجه برسد رئیس‌فالن اداره عوض می‌شود و کار لنگ می‌ماند.

کارایی: شرکت درب معتقد صادرات هم دارد؟

معتقد: شرکت ما به دو کشور عراق و جمهوری آذربایجان صادرات دارد. البته افتتاح نمایندگی در این دو کشور را در سال جاری در برنامه داریم. خیلی مهم است که بتوانیم خدمات پس از فروش را هم در این کشورها به درستی راه‌اندازی کنیم. این که با عجله بخوایم نمایندگی‌ای در شهری یا کشوری راه‌اندازی کنیم ما را به هدف نخواهد رساند، بلکه لازم است به فکر خدمات پس از فروش هم باشیم.

در حال حاضر یک دفتر نمایندگی فروش در «بنی‌هاشم تهران» و یک واحد اداری در «سردار جنگل تهران» داریم و حدود شصت واحد نمایندگی هم در کل ایران داریم. در تبریز هم دو دفتر فروش در «ایل قاری» و «امیدان بسیج» داریم که آماده‌ی خدمت‌رسانی به مردم شریف هستند. البته در خدمت‌محوطه‌ی کارخانه‌در «مایان» هم نمایشگاهی جهت فروش محصولات داریم.

در ضمن اشاره به تمامی این مراکز خدمت‌رسانی، باید اضافه کنم که محصولات درب معتقد نیز از تنوع بسیار بالایی برخوردار است، تاحدی که می‌تواند بنا به سفارش مشتری طرحی خاص را تولید و تحویل داده و یا ترکیبی از مدل‌ها و محصولات موجود را ارائه کند. از جمله‌ی مهمترین محصولات درب معتقد نیز درب‌های ضدسرقت است که از استقبال خوبی در بازار برخوردار است.

کارایی: مواد اولیه‌ای که می‌فرمایید در تأمین آن مشکل وجود دارد، این مواد از کجا وارد می‌شود؟ راه‌حل این مشکلات را در چه می‌دانید؟

معتقد: مواد اولیه‌ی درب‌های ما معمولاً از ترکیه و رومبی آن نیز به واسطه‌ی ترکیه از آلمان وارد می‌شود. کشور ترکیه هم از تکنولوژی ساخت این مواد برخوردار است و هم به واسطه‌ی اداره‌ی درست جنگل‌ها از مواد اولیه برای تولید نیز برخوردار است. به‌طور کلی می‌توان گفت که تحریم‌ها بر روی قیمت و مدت‌زمان تحویل مواد اولیه بسیار تأثیر گذاشته است. در حال حاضر دو راه برای واردات مواد اولیه وجود دارد. یکی مسیر جنوب و خلیج فارس است که به دلیل تحریم‌ها مشکلات فراوانی در آن مسیر به وجود آمده است. دیگر راه ممکن هم مسیر ترکیه است. بیشتر کالاها از طریق همین راه دوم وارد کشور می‌شوند. حتی کالا‌های چینی هم بیشتر از همین طریق وارد می‌شوند که این امر باعث افزایش قیمت و طول مدت‌زمان تحویل کالاهای می‌شود.

کارایی: در صورتی که تحریم‌ها رفع شود شرایط چگونه خواهد بود؟

معتقد: اگر امروز تحریم‌ها برداشته شود، ما هم مانند بسیاری از شرکت‌ها در حد خودمان جلوی خروج مقدار زیادی ارز را از کشور می‌گیریم. امروز قیمت MDF خام برای هر مترمکعب ۳۰۰ یورو است. رویه‌ای که روی این MDF چسبانده می‌شود، ممکن است از جنس PVC یا روکش چوب باشد. این روکش که معمولاً آلمانی، اتریش یا اسپانیایی است. در ترکیه رویه‌ی MDF چسبانده می‌شود و MDF روکش شده برای ما به قیمت ۱۱۰۰ یورو ارسال می‌شود. این ۱۱۰۰ یور با گمرکی که در مرز بر آن افزوده می‌شود به حدود ۱۵۰۰ یورو در مترمکعب می‌رسد. در نهایت پس از احتساب هزینه‌های ساخت و نصب، محصول تمام شده با قیمت ۲۰۰۰ یورو در ساختمان نصب می‌شود.

حالا فرض کنید تحریم‌ها برداشته شود. همان MDF را از ترکیه به قیمت ۳۰۰ یورو در مترمکعب وارد می‌کنیم، و تکنولوژی را هم می‌توانیم از اروپا وارد کنیم و رویه را هم از همان آلمان، اتریش یا اسپانیایی‌دون واسطه وارد می‌کنیم و روی MDF خام نصب می‌کنیم. نهایت قیمت تا قبل از مر حله‌ی ساخت به جای ۱۵۰۰ یورو ۴۰۰ تا ۴۵۰ یورو خواهد بود. به این ترتیب محصول نهایی نیز با قیمت ۹۰۰ تا ۹۵۰ یورو در مترمکعب به دست مصرف‌کننده خواهد رسید. به این ترتیب تقریباً نیمی از ارزی که از کشور ما خارج می‌شود در کشور می‌ماند. با افت قیمت طبیعی است که صادرات هم رونق بیشتری می‌گیرد، و در ضمن رسیدگی کارفرما به کارگرنیز بهتر شده و مسائل کارگری نیز کمتر ایجاد می‌شود.

توجه داشته باشید که حاشیه‌ی سود تولیدکننده ثابت است و با تغییر در قیمت تمام شده، سود تولیدکننده با کاهش قیمت محصول ثابت می‌ماند و او محصول خود را با قیمت

سابق به فروش نمی‌رساند. پس با کاهش قیمت مواد اولیه و امکان واردات دستگاه‌ها تنها اشتغال ایجاد می‌شود و قیمت‌های تمام شده پائین می‌آید و قدرت خرید مردم بالا می‌رود و در نتیجه تولید حمایت می‌شود.

کارایی: تعامل شما با ادارات دولتی چطور است؟

معتقد: معمولاً این مسایل برای همه یکسان است. فکر می‌کنم که دیدگاه همه‌ی تولیدکنندگان نسبت به این امور تقریباً نزدیک به هم است. ما با بحث مالیات هیچ مشکلی نداریم و با این مساله موافق هستیم. مالیات برای مردم کشورمان و خدمات‌رسانی به خود ما و شهر و استان مان هزینه می‌شود و این امری است که مورد تأیید صد در صد ماست. فقط به‌عنوان شهروندانی که مالیات می‌پردازیم انتظار داریم که خدمات ارائه‌شده به مردم نیز متناسب با مالیات پرداخت‌شده توسط مردم باشد.

در مورد بحث بیمه، نرخ‌ها حقیقتاً برای کارفرما بسیار کم‌شکن است. اخیراً حتی برای بن کارگری نیز بخشنامه‌ی بیمه ابلاغ شده است. یعنی برای پرداخت ۱۱۰۰۰۰ تومان بن کارگری هم باید نزدیک ۳۵۰۰۰ تومان بیمه پرداخت شود. در کل ما در شرکت خودمان سالانه باید حدود هشت میلیارد تومان به تأمین اجتماعی پرداخت کنیم. این در حالی است که وقتی به خدمات ارائه‌شده توسط تأمین اجتماعی یا دیگر شرکت‌های بیمه‌گر مراجعه می‌کنیم ملاخطه‌می‌کنید که اصلاً راضی‌کننده نیست.

کارایی: وضعیت شرکت درب معتقد در رقابت با رقبای داخلی چگونه است؟

معتقد: در مقایسه با رقبای تولیدکننده‌ی داخلی حرف اول را کیفیت می‌زند که مشکلی در این زمینه نداریم. اما در مورد رقبای خارجی باید بگویم که اصلاً امکان رقابت نداریم. در این زمینه مشکل واردات بی‌رویه است. واردکننده‌ای که اصلاً در دسر تولید را به جان نخریده است با ترندهای گوناگون هزینه‌ی واردات، از جمله مبلغی را که باید برای گمرک بپردازد، را دور می‌زند و محصول خارجی را با فاصله‌ی بسیار کم قیمت از محصول داخلی به بازار عرضه می‌کند و تولیدکننده‌ی داخلی که ممکن است به دلیل تحریم‌ها و مسائل دیگر نتوانسته باشد از تکنولوژی روز بهره‌مند شود، این که محصولی تقریباً هم‌سطح محصول خارجی به بازار عرضه می‌کند، به دلیل فاصله‌ی کم قیمت کالای خارجی و داخلی نمی‌تواند محصولش را به فروش برساند. یکی از بزرگ‌ترین اشکالاتی هم که این مساله را برای واردکنندگان تسهیل می‌کند استفاده از کارت‌های بازرگانی صادر شده‌ی با دقت پائین است. سیستم اداری هم آنقدر ناکارآمد است که این نوع کارت‌ها تا یکی دو سال تمدید می‌شوند و در نهایت دولت می‌ماند و مالیات پرداخت‌نشده‌ی افرادی که اصلاً نه داخلی و نه واردات داشته‌اند و نه اصلاً چیزی برای تأمین قروض مالیاتی‌شان دارند. در واقع واردکننده سود کلان را به جیب می‌زند و زبان قابل توجه را تولیدکننده‌ی داخلی



متحمل می‌شود.

البته راه‌حل این ماجرا هم خیلی ساده است. اگر پرداخت حقوق گمرکی و مالیات را هم‌زمان با واردات انجام دهیم دیگر چنین مشکلاتی به وجود نخواهد آمد. اما مشخص نیست که به چه دلایلی این سامان‌دهی تا کنون به نفع تولید ملی صورت نگرفته است.

کارایی: راه‌کار خروج از این وضعیت چه می‌دانید؟

معتقد: فکر می‌کنم که باید در انتخاب مدیران دقت شود. باید کسانی در راس امور قرار بگیرند که در زمینه‌ی جایگاهی که قرار می‌گیرند متخصص و مطلع باشد تا به این ترتیب بتوانند وضعیت را سر و سامان مناسبی بدهند. باید با حل موانع قرار گرفتن اشخاص متخصص در محل کار مناسب از فرار مغزها جلوگیری کنیم. باید این روشن‌بینی را در کشورمان جابجایی بیندازیم که کار را باید به کاردان سپرد؟ باید اعتماد کرد و از استعدادهای واقعی حمایت کرد. استعداد چیزی نیست که بتوان آن را ساخت.

کارایی: با تمام این مشکلات شما هنوز در صنعت استان و کشورمان فعال هستید. دلیل این فعالیت چیست؟

معتقد: واقعیت این است که سودی که در عرصه‌ی تولید وجود دارد بسیار پائین‌تر از سود دیگر عرصه‌هاست، اما علاقه‌مانع از ترک فضای تولید می‌شود. ما تمام تلاش‌مان را می‌کنیم که بتوانیم ضمن تأمین سود حداقلی و سرپا ماندن، هم محصولاتی با کیفیت مناسب تولید و عرضه کنیم و هم تا جایی که در توان مان هست تا حدی از مشکلات اشتغال کشور بکاهیم.

گفتگو با جناب آقای دکتر احمد سجودی، مدیر عامل شرکت عمران و توسعه آذربایجان

تولید بر حسب نیاز جامعه



شرکت عمران و توسعه آذربایجان به عنوان یکی از شرکت های تابعه شهرداری کلانشهر تبریز از سال ۱۳۷۴ فعالیت خود را شروع نموده است. فعالیت های اصلی شرکت عبارتند از: احیای بافت فرسوده شهری تبریز، مشارکت در پروژه ها و عملیات توسعه و نوسازی شهری، ساماندهی حاشیه نشینی، اجرای عملیات ساختمانی و تأسیساتی، احداث واحدهای تجاری و خدماتی، خرید و فروش و واردات موارد ماشین آلات مورد نیاز و انجام کلیه امور مربوط به موضوع در چهارچوب قوانین و مقررات جاری کشور. در حال حاضر این شرکت مجری پروژه بزرگ مجتمع تجاری و مسکونی عتیق در بافت فرسوده چهارراه شهید بهشتی تبریز می باشد.

این شرکت در سومین دوره طرح معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان (irantac) به عنوان حامی مالی مشارکت موثری داشته. به همین جهت گفتگویی با مدیر عامل محترم شرکت، جناب آقای دکتر سجودی داشتیم که ماحصل آن در ادامه با هم می خوانیم.

است که هم تولید کننده یا به عبارتی بنگاه اقتصادی منتفع خواهد شد و هم جامعه از قبل آن پیشرفت خواهد کرد.

کارایی: به نظر شما دبیرخانه طرح IRANTAC علاوه بر شاخص های فعلی از چه شاخص های دیگری می تواند استفاده کند؟

دکتر سجودی: بایستی این نکته را در نظر بگیرید که شاخص ها و معیار های ارزیابی شما باید نسبت به وضعیت فعلی کشور طراحی شوند و به عبارتی یعنی واقع بینانه تر باشند. به نظر بنده چند شاخص مهم را بایستی در نظر بگیرید. در حوزه صادرات لازم است تا علاوه بر سنجش قدرت صادراتی یک شرکت به شاخص جلوگیری از واردات نیز اهمیت بدهید. شرکتی که نیاز کشور را به شکل باکیفیتی تامین می کند و مانع از واردات محصولات مشابه می شود حتماً بایستی تجلیل شود و مورد توجه قرار گیرد. همچنین شرکت هایی که فقط صادرات گرا هستند و کلیه محصولات تولید خود را صادر می کنند نیز می توانند بر اساس یک شاخص معین ارزیابی شوند.

کارایی: از آنجایی که شما در حوزه عمرانی فعالیت دارید، به نظر شما عمده مشکلاتی که این صنعت با آن مواجه است چیست و راهکار رفع این مشکلات به چه ترتیبی است؟

دکتر سجودی: همانطور که می دانید ما در حوزه مسکن فعالیت داریم و این نکته را باید در نظر گرفت که بخش مسکن وابستگی مستقیم و جدی دارد با میزان تقاضای مردم. البته باید در نظر گرفت که تقاضای موثر مردم تأثیر گذار در این حوزه است یعنی زمانی که در جامعه نقدینگی کم است

کارایی: نظر شما در خصوص طرح IRANTAC چیست؟

دکتر سجودی: اساساً برگزاری چنین همایش هایی بسیار حائز اهمیت است چرا که باعث می شود در یک بازه زمانی مشخص همه افکار با این موضوع درگیر شوند. از طرف دیگر خوشبختانه سازمان مدیریت صنعتی استان با همکاری سایر نمایندگی ها در استانهای همجوار طرح خوبی را آغاز کرده و همایش مربوط به آن نیز به نحو بسیار مناسبی برگزار گردید چرا که بحث های اقتصادی مفیدی در همایش مطرح گردید و شرکت ها نیز عمدتاً بر اساس معیار های اقتصادی ارزیابی و انتخاب شده اند. بر همین اساس و همانگونه که انتظار می رفت این طرح طی ۳ دوره برگزاری خود توانسته به موفقیت نسبی دست یابد و بایستی در سال های بعدی، عملکرد بسیار بهتری از خود نشان دهد تا به عنوان یکی از طرح های ارزیابی مورد قبول شرکت ها و بنگاه های اقتصادی قلمداد شود.

کارایی: به نظر شما هدف کلی طرح های رتبه بندی که در سطح بین المللی و نیز ملی در حال اجرا است چه چیزی باید باشد؟

دکتر سجودی: اولاً چنین طرح هایی زمانی می توانند موفق باشند که شرکت ها به طور ثابت هر ساله در آن حضور داشته باشند. تحت چنین شرایطی و با ارزیابی های کارشناسی انجام گرفته جایگاه و وضعیت شرکت ها هر سال نسبت به سال قبل دچار تغییراتی خواهد بود. یعنی یک شرکت ممکن است در دوره های متوالی یک طرح رتبه های مختلفی را کسب کند. چنین بی نظمی نشان دهنده عدم ثبات در وضعیت شرکت ها است که بایستی به کمک مشاورین امر مدیریتی در زمینه های مختلف سعی در بهبود نقاط ضعف خود داده و کم کم به یک حالت پایدار برسند. در این صورت



با وجود نیاز مردم به مسکن، طبیعتاً این حوزه دچار مشکل خواهد شد. مشکلاتی که به مرور به وجود خواهند آمد به عنوان نمونه عبارتند از کندی روند ساخت و سازها توسط شرکت ها و پیمانکاران و افزایش درصد بیکاری در این حوزه. از طرفی به دلیل توقف تولید مسکن یکی دیگر از مشکلاتی که به وجود می آید کمبود عرضه مسکن خواهد بود. این موضوع طی چند سال اخیر و به وضوح نمایان بود یعنی در بخش مسکن با عرضه کم و میزان تقاضا بالا مواجه بودیم که نتیجه آن افزایش غیر منطقی قیمت ها در این حوزه بود.

از جمله راهکارهای حل این مشکلات، کنترل تورم در وهله اول می باشد که خوشبختانه دولت آقای روحانی توانسته است در این زمینه موفق عمل کند و تورم تقریباً ۴۰ درصدی را تا حد ۱۵ درصد کاهش دهد. در صورتی که رکود غالب بر جامعه نیز رفع شود می توان انتظار داشت در این حوزه و سایر حوزه های صنعتی رونق قابل قبولی شکل بگیرد.

کارایی: آیا بخش خصوصی می تواند در حل مشکلات موجود نقش مثبتی ایفا نماید؟

دکتر سجودی: این واقعیت را باید قبول کنیم که بخش خصوصی وابسته است به تصمیمات دولت چرا که بخش خصوصی به خودی خود توانایی مالی ندارد. اما اگر دولت به شکلی عمل کند که تزریق منابع به جامعه توسط بانک ها با مشورت بخش خصوصی انجام شود قطعاً نتیجه بهتری بدست خواهد آمد و بخش خصوصی در چنین شرایطی می تواند نقش مثبتی ایفا نماید.

کارایی: استراتژی شما طی چند سال اخیر به شکلی بوده که توانسته اید با وجود مشکلات، موفق عمل نمایید؟

دکتر سجودی: ما همیشه سعی کرده ایم نسبت به میزان تقاضای موثر در جامعه فعالیت کنیم. یعنی به میزانی تولید کرده ایم که بتوانیم بفروشیم و به همین دلیل خوشبختانه موفق بوده ایم. همانگونه که قبلاً بیان شد این حوزه وابستگی جدی دارد به میزان تقاضای موثر در جامعه و لذا شرکت ها در انجام پروژه های خود بایستی این موضوع را به طور جدی و کارشناسی بررسی نمایند.

کارایی: برگردیم به طرح معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان، برای دوره های آتی طرح irantac چه پیشنهادی دارید؟

دکتر سجودی: به نظر بنده متغیر ها و شاخص هایی سنجش این طرح بایستی واقعی تر باشند. در اجرای سالانه این طرح، در انتخاب شرکت ها برای ارزیابی و معرفی به عنوان برترین، سخت گیری بیشتری را لحاظ نمایید. بر اساس معیار ها و شاخص هایی ارزیابی خود را انجام دهید که با شرایط اقتصادی ایران همخوانی بیشتری دارند. در این صورت می توانید با ارائه گزارشات کامل و جامع و تحلیل وضعیت شرکت ها، جایگاه آنها را از لحاظ مدیریت، اشتغال، بهره وری و... مشخص نمایید. مزیت عمده چنین سخت گیری در بلند مدت جوابگو خواهد بود بدین ترتیب که شرکت هایی که در ارزیابی شما حضور نداشته و موفق نشده اند، با مشاهده روند موفق اجرای طرح تلاش خواهند کرد خود را به جایگاهی برسانند که در ارزیابی شما حضور داشته و از مزایای آن نیز بهره مند شوند.



گفت و گو با مدیرعامل شرکت صنایع چینی بهداشتی ارس مهندس رشید حسین پور

جلب رضایت مشتری، رسیدن به وفاداری مشتری

صنایع چینی بهداشتی ارس با به کار گیری از تکنولوژی مدرن جهانی و بهره مندی از زبده ترین متخصصان و اساتید طراحی، مدلسازی، ریخته گری، لعاب رزی آزمایشگاه و بخش کنترل کیفی در تبریز، به سال ۱۳۶۲ به ثبت رسید و در سال ۱۳۷۵ به بهره برداری رسید. با تغییر مدیریت و نگرش جدید مدیریتی در بخش های مختلف تولید، بازاریابی، فروش و ... و با عنایت به ظرفیت و توان تولید این شرکت به میزان ۸۰۰۰ تن چینی بهداشتی و بهره گیری از بهترین و مدرن ترین تکنولوژی روباتیک در سطح جهان و نگرش مداوم به جدیدترین تحولات و دانش فنی روز در زمینه چینی بهداشتی، این شرکت در ضمن توانایی تولید مدل های پیچیده و ارائه محصولات تولیدی مدرن و با کیفیت به بازارهای داخلی، یکی از موفق ترین صادر کنندگان چینی بهداشتی در مقیاس گسترده به سایر کشورها می باشد.



کارایی: آقای مهندس تاثیر طرح رتبه بندی را در فضای کسب و کار چگونه ارزیابی می کنید؟

حسین پور: در بحث مارکتینگ و برندینگ وقتی که می خواهیم بر توسعه و توانمندسازی یک برند کار کنیم، انتخاب های مختلفی می توانیم داشته باشیم. مثل 7P, 4P که مربوط به خود محصول است و event sponsorship, Direct marketing, advertising, sales promotion, ابزارهای مختلفی هستند برای این که ما خودمان را از رقبای مان متمایز کنیم. طرح رتبه بندی هم از ابزارهایی است که شرکت ها را، با شاخص هایی، از دیگر شرکت های فعال در هر صنعت متمایز می کند. حالا این بستگی به هر شرکت دارد که چقدر بتواند از این ابزاری که برای تمایز دارد استفاده کند. به عنوان مثال وقتی چینی ارس در حوزه ای حائز رتبه می شود، این امر را در سایت، در بیل بوردها و با هر جای دیگری اطلاع رسانی می کند و راهی برای بازتاب فعالیت هایش پیدا می کند.

در بازاریابی هم بحث بازاریابی داخلی و بازاریابی خارجی را داریم که رتبه بندی در بازاریابی داخلی برای پرسنل خود شرکت نیز تاثیر روانی بسیار خوبی دارد.

با تمام آگاهی ای که ما نسبت به تاثیرات این رتبه بندی داریم اطمینان داشته باشید که شرکت در این دوره و نتایج به دست آمده در آن برای ما تنها یک شروع است و ما تلاش خواهیم کرد جایگاه شرکت را هر سال در این رتبه بندی در شاخص های گوناگون ارتقا دهیم. معتقدیم که زیرساخت های چینی ارس آنقدر قوی است که می تواند به این مراحل برسد.

ضمن این باید تاثیر اینگونه رتبه بندی ها در نمایندگی های فروش و ارتقای میزان فروش نیز غافل شد. این مهم است که تصویری که از یک شرکت تولیدی در اذهان مردم و مشتریان ساخته می شود چگونه است. یکی از ابزارهای مهم و معتبری که می تواند به تشکیل درست آنچه که In the mind of customer نامیده می شود منتهی شود، همین نوع طرح های رتبه بندی است که خوشبختانه در استان ما به خوبی در حال اجراست. با این نوع تاثیر مستند است که مشتری مجاب می شود که این شرکت متمایز از شرکت های دیگر است. بنابراین طرح رتبه بندی ابزار بسیار خوبی است که البته استفاده ی درست و تاثیرگذار از آن به خود ما برمی گردد.

کارایی: آقای مهندس فکر می کنید شاخص دیگری هم بجز رتبه بندی های انجام شده در طرح بوده که مدنظر شما بوده باشد؟

حسین پور: فکر می کنم بهتر باشد که برخی شاخص های غیرمالی نیز در این رتبه بندی مورد بررسی قرار بگیرد. شاخص هایی که مورد بررسی قرار گرفته اند بیشتر از طریق صورت های مالی بوده است، در حالی که بسیاری از شاخص های کیفی نیز

هزینه هایی که باید پروژه با آن به بهره برداری می رسید به چندین برابر می رسد و در نهایت منظوری که پروژه برای آن برنامه ریزی شده بود به جهت عوامل مختلف کاملاً دگرگون می شود و در نتیجه هزینه های بی نهایت سنگین به پروژه و در نهایت صنعت کشور تحمیل می شود.

این اتفاقی است که در اکثر پروژه های این کشور به مانند چینی ارس افتاده است. یعنی وقتی پروژه از Feasibility خارج شده است و سرمایه گذاری دولتی با اداره ی نادرست به زیان دهی رسیده است، کارخانه را به بخش خصوصی واگذار کرده اند. از آنجا که بخش خصوصی هم تخصص و آشنایی با این صنعت نداشته است، عملاً نتوانسته است کارخانه را به سوددهی برساند.

کارایی: چه دلیلی داشته است که این کارخانه ی زیان ده به فعالیت ادامه دهد؟ حسین پور: چندین بار تصمیم گرفته بوده اند که اعلام ورشکستگی کنند اما به جهت ملاحظاتی که از طرف مسئولان استانی وجود داشته است و به خصوص ملاحظاتی که در مورد شاغلینی که در چینی ارس مشغول کارند وجود داشته است این کار را نکرده اند.

کارایی: برای راه اندازی مجدد چینی ارس چه کردید؟

حسین پور: ما ابتدا بازارمان را تعیین کردیم. برای این کار بایستی بازارمان را تقسیم بندی کنیم. کارخانه ای که شامپو تولید می کند، اگر بخواهد فقط شامپو بچه تولید کند، تقسیم بندی بازارش را بر اساس سن انجام داده و بخش کودک را هدف خود قرار می دهد. برخی شرکت ها این تقسیم بندی را بر اساس منطقه انجام می دهند. به عنوان مثال یک شرکت لوازم خانگی، نوعی کولر می سازد که مخصوص مناطق گرم سیری است. ممکن است یک شرکت هم بر اساس منطقه و فرهنگ، بازارش را مشخص کند.

ما هم همین مورد آخر را انجام دادیم. شهرهای بزرگی مثل تهران و تبریز و مشهد و اصفهان منطقه ی یک ما هستند، شهرهایی که کمی کوچکتر هستند مثل مراغه و اردبیل و یزد منطقه ی دو هستند، و شهرک های کوچک و بقیه ی جاها منطقه ی سه ی بازار ما هستند.

بعد از تقسیم بندی بازار باید از میان قسمت های تعیین شده، بازار هدف را انتخاب کرد تا بر اساس آن استراتژی شرکت و محصول تعیین شود.

در این مرحله است که با توجه به چشم اندازی که برای شرکت تعریف شده است، بازاری که محصولات شرکت برای حضور در آن طراحی خواهد شد نیز تعیین می شود. چشم اندازی هم که تعریف می شود به عنوان شعار نیست و باید حتماً تحقق پیدا کند. چشم انداز چینی ارس هم «تبدیل شدن به شرکتی دانش بنیان با برند بین المللی و برترین برند خاورمیانه» است. وقتی که می خواهیم این چشم انداز را محقق کنیم بدهی است که باید کالای لوکس تولید کنیم و هدف خودمان را بازار منطقه ی یک قرار دهیم. حال باید جایگاه کارخانه را هم در بازاری که برگزیده بودیم، به ویژه در مقایسه با رقبا تعیین می کردیم. یعنی باید تعیین می کردیم که در بازار منطقه ی یک، آیا قرار است ما از بهترین کارخانه ها بهتر باشیم، هم رده ی آنها باشیم، یا آنها همکاري کنیم و یا انتخاب های دیگری که می توانیم انجام بدهیم را داشته باشیم.

وقتی که به چشم انداز مراجعه می کنیم «تبدیل شدن به برند برتر خاورمیانه» را می بینیم. همین امر باعث می شود که بتوانیم به راحتی تصمیم بگیریم که ما قرار است بهتر از تمام شرکت های رقیب در منطقه ی خودمان باشیم.

حالا بر اساس تعیین موقعیت در بازار، استراتژی محصولات را باید تعریف کنیم. یعنی این که باید معلوم کنیم که آیا می خواهیم مدیریت هزینه انجام بدهیم و کالای ارزان را به تعداد زیاد بفروشیم، مثل کاری که شرکت تویوتا با برند تویوتا می کند و نه با برند لکسوز، و یا می خواهیم مثل BMW محصولی متمایز عرضه کنیم. یعنی کالای متفاوت به تعداد کم تولید کنیم و به قیمت درست بفروشیم. استراتژی محصول مادر چینی ارس متمایز



بودن بود. ما باید از یک شرکت بحران زده به یک شرکت متمایز تبدیل می شدیم. شرکتی که حتی در منطقه ی سه ی بازار هم موفقیتی نداشت، باید به حدی می رسید که رقبای منطقه ی یک را هم پشت سر می گذاشت و تمام اینها در حالی بود که شما در ذهنیت مصرف کننده تخریب شده بودید. شاید راه اندازی یک مجموعه ی جدید، راحت تر از احیای مجموعه ی قبلی بود.

کارایی: وضعیت فعلی مالی و تولید در شرکت چینی ارس چطور است؟

حسین پور: در حال حاضر خوشبختانه تمام آنچه که برای سرپا ماندن شرکت لازم است را فراهم کرده ایم. شرکت توانسته است حقوق و مزایا را به موقع پرداخت کند و حتی بخشی از معوقات را هم بپردازد. برای این کار ما باید بازار نیم بند منطقه ی سه ای را که داشتیم حفظ می کردیم و در کنار آن بازار جدیدی برای محصولات منطقه ی یک ایجاد می کردیم. بدیهی است که با تولید کالاهای لوکس، مشتریان و نمایندگان منطقه ی سه را از دست می دادیم. به همین دلیل باید روند انتقال از بازار قبلی به بازار جدید را با آرامش کامل طی می کردیم.

کارایی: مشکلاتی که در استان برای صنعت چینی بهداشتی وجود دارد چیست؟

حسین پور: من واقعا از مسئولان استان مان گله مندم. متأسفانه در خروج ما از بحران هیچ کس قدمی برای شرکت بحران زده ی چینی ارس برنداشت. جای تأسف دارد که روال ما این شده است که وقتی یک شرکت، بحران زده است تمام مسئولان استانی فشار می آورند تا مشکل حل شود و یک مدیر عاملی را پیدا می کنند تا او مشکلات را به دوش کشیده و بحران را خاتمه دهد. وقتی که این اتفاق می افتد و مسئولیت واگذار می شود، در مرحله ی بعدی قوانین دست و پا گیر و ساختارهای غلط اجازه نمی دهد که حتی مسئولانی که قصد کمک به واحد تولیدی خارج شده از بحران را دارند هم دست شرکت را بگیرند.

ما برادری مان را ثابت کرده ایم. یک ریال تسهیلات نگرفته ایم، سهامداران شرکت یک ریال نتوانسته اند به شرکت کمک کنند، چرا که تمام توان شان را برای شرکت هزینه کرده بودند، خرج خود چینی ارس و کارکنانش را هم تامین کرده ایم و کارخانه را هم بازسازی می کنیم. در ضمن تمام اینها مطالباتی را هم که فوریت بسیار زیادی داشتند پرداخته ایم. وقتی اوضاع شرکت به سمت بهبودی می رود تمام کسانی که از چینی ارس طلب داشته اند به این نتیجه می رسند که چینی ارس وضعیت خوبی پیدا کرده است، پس همگی تصمیم می گیرند با هم و تمام مطالبات شان را به صورت یکجا مطالبه کنند. حداقل انتظار ما از مسئولان محترم این است که وقتی ما با این رکود کشور و بازارهای صادراتی توانسته ایم از بحران خارج شویم، این عزیزان نیز دستي از ما بگیرند و مصوب کنند تا تمامی مطالبات به صورت یکجا از ما مطالبه نشود. مشکل ما استمهال است.

ما این شرکت را با زحمات کارکنان و به ویژه مدیران میانی و با تحمل دشواری های بسیار جان دوباره داده ایم. حالا از مسئولان هم انتظار داریم که قدم پیش بگذارند و اجازه ی رشد را به این کارخانه بدهند. ما شرکت چینی ارس را با ۱۸۳ نفر تحویل گرفتیم و ۲۴۳ نفر تعداد پرسنل کنونی ماست. شایسته نیست که به شرکتی که از بحران خارج شده و راه رشد را طی می کند کمک نشود.

طرح هدفمندی بازارها هم از سوي دیگر به فشارها افزوده است. شرکت چینی ارس که تا قبل از هدفمندی، ماهانه شش تا هشت میلیون تومان پول گاز پرداخت می کرد بعد از اجرای این طرح چهل تا شصت و پنج میلیون پول گاز پرداخت می کند.

این شرایط در بازار پررونق و بازار باز هیچ اشکالی ندارد، اما در دوره ی رکود و مشکلات در صادرات واقعا این رویه بسیا





سازمان مدیریت صنعتی
نماینده‌گی آذربایجان شرقی

سلسله بحث های موفقیت:

روانشناسی سازمانی – مدیریت ذهن

سخنران: دکتر عیسی جلالی

■ دکترای روانشناسی و مربی ارشد LNP

محتوای سمینار:

- مدیریت ذهن چیست؟
- چرا مدیریت ذهن؟
- فواید، نتایج مثبت و خدمات مدیریت ذهن
- موضوعات مدیریت ذهن
- جغرافیای مدیریت ذهن
- نقش مدیریت ذهن در:
 - سرآمدی سازمانی،
 - تولید علم و ثروت،
 - کار تیمی،
 - کیفیت،
 - مزیت رقابتی،
 - فروش و بهره وری،
 - کار آفرینی، نو آوری، خلاقیت،
 - توانمندی سازی، موفقیت و حال خوب.

هزینه ثبت نام:

■ ۱,۳۰۰,۰۰۰ ریال

(شامل گواهینامه دو زبانه، جزوات آموزشی، پذیرایی میان وعده و...)

تاریخ برگزاری:

■ مرداد ماه ۱۳۹۴

نحوه ثبت نام:



پس از واریز شهریه به حساب جاری ۹۷۱۷/۱۴ نزد بانک سپه شعبه ۲۹ بهمن تبریز بنام سازمان مدیریت صنعتی تام آذربایجان، فیش واریزی را با درج مشخصات شرکت کننده به شماره فاکس ۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۶۵ ارسال نمایید و یا به صورت حضوری به مسئول سمینار سرکار خانم خالقی ارائه نمایید. جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانید با شماره تلفن های ۰۴۱-۳۳۳۳۳۷۹۹۵۴ تماس حاصل فرمایید.

مرکز علمی کاربردی برتر کشور

در چهارمین جشنواره پژوهش و فناوری صنعت، معدن و تجارت سال ۱۳۹۳



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده‌گی آذربایجان شرقی

مرکز آموزش علمی کاربردی
سازمان مدیریت صنعتی تبریز
در مقاطع کاردانی حرفه ای
کاردانی فنی و کارشناسی حرفه ای
برای نیمسال اول سال تحصیلی ۹۵-۹۴ (مهر ماه)
در گروه های آموزشی زیر دانشجو می پذیرد:
«زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»



مقطع کارشناسی حرفه ای:

- حسابداری (حسابرسی، دولتی، مالی، خدمات و تولیدات صنعتی)
- مدیریت بورس
- مدیریت بیمه (بیمه اشخاص، بیمه اموال، بیمه مسئولیت)
- روابط عمومی (رفتار اجتماعی و افکار سنجی، امور رسانه)
- مدیریت تبلیغات (تجاری)



مقطع کاردانی حرفه ای:

- حسابداری (حسابرسی، صنعتی، مالی، دولتی)
- امور بورس
- امور گمرکی
- روابط عمومی
- مدیریت کسب و کار
- مدیریت امور اداری



مقطع کاردانی فنی:

- فناوری اطلاعات (اینترنت و شبکه های گسترده، خدمات الکترونیکی شهر)
- شبکه های کامپیوتری
- نرم افزار (برنامه سازی کامپیوتر)
- نقشه کشی صنعتی

آدرس: تبریز، کوی ولیعصر، انتهای خیابان شهریار شمالی، ۲۰ متری صفا، سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

پذیرش دوره ها فقط از طریق سازمان سنجش کشور و براساس معدل کل مندرج در گواهی دیپلم برای مقطع کاردانی و معدل کل مندرج در گواهی نامه کاردانی برای دوره کارشناسی صورت می گیرد جهت کسب اطلاعات بیشتر، ثبت نام و مشاوره انتخاب رشته با ما تماس حاصل فرمایید.

۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۰۰
www.imiazar.ir

www.sanjesh.org



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده‌گی آذربایجان شرقی

برگزاری دوره های شبکه

• **CCNA** • **CCNP** •

هکرهاى قانونمند CEH

• **MCSA** • **MCITP** •

+NETWORK

میکروتیک

با ارائه گواهینامه دو زبانه

۳۳۳۳۳۳۶۰۰

محل ثبت نام: تبریز-آبرسان جنب هتل تبریز کوی پناهی
دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی www.imiazar.ir



سازمان مدیریت صنعتی
نماینده‌گی آذربایجان شرقی

دوره های بورس

• آشنایی با ابزار های نوین مالی •

• مبانی تصمیم گیری در بازار سرمایه •

• مبانی سرمایه گذاری در بورس •

• مدیریت ریسک •

• تحلیل شاخص های اقتصادی •

دوره های مذکور مورد تایید کمیته راهبری آموزش بازار سرمایه و تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار کشور می باشد

۳۳۳۳۳۳۶۰۰

محل ثبت نام: تبریز-آبرسان جنب هتل تبریز کوی پناهی
دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی www.imiazar.ir

IMIA

I.M.I. LANGUAGE ACADEMY



آکادمی زبان سازمان مدیریت صنعتی برگزار می کند:

IELTS & TOEFL

مقاله فشرده

مکالمات و مکاتبات تجاری

MCHE/MSRT/MHLE

انگلیسی برای پزشکان و مهندسين

انگلیسی برای سفر

زبان فرانسه

انگلیسی برای خانم های خانه دار

۰۵۹-۳۳۳۷۹۹۵۴
۰۰۶۳۳۳۳۳۳۳
www.imiazar.ir



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گی آذربایجان شرقی



فرم اشتراک ماهنامه کارایی

حق اشتراک ۱۲ شماره در سال ۱۳۹۴ با پست سفارشی ۶۰۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک ۶ شماره در سال ۱۳۹۴ با پست سفارشی ۳۰۰۰۰۰ ریال

لطفا مبلغ اشتراک را به حساب جاری ۹۷۱۷۰۷ بانک سپه، شعبه ۲۹ بهمن تبریز به نام سازمان مدیریت صنعتی نام آذربایجان واریز نموده فیش بانکی یا فیش تایید را به همراه فرم تکمیل شده به آدرس نشریه یا به شماره ۰۴۱-۳۳۲۹۷۳۷۷ فکس نمایید.

به پیوست فیش بانکی به شماره به مبلغ بابت حق اشتراک ماهنامه کارایی ارسال می شود

نام
نام خانوادگی:

آدرس پست الکترونیک:

نشانی:

کدپستی:

تلفن:

دفتر نشریه: تبریز، ولیعصر، خیابان نظامی، خیابان قطران، کوچه شبانم، روبروی درب مجتمع ورزشی برق، پلاک ۵

خانه مدیران سازمان مدیریت صنعتی نمایندگی آذربایجان شرقی



IMI Managers Club

"با هم قدرتمندیم، به ما پیوندید"

تبریز: ولیعصر، انتهای شهریار شمالی، ۲۰ متری صفا، سازمان مدیریت صنعتی تبریز
کد پستی: ۵۱۵۷۸۳۸۷۳۳ تلفن: ۰۴۱۳۳۳۳۶۰۰-

www.imiazar.ir